

تفسیر و بیان کلمات قرآن

مؤلف:

شیخ حسنین محمد مخلوف

مترجم:

عبد الکریم ارشد

پاورقی‌ها:

برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیدة علی کتاب کلمات القرآن...»

نوشته: دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس

عنوان کتاب: تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم
عنوان اصلی: کلمات القرآن تفسیر و بیان
نویسنده: شیخ حسنین محمد مخلوف
مترجم: عبدالکریم ارشد
موضوع: ترجمه معانی قرآن کریم
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: شهریور (سنبله) ۱۳۹۴ شمسی، ذوالقعدة ۱۴۳۶ هجری



این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.
www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعه موحدين

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.shabnam.cc

www.sadaislam.com

www.mowahedin.com

www.videofarsi.com

www.zekr.tv

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۱	سوره فاتحه
۱۱	سوره بقره
۲۸	سوره آل عمران
۳۷	سوره نساء
۴۶	سوره مائده
۵۵	سوره انعام
۶۴	سوره اعراف
۷۵	سوره انفال
۷۸	سوره توبه
۸۵	سوره يونس
۸۹	سوره هود
۹۵	سوره يوسف

- سورۃ رعد ١٠١
- سورۃ ابراهیم ١٠٣
- سورۃ حجر ١٠٦
- سورۃ نحل ١٠٩
- سورۃ اسراء ١١٥
- سورۃ كهف ١٢١
- سورۃ مريم ١٢٧
- سورۃ طه ١٣١
- سورۃ انبياء ١٣٧
- سورۃ حج ١٤١
- سورۃ مؤمنون ١٤٥
- سورۃ نور ١٤٩
- سورۃ فرقان ١٥٢
- سورۃ شعراء ١٥٦
- سورۃ نمل ١٥٩
- سورۃ قصص ١٦٣
- سورۃ عنكبوت ١٦٧
- سورۃ روم ١٦٩
- سورۃ لقمان ١٧١

۱۷۳	سوره سجده
۱۷۴	سوره احزاب
۱۷۹	سوره سبأ
۱۸۲	سوره فاطر
۱۸۶	سوره یس
۱۸۸	سوره صافات
۱۹۲	سوره ص
۱۹۷	سوره زمر
۲۰۱	سوره غافر
۲۰۴	سوره فصلت
۲۰۷	سوره شوری
۲۱۰	سوره زخرف
۲۱۳	سوره دخان
۲۱۵	سوره جاثیه
۲۱۶	سوره احقاف
۲۱۸	سوره محمد
۲۲۰	سوره فتح
۲۲۲	سوره حجرات
۲۲۳	سوره ق

٢٢٥	سورۃ ذَارِيَات
٢٢٧	سورۃ طور
٢٢٩	سورۃ نجم
٢٣١	سورۃ قمر
٢٣٤	سورۃ رحمان
٢٣٧	سورۃ واقِعَه
٢٤٠	سورۃ حَديد
٢٤٢	سورۃ مُجَادَلَه
٢٤٥	سورۃ حَشْر
٢٤٦	سورۃ مُمْتَحِنَه
٢٤٧	سورۃ صَف
٢٤٨	سورۃ جُمُعَه
٢٤٩	سورۃ مُنَافِقُون
٢٥٠	سورۃ تَغَابُن
٢٥٠	سورۃ طلاق
٢٥٢	سورۃ تَحْرِيم
٢٥٣	سورۃ مُنْكَ
٢٥٥	سورۃ قلم
٢٥٨	سورۃ حَاقَّه

۲۶۱	سورهٔ معارج
۲۶۲	سورهٔ نوح
۲۶۳	سورهٔ جن
۲۶۵	سورهٔ مَزَّمَل
۲۶۶	سورهٔ مَدَّثَرٌ
۲۶۹	سورهٔ قِيَامَت
۲۷۰	سورهٔ انسان
۲۷۲	سورهٔ مَرْسَلَات
۲۷۳	سورهٔ نبأ
۲۷۵	سورهٔ نَازِعَات
۲۷۷	سورهٔ عَبَسَ
۲۷۸	سورهٔ تَكْوِيْر
۲۷۹	سورهٔ انفطار
۲۸۰	سورهٔ مَطْفَفِيْن
۲۸۱	سورهٔ انشقاق
۲۸۲	سورهٔ بُرُوج
۲۸۳	سورهٔ طَارِق
۲۸۴	سورهٔ اعلیٰ
۲۸۵	سورهٔ غَاشِيَه

٢٨٥	سورۃ فجر
٢٨٧	سورۃ بلد
٢٨٨	سورۃ شمس
٢٨٩	سورۃ لیل
٢٨٩	سورۃ ضحٰی
٢٩٠	سورۃ شرح
٢٩٠	سورۃ تین
٢٩١	سورۃ عَلَق
٢٩١	سورۃ قَدْر
٢٩٢	سورۃ بَیِّنَه
٢٩٣	سورۃ زَلْزَلَه
٢٩٣	سورۃ عَادِیَات
٢٩٤	سورۃ قَارِعَه
٢٩٤	سورۃ تَكَاثُرُ
٢٩٤	سورۃ عَصْر
٢٩٥	سورۃ هُمَزَه
٢٩٥	سورۃ فِیْل
٢٩٦	سورۃ قُرَیْش
٢٩٦	سورۃ مَاْعُوْن

۲۹۶	سوره کَوَثَر
۲۹۷	سوره کَافِرُونَ
۲۹۷	سوره نَصْر
۲۹۷	سوره مَسَد
۲۹۹	سوره اِخْلَاص
۲۹۹	سوره فَلَاق
۲۹۹	سوره نَاس
۳۰۱	منابع مورد استفاده مترجم

مقدمه مترجم

قرآن کریم این کتاب بزرگ آسمانی و قانون کامل و تام از آغاز نزول تا این دوران انسان را از زنجیر اسارت و بردگی رها ساخت، از گمراهی‌ها نجاتش داد و به سوی دانش و روشنایی هدایتش کرد، خوشبختی و سعادت دارین او را فراهم نمود، بدون شک مکتب انسان ساز قرآن برای بشریت عدالت خواهی، امانت داری، شجاعت، ایثارگری و دلسوزی آموخت و برایش فهماند که جهان و هستی بدون هدف و بدون حساب و کتاب نیست، بلکه همه اعمال انسان از خوب و بد محاسبه و باز پرس خواهند شد.

پیش از نزول این راز خلقت جامعه بشری گرفتار ظلم، بی‌داد، جهل و تاریکی بود، زورمندان بد اندیش و استبدادگران کور دل با آشامیدن خون انسان روزگار بشر را تیره و تاریک می‌ساختند. در جاهلیت آن دوران خانواده‌ها روز به روز دنیا آمدن دختران خود را روز سیاه و ماتم می‌دانستند اشک حسرت می‌ریختند و آنها را زنده به گور می‌نمودند، قرآن این چشمه جوشان زندگی دستور داد: فرزندان خود را زنده بگور نکنید. پیام‌آور گنجینه علم و معرفت و مشعل دار راه نجات اعلام داشت روز ولادت هر نوزادی شادی نمایند و گوسفند سرببرند و به شخصی که دو دختر و یا دو خواهر خود را بخوبی تربیت و بزرگ نماید وعده بهشت برین داد.

قرآن معجزه پیامبر اسلام و دلیل زنده و روشن حقانیت راه او انسان را به تفکر در آفرینش آسمانها، خورشید، ماه، ستارگان، زمین، کوهها دریاها، نباتات، حیوانات و انسان دعوت می‌کند و نظام شگفت آوری را که در هر یک از انواع موجودات حکم فرماست گوشزد می‌نماید، تا با مطالعه و اندیشیدن در باره این موجودات برای بشر حقانیت وجود الهی آشکار شود و در عین حال از عالم هستی به نیکویی بهره بگیرند و آنها را مورد استفاده و در خدمت انسان قرار بدهند.

علمای بزرگ اسلام در همه عصرها و قرن‌ها برای درک مفاهیم عالی و رسیدن به عمق معانی قرآن به تفسیر و تشریح آن پرداختند تا مسلمانان مقصد و مراد آن را بخوبی دریابند و از این نعمت با ارزش الهی بهره‌ور شوند و به اوج سعادت و آرامش دست یابند و با درک این اندیشهٔ کامل که هستی انسان را ارزش و تکامل می‌دهد به سوی هدف نهائی بالا بروند. به تاسی از این هدف نیک شیخ حسنین محمد مخلوف از دانشمندان بزرگ جهان اسلام که سال ۱۳۰۷ هـ به قاهره به دنیا آمد و بعد از فراغت از دانشگاه ازهر آنجا به تدریس پرداخت و سال ۱۴۱۰ هـ از جهان رفت. هنگام تدریس متوجه گردید که علاقه‌مندان قرآن از معانی بعض آیات آن بسیار سوال می‌کنند پس «تفسیر و بیان کلمات قرآن» را نگاشت که مورد استقبال قرار گرفت و بارها به شیوه‌های گوناگون چاپ و نشر شد، این دانشمند «صفوة البیان لمعانی القرآن» و چند کتب دیگر را نیز نوشته است. برای استفاده بیشتر از این کتاب آن را به شکل شیوا و رسا به زبان فارسی ترجمه کردم تا کسانی که به زبان عربی آشنایی ندارند از آن بهرهٔ کامل و تمام بگیرند.

والسلام

عبد الکریم «ارشد»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سوره فاتحه

- ۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾: ثنا و ستایش خاصه خداست.
- ۱- ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: مربی و تربیت کننده موجودات، مالک و چاره‌ساز امور ایشان.
- ۴- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز جزاء.
- ۶- ﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾: ما را موفق گردان تا به راه روشن و آشکار اسلام که هیچ کجی و نادروستی در آن نیست ثابت قدم و استوار باشیم.
- ۷- ﴿الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ﴾: یهود.
- ۷- ﴿الضَّالِّينَ﴾: نصاری، همچنان امثال ایشان در ضلالت و گمراهی.

سوره بقره

- ۲- ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ﴾: قرآن کریم.
- ۲- ﴿لَا رَبِّ فِيهِ﴾: بدون شک این قرآن حق و از جانب پروردگار نازل شده است.
- ۲- ﴿هُدًى﴾: از گمراهی و ضلالت به راه راست هدایت می‌کند.
- ۲- ﴿لِلْمُتَّقِينَ﴾: برای آنهایی که از گناه اجتناب و اوامر او تعالی را به جا کردند و خود را از عذاب آخرت نگاه داشتند.
- ۵- ﴿عَلَىٰ هُدًى﴾: با قلب مطمئن به راه راست و روشن قرار دارند.
- ۷- ﴿خَتَمَ اللَّهُ﴾: خدا مهر نهاده است.

- ۷- ﴿غَشَوَةٌ﴾: پوشش و پرده‌ای است.
- ۹- ﴿يُخَدِّعُونَ﴾: منافقان مکارانه با فریب و نیرنگ رفتار می‌کنند.
- ۱۰- ﴿مَرَضٌ﴾: شک و نفاق یا تکذیب و انکار است.
- ۱۴- ﴿خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ﴾: اهل نفاق نزد بزرگانشان بروند یا با آنها تنها شوند.
- ۱۵- ﴿يَمُدُّهُمْ﴾: خدا آنها را زیادت می‌بخشد یا مهلت می‌دهد.
- ۱۵- ﴿طُغْيَانِهِمْ﴾: پافشاری در کفر و تجاوز از حد خویش.
- ۱۵- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: منافقان در جهالت باقی می‌مانند و راه راست را نمی‌یابند یا متحیر و سرگردان می‌شوند.
- ۱۷- ﴿مَثَلُهُمْ﴾: حالت شگفت‌انگیز یا صفت آنها.
- ۱۷- ﴿أَسْتَوْقَدَ نَارًا﴾: آتش افروخت.
- ۱۸- ﴿بُكْمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.
- ۱۹- ﴿كَصِيبٍ﴾: مانند کسانی هستند که بارانی تند و شدید بر آنها بارد. صیب: باران در حال باریدن از آسمان، یا ابر بارنده است.
- ۲۰- ﴿يَخْطِفُ أَبْصَرَهُمْ﴾: نور برق بینایی آنها را به سرعت ببرد.
- ۲۰- ﴿قَامُوا﴾: متحیر و سرگردان در جای خود متوقف شوند.
- ۲۲- ﴿الْأَرْضِ فِرَاشًا﴾: زمین را بستر و فرش جهت استقرار در آن.
- ۲۲- ﴿السَّمَاءِ بِنَاءً﴾: آسمان را سقف برافراشته یا مانند گنبد مستحکم.
- ۲۲- ﴿أَنذَادًا﴾: امثال و همتا، از بتها که پرستش می‌کنید.
- ۲۳- ﴿أَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ﴾: خدایان یا یاران و یاوران خود را حاضر کنید.
- ۲۵- ﴿مُتَشَبِهًا﴾: مانند هم، در رنگ و ظاهر با هم شباهت دارند نه در طعم و لذت.
- ۲۹- ﴿أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾: خدا قصد و اراده آفرینش آسمان را کرد، قصد راست و درست.
- ۲۹- ﴿فَسَوَّيْنَهُنَّ﴾: پس خلقت آسمان‌ها را به اتمام رساند و آنها را استوار و مستحکم ساخت.

- ۳۰- ﴿يَسْفِكُ الدِّمَاءَ﴾: از دشمنی و عداوت دست به خونریزی و ستم می‌زند.
- ۳۰- ﴿نَسِيحٌ بِحَمْدِكَ﴾: تو را از همه بدی‌ها پاک و پاکیزه می‌شماریم و تو را ثنا و ستایش می‌کنیم.
- ۳۰- ﴿نُقَدِّسُ لَكَ﴾: تو را به بزرگی یاد می‌کنیم و یاد تو را از آنچه سزاوار عظمت و شرف نیست پاک می‌دانیم.
- ۳۴- ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾: به آدم فروتنی کنید، یا سجده تعظیم و احترام نمایید.
- ۳۵- ﴿رَعَدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی‌زحمت.
- ۳۶- ﴿فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ﴾: شیطان آدم و همسرش را فریب داد و از آن مقام رفیع دور ساخت.
- ۴۰- ﴿إِسْرَائِيلَ﴾: لقب یعقوب.
- ۴۰- ﴿فَأَرْهَبُونَ﴾: در پیمان شکنی هاتان تنها از من بترسید.
- ۴۲- ﴿لَا تَلْبَسُوا﴾: مخلوط ننمایید یا پنهان نکنید.
- ۴۴- ﴿بِالْبِرِّ﴾: به طاعت و عبادت بسیار و کارهای نیک.
- ۴۵- ﴿إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ﴾: به درستی نماز خیلی دشوار، سخت و سنگین است.
- ۴۵- ﴿الْخَشَعِينَ﴾: انسانهای متواضع و با تمکین.
- ۴۶- ﴿يُظُنُّونَ﴾: یقین می‌دانند.
- ۴۷- ﴿الْعَالَمِينَ﴾: جهانیان دوران خود شما.
- ۴۸- ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا﴾: هیچ کس نمی‌تواند برای دیگری کاری انجام دهد.
- ۴۸- ﴿عَدْلٌ﴾: بدیل و جای‌گزین.
- ۴۹- ﴿يَسُومُونَكُمْ﴾: به شما می‌چشاندند و شما را به کارهای دشوار می‌گماشتند.
- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را بخاطر خدمت زنده می‌گذاشتند.
- ۴۹- ﴿بِالْآءِ﴾: آزمون و امتحانی بود با اعطای نعمت‌ها و گرفتاری به شکنجه و عذاب.
- ۵۰- ﴿فَرَقْنَا﴾: شکافتیم.

- ۵۱- ﴿أَتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ﴾: گوساله را خدا و معبود قرار دادید.
- ۵۳- ﴿الْفُرْقَانَ﴾: شریعت را که ممیز حلال و حرام است.
- ۵۴- ﴿بَارِكُمْ﴾: خالقتان.
- ۵۴- ﴿فَأَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: در میان خود شما نیکوکار باید گناهکار را بکشند.
- ۵۵- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار.
- ۵۵- ﴿الصَّلِیْقَةَ﴾: آتش و یا آواز شدید که از سوی آسمان آمد.
- ۵۷- ﴿الْغَمَامَ﴾: ابر سفید نازک.
- ۵۷- ﴿الْمَنَّ﴾: ماده صمغی که مثل عسل شیرین است.
- ۵۷- ﴿وَالسَّلْوَى﴾: مرغ مشهور به سمانی.
- ۵۸- ﴿رَعْدًا﴾: غذای فراوان یا گوارا و بی زحمت.
- ۵۸- ﴿قُولُوا حِطَّةً﴾: بگویید: پروردگارا، گناهان ما را ببخش.
- ۵۹- ﴿رِجْزًا﴾: غذایی را، گفته شده طاعون است.
- ۶۰- ﴿فَأَنْفَجَرْتُ﴾: شکافت و فوران کرد.
- ۶۰- ﴿مَّشْرَبُهُمْ﴾: جای آشامیدن خود را.
- ۶۰- ﴿لَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ﴾: در زمین دست به فساد نزنید.
- ۶۰- ﴿مُفْسِدِينَ﴾: فساد همیشگی.
- ۶۱- ﴿فُومَهَا﴾: گندم و یا سیر.
- ۶۱- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ﴾: آنها را احاطه کرده یا به آنها چسبیده است.
- ۶۱- ﴿الذَّلَّةُ﴾: خواری، بی عزتی و پستی.
- ۶۱- ﴿الْمَسْكَنَةُ﴾: ناداری و بخل ذاتی.
- ۶۱- ﴿بَاءُ وِیْعَظِبِ﴾: باز هم به قهر و غضب خدا دچار شدند که مستحق آن بودند.
- ۶۲- ﴿هَادُوا﴾: یهودی شدند.
- ۶۲- ﴿الصَّبِیْنَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره پرستان.

- ۶۳- ﴿مِيثَاقَكُمْ﴾: عهد و پیمان شما را به این که به تورات عمل می کنید.
- ۶۵- ﴿خَسِيبٍ﴾: رانده شدگان پست و بی ارزش.
- ۶۶- ﴿فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا﴾: این کیفر را شکنجه و عذاب قرار دادیم.
- ۶۷- ﴿هُزُؤًا﴾: مسخره و ریشخند.
- ۶۸- ﴿لَا فَارِضٌ وَلَا بَكْرٌ﴾: نه کلان سال است و نه جوان نارس.
- ۶۸- ﴿عَوَانٌ بَيْنَ ذَلِكَ﴾: میانه سال است.
- ۶۹- ﴿فَاقِعٌ لَّوْنُهَا﴾: رنگ آن گاو بسیار زرد است.
- ۷۱- ﴿لَا ذُلُولٌ﴾: رام نیست.
- ۷۱- ﴿تُثِيرُ الْأَرْضَ﴾: تا زمین را شخم زند.
- ۷۱- ﴿الْحَرْثَ﴾: کشت یا زمین آماده برای زراعت را.
- ۷۱- ﴿مُسَلَّمَةٌ﴾: بی عیب است.
- ۷۱- ﴿لَا شَيْءَ فِيهَا﴾: رنگ دیگری غیر از رنگ زرد در آن وجود ندارد.
- ۷۲- ﴿فَادَّارُئُمْ فِيهَا﴾: و در باره او به دشمنی و ستیز پرداختید.
- ۷۴- ﴿يَتَفَجَّرُ﴾: به وفرت جاری می شود.
- ۷۴- ﴿يَشَقُّ﴾: شکاف می شود به طول و یا عرض.
- ۷۵- ﴿يُحْرِفُونَهُ﴾: گروهی از یهودیان تورات را تحریف یا به باطل تأویل می کنند.
- ۷۶- ﴿حَلَا بَعْضُهُمْ...﴾: نزد بزرگانشان بروند یا با آنها تنها بنشینند.
- ۷۶- ﴿فَتَحَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾: خدا بر شما حکم کرده است یا آن را به شما بیان داشته است.
- ۷۸- ﴿أُمِّيُونَ﴾: جاهلند، نمی توانند تورات را بخوانند.
- ۷۸- ﴿أَمَانِيَّ﴾: دروغ های که از دانشمندان خود آموختند.
- ۷۹- ﴿فَوَيْلٌ﴾: ناپودی یا حسرت، یا عذاب شدید، یا وادی است در جهنم.
- ۸۱- ﴿كَسَبَ سَيِّئَةً﴾: کفر ورزید.

- ۸۱- ﴿أَحَظَّتْ بِهِ﴾: گناه او را محاصره کرد و بر حسناتش چیره شد.
- ۸۵- ﴿تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ﴾: در ظلم و ستم به آنها، با یکدیگر همکاری می کنید.
- ۸۵- ﴿أَسْرَى﴾: اسیران.
- ۸۵- ﴿تُفَدُّوهُمْ﴾: فدیة آنها را می دهید و از اسارت رهاشان می سازید.
- ۸۵- ﴿خِزْيٌ﴾: ذلت، فزاحت، عذاب و شکنجه.
- ۸۷- ﴿قَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ﴾: پس از او پیامبرانی را پی در پی فرستادیم که به شریعت او حکم می کردند.
- ۸۷- ﴿بُرُوجِ الْقُدُسِ﴾: به روح پاکیزه، جبرئیل عليه السلام
- ۸۸- ﴿فُلُوبِنَا عُلْفٌ﴾: دل‌های ما از آفرینش در پرده است.
- ۸۹- ﴿يَسْتَفْتِحُونَ﴾: به وسیله بعثت او عليه السلام یاری و کمک می خواستند.
- ۹۰- ﴿أَشْرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را به آن فروختند.
- ۹۰- ﴿بَغِيًّا﴾: از حسادت.
- ۹۰- ﴿فَبَاءُوا بَعْضٍ﴾: به غضب دیگر خدا گرفتار شدند که مستحق آن بودند.
- ۹۲- ﴿أَخَذْتُمْ الْعِجْلَ﴾: به پرستش گوساله پرداختید.
- ۹۳- ﴿الْعِجْلَ﴾: محبت گوساله‌ای که پرستش کردند.
- ۹۶- ﴿لَوْ يَعْمُرُ﴾: کاش عمرش دراز می شد.
- ۱۰۰- ﴿نَبَذَهُ﴾: عهد را نقض کرد و بدور انداخت.
- ۱۰۲- ﴿تَتْلُوا الشَّيْطَانُ﴾: شیطان‌ها سحر و جادو را می خواندند، یا به دروغ می گفتند.
- ۱۰۰- ﴿مَنْ فِتْنَةٌ﴾: ما از جانب پروردگار برای امتحان شما هستیم.
- ۱۰۰- ﴿خَلَقِي﴾: بهره از خیر یا قدر و مرتبت.
- ۱۰۰- ﴿شَرُّوا بِهِ﴾: خود را به آن فروختند.
- ۱۰۴- ﴿لَا تَقُولُوا رَاعِنَا﴾: شما مسلمانان «راعنا» نگویید، این کلمه در زبان یهود دشنام زشت و تحقیر است.

- ۱۰۴- ﴿قُولُوا أَنْظِرْنَا﴾: بگوئید: به سوی ما بنگر یا بر ما مهلت بده و به تائی سخن بگو تا معانی آیات را درک نماییم.
- ۱۰۶- ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ﴾: حکم هر آیه یا تعبد به تلاوت آن را که بر داریم.
- ۱۰۶- ﴿نُنْسِهَا﴾: آن را از دل‌ها و حافظه‌ها محو کنیم.
- ۱۰۷- ﴿وَلِيٍّ﴾: مالک یا سرپرست و ناظر کارهای شما.
- ۱۰۸- ﴿سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾: راه مستقیم.
- ۱۱۱- ﴿أَمَانِيَهُمْ﴾: خیالات و آرزوهای باطل آنهاست.
- ۱۱۲- ﴿أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾: به خلوص نیت، خود و طاعت و عبادتش را به خدا تسلیم نماید.
- ۱۱۴- ﴿خِزْيٍ﴾: خفت، پستی، مرگ و اسارت.
- ۱۱۵- ﴿فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ﴾: همان جهت قبله مورد رضای اوست که شما را به آن امر کرده.
- ۱۱۶- ﴿سُبْحَانَهُ﴾: خدا از انتخاب فرزند پاک و منزّه است.
- ۱۱۶- ﴿لَهُرَ قَانِتُونَ﴾: فرمانبردار او هستند.
- ۱۱۷- ﴿بِدْيَعٍ...﴾: ایجاد کننده.
- ۱۱۷- ﴿قَضَىٰ أَمْرًا﴾: اراده ایجاد چیزی را بخواهد یا حتمی و قطعی گرداند.
- ۱۱۷- ﴿كُنْ فَيَكُونُ﴾: ایجاد شو، او فوراً ایجاد می‌شود.
- ۱۲۲- ﴿الْعَلَمِينَ﴾: ملت‌های دوران خودتان.
- ۱۲۳- ﴿لَا تَجْزِي نَفْسٌ﴾: هیچ کس انجام نمی‌دهد. ۱۲۳- عَدْلٌ: بدل و فدیهای.
- ۱۲۴- ﴿أَبْتَلَىٰ﴾: آزمود.
- ۱۲۴- ﴿بِكَلِمَةٍ﴾: تکالیف شرعی، اوامر و نواهی.
- ۱۲۴- ﴿فَأَتَمَّهُنَّ﴾: و او خاص برای خدا همه را انجام داد.
- ۱۲۵- ﴿مَثَابَةً لِّلنَّاسِ﴾: پناهگاه یا محل اجتماع یا موضع کسب ثواب انسان.
- ۱۲۵- ﴿عَهْدَنَا﴾: سفارش کردیم یا امر کردیم یا وحی فرستادیم.

- ۱۲۵- ﴿بَيْتِي﴾: کعبه شریف به مکه.
- ۱۲۶- ﴿أَصْطَرُّهُ﴾: او را روانه می‌کنیم.
- ۱۲۸- ﴿مُسْلِمِينَ لَكَ﴾: فرمانبردار، فروتن و مخلص به خودت.
- ۱۲۸- ﴿أَرِنَا مَنَاسِكَنَا﴾: مقررات اعمال و افعال حج را به ما بیاموز.
- ۱۲۹- ﴿يُزَكِّيهِمْ﴾: آنها را از ناپاکی شرک و گناه پاک نماید.
- ۱۳۰- ﴿مَنْ يَرْغَبُ عَنِ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ﴾: کیست که از دین روشن ابراهیم روگردان شود.
- ۱۳۰- ﴿سَفِهَ نَفْسَهُ﴾: خود را به جهالت افکنده یا سبک و خوار کرده یا خود را تباه نموده است.
- ۱۳۱- ﴿أَسْلِمَ﴾: فرمانبردار باش یا خالص و بی‌ریا مرا عبادت کن.
- ۱۳۲- ﴿الدِّينَ﴾: اسلام، برگزیده ادیان را.
- ۱۳۴- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشتند و رفتند.
- ۱۳۵- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان مایل به دین حق.
- ۱۳۶- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان یا نبیرگان یعقوب عليه السلام.
- ۱۳۸- ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ﴾: از دین یا فطرت خدا حتماً پیروی کنید.
- ۱۴۲- ﴿الْأَسْفَهَاءُ﴾: افراد کم عقل، یهود و امثال ایشان در انکار از تحویل قبله.
- ۱۴۲- ﴿مَا وَلَّهُمْ﴾: چه چیز آنها را برگردانید؟
- ۱۴۲- ﴿عَنِ قِبَلَتِهِمْ﴾: از بیت المقدس.
- ۱۴۳- ﴿أُمَّةً وَسَطًا﴾: ملت برگزیده یا ملت عادل.
- ۱۴۳- ﴿يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ﴾: هنگام تحویل قبله به سوی کعبه، از اسلام بر می‌گردد.
- ۱۴۳- ﴿لِكَبِيرَةٍ﴾: بر اشخاص سخت و دشوار است.
- ۱۴۳- ﴿لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ﴾: خدا هرگز نمازهای شما را که به سوی بیت المقدس ادا کرده‌اید، باطل نمی‌کند.

- ۱۴۴- ﴿شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: به سوی کعبه.
- ۱۴۷- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک کنندگانی که با آگاهی از حق آن را می پوشانند.
- ۱۵۱- ﴿يُزَكِّكُمْ﴾: شما را از شرک و گناه پاک می سازد.
- ۱۵۱- ﴿الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ﴾: قرآن، سنت و دانش در امور دین را.
- ۱۵۵- ﴿لَتَبْلُوَنَّكُمْ﴾: شما را آزمایش می کنیم با این که از همه احوال تان آگاهیم.
- ۱۵۷- ﴿صَلَوَاتٍ مِّن رَّبِّهِمْ﴾: رحمت یا مغفرت و آمرزش از سوی پروردگارشان.
- ۱۵۸- ﴿شِعَابِ اللَّهِ﴾: نشانه های دین خداست در حج و عمره.
- ۱۵۸- ﴿أَعْتَمَرَ﴾: کعبه معظمه را به وجه مشروع زیارت کند.
- ۱۵۸- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ﴾: هیچ گناهی بر او نیست.
- ۱۵۸- ﴿يَطْوَفَ بِهِمَا﴾: سعی بین آن دو را انجام دهد.
- ۱۵۹- ﴿يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ﴾: پروردگار آنها را از رحمت خود دور می کند.
- ۱۶۲- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: عذاب آنها به تأخیر نمی افتد.
- ۱۶۴- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: با تولید مثل در زمین پراکنده ساخت.
- ۱۶۴- ﴿تَصْرِيفِ الرِّيحِ﴾: در تغییر جهت دادن وزش و احوال بادها از سردی، گرمی، تندی و ملایمت.
- ۱۶۵- ﴿أَنذَادًا﴾: همتا که او را پرستش می کنند.
- ۱۶۶- ﴿تَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ﴾: پیوندهای نژادی، دوستی و تعهداتی که در دنیا بین آنها وجود داشت از هم بپاشد.
- ۱۶۷- ﴿كَرَّةٍ﴾: باز گشتی به دنیا.
- ۱۶۷- ﴿حَسْرَاتٍ﴾: پشیمانی های شدید.
- ۱۶۸- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه های شیطان، آثار و اعمال او.
- ۱۶۹- ﴿يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ﴾: شیطان شما را به گناه دستور می دهد.
- ۱۶۹- ﴿الْفَحْشَاءِ﴾: گناه بسیار زشت.
- ۱۷۰- ﴿الْفَيْنَاءِ﴾: یافتیم.

- ۱۷۱- ﴿يَعْنُقُ﴾: صدا می کند. ﴿بُكْمٌ﴾: از بیان حق گنگ هستند.
- ۱۷۳- ﴿أَهْلٌ بِهِ لِعَيْرِ اللَّهِ﴾: حیوانی که هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.
- ۱۷۳- ﴿أَصْطَرَّ﴾: نیازمندی او را ناچار ساخت تا از چیزهای حرام بخورد.
- ۱۷۳- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت در پی حرام نباشد و حالت اضطرار را بارها اختیار نکند.
- ۱۷۳- ﴿لَا عَادٍ﴾: از حدی که مانع مرگ است تجاوز نکند.
- ۱۷۴- ﴿ثَمَنًا قَلِيلًا﴾: بهای اندک.
- ۱۷۴- ﴿لَا يُزَكِّيهِمْ﴾: آنها را از پلیدی گناه پاک نمی کند.
- ۱۷۶- ﴿لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ﴾: در نزاع و اختلاف دور از حقیقت قرار دارند.
- ۱۷۷- ﴿الْبِرِّ﴾: طاعت و کارهای نیک گسترده.
- ۱۷۷- ﴿وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافری که از خانواده اش جدا و توان رسیدن به مال خود را نداشته باشد.
- ۱۷۷- ﴿فِي الرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان و اسراء.
- ۱۷۷- ﴿الضَّالِّينَ﴾: اشخاص شکبیا تخصیص صابرين جهت فضیلت بیشتر آنهاست.
- ۱۷۷- ﴿الْبِأْسَاءِ﴾: سختی، بلا، بیماری و رنج.
- ۱۷۷- ﴿جَيْنَ الْبَأْسِ﴾: وقت شدت جنگ با دشمن.
- ۱۷۸- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ﴾: بر شما فرض شده است.
- ۱۷۸- ﴿عَفَى لَهُ مِنْ أَخِيهِ﴾: ولی مقتول قصاص را رها کند.
- ۱۸۰- ﴿تَرَكَ حَيْرًا﴾: مال فراوان بجا گذاشت.
- ۱۸۲- ﴿جَنَفًا﴾: عدول از حق ناآگاهانه.
- ۱۸۲- ﴿إِثْمًا﴾: آگاهانه ستمی را مرتکب شده است.
- ۱۸۴- ﴿يُطِيقُونَهُ﴾: توانش را دارند، این حکم به اثر آیه ۱۸۵ بقره منسوخ است.
- ۱۸۴ ﴿تَطَوَّعَ حَيْرًا﴾: به دلخواه خویش خیری افزون انجام دهد، یعنی به فدیة بیفزاید.

- ۱۸۵- ﴿لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ﴾: تا خدا را حمد و ستایش کنید.
- ۱۸۷- ﴿الرَّفَثُ﴾: آمیزش جنسی.
- ۱۸۷- ﴿هِنَّ لِيَأْسَ لَكُمْ﴾: زنها برای شما مایه آرامش یا مانع از حرامند.
- ۱۸۷- ﴿حُدُودُ اللَّهِ﴾: ممنوعات و محرمات الهی است.
- ۱۹۱- ﴿تَقَفْتُمُوهُمْ﴾: مشرکان را یافتید.
- ۱۹۱- ﴿الْفِتْنَةُ﴾: شرک به خدا در حالی که در حرم قرار دارند.
- ۱۹۱- ﴿عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: در همه جای حرم.
- ۱۹۴- ﴿الْحُرْمَتُ﴾: آنچه حفظ حرمتش واجب است.
- ۱۹۵- ﴿الْثَهْلُكَةُ﴾: ترک جهاد و عدم مصرف مال در آن راه مایه هلاکت و تباهی است.
- ۱۹۶- ﴿أُحْصِرْتُمْ﴾: بعد از احرام مانعی شما را از اتمام حج جلو گیری کرد.
- ۱۹۶- ﴿فَمَا اسْتَيْسَرَ﴾: آنچه به آسانی آماده شود.
- ۱۹۶- ﴿مِنَ الْهَدْيِ﴾: چارپایی که برای قربانی به کعبه برند.
- ۱۹۶- ﴿لَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ﴾: با تراشیدن سر از احرام خارج نشوید.
- ۱۹۶- ﴿يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ﴾: قربانی به جای وجوب ذبحش، حرم برسد یا هر جا که از رفتن به کعبه منع شوید، حرم یا بیرون حرم.
- ۱۹۶- ﴿فَفِدْيَةٌ﴾: هر که سر خود را بتراشد باید فدیة بدهد.
- ۱۹۶- ﴿نُسُكٍ﴾: قربانی و اینجا گوسفند مراد است.
- ۱۹۶- ﴿مِنَ الْهَدْيِ﴾: مراد قربانی حج تمتع است.
- ۱۹۷- ﴿فَرَضَ﴾: با گرفتن احرام بر خود فرض کرد.
- ۱۹۷- ﴿فَلَا رَفَثَ﴾: آمیزش جنسی یا گفتار زشت جایز نیست.
- ۱۹۷- ﴿لَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾: خصومت، ستیز و جدال در حج جایز نیست.
- ۱۹۸- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناهی.

- ۱۹۸- ﴿فَضَلَّ﴾: منافع تجارتنی و کسب در موسم حج.
- ۱۹۸- ﴿أَفْضُتُمْ﴾: دسته جمعی کوچ کردید و رفتید.
- ۱۹۸- ﴿الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ﴾: همه جای مزدلفه یا کوه قزح.
- ۲۰۰- ﴿مَنْدِسِكُمْ﴾: اعمال حج را.
- ۲۰۰- ﴿خَلَقَ﴾: سهمی از خیر یا قدر و عزت.
- ۲۰۰- ﴿فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً﴾: نعمت، عافیت و توفیق در دنیا.
- ۲۰۰- ﴿فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً﴾: رحمت، احسان و نجات در آخرت.
- ۲۰۴- ﴿الَّذِ الْخِصَامِ﴾: سرسخت‌ترین دشمنان، در راه باطل مجادله می‌کند.
- ۲۰۵- ﴿الْحَرْثِ﴾: کشت را.
- ۲۰۶- ﴿أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ﴾: تکبر و نخوت او را به گناه می‌کشاند.
- ۲۰۶- ﴿فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ﴾: دوزخ برای او جزای کافی است.
- ۲۰۶- ﴿لَيْسَ الْمِهَادُ﴾: جهنم جایگاه بدی است.
- ۲۰۷- ﴿يَشْرِي نَفْسَهُ﴾: با بذل جان در طاعت و عبادت خود را به خدا فروخته‌اند.
- ۲۰۸- ﴿فِي السَّلَامِ كَافَّةً﴾: در اسلام و همه احکام آن.
- ۲۰۸- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه‌ها، آثار و کارهای شیطان.
- ۲۰۹- ﴿زَلَلْتُمْ﴾: منحرف شدید و حقیقت را گم کردید.
- ۲۱۰- ﴿ظَلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ﴾: سایه بانهایی از ابرهای سفید نازک.
- ۲۱۲- ﴿بِعَيْرِ حِسَابٍ﴾: آنچه او تعالی می‌بخشد پایان ناپذیر و سخاوت‌مندانه است.
- ۲۱۳- ﴿بَغْيًا﴾: از حسادت، حرص به دنیا و انحراف از حق.
- ۲۱۴- ﴿مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا﴾: حالت مؤمنانی که در گذشته‌اند.
- ۲۱۴- ﴿الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: سختی، بلا، تنگدستی، بیماری و رنج.
- ۲۱۴- ﴿زُلْزَلُوا﴾: از بسیاری بلاها شدیداً مضطرب شدند.
- ۲۱۶- ﴿كُرَّةٌ لَّكُمْ﴾: در حالی که بر شما دشوار است.

- ۲۱۷- ﴿كَبِيرٌ﴾: گناهی بزرگ است.
- ۲۱۷- ﴿الْفِتْنَةُ﴾: تشویق مردم به کفر و شرک به خدا.
- ۲۱۷- ﴿حَبِطْتُ﴾: باطل و بر باد می‌رود.
- ۲۱۹- ﴿الْمَيْسِرِ﴾: قمار.
- ۲۱۹- ﴿الْعَفْوُ﴾: آنچه افزون بر نیاز شماس است.
- ۲۲۰- ﴿لَاَعْتَنَكُمُ﴾: همانا کارهای دشوار را به شما می‌سپرد.
- ۲۲۲- ﴿أَذَى﴾: آلوده و زیان‌آور است.
- ۲۲۳- ﴿حَرْتُ لَكُمْ﴾: محل کشت نسل شما هستند.
- ۲۲۳- ﴿أَنَّى شِئْتُمْ﴾: به هر روش که خواستید، در محل تناسل.
- ۲۲۴- ﴿عُرْضَةً لِّأَيْمَانِكُمْ﴾: مانع از خیر، قسم بخورید که کار نیک انجام نمی‌دهید.
- ۲۲۵- ﴿بِاللَّعْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾: قسم لغو آن است که شخص بر چیزی قسم بخورد به باور این که آن چیز راست است، در حالی که حقیقت خلاف آن باشد یا بدون این که قصد سوگند داشته باشد، کلمات سوگند بر زبانش بیاید.
- ۲۲۶- ﴿يُولُونَ مِنْ نِسَابِهِمْ﴾: قسم می‌خورند که با همسران خود مقاربت نمی‌کنند.
- ۲۲۶- ﴿تَرْبُصٌ﴾: ...: انتظار بکشند...
- ۲۲۶- ﴿فَأَعْوُ﴾: در مدتی که قسم خورده‌اند، رجوع کنند.
- ۲۲۸- ﴿ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ﴾: سه حیض، گفته شده سه پاکی است.
- ۲۲۸- ﴿بُعُولَتَهُنَّ﴾: شوهرهاشان.
- ۲۲۸- ﴿دَرَجَةً﴾: منزلت و برتری به سبب این که مرد عهده‌دار اداره خانواده و نفقه است.
- ۲۲۹- ﴿الطَّلُقِ مَرَّتَانٍ﴾: طلاق رجعی دو بار است.
- ۲۲۹- ﴿تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ﴾: جدایی با ادای حقوق و بدون زیان و ضرر.
- ۲۲۹- ﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ﴾: اینها احکام و فرایض الهی هستند.

- ۲۳۱- ﴿فَبَاغُنَّ أَجَلَهُنَّ﴾: به آخرین روزهای عده خود رسیدند.
- ۲۳۱- ﴿لَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا﴾: به قصد آزار، به آنها رجوع نکنید.
- ۲۳۱- ﴿لَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا﴾: احکام خدا را مسخره نکنید با سهل انگاری و مخالفت.
- ۲۳۱- ﴿الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ﴾: قرآن و سنت.
- ۲۳۲- ﴿فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ﴾: مانع آنها نشوید.
- ۲۳۲- ﴿أَرْزُقِي لَكُمْ﴾: برای شما بهتر و مفیدتر است.
- ۲۳۳- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانایی خود.
- ۲۳۳- ﴿عَلَى الْوَارِثِ﴾: بر وارث کودک یتیم.
- ۲۳۳- ﴿أَرَادَا فِصَالًا﴾: پدر و مادر بخواهند کودک را پیش از دو سالگی از شیر بگیرند.
- ۲۳۵- ﴿عَرَّضْتُمْ﴾: به اشاره و کنایه وانمود کنید.
- ۲۳۵- ﴿أَكْنَنْتُمْ﴾: نهان داشتید.
- ۲۳۵- ﴿وَلَا تُوَاعِدُوهُنَّ﴾: ولی با آنها در خفا و تنهایی با صراحت پیشنهاد ازدواج نکنید.
- ۲۳۵- ﴿يَبْلُغَ الْكِتَابِ أَجَلَهُ﴾: عده آنها به پایان برسد.
- ۲۳۶- ﴿فَرِيضَةً﴾: مهر.
- ۲۳۶- ﴿مَتَّعُوهُنَّ﴾: چیزی که به آنها سودمند است برای شان بدهید.
- ۲۳۶- ﴿الْمُوسِعِ﴾: توانگر.
- ۲۳۶- ﴿قَدْرُهُ﴾: به اندازه توان خود.
- ۲۳۶- ﴿الْمُقْتِرِ﴾: تنگدست.
- ۲۳۸- ﴿وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى﴾ : و خصوصاً نماز عصر را، این نماز را بخاطر فضیلت بیشتر آن نماز میانه گویند.
- ۲۳۸- ﴿قَلْبَتَيْنِ﴾: فروتن و فرمانبردار.

- ۲۳۹- ﴿فَرَجَالًا﴾: پس در حال پیاده روی نماز بخوانید.
- ۲۴۱- ﴿لَلْمُطَلَّاتِ مَتَعٌ﴾: لازم است برای زنان طلاق شده متعه یا در روزهای عده نفقه بدهید.
- ۲۴۵- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: مال خود را از طیب خاطر برای رضای خدا مصرف کند.
- ۲۴۵- ﴿يَقْضُ وَيَصْطُ﴾: گروهی را تنگدست و گروهی را بی نیاز می گرداند.
- ۲۴۶- ﴿الْمَالِ﴾: بزرگان قوم.
- ۲۴۶- ﴿عَسَيْتُمْ﴾: شاید شما.
- ۲۴۷- ﴿أَنِّي يَكُونُ﴾: چگونه می شود؟
- ۲۴۷- ﴿زَادَهُو بَسْطَةً﴾: خدا به او توانایی بیشتر، قامت بلند و برتری بخشیده است.
- ۲۴۸- ﴿يَأْتِيَكُمُ اللَّاتُوتُ﴾: صندوق تورات نزد شما خواهد آمد.
- ۲۴۸- ﴿فِيهِ سَكِينَةٌ﴾: در آن اطمینان و آرامش دل‌های شماست.
- ۲۴۹- ﴿فَصَلَ طَالُوتُ﴾: طالوت با سپاه خود از بیت المقدس بیرون رفت.
- ۲۴۹- ﴿مُبْتَلِيكُمْ﴾: خدا شما را امتحان می کند در حالی که از همه چیز شما آگاه است.
- ۲۴۹- ﴿أُعْتَرَفَ...﴾: با کف خود آب بر دارد، به دهان از نهر آب نخورد.
- ۲۴۹- ﴿طَاقَةَ لَنَا﴾: ما قدرت و توان نداریم.
- ۲۵۰- ﴿فِيَّةَ﴾: جماعه‌ای از مردم.
- ۲۵۰- ﴿بَرَزُوا﴾: به میدان آمدند.
- ۲۵۱- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: نبوت را.
- ۲۵۳- ﴿بِرُوحِ الْقُدُسِ﴾: به وسیله جبریل.
- ۲۵۴- ﴿لَا خَلَّةٌ﴾: نه دوستی است و نه یاوری.
- ۲۵۵- ﴿الْحَيُّ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.
- ۲۵۵- ﴿الْقِيَوْمُ﴾: همیشه مدبر و حافظ امور آفرینش.

- ۲۵۵- ﴿سِنَّةٌ﴾: خواب سبک و کوتاه.
- ۲۵۵- ﴿لَا يُوَدُّهُ﴾: بر او دشوار نیست.
- ۲۵۶- ﴿تَبَيَّنَ الرُّشْدُ﴾: هدایت و ایمان مشخص شده است.
- ۲۵۶- ﴿مِنَ الْعِيِّ﴾: از گمراهی و کفر.
- ۲۵۶- ﴿بِالطُّغُوتِ﴾: غیر از خدا هر چه مورد پرستش قرار گیرد طاغوت است از بت، شیطان و مانند اینها.
- ۲۵۶- ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: به عقیده ثابت و استوار.
- ۲۵۶- ﴿لَا أَنْفِصَامَ لَهَا﴾: هرگز گسسته نمی‌شود و از بین نمی‌رود.
- ۲۵۸- ﴿الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ﴾: ستم پیشه سرکش نم‌رود بن کنعان با ابراهیم عليه السلام به جدال و گفتگو برخاست.
- ۲۵۸- ﴿فَبُهَّتْ﴾: مغلوب و متحیر گردید، دلایل او تمام شد.
- ۲۵۹- ﴿خَاوِيَةً عَلَىٰ عُرُوشَهَا﴾: دیوارهای آن بر سقفهای فروریخته‌اش افتاده بود.
- ۲۵۹- ﴿أَأَنَّىٰ يُحَىٰ﴾: چگونه یا کی زنده می‌کند.
- ۲۵۹- ﴿لَمْ يَتَسَنَّهْ﴾: با گذشت سالها هیچ تغییر نیافته است.
- ۲۵۹- ﴿نُنشِرُهَا﴾: استخوان‌ها را از زمین بلند و اجزای پراکنده آنها را با هم وصل می‌کنیم.
- ۲۶۰- ﴿فَصْرُهِنَّ إِلَيْكَ﴾: آنها را پیش خود ریزه ریزه و مخلوط کن.
- ۲۶۲- ﴿مَنًّا﴾: شمردن احسان و نیکویی‌ها و بار منت نهادن.
- ۲۶۲- ﴿لَا أَدَىٰ﴾: به انفاق مال نمی‌نازند و فخر نمی‌فروشند.
- ۲۶۴- ﴿رِثَاءَ النَّاسِ﴾: برای این که مردم ببینند و بشنوند نه به راه خدا.
- ۲۶۴- ﴿صَفْوَانَ﴾: سنگ بزرگ صاف.
- ۲۶۴- ﴿وَأَيْلٌ﴾: باران تند با قطره‌های بزرگ.
- ۲۶۴- ﴿صَلْدًا﴾: صاف و بی‌خاک.
- ۲۶۵- ﴿تَتَّبِعَتَا﴾: با کمال اطمینان و یقین به ثواب انفاق.

- ۲۶۵- ﴿جَنَّةٍ بَرَبَوَّةٍ﴾: باغی پر درخت است که به جای بلندی قرار گرفته باشد.
- ۲۶۵- ﴿أَكْلَهَا﴾: میوه‌هایش را.
- ۲۶۵- ﴿فَطَلُّ﴾: باران نرم و ریز.
- ۲۶۶- ﴿إِعْصَارٌ﴾: تند بادی، گرد باد.
- ۲۶۶- ﴿فِيهِ نَارٌ﴾: باد سوزان یا صاعقه.
- ۲۶۷- ﴿لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ﴾: قصد انفاق مال تباه و بد را نکنید.
- ۲۶۷- ﴿تُعْمِضُوا فِيهِ﴾: از بی میلی و سهل انگاری آن را می گیرید.
- ۲۷۳- ﴿أُحْصِرُوا﴾: آنها را جهاد از اشتغال به امور دیگر باز داشته است.
- ۲۷۳- ﴿ضَرْبًا﴾: به تجارت و کسب و کار پردازند.
- ۱۷۴- ﴿التَّعَفُّفِ﴾: دوری از سؤال.
- ۲۷۵- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از سمایشان که نشانگر فقر و نیازمندی است.
- ۲۷۶- ﴿الْخِافَا﴾: سؤال به زاری و التماس.
- ۲۷۵- ﴿يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان او را دچار صرع کند و بر زمین بزند.
- ۲۷۵- ﴿الْمَسِّ﴾: جنون و زوال عقل.
- ۲۷۶- ﴿يَمْحُقُ اللَّهُ الرِّبَا﴾: خدا مالی را که به او ربا یکجا شود نابود می کند.
- ۲۷۶- ﴿يُرِي الصَّدَقَاتِ﴾: مالی را که از آن صدقه داده شده می افزاید.
- ۲۷۹- ﴿فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ﴾: باور داشته باشید که به جنگ برخاسته‌اید.
- ۲۸۰- ﴿ذُو عُسْرَةٍ﴾: تنگدست و فقیر.
- ۲۸۰- ﴿فَنظْرَةٍ﴾: پس مهلت و تأخیر بر شما واجب است.
- ۲۸۲- ﴿وَلِيُمْلِلِ...﴾: و باید املاء و دیکته کند. . .
- ۲۸۲- ﴿لَا يَبْحَسُ مِنْهُ﴾: از حقی که بر ذمه اوست کم نکند.
- ۲۸۲- ﴿لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ﴾: خود نتواند دیکته کند.
- ۲۸۲- ﴿لَا يَأْبُ﴾: امتناع نورزد.

- ۲۸۲- ﴿لَا تَسْمُوا﴾: دلتنگ و ملول نشوید.
- ۲۸۲- ﴿أَقْسَطُ﴾: عادلانه‌تر.
- ۲۸۲- ﴿أَقَوْمٌ لِلشَّهَادَةِ﴾: درست‌تر و مساعدتر به ادای شهادت.
- ۲۸۲- ﴿أَدْنَىٰ﴾: نزدیکتر.
- ۲۸۲- ﴿فُسُوقٌ﴾: خروج از فرمان خدا و ارتکاب اعمال زشت.
- ۲۸۵- ﴿غُفْرَانِكَ﴾: از دربارت آمرزش می‌خواهیم.
- ۲۸۶- ﴿وَسَعَهَا﴾: توانش.
- ۲۸۶- ﴿إِصْرًا﴾: بار سنگین، مراد تکالیف شاقه است.
- ۲۸۶- ﴿لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾: توان انجام آن را نداریم.

سوره آل عمران

- ۲- ﴿الْحَىٰ﴾: زنده جاوید و فنا ناپذیر.
- ۲- ﴿الْقِيَوْمِ﴾: همواره به تدبیر آفرینش و حفظ آن می‌پردازد.
- ۴- ﴿أَنْزَلَ الْفُرْقَانَ﴾: قرآن را نازل کرد که به وسیله آن حق از باطل جدا شود.
- ۴- ﴿اللَّهُ عَزِيزٌ﴾: خدا غالب و قوی است که نتوان بر او چیره شد.
- ۷- ﴿ءَايَاتٍ مُّحْكَمَاتٍ﴾: آیات قرآن واضح و روشن است که هیچ اشتباه و حدس و گمان در آن نیست.
- ۷- ﴿أُمُّ الْكِتَابِ﴾: اصل و اساس کتاب که آیات دیگر با مراجعه به آنها واضح می‌شود.
- ۷- ﴿مُتَّسِلِهِتٍ﴾: معنای آنها پوشیده است، علم آنها خاصه خداست یا واضح و روشن نمی‌شود مگر به نظر دقیق.
- ۷- ﴿زَيْعٌ﴾: اعراض و انحراف از حق است.
- ۷- ﴿تَأْوِيلَهُ﴾: تفسیر او را موافق خواهش خود.

- ۸- ﴿لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا﴾: دل‌های ما را از حق و راه نیک منحرف نگردان.
- ۱۱- ﴿كَذَّابٌ...﴾: همچون عادت و حالت...
- ۱۲- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: دوزخ جایگاه بد است.
- ۱۳- ﴿لَعِبْرَةٌ﴾: پند و اندرز است.
- ۱۴- ﴿حُبُّ الشَّهَوَاتِ﴾: تمایل به هوس‌های غریزی.
- ۱۴- ﴿الْمُقَنْطَرَةُ﴾: مال فراوان.
- ۱۴- ﴿الْمُسُومَةَ﴾: نشانی دار یا بزرگ و زیبا.
- ۱۴- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، بز و گوسفند.
- ۱۴- ﴿وَالْحَرْثِ﴾: کشتزار.
- ۱۴- ﴿حُسْنُ الْمَأْتَابِ﴾: مرجع نیکو، بازگشت به جنت.
- ۱۷- ﴿الْقَانِتِينَ﴾: فرمان‌برداران در برابر او تعالی.
- ۱۷- ﴿بِالْأَسْحَارِ﴾: در آخرهای شب تا سپیده‌دم.
- ۱۸- ﴿قَائِمًا بِالْقِسْطِ﴾: مجری عدالت در همه موارد.
- ۱۹- ﴿الَّذِينَ﴾: فرمانبرداری و طاعت مورد رضایت خدا، یا شریعت مورد قبول او.
- ۱۹- ﴿الْإِسْلَامِ﴾: اقرار و تصدیق به وحدانیت خدا و عمل به شریعت اوست.
- ۱۹- ﴿بَعِيًّا﴾: از حسادت و طلب ریاست.
- ۲۰- ﴿أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ﴾: خود را به خلوص نیت به خدا تسلیم کردم یا عبادتم خاص برای اوست.
- ۲۰- ﴿وَالْأُمِّيِّينَ﴾: مشرکین عرب.
- ۲۲- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ﴾: اعمال آنها بطلان پذیرفت و بی‌ثمر ماند.
- ۲۴- ﴿عَرَّهُمْ﴾: آنها را فریفت و به طمع خام انداخت.
- ۲۴- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: افتراء می‌کردند.
- ۲۷- ﴿تَوَلَّجَ﴾: داخل می‌کنی.

- ۲۷- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.
- ۲۸- ﴿أَوْلِيَاءَ﴾: همراز، دوستدار، یار و یاور.
- ۲۸- ﴿تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَنَّةً﴾: از آنها حذر داشتید، خود را از شرشان حفظ کنید به زبان تظاهر به دوستی نمایید.
- ۲۸- ﴿يُحَذِّرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ﴾: خدا شما را از غضب و عذاب خود می ترساند.
- ۳۰- ﴿مُحْضَرًا﴾: آن را در نامه اعمال خود مشاهده می کند.
- ۳۳- ﴿عَالِ عِمْرَانَ﴾: عیسی و مادرش مریم دختر عمران.
- ۳۵- ﴿مُحَرَّرًا﴾: آزاد و فارغ برای عبادت تو و خدمت بیت المقدس.
- ۳۶- ﴿أُعِيذُهَا بِكَ﴾: او را به پناه و حفظ تو می سپارم.
- ۳۷- ﴿كَفَلَهَا زَكْرِيَّا﴾: خدا ذکریا را سرپرست و عهده دار مصالح مریم قرار داد.
- ۳۷- ﴿الْمِحْرَابِ﴾: اتاق عبادت او در بیت المقدس.
- ۳۷- ﴿أَأْتِي لِكَ هَذَا﴾: چگونه یا از کجا این غذا به دست تو رسید.
- ۳۷- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: عطا و بخشش پروردگار پایان ناپذیر یا وسیع و گسترده است.
- ۳۹- ﴿بِكَلِمَةٍ﴾: به عیسی که بدون پدر و به گفتن «کن: ایجاد شو» آفریده شده است.
- ۳۹- ﴿حُصُورًا﴾: با این که توان آمیزش با زنها دارد اما از زهد و پاکدامنی از مقاربت با آنها اجتناب می کند.
- ۴۰- ﴿أَأْتِي يَكُونُ﴾: چگونه یا از کجا می شود؟
- ۴۱- ﴿ءَايَةً﴾: نشانه باردار شدن همسرم تا شکرگزارت باشم.
- ۴۱- ﴿أَلَا تُكَلِّمُ النَّاسَ﴾: که نتوانی با مرد سخن بگویی بدون این که به تو آفتی رسیده باشد.
- ۴۱- ﴿إِلَّا رَمَزًا﴾: مگر به اشاره.
- ۴۱- ﴿سَبَّحَ بِالْعَشِيِّ﴾: از زوال تا غروب تسبیح بگو.
- ۴۱- ﴿إِلَّا بُكْرًا﴾: از طلوع صبح تا چاشت.

- ۴۳- ﴿أَقْنُتِي﴾: همواره به خلوص نیت طاعت و عبادت کن.
- ۴۴- ﴿يُقْتُونَ أَقْلَمَهُمْ﴾: بابت قرعه کشی تیرهای خود را انداختند.
- ۴۵- ﴿بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ﴾: به کلمه از خدا به گفتن لفظ «کن».
- ۴۵- ﴿وَجِيهًا﴾: دارای جاه، قدرت و شرف.
- ۴۶- ﴿فِي الْمَهْدِ﴾: درگهواره و شیرخوارگی پیش از زمان سخن گفتن.
- ۴۶- ﴿كَهَلًا﴾: زمان کمال قوتش، پس از فرود آمدن از آسمان.
- ۴۷- ﴿قَضَىٰ أَمْرًا﴾: چیزی را بخواهد یا آفرینش او را حتمی گرداند.
- ۴۸- ﴿الْكِتَابِ﴾: نوشتن با دست را به زیباترین شکل.
- ۴۸- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: دانش یا گفتار و کردار نیک.
- ۴۹- ﴿أَخْلَقَ لَكُمْ﴾: بخاطر رد انکار شما، شکل و اندازه‌اش را می‌سازم.
- ۴۹- ﴿أُبْرِيءُ الْأَكْمَةَ﴾: کور مادر زاد را بهبود می‌بخشم.
- ۴۹- ﴿مَا تَدَّخِرُونَ﴾: آنچه برای استفاده در آینده زخیره می‌کنید.
- ۵۲- ﴿أَحْسَ﴾: به یقین دانست.
- ۵۲- ﴿الْحَوَارِيُونَ﴾: دوستان نزدیک، یاران عیسی عليه السلام.
- ۵۴- ﴿مَكَرَ اللَّهُ﴾: خدا با تدبیر درست دسیسه ایشان را بی‌اثر ساخت.
- ۵۵- ﴿مُتَوَفِّيكَ﴾: تو را با روح و جسمت بگیرم.
- ۵۹- ﴿مَثَلِ عَيْسَى﴾: حالت و صفت شگفت انگیز او.
- ۶۰- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک و تردید کنندگان در حقانیت عیسی.
- ۶۱- ﴿تَعَالَوْا﴾: با عزم قاطع و اندیشه درست بیایید.
- ۶۱- ﴿نَبْتِهَلٍ﴾: هر کدام از ما دروغگو باشد بر او لعنت می‌کنیم.
- ۶۴- ﴿كَلِمَةٍ سَوَاءٍ﴾: سخنی که بین ما و شما یکسان است یا همه ادیان در آن اتفاق دارند.
- ۶۷- ﴿كَانَ حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان و به دین حق بود.

- ۶۷- ﴿مُسْلِمًا﴾ یکتاپرست یا فرمانبردار خدای متعال بود.
- ۶۸- ﴿وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾: خدا مسلمانان را کمک می‌کند و به اعمال نیک آنها پاداش می‌دهد.
- ۷۱- ﴿لِمَ تَلْبِسُونَ...﴾: چرا حق و باطل را مخلوط می‌کنید یا پنهان می‌دارید.
- ۷۵- ﴿عَلَيْهِ قَائِمًا﴾: با فشار از او مطالبه نمایی.
- ۷۵- ﴿فِي الْأُمِّيَّتَيْنِ﴾: از اموال عرب هر چه به دست ما بیاید.
- ۷۵- ﴿سَبِيلٌ﴾: ملامتی یا گناهی.
- ۷۷- ﴿لَا خَلْقَ لَهُمْ﴾: هیچ خیری نصیب آنها نمی‌شود یا قدر و منزلتی ندارند.
- ۷۷- ﴿لَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ﴾: به آنها نیکی نمی‌کند و آنها را نمی‌بخشد.
- ۷۷- ﴿لَا يُزَكِّيهِمْ﴾: آنها را از گناه پاک نمی‌سازد یا به نیکی یاد نمی‌کند.
- ۷۸- ﴿يَلُودُنَ الْأَسْنَتَهُمْ﴾: حقایق تورات را می‌پوشانند و آنچه را تحریف کرده‌اند به زبان می‌آورند.
- ۷۹- ﴿الْحُكْمَ﴾: حکمت یا فهم و دانش.
- ۷۹- ﴿كُونُوا رَبَّنِيَّيْنَ﴾: در مور دین دانشمند، فقیه و معلم باشید.
- ۷۹- ﴿تَدْرُسُونَ﴾: کتاب خدا را می‌خواندید.
- ۸۱- ﴿إِصْرِي﴾: عهد مرا.
- ۸۳- ﴿لَهُوَ أَسْلَمَ﴾: به او گردن نهاده و فروتنی کرده است.
- ۸۴- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان و نبرگان یعقوب عليه السلام.
- ۸۵- ﴿الْإِسْلَامَ﴾: یکتا پرستی یا شریعت پیامبر ما صلى الله عليه وسلم.
- ۸۸- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: عذاب آنها یک لحظه هم به تأخیر نمی‌افتد.
- ۹۲- ﴿الْبِرَّ﴾: احسان و خیر کامل را.
- ۹۳- ﴿إِسْرَائِيلَ﴾: یعقوب بن اسحاق عليه السلام.
- ۹۵- ﴿حَنِيفًا﴾: مایل به دین حق.

- ۹۶- ﴿بِكَاةٍ﴾: در مکه قرار دارد.
- ۹۹- ﴿تَبْعُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهید این راه مستقیم کج شود.
- ۱۰۱- ﴿مَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ﴾: کسی که به خدا پناه ببرد یا به دین او چنگ بزند.
- ۱۰۲- ﴿حَقُّ تُقَاتِهِ﴾: پرهیزگاری شایسته و لازم.
- ۱۰۳- ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ﴾: به عهد خدا یا کتاب او یا دین او چنگ بزنید.
- ۱۰۳- ﴿شَفَا حُفْرَةٍ﴾: کناره پرتگاه.
- ۱۱۱- ﴿أَذَى﴾: ضرر اندک با دروغ یا تهدید.
- ۱۱- ﴿يُولُوكُمُ الْأَدْبَارَ﴾: از شما شکست می‌خورند و خوار می‌شوند.
- ۱۱۲- ﴿ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ﴾: آنها را در احاطه گرفته است یا به آنها چسبیده است.
- ۱۱۲- ﴿الذِّلَّةُ﴾: خواری و بی‌عزتی.
- ۱۱۲- ﴿تُفُفُوا﴾: یافت شوند.
- ۱۱۲- ﴿بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ﴾: به عهد او تعالی، مراد اسلام است.
- ۱۱۲- ﴿حَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾: عهد و پیمان مسلمانان.
- ۱۱۲- ﴿بَاءٌ وَبِعَضْبٍ﴾: باز هم به قهر خدا که سزاوار آن بودند دچار شدند.
- ۱۱۲- ﴿الْمَسْكَنَةُ﴾: بخل و بینوایی در سرشت آنهاست.
- ۱۱۳- ﴿لَيْسُوا سَوَاءً﴾: اهل کتاب همه یکسان نیستند.
- ۱۱۳- ﴿أُمَّةٌ قَائِمَةٌ﴾: گروهی از آنها مستقیم و پابند حقند.
- ۱۱۶- ﴿لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ﴾: هرگز از آنها دور نمی‌کند.
- ۱۱۷- ﴿فِيهَا صِرٌّ﴾: در آن باد سرمای شدید یا گرمای سوزنده است.
- ۱۱۷- ﴿حَرَّتْ قَوْمٍ﴾: به کشت آنها.
- ۱۱۸- ﴿طَائِفَةٌ﴾: دوستانی که راز نهانی شما را دریابند.
- ۱۱۸- ﴿لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا﴾: در تباه کردن دین شما کوتاهی نمی‌کنند.
- ۱۱۸- ﴿وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ﴾: دوست دارند که شما به رنج و مشقت شدید گرفتار باشید.

- ۱۱۹- ﴿خَلَوْا﴾: رفتند، یا با یکدیگر تنها شدند.
- ۱۱۹- ﴿مِنَ الْعَيْظِ﴾: از خشم و غضب شدید.
- ۱۲۱- ﴿عَدَوْتَ﴾: صبحگاه از مدینه بیرون آمدی.
- ۱۲۱- ﴿تُبَوِّئُ﴾: آماده می‌کردی.
- ۱۲۱- ﴿مَقْعِدَ لِقِتَالٍ﴾: میدان جنگ را در روز احد.
- ۱۲۲- ﴿أَنْ تَفْشَلَا﴾: که ناتوانی و بزدلی کنند.
- ۱۲۳- ﴿أَذِلَّةٌ﴾: ضعیف بودید، افراد کم و ساز و برگ نظامی اندک داشتید.
- ۱۲۴- ﴿أَنْ يُمَدَّكُمْ﴾: شما را تقویت کند و کمک رساند، روز بدر.
- ۱۲۵- ﴿يَأْتُوكُمْ﴾: مشرکان بر شما هجوم بیاورند.
- ۱۲۵- ﴿فَوَرِهِمْ هَذَا﴾: شتابان در همین لحظه.
- ۱۲۵- ﴿مُسْوِمِينَ﴾: خود یا اسب‌هایشان را با علایم خاص نشانی کرده‌اند.
- ۱۲۷- ﴿لِيَقْطَعَ طَرَفًا﴾: تا خدا گروهی را منهدم کند.
- ۱۲۷- ﴿يَكْتَبِتُهُمْ﴾: آنها را منهزم، رسوا و اندهگین سازد.
- ۱۳۰- ﴿مُضْعَفَةً﴾: چند برابر، کم و بیش ربا حرام است.
- ۱۳۴- ﴿السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ﴾: توانگری و تنگدستی.
- ۱۳۴- ﴿وَالْكُظُمِينَ الْعَيْظِ﴾: آنها بر خشم خود تسلط دارند.
- ۱۳۵- ﴿فَعَلُوا فَلَاحِشَةً﴾: گناه بزرگی در منتهای قباحت و زشتی انجام بدهند.
- ۱۳۷- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشته و سپری شده است.
- ۱۳۷- ﴿سُنَّ﴾: حوادثی در مورد ملت‌های که پیامبران را تکذیب کردند.
- ۱۳۹- ﴿لَا تَهْنُوا﴾: در جنگ با دشمنان ناتوانی نکنید.
- ۱۴۰- ﴿قَرَحٌ﴾: جراحی در احد.
- ۱۴۰- ﴿قَرَحٌ مِّثْلُهُ﴾: جراحی مانند آن در بدر.
- ۱۴۰- ﴿نُدَاوِلْهَا﴾: این روزها را به حالت‌های مختلف بر می‌گردانیم.

- ۱۴۱- ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا از گناه پاک گردند.
- ۱۴۱ ﴿يُمَحِّقُ﴾: نابود و ریشه کن سازد.
- ۱۴۵- ﴿كِتَابًا مُّوجَّلاً﴾: وقت مرگ هر کس معین و نوشته است.
- ۱۴۶ ﴿وَكَايِنٍ مِّن نَّبِيٍّ﴾: بسیاری از پیامبران.
- ۱۴۶- ﴿رَبِّيُّونَ﴾: علما فقها یا گروه‌های بسیار.
- ۱۴۶- ﴿فَمَا وَهَنُوا﴾: عاجز و ناتوان نشدند یا بزدل نگردیدند.
- ۱۴۶- ﴿مَا أَسْتَكَانُوا﴾: از دشمنان خود خواری و ذلت نکشیدند.
- ۱۵۰- ﴿اللَّهُ مَوْلَاكُمْ﴾: تنها خدا یار و یاور شماست.
- ۱۵۱- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس را.
- ۱۵۱- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- ۱۵۱- ﴿مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾: جای اقامت ستمگران.
- ۱۵۲- ﴿حُسُونُهُمْ﴾: آنها را به سرعت می‌کشید.
- ۱۵۲- ﴿فَشِلْتُمْ﴾: از دشمن ترسیدید و بزدل شدید.
- ۱۵۲- ﴿لِيَبْتَلِيَكُمْ﴾: تا صبر و ثبات شما را امتحان کند.
- ۱۵۳ ﴿نُصْعِدُونَ﴾: در وادی احد فرار می‌کردید.
- ۱۵۳ ﴿وَلَا تَلْوُونَ﴾: به هیچ کس توجه نمی‌کردید.
- ۱۵۳- ﴿فَأْتَبَكُمْ﴾: پس خدا جزای نافرمانی شما را داد.
- ۱۵۳- ﴿عَمَّا بَعَرَّ﴾: غم در پی غم.
- ۱۵۴- ﴿أَمْنَةً﴾: امنیت، بدون ترس و بیم.
- ۱۵۴- ﴿نُعَاسًا﴾: آرامش یا خواب سبک.
- ۱۵۴- ﴿يَعْشَى﴾: مانند پوشش و پرده می‌پوشاند.
- ۱۵۴- ﴿لِبَرَزٍ﴾: حتماً بیرون می‌آمدند.
- ۱۵۴- ﴿مَضَاجِعِهِمْ﴾: قتلگاه‌های خویش که خدا معین کرده است.

- ۱۵۴ - ﴿لِيَبْتَلِيَ﴾: تا خدا امتحان کند.
- ۱۵۴ - ﴿لِيُمَحِّصَ﴾: تا پاک و خالص گرداند یا آشکار سازد.
- ۱۵۵ - ﴿أَسْرَزَلَهُمُ الشَّيْطَانَ﴾: شیطان با وسوسه‌های خود آنها را به لغزش انداخت.
- ۱۵۶ - ﴿صَرَبُوا﴾: برای تجارت یا کار دیگر به مسافرت رفتند و مردند.
- ۱۵۶ - ﴿عُزِّي﴾: به صف مجاهدین پیوستند و شهید شدند.
- ۱۵۹ - ﴿فِيمَا رَحْمَةٍ﴾: به سبب مهربانی بسیاری که.
- ۱۵۹ ﴿لَنْتَ لَهُمْ﴾: با آنها به اخلاق نیکو رفتار نمودی و درستی نکردی.
- ۱۵۹ - ﴿فَطَّأ﴾: تند و خشین در گفتار و کردار.
- ۱۵۹ - ﴿لَا نَفْضُوا﴾: مردم بیزار و پراکنده می‌شدند.
- ۱۶۰ - ﴿فَلَا عَالِبَ لَكُمْ﴾: کس نتواند شما را شکست دهد و بر شما چیره شود.
- ۱۶۱ - ﴿يَعْلُ﴾: به غنیمت خیانت کند.
- ۱۶۲ - ﴿بَاءَ بِسَخَطٍ﴾: غرق امواج خشم خدا بازگشت.
- ۱۶۴ - ﴿يُرَكِّبُهُمُ﴾: آنها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می‌کند.
- ۱۶۵ - ﴿أَتَىٰ هَذَا﴾: این شکست و خواری از کجا به ما روی آورد.
- ۱۶۸ - ﴿فَادْرَعُوا﴾: پس دور کنید.
- ۱۷۲ - ﴿أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ﴾: روز احد زخمی شده بودند.
- ۱۷۸ - ﴿أَنَّمَا نُمَلِّ لَهُمْ﴾: به کافران که مهلت می‌دهیم.
- ۱۷۹ - ﴿يَجْتَبِي﴾: انتخاب می‌کند.
- ۱۸۰ - ﴿سَيَطُوفُونَ﴾: به زودی طوق گردنشان خواهد شد.
- ۱۸۳ - ﴿عَهْدِ الْيَنَّا﴾: خدا در تورات به ما دستور داده و سفارش کرده است.
- ۱۸۳ - ﴿يَقْرَبَانَ﴾: قربانی، عمل نیکی که به وسیله آن به دربار خدا تقرب جویند.
- ۱۸۴ - ﴿الزُّبُرِ﴾: کتابهای پند آمیز.
- ۱۸۵ - ﴿عَنِ النَّارِ زُجْرَ﴾: از دوزخ دور داشته شود.

- ۱۸۵- ﴿الْغُرُورُ﴾: فریبنده یا ناچیز و ناپایدار.
- ۱۸۶- ﴿لُتْبُلُونُ﴾: بدون شک با گرفتاری به محنتها مورد امتحان و آزمایش قرار می‌گیرید.
- ۱۸۷- ﴿فَبَدُّوهُ﴾: پس آن عهد را بی‌اعتنا به دور انداختند.
- ۱۸۸- ﴿بِمَفَازَةٍ﴾: نجات و رهایی.
- ۱۹۱- ﴿بِطِلَالٍ﴾: بیهوده و عاری از حکمت.
- ۱۹۱- ﴿فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾: پس ما را از عذاب دوزخ حفظ نما.
- ۱۹۲- ﴿أَخْزَيْتَهُ﴾: رسوا، حقیر و تبااهش ساخته‌ای.
- ۱۹۳- ﴿مُنَادِيًا﴾: پیامبر اکرم یا قرآن کریم.
- ۱۹۳- ﴿ذُنُوبَنَا﴾: گناهان کبیره ما را.
- ۱۹۳- ﴿كَفَّرَ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا﴾: گناهان صغیره ما را محو کن.
- ۱۹۶- ﴿لَا يَغُرَّتْكَ﴾: تو را فریب ندهد.
- ۱۹۶- ﴿تَقَلُّبُ﴾: جنب و جوش و کسب و کار.
- ۱۹۷- ﴿مَتَعٌ قَلِيلٌ﴾: روزی ناپایدار و نعمت نابود شدنی.
- ۱۹۷- ﴿بِئْسَ الْمِهَادُ﴾: جهنم جایگاه بد است.
- ۱۹۸- ﴿نُزُلًا﴾: ضیافتی، مهمان‌داری و پاداشی است.
- ۲۰۰- ﴿صَابِرُونَ﴾: با صبر و ثبات بر دشمنان پیروز شوید.
- ۲۰۰- ﴿رَابِطُونَ﴾: آماده جهاد شوید و از مرزهای سرزمین اسلامی مواظبت نمایید.

سوره نساء

- ۱- ﴿بَيْتٌ مِنْهُمَا﴾: از آدم و همسرش با ایجاد نسل، پراکنده ساخت.
- ۱- ﴿الْأَرْحَامَ﴾: از قطع پیوند و محبت خویشاوندان بپرهیزید.
- ۱- ﴿رَقِيبًا﴾: آگاه یا مراقب اعمال شماست.

- ۲- ﴿حُوبًا كَبِيرًا﴾: گناهی بزرگ یا ستمی بزرگ است.
- ۳- ﴿أَلَا تُقْسِطُوا﴾: این که عدالت و انصاف نکنید.
- ۳- ﴿مَا طَابَ لَكُمْ﴾: آنچه به شما حلال است.
- ۳- ﴿رُبْعًا﴾: چهار زن، زیاد از چهار حرام است.
- ۳- ﴿أَلَا تَعْدِلُونَ﴾: که در نفقه و حقوق دیگر نمی‌توانید عدالت کنید.
- ۳- ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا﴾: این نزدیک‌تر به ترک ستمکاری است یا که زن و فرزندان زیاد نگردد.
- ۴- ﴿صَدَقْتِهِنَّ﴾: مهر آنها را.
- ۴- ﴿نِحْلَةً﴾: به عنوان فریضه یا بخشش.
- ۴- ﴿هِنِيئًا مَّرِيئًا﴾: حلال و خوشگوار با فرجام نیکو.
- ۵- ﴿فِيمَا﴾: مایه آراستگی اسباب زندگانی و خیر و صلاح امور شما.
- ۶- ﴿وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ﴾: یتیمان را قبل از بلوغ بیازمایید، آیا راه استفاده مناسب از اموال خود را می‌دانند.
- ۶- ﴿ءَأَنْتُمْ﴾: دریافتید.
- ۶- ﴿رُشْدًا﴾: راه استفاده درست از اموال خود را.
- ۶- ﴿بِدَارًا أَنْ يَكْبُرُوا﴾: به شتاب از ترس این که بزرگ شوند و به حد رشد برسند.
- ۶- ﴿فَلْيَسْتَعْفِفْ﴾: از خوردن اموال آنها امتناع ورزد.
- ۶- ﴿حَسِيْبًا﴾: محاسب یا شاهد اعمال شماست.
- ۷- ﴿مَفْرُوضًا﴾: واجب یا معین و قطعی.
- ۹- ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾: گفتار خوب یا درست و عادلانه.
- ۱۰- ﴿سَيَصْلُونَ سَعِيرًا﴾: به زودی به آتش شعله‌ور و هول انگیز درآیند.
- ۱۱- ﴿يُوصِيكُمُ اللَّهُ﴾: خدا به شما دستور می‌دهد و معین می‌کند.
- ۱۱- ﴿فَرِيضَةً﴾: بر شما فرض است.

- ۱۲- ﴿كَلَّلَ﴾: متوفای که نه فرزند دارد و نه پدر.
- ۱۳- ﴿حُدُودُ اللَّهِ﴾: احکام، شریعت و فرموده خداست.
- ۱۷- ﴿بِجَهْلَةٍ﴾: از روی نادانی، هر نافرمان جاهل است.
- ۱۹- ﴿كِرْهًا﴾: بدون خوشی و رضایت‌شان.
- ۱۷- ﴿لَا تَعْضُلُوهُنَّ﴾: به قصد ضرر رساندن به آنها، مانع ازدواج‌شان نشوید.
- ۱۷- ﴿بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾: گناه آشکار، ناسازگاری، خوی بد یا زنا.
- ۲۰- ﴿بُهْتَانًا﴾: به باطل و ستم.
- ۲۱- ﴿أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ...﴾: از یکدیگر کام گرفته‌اید، به مقاربت جنسی یا خلوت صحیح.
- ۲۱- ﴿مِيثَاقًا عَلِيًّا﴾: عهد استوار.
- ۲۲- ﴿مَقْتًا﴾: نهایت ناپسندی و پستی است.
- ۲۳- ﴿رَبِّبِكُمْ﴾: دختران همسران از شوهر دیگر آنها.
- ۲۳- ﴿فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ﴾: بر شما گناه محسوب نمی‌شود.
- ۲۳- ﴿حَالِلٍ أَبْنَائِكُمُ﴾: همسران پسران.
- ۲۴- ﴿وَالْمُحْصَنَاتُ﴾: زنان شوهردار.
- ۲۴- ﴿مُحْصِنِينَ﴾: پاکدامنان.
- ۲۴- ﴿غَيْرِ مُسْلِفِينَ﴾: نه به زنا.
- ۲۴- ﴿أَجُورَهُنَّ﴾: مهر آنها را.
- ۲۵- ﴿طَوَلًا﴾: ثروت و توان مالی.
- ۲۵- ﴿الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان آزاد.
- ۲۵- ﴿فَتَيِّبَتِكُمْ﴾: کنیزان خود.
- ۲۵- ﴿مُحْصَنَاتٍ﴾: پاکدامنان.
- ۲۵- ﴿غَيْرِ مُسْلِفَاتٍ﴾: نه کنیزانی که به طور آشکار دست به زنا می‌زنند.
- ۲۵- ﴿لَا مُتَّخِذَاتِ أَحْدَانٍ﴾: نه کنیزانی که دوستان نهانی برای زنا می‌گیرند.

- ۲۵- ﴿خَشِيَ الْعَنَتَ﴾: از زنا و یا از ملوث شدن به این گناه بترسد.
- ۲۶- ﴿سُنَنَ﴾: راهها و شیوه‌های.
- ۲۹- ﴿بِالْبَطِيلِ﴾: به ناحق و مخالف حکم پروردگار.
- ۳۰- ﴿نُصَلِّيهِ نَارًا﴾: او را در دوزخ می‌افکنیم.
- ۳۱- ﴿سَيِّئَاتِكُمْ﴾: گناهان صغیره شما را.
- ۳۱- ﴿مُدْخَلًا كَرِيمًا﴾: جای خوب جنت.
- ۳۳- ﴿جَعَلْنَا مَوْلَىٰ مِمَّا تَرَكَ﴾: عصبه و وارثانی قرار دادیم که از اموال متوفّا ارث بگیرند.
- ۳۳- ﴿الَّذِينَ عَقَدْتَ أَيْمَنُكُمْ﴾: کسانی که با آنها عهد بسته‌اید که از هم میراث بگیرید، این به نزد جمهور منسوخ است.
- ۳۴- ﴿قَوْمُونَ عَلَىٰ النِّسَاءِ﴾: مدبر امور و سرپرست زنان هستند مثل حمایت و سرپرستی فرمانروایان مصلح از عامه مردم.
- ۳۴- ﴿قَلْبَتٌ﴾: فروتن و فرمانبردار در برابر خدا و شوهر.
- ۳۴- ﴿حَفِظْتُ لِّلْغَيْبِ﴾: ناموس و ثروت شوهر را در غیاب او حفظ می‌کنند.
- ۳۴- ﴿بِمَا حَفِظَ اللَّهُ﴾: زنان نیز بالای شوهران خویش حقوقی دارند.
- ۳۴- ﴿نُشُورَهُنَّ﴾: ناسازگاری و برتری جویی آنها را.
- ۳۶- ﴿الْجَارِ الْجُنُبِ﴾: همسایه‌ای که خویشاوند نزدیک نیست یا منزلش دورتر است.
- ۳۶- ﴿الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ﴾: همنشین نیکو.
- ۳۶- ﴿أَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافر یا مهمان.
- ۳۶- ﴿مُخْتَالًا﴾: متکبر خود پسند.
- ۳۶- ﴿فَخُورًا﴾: کسی که به هنر و کارهای نیک خود افتخار و تکبر کند.
- ۳۸- ﴿رِثَاءَ النَّاسِ﴾: برای این که مردم ببینند و بشنوند نه به رضای خدا.
- ۴۰- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا گرد و غبار.
- ۴۲- ﴿لَوْ تَسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ﴾: با خاک یکسان می‌بودند و مبعوث نمی‌شدند.

- ۴۳- ﴿عَايِرِي سَبِيلٍ﴾: مسافرهایی که آب نیابند تیمم می کنند.
- ۴۳- ﴿الْغَايِبِ﴾: جای قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.
- ۴۳- ﴿لَمَسْتُمُ اللَّيْسَاءَ﴾: با آنها مقاربت انجام دهید یا به بدن آنها دست بمالید.
- ۴۳- ﴿صَعِيدًا طَيِّبًا﴾: خاک یا زمین پاک.
- ۴۶- ﴿يُحْرِفُونَ الْكَلِمَ﴾: سخنان را تغییر می دهند یا به باطل تأویل می کنند.
- ۴۶- ﴿وَأَسْمَعَ غَيْرَ مُسْمَعٍ﴾: و بشنو که هیچ نشنویی، یهود به این سخن قصد نفرین او ﷺ را داشت.
- ۴۶- ﴿رَاعِنَا﴾: یهود این جمله را به قصد دشنام و کم و کاست نشان دادن پیامبر می گفت.
- ۴۶- ﴿لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ﴾: طوری به زبان می آوردند که معنی ناشایست می داد.
- ۴۶- ﴿أَفْوَمَ﴾: شایسته تر و درست تر.
- ۴۷- ﴿نَنْظِمَسَ وَجُوهًا﴾: آثار چهره ها را محو کنیم یا آنها را در گمراهی بگذاریم.
- ۴۹- ﴿يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را می ستایند که از گناه پاکند.
- ۴۹- ﴿فَتِيلاً﴾: به اندازه رشته نازک روی هسته خرما.
- ۵۱- ﴿بِالْحَبِثِ وَالطَّلْعُوتِ﴾: به بت و طاغوت، هر چه غیر از خدا مورد پرستش قرار گیرد.
- ۵۳- ﴿نَقِيرًا﴾: به اندازه فرو رفتگی پشت هسته خرما.
- ۵۶- ﴿نُضَلِيهِمْ نَارًا﴾: آنها را در آتش هول انگیز داخل و بریان می کنیم.
- ۵۶- ﴿نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ﴾: پوست تن آنها بسوزد و نابود گردد.
- ۵۷- ﴿ظَلِيلًا﴾: سایه مداوم با هوای متعادل.
- ۵۸- ﴿تُؤَدُّوْا الْأَمْنَتِ﴾: حقوق خدا و بندگان او را ادا کنید.
- ۵۸- ﴿نِعْمًا يَعْظُمُكُمْ بِهِ﴾: خدا با این چیزها شما را چه نیکو اندرز می دهد.
- ۵۹- ﴿أَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾: فرجامش نیکوتر و عاقبتش ستوده تر است.
- ۶۰- ﴿الطَّلْعُوتِ﴾: یهودی گمراه، کعب بن اشرف.

- ۶۱- ﴿يَصُدُّونَ عَنْكَ﴾: منافقان از آمدن نزد تو اعراض می کنند.
- ۶۵- ﴿شَجَرَ بَيْنَهُمْ﴾: در اختلافات خود که حکمش بر آنها پوشیده است.
- ۶۵- ﴿حَرَجًا﴾: دلتنگی یا شک.
- ۶۶- ﴿أَشَدَّ تَثْبِيتًا﴾: موجب ثبات و پایداری ایمان آنها می شد.
- ۷۱- ﴿خُذُوا حِذْرَكُمْ﴾: مسلح شوید یا در برابر دشمن بیدار و هوشیار باشید.
- ۷۱- ﴿فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ﴾: به صورت گروه‌ها و دسته‌های جداگانه و با ثبات به جهاد حرکت کنید.
- ۷۲- ﴿لِيَبْطِئَنَّ﴾: سستی و تنبلی می کند یا روحیه جهاد را ضعیف می نماید.
- ۷۴- ﴿يَشْرُونَ﴾: می فروشند، مؤمنان.
- ۷۶- ﴿الطُّغُوتِ﴾: شیطان، راه آن کفر است.
- ۷۷- ﴿فَتِيلاً﴾: به اندازه رشته نازک روی هسته خرما.
- ۷۸- ﴿بُرُوجٍ﴾: پناهگاه‌ها و قلعه‌ها یا قصرها.
- ۷۸- ﴿مُشِيدَةً﴾: محکم یا بسیار بلند.
- ۸۰- ﴿حَفِيظًا﴾: حافظ، مراقب اعمال آنها.
- ۸۱- ﴿بَرَزُوا﴾: بیرون رفتند.
- ۸۱- ﴿بَيْتٍ طَائِفَةٍ﴾: گروهی در جلسات شبانه تصمیم مزورانه می گیرند.
- ۸۳- ﴿أَذَاعُوا بِهِ﴾: آن را فاش و شایع می سازند، این کار مایه زیان و فساد است.
- ۸۳- ﴿يَسْتَنْبِطُونَهُ﴾: افشاگران تدبیر و تحلیل آن را به دست می آوردند که کدام خبر قابل نشر است یا از راست و دروغ بودن آن آگاه می شدند.
- ۸۴- ﴿بَأْسٍ﴾: زور و قدرت.
- ۸۴- ﴿أَشَدُّ بَأْسًا﴾: دارای بزرگترین قدرت است.
- ۸۴- ﴿أَشَدُّ تَنْكِيلًا﴾: عذاب و انتقام او تعالی شدیدتر است.
- ۸۵- ﴿كِفْلٌ مِّنْهَا﴾: سهمی از آن گناه.

- ۸۵- ﴿مُقِيَّتًا﴾: توانا یا حافظ است.
- ۸۶- ﴿حَسِيْبًا﴾: محاسب، پاداش دهنده یا شاهد.
- ۸۸- ﴿أَرْكَسَهُمُ﴾: خدای متعال آنها را سرنگون ساخته و به حکم کفر برگردانده است.
- ۹۰- ﴿حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ﴾: دلتنگ شده‌اند.
- ۹۰- ﴿الْسَّلَمِ﴾: صلح را.
- ۹۱- ﴿أَرْكَسُوا فِيهَا﴾: به زشت‌ترین حالت در فتنه سرنگون می‌شوند.
- ۹۱- ﴿ثَقِفْتُمُوهُمْ﴾: آنها را یافتید یا بر آنها تسلط پیدا کردید.
- ۹۴- ﴿ضَرَبْتُمْ﴾: سفر کردید.
- ۹۴- ﴿الْسَّلَمِ﴾: اظهار اسلام یا سلام مسلمانی.
- ۹۵- ﴿عَرَضَ الْحَيَوةَ الدُّنْيَا﴾: غنیمت را که نعمت نابود شدنی است.
- ۹۵- ﴿غَيْرِ أُولِي الضَّرْرِ﴾: بدون کسانی که عذر خاصی، مانع رفتن‌شان به جهاد می‌گردد.
- ۱۰۰- ﴿مُرَاعِمًا﴾: اقامت‌گاهی که در آنجا رود.
- ۱۰۱- ﴿يَفْتِنِكُمْ﴾: به شما رنج و اندوه برساند.
- ۱۰۲- ﴿جَذَرَهُمْ﴾: خود را از دشمن حفظ نمایند.
- ۱۰۲- ﴿تَعْفُلُونَ﴾: غافل شوید.
- ۱۰۳- ﴿كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾: فرض است، اوقات معینی دارد.
- ۱۰۴- ﴿لَا تَهِنُوا﴾: سستی و ناتوانی نکنید.
- ۱۰۵- ﴿حَصِيْمًا﴾: مدافع آنها.
- ۱۰۷- ﴿يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ﴾: با ارتکاب گناه به خود خیانت می‌کنند.
- ۱۰۸- ﴿يَبِيْتُونَ﴾: در دل شب توطئه می‌کنند.
- ۱۰۹- ﴿وَكَيْلًا﴾: حافظ و نجات دهنده از عذاب خدا.
- ۱۱۲- ﴿بُهْتَانًا﴾: دروغ بسیار زشت.

- ۱۱۴ - ﴿مُجَوَّبُهُمْ﴾: سخنانی که پنهانی و سری به یکدیگر می‌گویند.
- ۱۱۵ - ﴿يُشَاقِقِ الرَّسُولَ﴾: با پیامبر مخالفت می‌کند.
- ۱۱۵ - ﴿تَوَلَّيْهِ مَا تَوَلَّى﴾: او را به روشی که اختیار کرده است رها می‌سازیم.
- ۱۱۵ - ﴿نُصَلِّهِ جَهَنَّمَ﴾: او را به دوزخ وارد می‌کنیم، در آن جا کباب می‌شود.
- ۱۱۷ - ﴿إِنثَاءً﴾: بت‌های را که مانند زنان زینت می‌کنند.
- ۱۱۷ - ﴿شَيْطَانًا مَّرِيدًا﴾: شیطان سرکش و عاری از خیر.
- ۱۱۸ - ﴿مَفْرُوضًا﴾: تعداد معینی را به گمراهی و کفر می‌کشانم.
- ۱۱۹ - ﴿فَلْيَبْتَئِكُنَّ﴾: تا قطع کنند یا بشکافند.
- ۱۱۹ - ﴿خَلَقَ اللَّهُ﴾: آفرینش خدا را، مراد دین خداست.
- ۱۲۰ - ﴿عُرُورًا﴾: فریب و ناچیز.
- ۱۲۱ - ﴿مُحَيِّصًا﴾: جای فرار، پناهگاهی و جای برگشتی.
- ۱۲۲ - ﴿قِيَلًا﴾: سخن.
- ۱۲۴ - ﴿نَقِيرًا﴾: اندازه فرورفتگی کوچک در پشت هسته خرما.
- ۱۲۵ - ﴿أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ﴾: بدون ریا تسلیم امر خدا شده یا به اخلاص به عبادت خدا روی آورده است.
- ۱۲۵ - ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل روگردان و متمایل به دین حق.
- ۱۲۷ - ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت در میراث و اموال.
- ۱۲۸ - ﴿بِعُلَاهَا﴾: شوهرش.
- ۱۲۸ - ﴿نُشُورًا﴾: به ستم از او دوری گزیند.
- ۱۲۸ - ﴿الشَّحَّ﴾: بخل آمیخته به حرص.
- ۱۲۹ - ﴿أَنْ تَعْدِلُوا﴾: که در محبت و میل خاطر عدالت کنید.
- ۱۳۰ - ﴿مِنْ سَعْتِهِ﴾: از فضل و از ثروت بی‌پایانش.
- ۱۳۲ - ﴿وَكَيْلًا﴾: آگاه یا مدافع یا برپادارنده جهان است.

- ۱۳۵- ﴿أَنْ تَعْدِلُوا﴾: تا زشتی‌های عدول از حق دامنگیرتان نشود.
- ۱۳۵- ﴿تَلُؤُوا﴾: در ادای شهادت از حق انحراف نمایید.
- ۱۳۵- ﴿تُعْرَضُوا﴾: شخصاً شهادت ادا نکنید.
- ۱۳۹- ﴿الْعِزَّةُ﴾: نیروی دفاعی، قدرت و پیروزی.
- ۱۴۱- ﴿يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ﴾: مراقب هستند چه حوادثی به شما پیش می‌آید.
- ۱۴۱- ﴿فَتَحُّ﴾: پیروزی و غنیمت.
- ۱۴۱- ﴿أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ﴾: آیا ما نمی‌توانستیم با مسلمان‌ها همدست شویم و بر شما تسلط یابیم اما ما شما را نجات دادیم.
- ۱۴۳- ﴿مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ﴾: متردد بین کفر و ایمان.
- ۱۴۴- ﴿سُلْطَنَا مُبِينًا﴾: دلیل آشکار برای تعذیب خود.
- ۱۴۵- ﴿الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ﴾: طبقه‌ای که در عمق جهنم است.
- ۱۵۳- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار به چشم.
- ۱۵۳- ﴿الصَّعِقَةَ﴾: آتش یا آوازی از آسمان.
- ۱۵۴- ﴿لَا تَعْدُوا فِي الْأَسْبَتِ﴾: با شکار ماهی در روز شنبه، دست به تجاوز نزنید.
- ۱۵۴- ﴿مِيثَقًا غَلِيظًا﴾: عهد و پیمان محکم به اطاعت از خدا.
- ۱۵۵- ﴿قُلُوبُنَا غُلْفٌ﴾: دل‌های ما از آفرینش در غلاف و پرده‌اند سخنان تو را نمی‌فهمند.
- ۱۵۵- ﴿طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا﴾: خدا بر دل‌های آنها مهر زده و از درک حقایق مانع شده است.
- ۱۵۶- ﴿بُهْتَنًا عَظِيمًا﴾: دروغ و تهمتی بسیار زشت.
- ۱۵۷- ﴿شِبْهَ لَهُمْ﴾: مقتول شبیه عیسی شد.
- ۱۶۲- ﴿وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ﴾: و نمازگزاران را به نیکویی یاد می‌کنیم.
- ۱۶۳- ﴿الْأَسْبَاطِ﴾: فرزندان و نبیرگان یعقوب علیه السلام.
- ۱۶۳- ﴿زُبُورًا﴾: کتابی که سراسر پند و حکمت است.

- ۱۷۱- ﴿لَا تَغْلُوا﴾: افراط نکنید و از حد تجاوز ننمایید.
- ۱۷۱- ﴿الْمَلَكِئَةَ﴾: کلمه اوست، به کلمه «کن: ایجاد شو» بدون پدر و نطفه خلق شد.
- ۱۷۱- ﴿وَرُوحٌ مِّنْهُ﴾: دارای روح از امر خدا، مانند سایر ارواح مخلوق اوست.
- ۱۷۲- ﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ﴾: مسیح هرگز از بندگی خدا ننگ ندارد، برتری نمی جوید و تکبر نمی ورزد.
- ۱۷۴- ﴿بُرْهَنٌ﴾: رسول خدا.
- ۱۷۴- ﴿نُورًا مُّبِينًا﴾: قرآن کریم.
- ۱۷۶- ﴿الْكَلَلَةَ﴾: متوفایی که پدر و فرزند ندارد.

سوره مائده

- ۱- ﴿بِالْعُقُودِ﴾: به عهد و پیمان‌های مؤکد.
- ۱- ﴿الْأَنْعَامِ﴾: شتر، گوسفند، بز و گاو.
- ۱- ﴿غَيْرِ مُحِلِّي الصَّيْدِ﴾: شکار حرام است، حلالش نشمارید.
- ۱- ﴿أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾: که شما در حال احرام حج یا عمره باشید.
- ۲- ﴿لَا تُحْلُوا﴾: بی حرمتی نکنید.
- ۲- ﴿شَعَائِرَ اللَّهِ﴾: مناسک حج یا نشانه‌های دین خدا را.
- ۲- ﴿الشَّهْرِ الْحَرَامِ﴾: ماه‌های چهارگانه حرام را.
- ۲- ﴿الْهَدْيِ﴾: چارپایی را که برای قربانی به کعبه فرستند.
- ۲- ﴿الْقَلْبِدِ﴾: آنچه قربانی را با آن نشانی کنند.
- ۲- ﴿لَا ءَامِينَ الْبَيْتِ﴾: نه کسانی را که به قصد حج و عمره برای زیارت خانه خدا روان می‌شوند.
- ۲- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: وادارتان نکند.

- ۲- ﴿شَتَّانُ قَوْمٍ﴾: کینه شما نسبت به آنها.
- ۳- ﴿الْدَّمِ﴾: خون جاری.
- ۳- ﴿لَحْمُ الْخَنزِيرِ﴾: همه اجزای بدن خوک.
- ۳- ﴿مَا أَهْلٌ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: آنچه هنگام ذبح آن، نام غیر خدا ذکر شود.
- ۳- ﴿الْمُنْحَنِفَةُ﴾: حیوانی که خفه شده باشد.
- ۳- ﴿وَالْمَوْقُوذَةُ﴾: حیوانی که به اثر زدن بمیرد.
- ۳- ﴿وَالْمُتَرَدِّيَةُ﴾: حیوانی که به اثر سقوط از بلندی مرده باشد.
- ۳- ﴿وَالطَّيْحَةُ﴾: جانوری که به شاخ زدن حیوان دیگری مرده باشد.
- ۳- ﴿مَا أَكَلَّ السَّبْعُ﴾: جانوری که درنده‌ای قسمتی از بدن او را بخورد و او از اثر همین زخم بمیرد.
- ۳- ﴿مَا ذَكَّيْتُمْ﴾: حیوانی که قبل از مردنش به او برسید و ذبحش کنید.
- ۳- ﴿الْأُصْبِ﴾: سنگ‌های بود پیرامون کعبه که به آنها تعظیم می‌کردند.
- ۳- ﴿تَسْتَفْسِمُوا﴾: بخواهید که قسمت و سهم خویش را بدانید.
- ۳- ﴿بِالْأَزْلَمِ﴾: به وسیله تیرهای نشانی شده که در جاهلیت معروف بود.
- ۳- ﴿ذَالِكُمْ فِسْقٌ﴾: این همه خروج از طاعت خداست.
- ۳- ﴿أَضْطَرُّ﴾: ضرورت ناچارش ساخت که از آن تناول کند.
- ۳- ﴿مُحْمَصَةٍ﴾: گرسنگی شدید.
- ۳- ﴿غَيْرُ مُتَجَانِفٍ لِآثِمٍ﴾: با تمایل به گناه از حد نیاز تجاوز نکند.
- ۴- ﴿الطَّيْبِثُ﴾: آنچه خدا خوردن آن را اجازه داده است.
- ۴- ﴿الْجَوَارِحِ﴾: حیوانات شکاری از درندگان و پرندگان.
- ۴- ﴿مُكَلِّبِينَ﴾: در حالی که به آنها شکار آموخته‌اید.
- ۵- ﴿طَعَامٌ﴾: آنچه یهود و نصاری سر ببرند.
- ۵- ﴿الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان پاکدامن یا آزاد.

- ۵- ﴿أَجْرُهُنَّ﴾: مهر آنان را.
- ۵- ﴿مُحْصِنِينَ﴾: به این ازدواج جویای عفت باشید.
- ۵- ﴿غَيْرُ مُسْلِفِينَ﴾: نه به زنا آشکار.
- ۵- ﴿لَا مُتَّخِذِي أَعْدَانٍ﴾: دوستان نهانی برای زنا نگیرد.
- ۵- ﴿يَكْفُرُ بِالْإِيمَنِ﴾: به شریعت اسلام انکار ورزد.
- ۵- ﴿حَبِطَ عَمَلُهُ﴾: ثواب اعمال سابقش باطل است.
- ۶- ﴿الْعَاطِيَّ﴾: محل قضای حاجت، کنایه از مدفوع است.
- ۶- ﴿الْمَسْتُمُّ اللَّيْسَاءَ﴾: با زنان مقاربت کردید یا به بدن و چهره آنها دست زدید.
- ۶- ﴿صَعِيدًا طَيِّبًا﴾: خاک پاک یا زمین پاک.
- ۶- ﴿حَرَجٍ﴾: سختگیری در دین.
- ۷- ﴿مِيثَاقَهُ﴾: عهد او را.
- ۸- ﴿شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت شهادت دهید.
- ۸- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: وادارتان نکند.
- ۸- ﴿شَتَّانُ قَوْمٍ﴾: دشمنی با آنها.
- ۱۱- ﴿يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ﴾: برای کشتن و تباه کردن شما حمله ور شوند.
- ۱۲- ﴿نَقِيبًا﴾: سرپرست امین.
- ۱۲- ﴿عَزَّرْتُمُوهُمْ﴾: به آنها کمک کردید یا تعظیم نمودید.
- ۱۲- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: وام نیکو به طیب خاطر برای رضای خدا.
- ۱۳- ﴿يُحْرِفُونَ الْكَلِمَ﴾: یهودیان تورات را تغییر می‌دهند یا آن را به باطل تأویل می‌کنند.
- ۱۳- ﴿تَسُوا حَظًّا﴾: بخش وافر را فراموش کردند.
- ۱۳- ﴿حَايِنَةً﴾: غدر و عمل خاینانه.
- ۱۴- ﴿فَاعْرَبْنَا﴾: بر انگیختیم، افکندیم یا چسباندیم.

- ۱۵- ﴿نُورٌ﴾: رسول خدا.
- ۱۹- ﴿فَتَرَقَ﴾: فاصله، انقطاع و سکون.
- ۲۵- ﴿فَأَفْرُقَ﴾: به داوری و قضاوت، بین ما و آنها فرق نما.
- ۲۶- ﴿يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ﴾: در آن بیابان حیران و راهگم گردش می کردند.
- ۲۶- ﴿فَلَا تَأْسَ﴾: غمگین مباش.
- ۲۷- ﴿قُرْبَانًا﴾: کار نیکی که با آن به خدا تَقَرُّبُ جویند.
- ۲۹- ﴿تَبَوَّأَ يَأْتِي﴾: چون مرا بکشی روز قیامت با گناه قتل من نزد خدا برگردی.
- ۲۹- ﴿إِثْمِكَ﴾: گناهان سابقه که مانع از قبول قربانیت شدند.
- ۳۰- ﴿فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ﴾: نفس اماره اش این امر را بر او آراست و آسان جلوه داد.
- ۳۱- ﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾: زمین را می کند تا زاغی را که کشته بود دفن کند.
- ۳۱- ﴿سَوْءَةَ أَخِيهِ﴾: جسد یا عورت برادرش را. ﴿يَوَيْلَٰتِي﴾: یا حسرتا.
- ۳۳- ﴿يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ﴾: از آن سرزمین تبعید یا محبوس شوند.
- ۳۳- ﴿خِزْيٌ﴾: رسوایی و شکنجه.
- ۳۵- ﴿الْوَسِيلَةَ﴾: نزدیکی جستن با طاعات و عبادت و ترک گناه.
- ۳۸- ﴿نَكَالًا﴾: شکنجه ای سختی است برای جلوگیری از تکرار این گناه.
- ۴۱- ﴿سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ﴾: سخنان تو را می شنوند و آن را تغییر می دهند تا بهانه برای تکذیبت بیابند.
- ۴۱- ﴿سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ﴾: سخنان تو را می شنوند تا برای دیگران جاسوسی نمایند.
- ۴۱- ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ﴾: کلام را تغییر می دهند یا آن را به باطل تأویل می کنند.
- ۴۱- ﴿فِي تَنَتُهُ﴾: گمراهی، کفر و هلاکت او را.
- ۴۱- ﴿خِزْيٌ﴾: رسوایی و ذلت.
- ۴۲- ﴿أَكَلُونَ لِلْسُّحْتِ﴾: مال حرام را که زشت ترین آن رشوت است می خورند.

- ۴۲- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت که حکم اسلام است.
- ۴۲- ﴿الْمُقْسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان.
- ۴۳- ﴿يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ﴾: خودت را حکم قرار می‌دهند سپس از فرمانت که مغایر تورات نیست سرپیچی می‌کنند.
- ۴۴- ﴿أَسْلَمُوا﴾: به دستورات الهی که در تورات ذکر بود گردن نهادند.
- ۴۴- ﴿الرَّبَّيْنُونَ﴾: پارسایان یهود.
- ۴۴- ﴿وَالْأَحْبَارُ﴾: علمای یهود.
- ۴۶- ﴿وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ﴾: پس از پیامبران فرستادیم.
- ۴۸- ﴿مُهَيِّمِنَا عَلَيْهِ﴾: مراقب یا شاهد بر کتب پیشین.
- ۴۸- ﴿عَمَّا جَاءَكَ﴾: از آنچه بر تو وحی شده عدول کنی.
- ۴۸- ﴿شِرْعَةً وَمِنْهَا جَا﴾: شریعت و راه روشن در دین.
- ۴۸- ﴿لِيَبْلُوكُمْ﴾: تا شما را بیازماید با این که از احوال‌تان آگاه است.
- ۴۹- ﴿أَنْ يَفْتِنُوكَ﴾: تو را به مکر و حيله منحرف سازند.
- ۵۱- ﴿أَوْلِيَاءَ﴾: دوست صمیمی و یاور.
- ۵۲- ﴿تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ﴾: از گردش روزگار با مصیبت‌ها و سختی‌ها روبرو شویم.
- ۵۲- ﴿بِالْفَتْحِ﴾: پیروزی برای رسول خدا.
- ۵۳- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سوگندهای سخت.
- ۵۳- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ﴾: اعمال آنها باطل و بی‌ثمر شد.
- ۵۴- ﴿أُدْلَةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾: بر مسلمانان مشفق و مهربانند.
- ۵۴- ﴿أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾: در برابر کافران سرسخت، استوار و نیرومند هستند.
- ۵۴- ﴿لَوْمَةٌ لَّآيِبٍ﴾: در راه نصرت دین از سرزنش هیچ سرزنش کننده‌ای.
- ۵۴- ﴿اللَّهُ وَاسِعٌ﴾: فضل و جود خدا فراوان است.
- ۵۷- ﴿هُزُؤًا وَلَعِبًا﴾: تمسخر و استهزا.

- ۵۹- ﴿تَنْقُمُونَ﴾: عیب می گیرید.
- ۶۰- ﴿مَثُوبَةٌ﴾: جزا و عقوبت.
- ۶۰- ﴿عَبَدَ الطُّغُوتِ﴾: شیطان را اطاعت و خدا را نافرمانی کرد.
- ۶۰- ﴿سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾: روش معتدل، اسلام.
- ۶۲- ﴿أَكْلِهِمُ السُّحْتِ﴾: خوردن مال حرام، زشت‌ترین آن رشوت است.
- ۶۳- ﴿الرَّبَّانِيُونَ﴾: پارسیان یا علما و فقهای یهود.
- ۶۳- ﴿الْأَحْبَارِ﴾: علمای یهود.
- ۶۴- ﴿مَغْلُولَةً﴾: از عطا و بخشش به اثر بخل بسته است.
- ۶۶- ﴿أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ﴾: گروه میانه رو، مسلمانان.
- ۶۸- ﴿فَلَا تَأْسُ﴾: پس حزین و متأسف نباش.
- ۶۹- ﴿الصَّابِرُونَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره‌ها.
- ۷۱- ﴿فِتْنَةٌ﴾: بلا و عذاب شدید.
- ۷۵- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشته است.
- ۷۵- ﴿أُمَّهُ صِدِيقَةٌ﴾: مادرش بسیار راستگو و با خدا بود.
- ۷۵- ﴿يَأْكُلَانِ الطَّعَامِ﴾: هر دو مثل انسان‌های دیگر غذا می‌خوردند پس چگونه او را خدا می‌پندارید.
- ۷۵- ﴿أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: چگونه از پذیرش و اندیشیدن به این دلایل آشکار سربلایی می‌کنند.
- ۷۷- ﴿لَا تَعْلَوْا﴾: افراط و از حد تجاوز نکنید.
- ۷۷- ﴿غَيْرِ الْحَقِّ﴾: تجاوز نادرست.
- ۸۰- ﴿سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ﴾: به سبب آنچه انجام دادند مورد غضب خدا قرار گرفتند.
- ۸۳- ﴿تَفْيِضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾: چشمانشان از اشک لبریز و گه‌بار می‌شود.

۸۹- ﴿بِاللَّعْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ﴾ : قسم‌های بیهوده‌تان، قسم لغو آن است که در باره چیزی قسم می‌خورد به باور این که راست است اما حقیقت خلاف آن است، یا چیزی را به زبان می‌آورد که به آن قصد سوگند ندارد.

۸۹- ﴿عَقَدْتُمْ الْأَيْمَانَ﴾ : به قصد سوگند یاد کرده‌اید.

۹۰- ﴿الْأَنْصَابُ﴾ : به اطراف کعبه سنگ‌های بود که مشرکین آنها را بزرگ می‌داشتند.

۹۰- ﴿الْأَزْلَمُ﴾ : تیره‌های که در جاهلیت با آنها فال می‌گرفتند.

۹۰- ﴿رِجْسٌ﴾ : خبیث، پلید و نجس است.

۹۳- ﴿جُنَاحٌ﴾ : گناه.

۹۳- ﴿طَعْمُوا﴾ : چیزهای حرام را پیش از این که تحریم آنها اعلام شود، خوردند یا نوشیدند.

۹۴- ﴿لَيَلُونَكُمْ اللَّهُ﴾ : خدا شما را امتحان می‌کند.

۹۵- ﴿أَنْتُمْ حُرْمٌ﴾ : در حال احرام حج یا عمره هستید.

۹۵- ﴿التَّعَمُّ﴾ : شتر، گاو، گوسفند و بز.

۹۵- ﴿بَلِغِ الْكَعْبَةَ﴾ : به حرم برسد و آنجا ذبح شود.

۹۵- ﴿عَدْلٌ ذَلِكَ﴾ : معادل و برابر آن طعام.

۹۵- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِ﴾ : سنگینی جزای عمل و عاقبت بد گناه خود را.

۹۶- ﴿لِلسَّيَارَةِ﴾ : برای مسافران.

۹۷- ﴿الْبَيْتِ الْحَرَامِ﴾ : مراد از کعبه، همه جای حرم است.

۹۷- ﴿قِيَمًا لِلنَّاسِ﴾ : برپادارنده مصالح دینی و دنیوی مردم.

۹۷- ﴿الشَّهْرَ الْحَرَامِ﴾ : ماه‌های حرام ذی‌القعدة ذی‌الحجه، محرم و رجب.

۹۷- ﴿الْهَدْيِ﴾ : قربانی که به کعبه فرستند.

۹۷- ﴿الْقَلْبِدِ﴾ : آنچه برای نشانه به گردن قربانی اندازند.

- ۱۰۳- ﴿بَجِرَةَ﴾: شتری را می‌گفتند که پنج بار و بار آخر نر زاییده بودی گوش او را می‌شکافتند و برای بتها رها می‌کردند.
- ۱۰۳- ﴿سَآيَةَ﴾: شتر ماده که آن را به قصد شفا از مرض یا نجات در محاربه برای بتها رها می‌کردند.
- ۱۰۳- ﴿وَصِيْلَةَ﴾: شتری که بار اول و دوم ماده می‌زایید، آن را برای بتها رها می‌کردند.
- ۱۰۳- ﴿حَامٍ﴾: شتر نری که بچه بچه‌اش آبستن می‌شد آن را نه سوار می‌شدند و نه بردوشش بار می‌نهادند.
- ۱۰۴- ﴿حَسْبُنَا﴾: برای ما کافی است.
- ۱۰۵- ﴿عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾: شما عهده‌دار خود باشید و خود را از گناه حفظ کنید.
- ۱۰۶- ﴿ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ﴾: سفر کردید.
- ۱۰۶- ﴿لَا نَشْتَرِي بِهِ﴾: ما بخاطر مال دنیا قسم ناحق نمی‌خوریم.
- ۱۰۷- ﴿الْأَوْلِيْنَ﴾: نزدیکان و وارث‌های متوفی.
- ۱۱۰- ﴿بُرُوجَ الْفُؤَيْسِ﴾: به جبریل.
- ۱۱۰- ﴿فِي الْمَهْدِ﴾: در شیر خوارگی.
- ۱۱۰- ﴿كَهْلًا﴾: در حال کمال قوت، پس از فرود آمدن از آسمان.
- ۱۱۰- ﴿تَخْلُقُ﴾: صورت و شکل می‌ساختی.
- ۱۱۰- ﴿الْأَكْمَةَ﴾: کور مادرزاد را.
- ۱۱۱- ﴿الْحَوَارِيْنَ﴾: یاران نزدیک عیسی عليه السلام.
- ۱۱۲- ﴿مَائِدَةً﴾: خوانهای پر از غذا.
- ۱۱۴- ﴿عِيدًا﴾: روز مبارک یا شادمانی.
- ۱۱۶- ﴿سُبْحَانَكَ﴾: پروردگارا، تو پاک و منزه‌ای، من چگونه این سخن را به زبان بیاورم.
- ۱۱۷- ﴿تَوَفَّيْتَنِي﴾: مرا گرفتی و زنده به آسمان بردی.

سورة انعام

- ۱- ﴿جَعَلَ﴾: ایجاد کرد.
- ۱- ﴿بِرَبِّهِمْ يَعِدُلُون﴾: عبادت بت‌ها را با عبادت خدا برابر می‌کنند.
- ۲- ﴿قَضَىٰ أَجَلًا﴾: برای مرگ زمانی را معین ساخت.
- ۲- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ﴾: برای رستاخیز مدتی را تعیین کرد که علم آن خاصه اوست.
- ۲- ﴿تَمْتَرُونَ﴾: به قیامت و رستاخیز شک می‌ورزید یا از وقوع آن انکار می‌کنید.
- ۳- ﴿وَهُوَ اللَّهُ﴾: او جل جلاله معبود یا یگانه است.
- ۵- ﴿أَنْبَأُوْهُمْ﴾: اخبار، مراد عذابی است که به آنها می‌رسد.
- ۶- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیار هلاک کردیم.
- ۶- ﴿قَرْنٍ﴾: گروهی از مردم.
- ۶- ﴿مَكَّنَّهُمْ﴾: به آنها قدرت و توانایی دادیم.
- ۶- ﴿السَّمَاءِ﴾: باران را.
- ۶- ﴿مِدْرَارًا﴾: باران تند و بی‌دری.
- ۷- ﴿كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ﴾: نوشته درکاغذ.
- ۸- ﴿لَا يَنْظُرُونَ﴾: بعد از آمدن فرشته یک لحظه هم به آنها مهلت داده نشود.
- ۹- ﴿لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَّا يَلْبَسُونَ﴾: آنگاه بر آنها پوشیده‌تر می‌کردیم آنچه را که امروز خود پیچیده ساخته‌اند.
- ۱۰- ﴿فَحَاقَ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.
- ۱۲- ﴿كَتَبَ﴾: از فضل و احسان واجب و حتمی گردانیده است.
- ۱۲- ﴿خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾: خود را به اثر کفر تباه و متضرر ساخته‌اند.
- ۱۳- ﴿مَا سَكَنَ﴾: آنچه آرام و قرار گرفته است.
- ۱۴- ﴿وَلِيًّا﴾: معبود، یار و یاور.

- ۱۴- ﴿فَاطِرٌ...﴾: ایجاد کننده. . .
- ۱۴- ﴿هُوَ يُطْعِمُ﴾: به بندگانش رزق می دهد.
- ۱۴- ﴿مَنْ أَسْلَمَ﴾: کسی که به بندگی او تعالی گردن نهاد.
- ۱۹- ﴿مَنْ بَلَغَ﴾: کسانی که در همه دورانها قرآن برایشان برسد.
- ۲۳- ﴿فِتْنَتُهُمْ﴾: عذر آنها یا عاقبت شرک آنها.
- ۲۴- ﴿ضَلَّ عَنْهُمْ﴾: از دستشان رفت.
- ۲۴- ﴿مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ﴾: آنچه به دروغ می ساختند، بتها و شفاعت آنها.
- ۲۵- ﴿أَكِنَّةٌ﴾: پرده‌های بسیار.
- ۲۵- ﴿وَقَرًا﴾: گوشه‌هایشان کر و سنگین است.
- ۲۵- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغهای که در کتابهایشان نوشته است.
- ۲۶- ﴿يَنْعُونَ عَنْهُ﴾: خود نیز از قرآن دوری می‌گزینند.
- ۲۷- ﴿وُقُوفًا عَلَى النَّارِ﴾: از آتش آگاه شوند یا در وسط آتش محبوس شوند.
- ۳۰- ﴿وُقُوفًا عَلَى رَبِّهِمْ﴾: به حکم پروردگار، برای حساب و جزا بازداشت شوند.
- ۳۱- ﴿بَعْتَةٌ﴾: ناگهان.
- ۳۱- ﴿فَرَطْنَا فِيهَا﴾: در دنیا کوتاهی کردیم.
- ۳۱- ﴿أَوْزَارَهُمْ﴾: گناهان و خطاهای شان را.
- ۳۴- ﴿لِكَلِمَاتِ اللَّهِ﴾: آیاتی که در آنها وعده یاری و نصرت به پیامبران آمده است.
- ۳۵- ﴿كَبْرَ عَلَيْكَ﴾: بر تو سخت و دشوار است.
- ۳۵- ﴿نَنْقَا فِي الْأَرْضِ﴾: سوراخی در زمین که در اعماق آن نفوذ کند.
- ۳۸- ﴿أُمَّمٌ أُمَّالِكُمْ﴾: گروه‌های همانند شما هستند و ما آفریدگار و مدبر امور آنها هستیم.
- ۳۸- ﴿مَا فَرَطْنَا﴾: ترک نکردیم.
- ۳۹- ﴿فِي الظُّلُمَاتِ﴾: در تاریکی‌های جهل، عناد و کفر.

- ۴۰- ﴿أَرَأَيْتَكُمْ﴾: مرا از حالت شگفت انگیزتان آگاه بسازید.
- ۴۲- ﴿بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: به تنگدستی، سختی و بلا.
- ۴۲- ﴿يَتَضَرَّعُونَ﴾: زاری نمایند و توبه کنند.
- ۴۳- ﴿جَاءَهُمْ بِأُسْنَاءٍ﴾: عذاب ما به آنها رسید.
- ۴۴- ﴿كُلِّ شَيْءٍ﴾: نعمت‌های فراوان را استدراجاً.
- ۴۴- ﴿أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً﴾: به آنها عذاب ناگهانی فرستادیم.
- ۴۴- ﴿هُمْ مُبِلِّسُونَ﴾: از رحمت پروردگار نومید یا اندوهگین شوند.
- ۴۵- ﴿دَابِرُ الْقَوْمِ﴾: آخرین نفر.
- ۴۶- ﴿نُصِرَفُ الْآيَاتِ﴾: آیات را به روش‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- ۴۶- ﴿هُمْ يَصْدِفُونَ﴾: ایشان از آن رو گردانند.
- ۴۷- ﴿أَرَأَيْتَكُمْ﴾: برایم بگویید.
- ۴۷- ﴿بَغْتَةً﴾: ناگهان یا در شب.
- ۴۷- ﴿جَهْرَةً﴾: آشکار یا در روز.
- ۵۰- ﴿خَزَائِنُ اللَّهِ﴾: نعمت‌ها یا توانایی‌های او جل جلاله.
- ۵۲- ﴿بِالْعَدْوَةِ وَالْعِشِيِّ﴾: اول و آخر روز، یعنی همیشه.
- ۵۳- ﴿فَتَنًا﴾: امتحان کردیم در حالی که از احوال آنها آگاه هستیم.
- ۵۴- ﴿كَتَبَ رَبُّكُمْ﴾: پروردگار شما از فضل و احسان خود لازم و حتمی گرانیده است.
- ۵۴- ﴿بِجَهْلَةٍ﴾: به سفاهت، هر نا فرمان بدکار جاهل است.
- ۵۷- ﴿يَقُصُّ الْحَقَّ﴾: حق را روشن و آشکار بیان می‌کند.
- ۵۷- ﴿خَيْرُ الْفَصِيلِينَ﴾: با حکمت پسندیده حق را از باطل جدا می‌کند.
- ۵۹- ﴿كِتَابٍ مُبِينٍ﴾: لوح محفوظ یا علم او تعالی.
- ۶۰- ﴿جَرَحْتُمْ بِالتَّهَارِ﴾: هر گناهی که در روز انجام داده‌اید.

- ۶۱- ﴿لَا يُفَرِّطُونَ﴾: سستی و کوتاهی نمی کنند.
- ۶۳- ﴿تَضَرَّعًا﴾: زاری به پیشگاه خدا.
- ۶۳- ﴿خُفْيَةً﴾: حاجت خود را پوشیده و نهان می خواهید.
- ۶۵- ﴿يَلْبِسَكُمْ﴾: شما را در جنگ های بزرگ مقابل هم قرار دهد.
- ۶۵- ﴿شِيْعًا﴾: گروه های متعدد با خواسته های مختلف.
- ۶۵- ﴿بَأْسَ بَعْضٍ﴾: رنج و سختی دیگری را در میدان جنگ.
- ۶۵- ﴿نُضِرْفُ الْأَيِّتِ﴾: آیات و دلایل را به روش های مختلف بیان می کنیم.
- ۶۶- ﴿بُوكِيلٍ﴾: مراقب، کار شما را به من سپرده باشند تا شما را مجازات کنم.
- ۶۸- ﴿يُحْوِضُونَ﴾: به باد استهزاء و طعنه می گیرند.
- ۷۰- ﴿عَزَّتْهُمْ﴾: آنها را فریفت و به طمع خام افکند.
- ۷۰- ﴿أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ﴾: تا به دوزخ نیفتد یا گرفتار هلاکت نگردد.
- ۷۰- ﴿تَعْدِلُ كُلُّ عَدْلٍ﴾: هر فدیهای بدهد.
- ۷۰- ﴿أُبْسِلُوا﴾: در دوزخ انداخته شدند یا هلاک گردیدند.
- ۷۰- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- ۷۱- ﴿أَسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ﴾: شیاطین او را گمراه کرده و به ویرانه برده است.
- ۷۱- ﴿أَمْرًا لِنُسَلِّمَ﴾: برای ما دستور است که فرمانبردار باشیم و عبادت را خالصانه انجام دهیم.
- ۷۳- ﴿الصُّورِ﴾: شاخی که اسرافیل در آن می دمدم.
- ۷۴- ﴿أَزْرَ﴾: لقب پدر ابراهیم عليه السلام یا اسم عمومی اوست.
- ۷۵- ﴿مَلَكُوتٍ...﴾: پادشاهی را، یا آیات یا عجایب...
- ۷۶- ﴿جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ﴾: تاریکی شب او را پوشانید.
- ۷۶- ﴿أَفَلَّ﴾: پنهان شد و به دامان افق غروب کرد.
- ۷۷- ﴿بَازِغًا﴾: که از کرانه آسمان طلوع کرد و روشنی خود را منتشر ساخت.

- ۷۹- ﴿فَطَرَ السَّمَوَاتِ...﴾: آسمانها را ایجاد کرده است...
- ۷۹- ﴿حَنِيفًا﴾: مایل به دین حق.
- ۸۰- ﴿حَاجَّهُ وَ قَوْمُهُ﴾: قومش با او در یکتا پرستی دشمنی و ستیز کردند.
- ۸۱- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیل روشن.
- ۸۲- ﴿لَمْ يَلْبِسُوا﴾: مخلوط نکردند.
- ۸۲- ﴿بِظُلْمٍ﴾: به شرک و کفر.
- ۸۷- ﴿وَاجْتَبَيْنَاهُمْ﴾: آنها را به نبوت برگزیدیم.
- ۸۸- ﴿لَحِيطٌ﴾: به یقین باطل و ساقط می شد.
- ۸۹- ﴿وَالْحُكْمِ﴾: قضاوت میان مردم به حق یا حکمت.
- ۹۰- ﴿أَقْتَدِهِ﴾: پیروی کن.
- ۹۱- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ﴾: آنها خدا را نشناختند یا او را به بزرگی نستودند.
- ۹۱- ﴿قَرَاتِيسٍ﴾: صفحات پراکنده.
- ۹۱- ﴿قُلِ اللَّهُ﴾: بگو: تورات را خدا فرستاده است.
- ۹۱- ﴿خَوْضِهِمْ﴾: در باطل و کفر خود.
- ۹۲- ﴿مُبَارَكٌ﴾: قرآن دارای منافع و فواید بسیار است.
- ۹۲- ﴿أُمَّ الْقُرَىٰ﴾: مکه اهالی آنجا.
- ۹۲- ﴿مَنْ حَوْلَهَا﴾: همه باشندگان روی زمین.
- ۹۳- ﴿عَمَرَاتِ الْمَوْتِ﴾: سختی های مرگ.
- ۹۳- ﴿أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: خود را از عذاب رها سازید.
- ۹۳- ﴿عَذَابِ الْهُونِ﴾: عذاب حقارت و رسوایی.
- ۹۴- ﴿مَا خَوْلَانِكُمْ﴾: آنچه از ناز و نعمت به شما بخشیده بودیم.
- ۹۴- ﴿تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ﴾: پیوند بین شما قطع شد.
- ۹۵- ﴿فَالِقِ الْحَبِّ﴾: دانه را می شکافد و از آن گیاه می رویاند یا خالق دانه است.

- ۹۵- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: چگونه از عبادت خدا سرپیچی می کنید؟
- ۹۶- ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ﴾: جدا کننده تاریکی صبح از روشنایی روز یا خالق صبح.
- ۹۶- ﴿اللَّيْسُ وَالْقَمَرِ حُسْبَانًا﴾: آفتاب و ماه هرکدام در فلک خود به حساب معین در گردشند، به مصالح مردم.
- ۹۸- ﴿فَمُسْتَقَرًّا﴾: محل استقرار در پشت پدر و گفته شده در رحم و مانند آن.
- ۹۸- ﴿مُسْتَوْدَعًا﴾: در رَحْم و مانند آن به ودیعت گذاشته می شود.
- ۹۹- ﴿خَضِرًا﴾: تروتازه.
- ۹۹- ﴿حَبًّا مُّتْرَاكِبًا﴾: دانه های متراکم مانند خوشه گندم و مانند آن.
- ۹۹- ﴿طَلْعَهَا﴾: میوه درخت خرما که اول می رسد.
- ۹۹- ﴿قِنْوَانٍ﴾: شاخه ها و خوشه های خرما مانند خوشه انگور.
- ۹۹- ﴿دَانِيَةً﴾: آویزان یا در دسترس میل کننده.
- ۹۹- ﴿يَنْعِهِ﴾: به حالت پخته و رسیده.
- ۱۰۲- ﴿وَكَيْلٌ﴾: مراقب و سرپرست.
- ۱۰۳- ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾: دیده و بصیرت نمی تواند او را کامل درک کنند.
- ۱۰۴- ﴿بَصَائِرٍ﴾: آیات و دلایلی که به حق هدایت می کنند.
- ۱۰۴- ﴿بِحَفِيطٍ﴾: مراقب که حساب اعمال شما را بگیرم و پاداش بدهم.
- ۱۰۵- ﴿نُصْرَفُ الْأَيَاتِ﴾: آیات خود را به روش های مختلف بیان می کنیم.
- ۱۰۵- ﴿دَرَسَتْ﴾: درس خواندی و از اهل کتاب آموختی.
- ۱۰۸- ﴿عَدْوًا﴾: از روی تجاوز و ستم.
- ۱۰۹- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سوگندهای سخت و مؤکدشان.
- ۱۱۰- ﴿نَذَرُهُمْ﴾: آنها را به حال خودشان رها می کنیم.
- ۱۱۰- ﴿طُعَيْنَهُمْ﴾: سرکشی هاشان.
- ۱۱۰- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست را نیابند یا سرگردان شوند.

- ۱۱۱- ﴿حَشْرَنَا﴾: جمع می کردیم.
- ۱۱۱- ﴿قُبَلًا﴾: رویاروی یا گروه گروه.
- ۱۱۲- ﴿زُخْرُفِ الْقَوْلِ﴾: سخنان بیهوده و به ظاهر آراسته.
- ۱۱۲- ﴿عُرُورًا﴾: برای فریب.
- ۱۱۳- ﴿لِیَصْغَى﴾: تا به این سخنان مزخرف متمایل شود.
- ۱۱۳- ﴿لِیَقْتَرُوا﴾: تا کارهای زشت را انجام دهند.
- ۱۱۴- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک کنندگان زیرا اهل کتاب بخوبی می دانند که این کتاب را آفریدگار فرستاده است.
- ۱۱۵- ﴿كَلِمَتِ رَبِّكَ﴾: کلام خدا، قرآن.
- ۱۱۵- ﴿صِدْقًا وَعَدْلًا﴾: در راستی و عدالت به وعده‌ها و احکام خدا.
- ۱۱۶- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: چیزهایی را به دروغ به خدا نسبت می دهند.
- ۱۲۰- ﴿ذُرُوءًا﴾: ترک کنید.
- ۱۲۰- ﴿يَقْتَرُونَ﴾: مرتکب گناه می شدند، هر گناهی که باشد.
- ۱۲۱- ﴿إِنَّهٗ لَفِسْقٌ﴾: به یقین خوردن آن گناه است.
- ۱۲۴- ﴿صَعَارًا﴾: ذلت شدید و خواری.
- ۱۲۵- ﴿حَرَجًا﴾: در نهایت تنگی.
- ۱۲۵- ﴿يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ﴾: میل دارد به آسمان بالا رود اما نمی تواند.
- ۱۲۵- ﴿الرَّجْسِ﴾: عذاب یا خواری.
- ۱۲۸- ﴿أَسْتَكْرَثُمْ مِنَ الْإِنْسِ﴾: بسیاری از انسان‌ها را گمراه کرده‌اید.
- ۱۲۸- ﴿النَّارُ مَثْوٍ لَكُمْ﴾: دوزخ جای شماست.
- ۱۳۰- ﴿عَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ﴾: زندگی دنیا با همه بیهودگی‌هایش آنها را فریفته بود.
- ۱۳۴- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۱۳۵- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: نهایت توان و استطاعت خود.

- ۱۳۶- ﴿ذُرًّا﴾: آفریده است. ﴿الْحَرْثِ﴾: زراعت.
- ۱۳۶- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۱۳۷- ﴿قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ﴾: زنده به گور کردن دخترانشان را.
- ۱۳۷- ﴿لِيُرِدُّوهُمْ﴾: تا آنها را تباه نمایند، با گمراه ساختن.
- ۱۳۷- ﴿لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ﴾: تا بر آنها مشتبهِ سازند و با خرافات در آمیزند.
- ۱۳۷- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: به دروغ می بافند.
- ۱۳۸- ﴿حَرْثٌ﴾: زراعت.
- ۱۳۸- ﴿حِجْرٌ﴾: حرام و ممنوع است.
- ۱۳۸- ﴿حُرْمَتِ طُحُورِهَا﴾: حیواناتی هستند که بار نهادن و سوار شدن بر آنها حرام است.
- ۱۳۹- ﴿وَصَفَّهُمْ﴾: دروغ بافی آنها را نسبت به خدا.
- ۱۴۱- ﴿مَعْرُوشَتٍ﴾: داربست دار مثل تاک انگور و مانند آن.
- ۱۴۱- ﴿غَيْرَ مَعْرُوشَتٍ﴾: درختان راست که ضرورت به داربست ندارند مانند درخت خرما.
- ۱۴۱- ﴿مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ﴾: میوه‌های آن در صورت و کیفیت مختلفند.
- ۱۴۲- ﴿حَمُولَةً﴾: بار برنده مثل شتر.
- ۱۴۲- ﴿فَرَشًا﴾: حیوانی که برای ذبح بر زمین افکنند.
- ۱۴۲- ﴿خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه‌های شیطان، حلال را حرام شمردان و بالعکس.
- ۱۴۴- ﴿وَصَّكُمُ اللَّهُ بِهِدًا﴾: خدا شما را به این تحریم دستور داد.
- ۱۴۵- ﴿طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ﴾: خورنده هر کس باشد.
- ۱۴۵- ﴿مَسْفُوحًا﴾: جاری، ریخته.
- ۱۴۵- ﴿رَجْسٌ﴾: پلید یا نجس و حرام.
- ۱۴۵- ﴿أَهْلٍ لِّغَيْرِ اللَّهِ بِهِ﴾: هنگام ذبح آن نام غیر خدا ذکر شود.

- ۱۴۵- ﴿أَضْطَرُّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخته تا چیزهای حرام را بخورد.
- ۱۴۵- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت این محرمت را نخواهد یا همواره این حالت را اختیار نکند.
- ۱۴۵- ﴿لَا عَادٍ﴾: از مقدار سدِ رَمَق تجاوز نکند.
- ۱۴۶- ﴿ذِي ظُنْفُرٍ﴾: حیوان پنجه دار، چهارپا باشد یا پرند.
- ۱۴۶- ﴿شُحُومُهُمَا﴾: چربی شکمبه و گرده‌ها را.
- ۱۴۶- ﴿مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا﴾: چربی پشت این‌ها حلال است.
- ۱۴۶- ﴿الْحَوَايَا﴾: چربی روده‌ها.
- ۱۴۶- ﴿مَا أَخْتَلَطَ بِعَظْمٍ﴾: دنبه گوسفند حلال است.
- ۱۴۷- ﴿لَا يُرَدُّ بِأَسْهٍ﴾: عذاب او تعالی دفع نمی‌شود.
- ۱۴۸- ﴿تَخْرُصُونَ﴾: سخنان دروغ را به خدا نسبت می‌دهید.
- ۱۴۹- ﴿الْحُجَّةَ الْبَلِغَةَ﴾: دلیل رسا با فرستادن پیامبران و کتابهای آسمانی.
- ۱۵۰- ﴿هَلُمَّ شَهَدَاءَكُمْ﴾: شاهد‌های خود را بیاورید، مدارک‌تان را بدهید.
- ۱۵۰- ﴿بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾: دیگری را در طاعات و عبادات به خدا برابر می‌کنند.
- ۱۵۱- ﴿أَتْلُ...﴾: قرائت می‌کنم...
- ۱۵۱- ﴿إِمْلَقٍ﴾: فقر.
- ۱۵۱- ﴿الْفَوَاحِشَ﴾: گناهان کبیره مانند زنا و امثال آن.
- ۱۵۱- ﴿وَوَصَّكُم بِهِ﴾: خدا آن را به شما دستور داده و واجب گردانیده است.
- ۱۵۲- ﴿يَبْلُغُ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت و رشد خود برسد.
- ۱۵۲- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.
- ۱۵۲- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانش.
- ۱۵۳- ﴿صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا﴾: هیچ کجی در دین و راه من نیست.
- ۱۵۷- ﴿صَدَفَ عَنْهَا﴾: از آن اعراض کند یا مردم را از آن روگردان سازد.

- ۱۵۸- ﴿يَأْتِي رَبُّكَ﴾: پروردگارت بیاید، آمدنی که سزاوار جلالت اوست.
- ۱۵۹- ﴿كَانُوا شِيعًا﴾: از گمراهی گروه گروه و حزب حزب شدند.
- ۱۶۱- ﴿دِينًا قِيمًا﴾: دین ثابت، برپادارنده امور دنیا و آخرت.
- ۱۶۱- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل رو گردان و مایل به حق.
- ۱۶۲- ﴿نُسُكِي﴾: همه عباداتم.
- ۱۶۴- ﴿إِلَّا عَلَيْهَا﴾: مگر این که عذاب آن گناه بر دوش خود اوست.
- ۱۶۴- ﴿لَا تَرُرُّ وَازِرَةً...﴾: هیچ گناه کاری بر نمی دارد...
- ۱۶۵- ﴿خَلَّيْفَ الْأَرْضِ﴾: برخی از شما در روی زمین جانشین دیگری می شود.
- ۱۶۵- ﴿لِيَبْلُوكُمْ﴾: تا شما را بیازماید در حالی که از تمام امور شما آگاه است.

سوره اعراف

- ۲- ﴿حَرَجٌ مِّنْهُ﴾: از بیم انکار و تکذیب مردم از تبلیغ قرآن دلتنگ نباش.
- ۴- ﴿كَمْ مِّن قَرْيَةٍ﴾: چه بسا قریه ها که نابودشان کردیم.
- ۴- ﴿بِأَسْنَاءٍ﴾: عذاب ما.
- ۴- ﴿بَيْنَاتٍ﴾: مصروف کارهای شبانه بودند و یا شب هنگام که در خواب بودند.
- ۴- ﴿هُم قَائِلُونَ﴾: آنها در نیمروز استراحت بودند، خواب قیلوله.
- ۵- ﴿دَعَوْنَهُمْ﴾: دعا و زاری ایشان.
- ۸- ﴿ثَقُلْتَ مَوَازِينُهُ﴾: کارهای نیکش بر بدیهایش رجحان یافت.
- ۹- ﴿خَفَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: کردار بدش از خوبی هایش افزون باشد.
- ۱۰- ﴿مَكَّنَّاكُمْ﴾: شما را مستقر ساختیم.
- ۱۲- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت یا که وادارت کرد و از تو خواست.
- ۱۳- ﴿الصَّغِيرِينَ﴾: پستهها ذلت پذیرها.
- ۱۴- ﴿أَنْظَرِنِي﴾: مرا مهلت بده، زنده نگهدار.

- ۱۵- ﴿الْمُنْظَرِينَ﴾: تا نفخه اول مهلتم بده.
- ۱۶- ﴿فِيمَا أَعْوَيْتَنِي﴾: به سبب آن که مرا گمراه کردی.
- ۱۶- ﴿لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ﴾: سر راه آنها به کمین می‌نشینم.
- ۱۸- ﴿مَدَّعُومًا﴾: خوار و حقیر.
- ۱۸- ﴿مَدْحُورًا﴾: مطرود.
- ۲۰- ﴿فَوَسَّوَسَ لَهُمَا﴾: آدم و حوا را وسوسه کرد.
- ۲۰- ﴿وَوَرِيَّ عَنْهُمَا﴾: از دید آنها پنهان بود.
- ۲۰- ﴿سَوَاءَ تَيْهَمَا﴾: عورت آنها.
- ۲۱- ﴿قَاسَمَهُمَا﴾: برای آنان سوگند یاد کرد.
- ۲۲- ﴿فَدَلَّلَهُمَا بِعُرْوَةٍ﴾: و آنها را به فریب از مقام طاعت پایین آورد.
- ۲۲- ﴿طَفِيفًا يَخْصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسباندند.
- ۲۶- ﴿أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ﴾: به شما بخشیدیم.
- ۲۶- ﴿يُورِي سَوَاءَ تَيْكُمْ﴾: عورت شما را می‌پوشاند.
- ۲۶- ﴿رِيثًا﴾: لباس زیبا یا نرم.
- ۲۶- ﴿لِبَاسِ التَّقْوَى﴾: لباس پرهیزگاری، ایمان و ثمرات آن.
- ۲۷- ﴿لَا يَفْتِنَنَّكُمْ﴾: شما را فریب ندهد.
- ۲۷- ﴿يَنْزِعُ عَنْهُمَا﴾: از آنها دور می‌کرد، با نیرنگ می‌ربود.
- ۲۷- ﴿قَبِيلُهُ﴾: سپاه یا فرزندان.
- ۲۸- ﴿فَعَلُوا فَحِشَةً﴾: کافران کارهای نهایت زشت انجام بدهند.
- ۲۹- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
- ۲۹- ﴿وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ﴾: درست متوجه عبادت او تعالی باشید.
- ۲۹- ﴿عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾: در هر جای و هر وقتی که نماز می‌خواندید.
- ۳۱- ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ﴾: لباس‌های خود را برای ستر عورت بپوشید.

- ۳۳- ﴿الْفَوَاحِش﴾: گناهان کبیره را بخاطر زشتی آنها.
- ۳۳- ﴿الْإِثْمُ﴾: همه گناهایی که موجب عذاب الهی هستند.
- ۳۳- ﴿الْبَغْيُ﴾: ظلم و تجاوز بر مردم را.
- ۳۳- ﴿سُلْطَنَاتِنَا﴾: دلیل روشن.
- ۳۷- ﴿أَيْنَ مَا كُنْتُمْ﴾: کجا هستید خدایانی که شما بودید.
- ۳۸- ﴿أَدَارَكُوا فِيهَا﴾: یکی پس از دیگری در جهنم جمع شوند.
- ۳۸- ﴿أُخْرَلُهُمْ﴾: پیروان و فرومایگان آنها.
- ۳۸- ﴿لِأُولِيهِمْ﴾: برای رهبران و رؤسایشان.
- ۳۸- ﴿عَذَابًا ضِعْفًا﴾: عذاب دو چندان.
- ۴۰- ﴿يَلْبِغُ الْجَمَلُ﴾: شتر داخل شود.
- ۴۰- ﴿سَمِّ الْحَيَاطِ﴾: در سوراخ سوزن.
- ۴۱- ﴿مِهَادٍ﴾: فرش یعنی جایگاه.
- ۴۱- ﴿غَوَاشٍ﴾: پوشش، مانند لحاف.
- ۴۲- ﴿وُسْعَهَا﴾: به اندازه توانش.
- ۴۳- ﴿غِلِّ﴾: حقد، کینه و عداوت.
- ۴۴- ﴿فَأَذَنٌ مُّوَدَّنٌ﴾: پس منادی ندا کند.
- ۴۵- ﴿يَبْعُونَهَا عِوَجًا﴾: در دین خدا عیب می‌جستند یا می‌خواستند دارای کجی باشد.
- ۴۶- ﴿بَيْنَهُمَا حِجَابٌ﴾: میان بهشت و دوزخ، دیواری است.
- ۴۶- ﴿الْأَعْرَافِ﴾: بلندترین نقطه این دیوار و کنگره‌های آن.
- ۴۶- ﴿بِسِيمَاهُمْ﴾: از علامت ممیزه چهره‌شان.
- ۵۰- ﴿أَفِيضُوا عَلَيْنَا﴾: برای ما بریزید یا افکنید.
- ۵۱- ﴿عَرَّتْهُمُ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا﴾: دنیا با زیبای‌ها و تجملاتش آنها را فریفت.

- ۵۱- ﴿نَسَلَهُمْ﴾: ایشان را در عذاب مانند از یاد رفتگان می‌گذاریم.
- ۵۱- ﴿مَا كَانُوا﴾: همان‌گونه که بودند.
- ۵۳- ﴿تَأْوِيلَهُ﴾: عاقبت و سرانجام وعده‌های قرآن را از قبیل زنده کردن مرده‌ها، حساب و روز قیامت.
- ۵۳- ﴿يَقْتُرُونَ﴾: دروغ بافته بودند که بتها آنها را شفاعت می‌کند.
- ۵۴- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوای که لایق جلالت او تعالی است.^(۱)
- ۵۴- ﴿يُعْثِي اللَّيْلَ النَّهَارَ﴾: روز را با پرده شب می‌پوشاند، روشنی او پایان می‌یابد.
- ۵۴- ﴿يَطْلُبُهُ حَثِيثًا﴾: شب به سرعت به دنبال روز می‌آید.
- ۵۴- ﴿لَهُ الْخَلْقُ﴾: ایجاد همه اشیاء به قدرت اوست.
- ۵۴- ﴿الْأَمْرُ﴾: تدبیر و تصرف در امور، هر گونه که بخواهد.

۱- اگر منظور او از این سخن، تفویض چگونگی استوا (واگذار کردن بیان کیفیت آن به خداوند) باشد، سخنی حق است؛ زیرا چگونگی و کیفیتی که سزاوار الله سبحانه و تعالی باشد را کسی جز خودش نمی‌داند، همانگونه که امام مالک رحمته الله گفت: «چگونگی آن مجهول است». اما اگر منظور ایشان این بوده که معنی استواء نامعلوم است این سخن فرار از اثبات صفت علو و استوا بر عرش است، زیرا سلف گفته‌اند که معنای استوا یعنی بلندا و ارتفاع و قرار گرفتن. (نگاه: صحیح بخاری ۳۸۷/۴، برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به کتاب: «اجتماع الجيوش الإسلامية» و کتاب «العلو»، نوشته‌ای ابن القیم رحمته الله).

عبارت مؤلف مبهم است و هر دو معنی را شامل می‌شود، ولی سلف معنای استواء را نامعلوم نمی‌دانستند، چنانکه امام مالک رحمته الله و دیگران گفته‌اند: (الاستواء معلوم) یعنی استواء معلوم است. (این اثر را ابن عبدالبر در التمهید (۱۳۸/۷) از طریق عبدالله بن نافع عن مالک بن انس الصابونی در عقیده السلف أصحاب الحديث (ص ۱۷-۱۸)، و أبو نعیم در الحلیة (۳۲۵/۶-۳۲۶) همگی از طریق جعفر بن عبدالله از مالک روایت کرده‌اند و صابونی در عقیده السلف (ص ۱۷) از طریق جعفر بن میمون از مالک و بیهقی در الأسماء والصفات (ص ۴۰۸) از طریق عبدالله بن وهب از مالک روایت کرده‌اند. حافظ ابن حجر در الفتح (۴۰۶/۱۰۳-۴۰۷) گفته است: سند آن "جید" است، و ذهبی در کتاب العلو ص ۱۰۳ آن را صحیح دانسته است).

این مفهوم با الفاظ دیگری نیز وارد شده: (الاستواء غیر مجهول والکیف غیر معقول) یعنی استواء مجهول نیست و چگونگی آن را عقل در نمی‌یابد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۵۴- ﴿تَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فزون است.
- ۵۵- ﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ﴾: نیازمندی‌های خود را از خدا بخواهید.
- ۵۵- ﴿تَضَرَّعًا﴾: به زاری و فروتنی.
- ۵۵- ﴿خُفِيَةً﴾: نهانی در دل خود.
- ۵۶- ﴿رَحِمَتِ اللَّهِ﴾: احسان و انعام یا اجز و پاداش او جل جلاله.
- ۵۷- ﴿بُشْرًا﴾: بشارت دهندگان به رحمت الهی، باران.
- ۵۷- ﴿أَقَلَّتْ سَحَابًا﴾: باد ابرها را بلند کند.
- ۵۷- ﴿ثِقَالًا﴾: سنگین و پر آب.
- ۵۷- ﴿لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ﴾: به سوی زمین خشک بی آب و گیاه.
- ۵۸- ﴿نَكِدًا﴾: ناپسند یا اندک و بی خیر.
- ۵۸- ﴿نُصِرَفُ الْأَيَاتِ﴾: آیات را به شیوه‌های مختلف بیان می‌کنیم.
- ۶۰- ﴿قَالَ الْمَلَأُ﴾: رؤساء و بزرگان گفتند.
- ۶۲- ﴿أَنْصَحُ لَكُمْ﴾: من به گفتار و رفتار خود تنها خیر و صلاح شما را می‌خواهم.
- ۶۴- ﴿قَوْمًا عَمِينَ﴾: گروهی کوردل از دریافت حق و ایمان.
- ۶۶- ﴿سَفَاهَةً﴾: کم عقل و دور از حق.
- ۶۹- ﴿بَصْطَةً﴾: توانایی و جسامت.
- ۶۹- ﴿ءَالَاءَ اللَّهِ﴾: نعمتها و احسان و بی حد او تعالی را.
- ۷۱- ﴿رِجْسٌ﴾: عذاب یا چرک در دلها.
- ۷۱- ﴿غَضَبٌ﴾: طرد یا خشم.
- ۷۲- ﴿قَطَعْنَا دَابِرَ﴾: تا فرد اخیر هلاک کردیم، مراد هلاکت دسته جمعی است.
- ۷۳- ﴿نَاقَةُ اللَّهِ﴾: شتری که خدا او را از سنگ آفریده نه از پدر و مادر.
- ۷۳- ﴿ءَايَةً﴾: معجزه که دلیل صدق گفتار من است.
- ۷۴- ﴿بَوَّأَكُمْ﴾: به شما جای داد.

- ۷۴- ﴿فِي الْأَرْضِ﴾: در سرزمین حجر بین حجاز و شام.
- ۷۴- ﴿ءَأَلَاءُ اللَّهِ﴾: نعمت‌ها و احسان او تعالی را.
- ۷۴- ﴿لَا تَعْتَوْا﴾: فساد نکنید.
- ۷۷- ﴿عَتَوْا﴾: سرکشی کردند.
- ۷۸- ﴿الرَّجْفَةُ﴾: زلزله شدید یا آواز تند.
- ۷۸- ﴿جَثِيمِينَ﴾: بی حرکت و بی جان.
- ۸۲- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از کارهای ما دوری می‌جویند.
- ۸۳- ﴿الْغَيْرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی‌ماند.
- ۸۵- ﴿لَا تَبْخَسُوا﴾: کم نکنید.
- ۸۶- ﴿صِرَاطٍ﴾: راه.
- ۸۶- ﴿تَبْعُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهید این راه از حق منحرف باشد.
- ۸۹- ﴿رَبَّنَا افْتَحْ﴾: خدایا حکم و داوری کن.
- ۹۱- ﴿الرَّجْفَةُ﴾: زلزله شدید یا آواز هول‌انگیز.
- ۹۱- ﴿جَثِيمِينَ﴾: بی حرکت و بی جان.
- ۹۲- ﴿لَمْ يَعْتَوْا فِيهَا﴾: در خانه‌های پر از ناز و نعمت خود اقامت نداشته‌اند.
- ۹۳- ﴿ءَأَسَىٰ﴾: اندوهگین شوم.
- ۹۴- ﴿بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ﴾: فقر، بیماری، سختی و بلا.
- ۹۴- ﴿يَضْرَعُونَ﴾: فروتنی و توبه کنند.
- ۹۵- ﴿عَفْوًا﴾: افراد و اموال آنها زیاد شد.
- ۹۵- ﴿بِعَتَّةٍ﴾: ناگهان.
- ۹۶- ﴿لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمُ﴾: بر ایشان میسر می‌ساختیم.
- ۹۷- ﴿يَأْتِيَهُمْ بَأْسًا﴾: عذاب ما به آنها برسد.
- ۹۷- ﴿بَيْتًا﴾: به شب.

- ۹۹- ﴿مَكَرَ اللَّهُ﴾: عذاب یا استدراج الهی.
- ۱۰۰- ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ﴾: آیا خدا آشکار ساخت برای آنانی که.
- ۱۰۰- ﴿أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ﴾: اگر بخواهیم آنها را گرفتار می‌سازیم.
- ۱۰۰- ﴿نُطْبَعُ﴾: مهر می‌نهییم.
- ۱۰۲- ﴿عَهْدٍ﴾: وفا به آنچه دستورشان دادیم.
- ۱۰۳- ﴿فَظَلَمُوا بِهَا﴾: به آیات الهی کافر شدند.
- ۱۰۵- ﴿حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ...﴾: سزاوار است که...
- ۱۰۷- ﴿مُبِينٌ﴾: آشکار که نتوان در او شک کرد.
- ۱۰۸- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبان پیراهنش بیرون کرد.
- ۱۰۸- ﴿بَيَضَاءُ﴾: سفید، روشنتر از آفتاب.
- ۱۰۹- ﴿الْمَلَأُ﴾: اهل مشورت و بزرگان.
- ۱۱۱- ﴿أَرْجَهُ وَأَحَاهُ﴾: تعذیب و شکنجه این و برادرش را به تأخیر انداز.
- ۱۱۱- ﴿حَاشِرِينَ﴾: گروه جمع‌کننده ساحران.
- ۱۱۶- ﴿سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ﴾: چیزهای غیر واقعی و خیالی را به چشم مردم نشان دادند.
- ۱۱۶- ﴿وَأَسْتَرْهَبُوهُمْ﴾: مردم را به شدت ترساندند.
- ۱۱۷- ﴿تَلْقَفُ﴾: می‌بلعد یا به سرعت تناول می‌کند.
- ۱۱۷- ﴿مَا يَأْفُكُونَ﴾: چیزهای تخیلی آنها را.
- ۱۱۸- ﴿فَوْقَ الْحَقِّ﴾: حقانیت کار موسی عليه السلام آشکار شد.
- ۱۲۶- ﴿مَا تَنْقِمُ مِنَّا﴾: به ما عیب نمی‌گیری و ناپسند نمی‌دانی.
- ۱۲۶- ﴿أَفْرِغْ عَلَيْنَا﴾: بر ما بیفکن یا بفرست.
- ۱۲۷- ﴿نَسْتَحْيِ نِسَاءَهُمْ﴾: دختران ایشان را برای خدمت زنده می‌گذاریم.
- ۱۳۰- ﴿بِالسِّنِينَ﴾: به خشکسالی و قحطی.

- ۱۳۱- ﴿يَطَّيَّرُوا﴾: فال بد می گرفتند.
- ۱۳۱- ﴿طَّيَّرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ﴾: شومی آنها و عذابی که در آخرت به آنها وعده شده نزد خداست.
- ۱۳۳- ﴿الطُّوفَانَ﴾: سیل، یا مرگ.
- ۱۳۳- ﴿الْقُمَّلَ﴾: ملخ یا کنه یا شپش معروف.
- ۱۳۴- ﴿الرَّجْزُ﴾: عذاب با این معجزاتی که ذکر شد.
- ۱۳۵- ﴿يَنْكُثُونَ﴾: عهد خود را می شکستند.
- ۱۳۷- ﴿دَمْرَنَا﴾: نابود و ویران کردیم.
- ۱۳۷- ﴿يَعْرِشُونَ﴾: می افراشتند از قبیل باغها یا کاخهای بلند.
- ۱۳۹- ﴿مُتَبَّرٌ﴾: هلاک و نابودند.
- ۱۴۰- ﴿أَبْغَيْكُمْ إِلَهًا﴾: برای شما خدایی جستجو کنم.
- ۱۴۱- ﴿يُسُومُونَكُمْ﴾: به شما می چشانیدند یا شما را به کارهای دشوار می گماشتند.
- ۱۴۱- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را برای خدمتگاری زنده می گذاشتند.
- ۱۴۱- ﴿بَلَاءٌ﴾: آزمونی بود به آمدن نعمت‌ها و دردها.
- ۱۴۳- ﴿تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ﴾: اندکی از نور او تعالی بر کوه آشکار شد. ﴿دَكَّاءٌ﴾: ریزه ریزه و با خاک یکسان. ﴿صَعِقًا﴾: بیهوش. ﴿سُبْحَانَكَ﴾: تو از مشابهت با موجودات منزهی.
- ۱۴۵- ﴿الْأَلْوَجَّ﴾: الواح تورات.
- ۱۴۶- ﴿سَبِيلَ الرُّشْدِ﴾: راه راست و درست.
- ۱۴۶- ﴿سَبِيلَ الْعِثِّ﴾: راه گمراهی و فساد.
- ۱۴۷- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: به خدا ایمان نیاوردند اعمالشان باطل شد.
- ۱۴۸- ﴿عِجْلًا جَسَدًا﴾: پیکر گوساله‌ای از طلای سرخ.
- ۱۴۸- ﴿لَهُ خُورٌ﴾: آوازی مانند آواز گاو داشت.

- ۱۴۸- ﴿اتَّخَذُوهُ﴾: آن گوساله را خدا گرفتند و از گمراهی عبادتش کردند.
- ۱۴۹- ﴿سُقِطَ فِيْ اَيْدِيهِمْ﴾: شدیداً پشیمان شدند.
- ۱۵۰- ﴿اَسْفَا﴾: شدیداً خشمگین یا حزین.
- ۱۵۰- ﴿اَعَجَلْتُمْ﴾: آیا به پرستش گوساله شتاب کردید یا ترک نمودید.
- ۱۵۰- ﴿فَلَا تُشِمْتُمْ﴾: با رفتار ناپسندت با من آنها را شاد نکن.
- ۱۵۴- ﴿سَكَّتْ﴾: خاموش شد.
- ۱۵۵- ﴿اَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةُ﴾: دچار زلزله شدید یا صاعقه شدند.
- ۱۵۵- ﴿فِتْنَتِكَ﴾: محنت و ابتلای تو.
- ۱۵۶- ﴿هُدًى اِلَيْكَ﴾: توبه کردیم و به سوی تو بازگشتیم.
- ۱۵۷- ﴿اِصْرُهُمْ﴾: بار گران آنها، عهد و پیمان آنها را که در تورات عمل می کنند.
- ۱۵۷- ﴿الْاَغْلَالِ﴾: تکالیف شاقه‌ای که به تورات آمده است.
- ۱۵۷- ﴿عَزَّوَجُهٗ﴾: او را محترم و بزرگ شمردند.
- ۱۵۹- ﴿بِهٖ يَّعْدِلُوْنَ﴾: در خصومت‌های بین خود به حق و عدالت قضاوت می کنند.
- ۱۶۰- ﴿قَطَعْنَا لَهُمْ﴾: آنها را پراکنده کردیم.
- ۱۶۰- ﴿اَسْبَاطًا﴾: دسته‌ها، مثل قبایل عرب.
- ۱۶۰- ﴿فَاَنْبَجَسَتْ﴾: پس روان شد.
- ۱۶۰- ﴿مَّشْرَبَهُمْ﴾: چشمه مختص به خود را.
- ۱۶۰- ﴿الْغَمَمِ﴾: ابر سفید نازک.
- ۱۶۰- ﴿الْمَنَّ﴾: ماده صمغی شیرین مثل عسل.
- ۱۶۰- ﴿وَالسَّلْوٰى﴾: پرنده معروف به سمانی.
- ۱۶۱- ﴿قُولُوا حِطَّةً﴾: بگویید: می خواهیم گناهان ما آمرزیده شود.
- ۱۶۲- ﴿رِجْزًا﴾: عذابی، طاعون.
- ۱۶۳- ﴿حَاضِرَةَ الْبَحْرِ﴾: نزدیک بحر.

۱۶۳- ﴿يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ﴾: با شکار ماهی که در روز شنبه حرام بود، از امر الهی تجاوز می‌کردند.

۱۶۳- ﴿يَوْمَ سَبْتِهِمْ﴾: روز بزرگداشت آنها امور شنبه را.

۱۶۳- ﴿شَرَّاءَ﴾: در روی آب بسیار آشکار می‌شدند.

۱۶۳- ﴿لَا يَسْبِتُونَ﴾: مراسم شنبه را رعایت نمی‌کردند.

۱۶۳- ﴿نَبَلُوهُمْ﴾: آنها را به شدت آزمودیم.

۱۶۴- ﴿مَعَذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾: آنها را پند و اندرز می‌کنیم تا به دربار خدا عذری داشته باشیم.

۱۶۵- ﴿بِعَذَابٍ بَئِيسٍ﴾: به غذایی سخت و دردناک.

۱۶۶- ﴿عَتَوْا﴾: نافرمانی کردند.

۱۶۶- ﴿قِرْدَةً خَلْسِينَ﴾: به شکل میمون‌های رسوا و مطرود.

۱۶۷- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكَ﴾: خدایت اعلام یا عزم کرد.

۱۶۷- ﴿يَسُومُهُمْ﴾: آنها را به کارهای دشوار می‌گماشت.

۱۶۸- ﴿بَلَوْنَهُمْ﴾: آنها را آزمودیم.

۱۶۹- ﴿خَلْفُ﴾: جانشین بد.

۱۶۹- ﴿عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ﴾: هرچه از مال ناپایدار دنیا به آنها عرضه شود.

۱۶۹- ﴿دَرَسُوا مَا فِيهِ﴾: آنچه در تورات است خواندند و دانستند.

۱۷۱- ﴿نَتَقْنَا الْجَبَلَ﴾: کوه را کندید و برداشتیم.

۱۷۱- ﴿كَأَنَّهُ زُلَّةٌ﴾: گویی آن کوه ابر یا سقف سایه‌داری بود.

۱۷۵- ﴿فَأَنْسَلَخَ مِنْهَا﴾: پس از آن آیه‌ها دور شد و کفر ورزید.

۱۷۵- ﴿فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان به او پیوست و همدم او شد.

۱۷۵- ﴿الْغَاوِينَ﴾: گمراهان تباه.

۱۷۶- ﴿أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ﴾: به دنیا متمایل شد و آن را برگزید.

- ۱۷۶- ﴿تَحْمِلُ عَلَيْهِ﴾: بر او هجوم ببری و دورش کنی.
- ۱۷۶- ﴿يَاهْتُ﴾: زبانش را بیرون می‌آورد و به شدت تنفس می‌کند.
- ۱۷۹- ﴿ذَرَأْنَا﴾: آفریدیم.
- ۱۸۰- ﴿يُلْجِدُونَ﴾: به باطل متمایل می‌شوند.
- ۱۸۱- ﴿بِهِ يَعْدِلُونَ﴾: در خصومت‌های بین خود به حق و عدالت قضاوت می‌کنند.
- ۱۸۲- ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾: به آنها نعمت و فرصت می‌دهیم و یکباره نابودشان نمی‌کنیم.
- ۱۸۳- ﴿أَمْ لِي لَهْمٌ﴾: در فرستادن عذاب به آنها مهلت می‌دهم.
- ۱۸۳- ﴿كَيْدِي مَتِينٌ﴾: مجازات من شدید و قوی است.
- ۱۸۴- ﴿جِنَّةٍ﴾: دیوانه چنانچه می‌پندارند.
- ۱۸۵- ﴿مَلَكَوْتُ﴾: سلطنت عظیم.
- ۱۸۶- ﴿طُعْفَيْنِهِمْ﴾: سرکشی و کفرشان.
- ۱۸۷- ﴿آيَانَ مَرْسَلَهَا﴾: قیامت چه وقت برپا می‌شود؟
- ۱۸۷- ﴿لَا يُجْلِيهَا﴾: او را آشکار نمی‌کند.
- ۱۸۷- ﴿تُقَلَّتْ﴾: از جهت سختی و صلابت بسی سنگین و عظیم است.
- ۱۸۷- ﴿حَفِيٌّ عَنْهَا﴾: پژوهش کننده و عالم به آن.
- ۱۸۹- ﴿تَغَشَّاهَا﴾: با او هم‌بستر شد.
- ۱۸۹- ﴿فَمَرَّتْ بِهِ﴾: حوا با آن حمل بدون زحمت رفت و آمد کرد.
- ۱۸۹- ﴿أَثْقَلَتْ﴾: حوا با بزرگ شدن حمل سنگین بار شد.
- ۱۸۹- ﴿صَلِحًا﴾: نسلی خوش اندام یا فرزند سالم مثل خود ما.
- ۱۹۰- ﴿جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ﴾: به خدا شریک قرار دادند چون پسر خود را به وسوسه شیطان عبد الحارث نام گذاشتند، مراد شیطان از حارث، خودش بود.
- ۱۹۰- ﴿عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾: از آنچه مشرکین عرب با پرستش بتها به او شریک قرار می‌دهند.

- ۱۹۵- ﴿فَلَا تُنظِرُونَ﴾: مرا یک ساعت مهلت ندهید.
- ۱۹۸- ﴿لَا يُبْصِرُونَ﴾: نمی‌توانند ببینند که توانش را ندارند.
- ۱۹۹- ﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾: از اخلاق مردم آنچه بر آنها سهل و آسان است بپذیر.
- ۱۹۹- ﴿وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾: به کاری دستور بده که در شرع پسندیده است.
- ۲۰۰- ﴿يَنْزِعَنَّكَ﴾: به تو رسد.
- ۲۰۰- ﴿نَزَعٌ﴾: وسوسه‌ای.
- ۲۰۱- ﴿مَسَّهُمْ طَئِيفٌ﴾: وسوسه‌ای به ایشان رسد.
- ۲۰۱- ﴿تَذَكَّرُوا﴾: امر و نهی خدا و دشمنی شیطان را بیاد بیاورند.
- ۲۰۲- ﴿يَمُدُّوهُمْ﴾: شیاطین با آنها در گمراهی کمک می‌کنند.
- ۲۰۳- ﴿لَوْلَا أَجْتَبَيْتَهَا﴾: چرا آیات را خودت نساختی.
- ۲۰۳- ﴿هَذَا بَصَائِرُ﴾: قرآن حجت آشکار و برهان درخشان است.
- ۲۰۵- ﴿تَضَرَّعًا﴾: به ناله و زاری.
- ۲۰۵- ﴿خَيْفَةً﴾: ترسان از عذاب الهی.
- ۲۰۵- ﴿بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾: اول و آخر روز.
- ۲۰۶- ﴿لَهُ يَسْجُدُونَ﴾: تنها او را سجده و عبادت می‌کنند، آیه سجده.

سوره انفال

- ۱- ﴿الْأَنْفَالِ﴾: غنایم بدر.
- ۱- ﴿لِلَّهِ وَالرَّسُولِ﴾: امر غنایم اختصاص به خدا و پیامبر دارد.
- ۱- ﴿ذَاتَ بَيْنِكُمْ﴾: حالت‌های بین خود را که سبب وحدت شماسست.
- ۲- ﴿وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ﴾: دل‌هاشان از عظمت و هیبت نرم و هراسان شود.
- ۲- ﴿يَتَوَكَّلُونَ﴾: اعتماد می‌کنند و خود را به خدا می‌سپارند.
- ۷- ﴿الطَّائِفِينَ﴾: کاروان تجارتنی و سپاه قریش.

- ۷- ﴿ذَاتِ الشَّوْكَةِ﴾: صاحب نیرو و سلاح، لشکر قریش.
- ۷- ﴿ذَابِرَ الْكَافِرِينَ﴾: آخرین فرد کافران را، همه آنها را.
- ۹- ﴿مُرْدِفِينَ﴾: پشت سر هم.
- ۱۱- ﴿يُعْشِيكُمُ النَّعَاسَ﴾: خواب سبک را پوششی برای شما قرار داد.
- ۱۱- ﴿أَمَنَةً مِّنْهُ﴾: برای آرامش و تقویه روحی شما از سوی پروردگار.
- ۱۱- ﴿رِجْزَ الشَّيْطَانِ﴾: وسوسه شیطان را که شما را از تشنگی می ترسانید.
- ۱۱- ﴿لِيَرْبِطَ﴾: تا به یقین و شکیبایی قوی گرداند.
- ۱۲- ﴿أَنِّي مَعَكُمْ﴾: بر استوار ساختن مسلمانان من به کمک شما هستم.
- ۱۲- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس و پریشانی.
- ۱۲- ﴿كُلِّ بَنَانٍ﴾: دستها، پاها و سرها یا کل مفاصل.
- ۱۳- ﴿شَاقُوا﴾: مخالفت و سرپیچی کردند.
- ۱۵- ﴿زَحَفًا﴾: سپاهی که آرام آرام به جنگ شما می آید.
- ۱۶- ﴿مُتَحَرِّفًا﴾: برای فریب دشمن تظاهر به فرار می کند و دو باره یورش می آورد.
- ۱۶- ﴿مُتَحَرِّزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ﴾: به گروه دیگر پیوندت تا یکجا با آنها به پیکار دشمن بپردازد.
- ۱۶- ﴿بَاءَ بَعْضٍ﴾: باز هم گرفتار غضب خدا گردد که مستحق آن است.
- ۱۷- ﴿لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ﴾: تا برای مسلمانان پیروزی و پاداش عطا کند.
- ۱۸- ﴿مُوهِنٌ﴾: ضعیف کننده است.
- ۱۹- ﴿تَسْتَفْتِحُوا﴾: برای هر کدام از این دو گروه که به راه راست روان است، پیروزی می خواستید.
- ۲۴- ﴿يُحْيِيكُمْ﴾: برای شما حیات ابدی و نعمت جاودان می آورد.
- ۲۶- ﴿يَتَخَطَّفُكُمُ النَّاسُ﴾: مردم شما را به سرعت برابند و ریشه کن سازند.
- ۲۸- ﴿فِتْنَةٌ﴾: ابتلا و گرفتاری یا سبب دچاری به گناه و عذاب است.
- ۲۹- ﴿فُرْقَانًا﴾: هدایت و نور یا نجات.

- ۳۰- ﴿لِيُثْبِتُوكَ﴾: تا تو را حبس نمایند و به قید و زنجیرت کشند.
- ۳۰- ﴿يَمَكُرُ اللَّهُ﴾: خدا مکر آنها را باطل می‌کرد.
- ۳۱- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: دروغ‌های که در کتاب‌هاشان نوشته است.
- ۳۵- ﴿مُكَاءٌ وَنَصْدِيَةٌ﴾: کف زدن و سوت کشیدن.
- ۳۶- ﴿حَسْرَةٌ﴾: ندامت و تأسف.
- ۳۷- ﴿فَيَزْكُمُهُ جَمِيعًا﴾: و کافران را روی یکدیگر جمع کند.
- ۳۸- ﴿سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ﴾: سنت الهی در مورد آنها که پیامبران را تکذیب کردند.
- ۳۹- ﴿فِتْنَةٌ﴾: شرک، بدبختی و دشواری.
- ۴۱- ﴿لِلَّهِ حُمُسُهُ﴾: پنج یک غنمیت برای خداست و چهار بخش باقی مانده سهم سپاه‌یانی است که غنایم را بدست آورده‌اند.
- ۴۱- ﴿يَوْمَ الْفُرْقَانِ﴾: روزی که حق از باطل جدا شد، روز بدر.
- ۴۲- ﴿بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا﴾: به کناره وادی نزدیک مدینه.
- ۴۲- ﴿الرَّكْبُ﴾: کاروان تجارتي قریش.
- ۴۳- ﴿لَفَشَلْتُمْ﴾: بزدل می‌شدید و از جنگ می‌ترسیدید.
- ۴۶- ﴿تَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾: قوت یا نعمت شما از هم بپاشد.
- ۴۷- ﴿بَطْرًا﴾: از سرکشی یا فخر و تکبر.
- ۴۸- ﴿إِنِّي جَارٌ لَّكُمْ﴾: من پناه دهنده، معین و ناصر شما هستم.
- ۴۸- ﴿نَكَصَ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ﴾: شیطان به عقب گریخت.
- ۵۲- ﴿كَذَابٌ...﴾: مانند عادت...
- ۵۷- ﴿تَتَّقَفْنَهُمْ﴾: با آنها روبرو شوی و مغلوب‌شان سازی.
- ۵۷- ﴿فَشَرِدْ بِهِمُ﴾: آنها را پراکنده بساز و به شدت بترسان.
- ۵۸- ﴿مِنْ قَوْمٍ﴾: از گروهی که با تو پیمان بسته‌اند.
- ۵۸- ﴿فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ﴾: عهدشان را به سوی آنها بینداز و با آنها بجنگ.

- ۵۸- ﴿عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾: همه یکسان از الغای پیمان آگاه باشید.
- ۵۹- ﴿سَبَقُوا﴾: از عذاب الهی رهایی یافتند.
- ۶۰- ﴿قُوَّةٌ﴾: هر چه سبب نیرومندی و توانایی در جنگ است.
- ۶۰- ﴿رَبَّاطٍ أَلْحِيلِ﴾: نگهداری اسب بخاطر جهاد در راه خدا.
- ۶۱- ﴿إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ﴾: اگر به مصالحه و مسالمت متمایل شوند.
- ۶۲- ﴿حَسْبَكَ اللَّهُ﴾: در دفع فریب آنها خدا تو را کفایت می کند.
- ۶۵- ﴿حَرِضَ الْمُؤْمِنِينَ﴾: به ترغیب مسلمانها بکوش.
- ۶۷- ﴿يُتَخَنَ﴾: به کشتار بکوشد تا کفر ضعیف شود.
- ۶۷- ﴿عَرَضَ الدُّنْيَا﴾: مال دنیا را، به سبب گرفتن فدیة.
- ۷۱- ﴿فَأَمَّا كَنَ مِنْهُمْ﴾: و تو را روز بدر بر آنها مسلط کرد.
- ۷۵- ﴿وَأُولُوا الْأَرْحَامِ﴾: خویشاوندان.
- ۷۵- ﴿أُولَىٰ﴾: به میراث از بیگانگان سزاوارتر هستند.

سوره توبه

- ۱- ﴿بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ...﴾: این آیات [اعلام] دوری و بیزاری است که از جانب پروردگار رسیده...
- ۱- ﴿عَاهِدْتُمْ﴾: با آنها عهد و پیمان بستید و آنها پیمان را زیر پا گذاشتند.
- ۲- ﴿أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ﴾: چهار ماه، از روز دهم ذی الحجه آغاز می شود.
- ۲- ﴿غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ﴾: از عذاب خدا نمی توانید فرار کنید.
- ۳- ﴿أَذُنٌ﴾: اعلام است.
- ۳- ﴿يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ﴾: روز اول عید قربان سال نهم هجرت.

- ۳- ﴿رَسُولُهُ﴾: رسول خدا نیز از مشرکین بیزار است.
- ۴- ﴿لَمْ يَنْقُصُوكُمْ﴾: به عهد و پیمان با شما کوتاهی نکردند بلکه به آن وفا نمودن.
- ۴- ﴿لَمْ يُظَاهِرُوا﴾: کمک نکردند.
- ۵- ﴿أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ﴾: پیمان چهار ماهه پایان یابد.
- ۵- ﴿أَحْضَرُوهُمْ﴾: آنها را حبس نمایید یا در تنگنا قرار دهید و از رفت و آمد و کسب و کار در شهرها ممانعت نمایید.
- ۵- ﴿كُلَّ مَرَّصِدٍ﴾: تمام راهها و گذرگاهها و دیده بانها.
- ۶- ﴿أَسْتَجَارَكَ﴾: در پایان مدت پیمان از تو حمایت خواست.
- ۷- ﴿فَمَا اسْتَقَمُوا لَكُمْ﴾: پس تا وقتی که بر پیمان با شما پایدار باشند.
- ۸- ﴿يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ﴾: بر شما غالب شوند.
- ۸- ﴿لَا يَرْقُبُوا﴾: مراعات نمی کنند.
- ۸- ﴿إِلَّا﴾: خویشاوندی و قرابت یا تعهد و پیمان را.
- ۸- ﴿ذِمَّةً﴾: عهد را.
- ۱۲- ﴿تَكْفُرُوا أَيْمَانَهُمْ﴾: پیمانهای مؤکد به سوگند خود را بشکنند.
- ۱۵- ﴿عَظِظَ قُلُوبِهِمْ﴾: خشم و اندوه شدید دل های آنها را.
- ۱۶- ﴿وَوَلِيَّةً﴾: دوست پنهانی، رازدار و رفیق.
- ۱۷- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: ثواب اعمال آنها بخاطر کفرشان باطل شده است.
- ۱۹- ﴿سِقَايَةَ الْحَاجِّ﴾: آب رساندن به حاجیان را.
- ۲۳- ﴿اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ﴾: بی دینی اختیار کنند و در آن پایدار بمانند.
- ۲۴- ﴿أَقْتَرَفْتُمُوهَا﴾: آن را بدست آورده اید.
- ۲۴- ﴿كَسَادَهَا﴾: از رواج افتادن آن به گذشت ایام حج.
- ۲۴- ﴿فَتَرَبَّصُوا﴾: پس در انتظار باشید.
- ۲۵- ﴿بِمَا رَحَبْتَ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.

- ۲۶- ﴿سَكِينَتَهُ﴾: آرامش یا رحمت خود را.
- ۲۸- ﴿الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾: مشرکان بخاطر فساد عقیده خبیث و پلیدند.
- ۲۸- ﴿خِفْتُمْ عَيْلَةً﴾: از فقر و فاقه ترسیدید به سبب قطع تجارت مشرکان از مسجد حرام.
- ۲۹- ﴿يُعْطُوا الْجِزْيَةَ﴾: خراجی را که بر آنها معین شده است بدهند.
- ۲۹- ﴿عَنْ يَدٍ﴾: از فرمانبرداری یا از قوت و تسلط شما.
- ۲۹- ﴿هُمْ صَغِيرُونَ﴾: آنها فرمانبردار حکم اسلام باشند.
- ۳۰- ﴿يُضِلُّهُنَّ﴾: خود را در کفر و شناعت مشابه می سازند.
- ۳۰- ﴿أَأَنْتَ يُؤْفِكُونَ﴾: بعد از درخشش حق چگونه از آن دور می شوند؟
- ۳۱- ﴿أَحْبَارُهُمْ﴾: دانشمندان خود را.
- ۳۱- ﴿رُهْبَانُهُمْ﴾: پارسایان خود را.
- ۳۱- ﴿أَرْبَابًا﴾: از آنها مانند پروردگار اطاعت کردند.
- ۳۳- ﴿لِيُظْهِرَهُ﴾: تا او را غالب کند.
- ۳۶- ﴿أَرْبَعَةَ حُرُمٍ﴾: چهار ماه حرام، رجب، ذی القعدة، ذی الحجة و محرم.
- ۳۶- ﴿الَّذِينَ أَلْقَمُوا﴾: دین مستقیم، دین ابراهیم عليه السلام.
- ۳۷- ﴿النَّسِيءُ﴾: تأخیر حرمت ماهی به ماه دیگر. ﴿لِيُؤَاخِطُوا﴾: تا موافق سازند.
- ۳۸- ﴿أَنْفِرُوا﴾: به میدان جنگ بروید، غزوه تبوک.
- ۳۸- ﴿أَتَأْقَلْتُمْ﴾: سستی می کنید و مایل می شوید.
- ۴۰- ﴿فِي الْغَارِ﴾: در غار کوه ثور نزدیک مکه.
- ۴۰- ﴿لِصَاحِبِهِ﴾: به یار خود، ابوبکر صدیق.
- ۴۱- ﴿خِفَافًا وَثِقَالًا﴾: بر هر حالتی که باشید.
- ۴۲- ﴿عَرَضًا قَرِيبًا﴾: غنیمتی که به آسانی بدست می آمد.
- ۴۲- ﴿سَفَرًا قَاصِدًا﴾: سفر متوسط نه بسیار دور و نه بسیار نزدیک.

- ۴۲- ﴿الشُّقَّةُ﴾: مسافتی که به مشقت و زحمت طی شود.
- ۴۶- ﴿أَنْبِعَاثُهُمْ﴾: حرکت ایشان را با شما.
- ۴۶- ﴿فَتَبَّطُّهُمْ﴾: پس خدای بزرگ آنها را از رفتن با شما باز داشت.
- ۴۷- ﴿حَبَالًا﴾: شر و فساد، یا جبن و ناتوانی.
- ۴۷- ﴿لَا وَضَعُوا خِلَالَكُمْ﴾: برای تمامی به سرعت بین شما رفت و آمد می کردند تا میان شما فساد برپا کنند.
- ۴۷- ﴿يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ﴾: می خواهند شما را در فتنه و آشوب بزرگ اندازند.
- ۴۸- ﴿قَلْبُوا لَكَ الْأُمُورَ﴾: در برابر تو نیرنگ و فریب بکار بردند.
- ۴۹- ﴿أَشَدَّنَ لِي﴾: مرا اجازه بده در این غزوه نروم.
- ۴۹- ﴿لَا تَقْتَتِي﴾: مرا با مخالفت از دستورت گرفتار گناه نگردان.
- ۵۲- ﴿هَلْ تَرَبَّصُونَ﴾: آیا درباره ما انتظار دارید.
- ۵۲- ﴿الْحُسَيْنِيِّنَ﴾: نصرت و شهادت را.
- ۵۵- ﴿تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ﴾: جان آنها بیرون آید.
- ۵۶- ﴿قَوْمٌ يَفْرُقُونَ﴾: گروهی اند که از ترس و منافقت عقاید خود را پنهان می کنند.
- ۵۷- ﴿مَلَجًا﴾: جای محکمی که در آن پناه ببرند.
- ۵۷- ﴿مَعْرَتٍ﴾: مغاره‌های در کوه‌ها که پنهان شوند. ﴿مُدَّخَلًا﴾: سوراخی در زمین که داخل شوند.
- ۵۷- ﴿يَجْمَحُونَ﴾: برای داخل شدن در آن می‌شتابند.
- ۵۸- ﴿يَلْمِزُكَ﴾: بر تو طعن می‌زنند و عیب می‌گیرند.
- ۵۹- ﴿حَسْبُنَا اللَّهُ﴾: فضل خدا ما را بس است.
- ۶۰- ﴿الْعَمِلِينَ عَلَيْهَا﴾: متصدیان زکات مثل جمع آوری کنندگان و کاتبان و نگهبانان.
- ۶۰- ﴿فِي الرِّقَابِ﴾: در آزاد کردن بردگان یا اسیران.
- ۶۰- ﴿الْعَرْمِينَ﴾: وام دارانی که توان پرداخت ندارند.

- ۶۰- ﴿فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾: در راه جهاد یا هر کار نیک.
- ۶۰- ﴿وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾: مسافری که از مال خود جداست.
- ۶۱- ﴿هُوَ أُذُنٌ﴾: او مردی است که هر چه بشنود باور می‌کند.
- ۶۱- ﴿أُذُنٌ حَيْرٍ لَّكُمْ﴾: او شنوای خیر است برای شما، سخنان خیر شما را می‌شنود و قبول می‌کند و سخنان بد شما را باور نمی‌کند.
- ۶۳- ﴿مَنْ يُجَادِدِ اللَّهَ﴾: هر کس با خدا مخالفت و دشمنی ورزد...
- ۶۵- ﴿نَحْوُضٌ وَنَلْعَبُ﴾: خود را به سخن سرگرم می‌کردیم تا راه کوتاه شود.
- ۶۷- ﴿يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ﴾: دستهای خود را از بخل، به خیر و طاعت دراز نمی‌کنند.
- ۶۷- ﴿فَنَسِيَهُمْ﴾: پس خدا هم آنها را از توفیق و هدایت خود دور کرد.
- ۶۸- ﴿هِيَ حَسْبُهُمْ﴾: جهنم برای تعذیب کافران کافی است.
- ۶۹- ﴿فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ﴾: از لذت‌های دنیا به سهم خود بهره‌مند شدند.
- ۶۹- ﴿خُضْتُمْ﴾: در باطل داخل شدید.
- ۶۹- ﴿حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ﴾: ثواب اعمال آنها بخاطر کفرشان باطل شد.
- ۷۰- ﴿الْمُؤْتَفِكَتِ﴾: شهرهای ویران شده قوم لوط.
- ۷۳- ﴿وَأَعْلَطَ عَلَيْهِمْ﴾: بر آنها سخت بگیر و نرمی نکن.
- ۷۴- ﴿مَا نَقَمُوا﴾: هیچ چیز را زشت و ناپسند نشمردند.
- ۷۸- ﴿يَعْلَمُ سِرَّهُمْ﴾: خدا آنچه را از منافقت نهان داشته‌اند، می‌داند.
- ۷۸- ﴿نَجْوَاهُمْ﴾: سخنان طعنه آمیزی را که با هم در مورد دین می‌گویند.
- ۷۹- ﴿الَّذِينَ يَلْمِزُونَ﴾: منافقان عیب می‌گیرند.
- ۷۹- ﴿جُهِدَهُمْ﴾: توان خویش، فقرا.
- ۷۹- ﴿سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ﴾: خدا خوار و ذلیلشان ساخت، با دادن جزای مناسب.
- ۸۱- ﴿خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ﴾: بعد از رفتن رسول خدا، یا از جهت مخالفت با او.
- ۸۱- ﴿لَا تَنْفِرُوا﴾: برای جهاد به سمت تبوک حرکت نکنید.

- ۸۳- ﴿الْخَلِيفِينَ﴾: بازماندگان از جهاد مانند زنان.
- ۸۵- ﴿تَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ﴾: جانشان برآید.
- ۸۶- ﴿أُولُوا الطُّوَلِ مِنْهُمْ﴾: منافقان ثروتمند و توانگر.
- ۸۷- ﴿الْخَوَالِفِ﴾: زنانی که به خانه می‌نشینند و به جهاد نمی‌روند.
- ۸۷- ﴿طَبِعَ﴾: مهر نهاده شده است.
- ۹۰- ﴿الْمُعَذِّرُونَ﴾: بهانه تراشان به عذرهای دروغین.
- ۹۱- ﴿حَرَجٌ﴾: جرم و گناهی در اثر بازماندن از سفر جهاد.
- ۹۲- ﴿تَفْيِضُ مِنَ الدَّمْعِ﴾: اشک می‌ریختند.
- ۹۵- ﴿إِنَّهُمْ رِجْسٌ﴾: ظاهر و باطن آنها پلید است.
- ۹۷- ﴿أَجْدَرُ﴾: سزاوارتر و شایسته‌ترند.
- ۹۸- ﴿مَعْرَمًا﴾: تاوان و زیان.
- ۹۸- ﴿يَتَرَبَّصُّ بِكُمْ الدَّوَابُّ﴾: انتظار می‌کشد تا سختی‌های روزگار دامن‌گیرتان شود.

- ۹۸- ﴿عَلَيْهِمْ دَابِرَةُ السَّوْءِ﴾: بد و زیان بر خود آنها باد، دعاست.
- ۹۹- ﴿صَلَوَاتِ الرَّسُولِ﴾: دعا و استغفار پیامبر، برای انفاق کنندگان.
- ۱۰۱- ﴿مَرَدُوا عَلَى التَّفَاقِ﴾: به نفاق خو گرفته و به آن ماهر شده‌اند.
- ۱۰۳- ﴿تَرْكِيهِمْ بِهَا﴾: تا به سبب این صدقه، حسنات و اموال ایشان را برکت دهی.
- ۱۰۳- ﴿صَلِّ عَلَيْهِمْ﴾: به آنها دعا و استغفار کن.
- ۱۰۳- ﴿سَكَنٌ لَهُمْ﴾: آرامش یا رحمت است برای ایشان.
- ۱۰۴- ﴿يَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ﴾: صدقات را می‌پذیرد و پاداش می‌دهد.
- ۱۰۶- ﴿مُرْجُونَ﴾: کارشان به تأخیر افتاده است، پذیرش توبه آنها قطعی نشده بود.
- ۱۰۷- ﴿مَسْجِدًا ضِرَارًا﴾: مسجد زیان آور برای اهالی مسجد قباء.
- ۱۰۷- ﴿إِرْصَادًا﴾: انتظار کشیدن یا آماده ساختن.

- ۱۰۸- ﴿لَمَسْجِدٌ﴾: بدون شک مسجدی که، مسجد قباء یا مسجد نبوی.
- ۱۰۹- ﴿عَلَى شَفَا جُرْفٍ﴾: بر کنار چاهی که سنگ کاری نشده باشد.
- ۱۰۹- ﴿هَارٍ﴾: شکسته یا در حال ویرانی.
- ۱۰۹- ﴿فَأَنْهَارَ بِهِ﴾: پس ساختمان بر صاحب خود سقوط کرد.
- ۱۱۰- ﴿رِيْبَةً فِي قُلُوبِهِمْ﴾: شک و نفاق در دل‌های‌شان موج می‌زند.
- ۱۱۰- ﴿تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ﴾: دل‌های آنها بر اثر مرگ پاره پاره شود.
- ۱۱۲- ﴿السَّيْحُونَ﴾: مجاهدان غازی، یا روزه داران.
- ۱۱۲- ﴿لِحُدُودِ اللَّهِ﴾: برای اوامر و نواهی خدا.
- ۱۱۴- ﴿لَأَوَّاهٌ﴾: بسیار با درد و آه، از خشم خدا ترسان و مرد دلسوز و مهربان بود.
- ۱۱۷- ﴿سَاعَةَ الْعُسْرَةِ﴾: وقت سختی و تنگدستی در غزوه تبوک.
- ۱۱۷- ﴿يَزِيغُ﴾: به تخلف از جهاد میل کند.
- ۱۱۸- ﴿بِمَا رَحِبَتْ﴾: با همه فراخی و وسعت آن.
- ۱۱۸- ﴿لِيَتُوبُوا﴾: تا در آینده به توبه ادامه دهند.
- ۱۲۰- ﴿لَا يَزْعَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ﴾: جان خود را عزیزتر ندانند.
- ۱۲۰- ﴿نَصَبٌ﴾: رنجی.
- ۱۲۰- ﴿مُحْمَصَةٌ﴾: گرسنگی.
- ۱۲۰- ﴿يَغِيْظُ الْكُفَّارَ﴾: آنها را به خشم آورد و اندوهگین کند.
- ۱۲۰- ﴿نِيْلًا﴾: چیزی از قبیل کشتن، اسارت و غنیمت.
- ۱۲۲- ﴿لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً﴾: که همگی به سوی میدان جهاد حرکت کنند.
- ۱۲۳- ﴿غِلْظَةً﴾: شجاعت، ننگ و شکیبایی.
- ۱۲۵- ﴿رِجْسًا﴾: کفر و نفاق.
- ۱۲۶- ﴿يُفْتَنُونَ﴾: در بلاها و سختی‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند.
- ۱۲۸- ﴿عَزِيْزٌ عَلَيْهِ﴾: بر او سخت و دشوار است.

- ۱۲۸- ﴿مَا عَنَيْتُمْ﴾: رنج و مشقت شما.
 ۱۲۹- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾: یاری و کمک خدا مرا بس است.

سوره یونس

- ۲- ﴿قَدَّمَ صِدْقٍ﴾: سابقه فضیلت و برتری و مقام عالی.
 ۳- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق ذات او تعالی است.
 ۴- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.
 ۴- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
 ۵- ﴿قَدَرَهُ مَنَازِلَ﴾: برای ماه منزلها قرار داد که در آنها سیر می کند.
 ۷- ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾: چون از رستاخیز منکرند امید دیدار ما را ندارند.
 ۱۰- ﴿دَعَاؤُهُمْ﴾: دعای آنها.
 ۱۱- ﴿لَقَضَىٰ إِلَيْهِمْ أَجْلُهُمْ﴾: تباہ و نابود می شدند.
 ۱۱- ﴿فِي طُعَيْنِهِمْ﴾: در سرکشی و کفر ایشان.
 ۱۱- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: متحیر و سرگردان باشند.
 ۱۲- ﴿الضُّرُّ﴾: بلا، رنج و سختی.
 ۱۲- ﴿دَعَاَنَا لِحُبِّهِ﴾: بخاطر دور شدن بلا در حالی که بر پهلو خوابیده از ما فریادرسی می کند.
 ۱۲- ﴿مَرًّا﴾: پند نگیرد و به کفر خویش ادامه دهد.
 ۱۳- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملتها را مثل قوم نوح عليه السلام، عاد و ثمود.
 ۱۳- ﴿ظَلَمُوا﴾: ستم کردند با تکذیب پیامبران.
 ۱۴- ﴿جَعَلْنَاكُمْ خَلِيفَ﴾: پس از نابودی آنها شما را جانشینان کردیم.
 ۱۶- ﴿لَا أَذْرُكُمْ بِهِ﴾: خدا شما را به واسطه من از آن آگاه نمی کرد.
 ۱۷- ﴿لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ﴾: گناه کاران به مطلوبی دست نمی یابند.

- ۱۸- ﴿سُبْحٰنَهٗ﴾: او تعالی پاک و منزّه است.
- ۲۱- ﴿ضَرَّاءَ مَسْتَهْمٌ﴾: به آنها سختی رسیده بود، گرسنگی و قحطی.
- ۲۱- ﴿لَهُمْ مَكْرٌ﴾: آنان مخالفت و استهزاء می کنند.
- ۲۱- ﴿اللّٰهُ اَسْرَعُ مَكْرًا﴾: جزاء و عقوبت خدا سریعتر است^(۱).
- ۲۲- ﴿رِيْحٌ عَاصِفٌ﴾: باد تند.
- ۲۲- ﴿اُحِيْطُ بِهِمْ﴾: مرگ و نابودی بر آنها حلقه زده است.
- ۲۳- ﴿يَبْعُوْنَ﴾: فساد می کنند.
- ۲۴- ﴿مَثَلُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا﴾: مثل زندگانی دنیا در سرعت نابودی و زوال آن.
- ۲۴- ﴿زُخْرُفَهَا﴾: شادابی و زیبایی آن با انواع گل و گیاه.
- ۲۴- ﴿اَمْرُنَا﴾: آفت های بنیان برنواز ما.
- ۲۴- ﴿حَصِيْدًا﴾: مانند گیاه درو شده.
- ۲۴- ﴿لَمْ تَغْنِ﴾: اصلاً نبوده.
- ۲۶- ﴿الْحُسْنٰى﴾: مقام نیکو، جنت.
- ۲۶- ﴿زِيَادَةٌ﴾: علاوه بر این، دیدار خدا هم در آنجا میسر است.
- ۲۶- ﴿لَا يَرَهُنَّ وُجُوْهُهُمْ﴾: روی آنها را نمی پوشاند.
- ۲۶- ﴿قَتْرٌ﴾: غبار سیاهی.
- ۲۶- ﴿ذِلَّةٌ﴾: اثر خواری.
- ۲۷- ﴿عَاصِمٍ﴾: مانعی که قهر و عذاب خدا را دور کند.
- ۲۷- ﴿اُغْشِيَتْ وُجُوْهُهُمْ﴾: روی آنها پوشانده شده است.
- ۲۸- ﴿مَكَانَكُمْ﴾: دور نروید و در جای خود باشید.

۱- حقیقت مکر، برنامه ریزی محکم برای مجازات مجرم است به گونه ای که او باخبر نشود؛ و از عقوبت و مجازات مطلق، خاص تر است زیرا مکر عقوبت ویژه است. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۲۸- ﴿فَزَيْلَنَا بَيْنَهُمْ﴾: پس بین آنها جدایی می‌افکنیم و پیوندشان را می‌گسلیم.
- ۳۰- ﴿تَبَلَّوْا﴾: خبر دار و آگاه می‌شود یا مشاهده می‌کند.
- ۳۲- ﴿رَبُّكُمْ أَحَقُّ﴾: بدون شک ربوبیت او تعالی به دلایل استوار ثابت شده است.
- ۳۲- ﴿فَأَلَيْ تَصْرَفُونَ﴾: پس چگونه از حق دور و به کفر و گمراهی مایل می‌شوید؟
- ۳۳- ﴿حَقَّتْ﴾: ثابت و حتمی شد.
- ۳۴- ﴿فَأَلَيْ تَتُوفَكُونَ﴾: پس چگونه از راه نیک دور می‌شوید.
- ۳۵- ﴿لَا يَهْدِي﴾: خود نمی‌تواند راه راست را بیابد.
- ۳۹- ﴿لَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ﴾: هنوز برای آنها نتیجه و عاقبت وعید قرآن آشکار نشده است.
- ۴۳- ﴿يَنْظُرُ إِلَيْكَ﴾: دلایل روشن نبوت را مشاهده می‌کند.
- ۴۷- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت در دنیا یا در روز جزاء.
- ۵۰- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: مرا از عذاب الهی آگاه سازید.
- ۵۰- ﴿بَيِّنَاتٍ﴾: هنگام شب.
- ۵۱- ﴿أَلَمْ يَأْتِكُمْ﴾: آیا اکنون به وقوع عذاب خدا ایمان می‌آورید؟
- ۵۳- ﴿يَسْتَسْتَشِئُونَكَ﴾: به استهزا در باره عذاب از تو می‌پرسند.
- ۵۳- ﴿إِي وَرَبِّي﴾: آری، به خدا قسم.
- ۵۳- ﴿مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۵۴- ﴿أَسْرُوا اللَّدَامَةَ﴾: غم و حسرت خود را پنهان می‌دارند.
- ۵۹- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۵۹- ﴿أَذِنَ لَكُمْ﴾: خدا شما را از این حلال و حرام گردانیدن باخبر ساخته است.
- ۵۹- ﴿تَفَرُّوْنَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می‌دهید.
- ۶۱- ﴿مَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ﴾: در هیچ کار مهم و قابل توجهی اقدام نمی‌کنی.
- ۶۱- ﴿مَا يَعْرُبُ﴾: پنهان نیست.

- ۶۱- ﴿مِثْقَالِ ذَرَّةٍ﴾: هم وزن کوچک‌ترین مورچه یا گردی.
- ۶۵- ﴿إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ﴾: تنها خداست که به ملک خود غلبه و سلطه دارد.
- ۶۶- ﴿يُخْرِصُونَ﴾: هر چه که به خدا نسبت می‌دهند، دروغ می‌گویند.
- ۶۸- ﴿سُبْحٰنَهُ﴾: خدای تعالی از آنچه به او نسبت می‌دهند پاک و منزّه است.
- ۶۸- ﴿سُلْطٰنٍ﴾: حجت روشن.
- ۷۱- ﴿كَبْرَ عَلَیْكُمْ﴾: بر شما دشوار و پر مشقت است.
- ۷۱- ﴿مَقَامِی﴾: اقامت من در میان شما زمان دراز.
- ۷۱- ﴿فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ﴾: پس به اجرای مکر و حيله خود تصمیم بگیرید.
- ۷۱- ﴿شُرَكَاءَ كُمْ﴾: همراه با شریکان خود.
- ۷۱- ﴿عَمَّةٍ﴾: دل‌تنگی شدید یا مبهم.
- ۷۱- ﴿أَقْضُوا إِلَیَّ﴾: هر چه می‌خواهید در حق من انجام دهید.
- ۷۱- ﴿لَا تُنظِرُونِ﴾: مهلت‌م ندهید.
- ۷۳- ﴿جَعَلْنَهُمْ خَلِیْفَ﴾: آنها را جانشین غرق شدگان کردیم.
- ۷۴- ﴿نَطْبَعِ﴾: مهر می‌نهم.
- ۷۸- ﴿لِلْأَلْفِیْتَانِ﴾: تا ما را منصرف سازی.
- ۸۳- ﴿أَنْ یَفْتِنَهُمْ﴾: که فرعون آنها را شکنجه کند.
- ۸۵- ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾: ما را محل شکنجه قرار نده.
- ۸۷- ﴿تَبَوَّءَا لِقَوْمِکُمْ...﴾: برای قوم خود بسازید...
- ۸۷- ﴿قِبْلَةَ﴾: مساجد سوی کعبه یا جای ادای نماز.
- ۸۸- ﴿أَطْمِسْ عَلَیْ أَمْوَالِهِمْ﴾: اموالشان را تلف کن.
- ۸۸- ﴿وَأَشْدُدْ عَلَی قُلُوبِهِمْ﴾: بر دل‌های ایشان مهر بنه.
- ۹۰- ﴿بَعِیًّا وَعَدْوًا﴾: به قصد ستم و تجاوز.
- ۹۱- ﴿الْأَنَّ﴾: آیا اکنون که به هلاکت خود یقین کردی ایمان می‌آوری.

- ۹۲- ﴿عَايَةَ﴾: عبرتی.
- ۹۳- ﴿بَوَّأْنَا﴾: مسکن دادیم.
- ۹۳- ﴿مُبَوَّأً صِدْقٍ﴾: منزل درست و پسندیده.
- ۹۴- ﴿الْمُمْتَرِينَ﴾: شک کنندگان.
- ۹۸- ﴿عَذَابَ الْحِزْبِ﴾: عذاب رسوایی و ذلت را.
- ۱۰۰- ﴿يَجْعَلُ الرَّجْسَ﴾: عذاب یا انتقام را می‌نهد.
- ۱۰۵- ﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ﴾: همه هستی خود را صرف دین حنیف کن.
- ۱۰۵- ﴿حَنِيفًا﴾: دین پاک و جدا از همه ادیان باطل.
- ۱۰۸- ﴿بُوكِيلٍ﴾: مراقب که کار شما به من سپرده شده باشد.

سوره هود

- ۱- ﴿أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ﴾: آیات آن خیلی محکم، استوار و منظم است.
- ۱- ﴿فُصِّلَتْ﴾: از روی حکمت [در زمان‌های مختلف به حسب وقایع و مصالح] بخش بخش نازل کرده شد.
- ۵- ﴿يَتَّبِعُونَ صُدُورَهُمْ﴾: کفر و دشمنی با مسلمان‌ها را در سینه‌های خود پنهان می‌کنند.
- ۵- ﴿لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ﴾: تا از او تعالی پنهان بمانند، این کار را از نادانی می‌کنند.
- ۵- ﴿يَسْتَعْشُونَ نِيَابَهُمْ﴾: برای این که بهتر مخفی باشند خود را در جامه‌هاشان پنهان می‌کردند.
- ۶- ﴿يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا﴾: محل استقرار آنها را در صلب یا رحم و مانند آنها می‌داند.
- ﴿مُسْتَوْدَعَهَا﴾: آرام‌گاه او را در رحم و مانند آن یا در صلب پدر.
- ۷- ﴿لِيَبْلُوَكُمْ﴾: تا شما را امتحان کند در حالی که از امور تان آگاه است.
- ۷- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: فرمانبرتر از او تعالی و پرهیزگارتر.

- ۸- ﴿أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾: چند روزی.
- ۸- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: بر آنها فرود آید یا احاطه‌شان کند.
- ۹- ﴿إِنَّهُ لَيُؤَسُّوْا﴾: همانا او سخت مأیوس و نومید است.
- ۹- ﴿كُفُوْرٌ﴾: به نعمت‌های خدا بسیار ناسپاس است.
- ۱۰- ﴿ضَرَّاءٌ مَّسْتَةٌ﴾: حادثه ناگواری به او رسیده.
- ۱۰- ﴿إِنَّهُ لَفَرِحٌ﴾: همانا او هنگام رسیدن نعمت بدمست و به آن فریفته است.
- ۱۰- ﴿فَخُوْرٌ﴾: به نعمتی که دارد به دیگران فخر می‌کند.
- ۱۲- ﴿وَكَيْلٌ﴾: نگهدار آن است.
- ۱۵- ﴿لَا يُبْخَسُوْنَ﴾: از اجرشان کاسته نمی‌شود.
- ۱۶- ﴿حَبِطٌ﴾: در آخرت باطل گشت.
- ۱۷- ﴿بَيِّنَةٌ﴾: یقین و دلیل قاطع، قرآن کریم.
- ۱۷- ﴿شَاهِدٌ﴾: اعجاز نظم قرآن گواه نزول آن است.
- ۱۷- ﴿فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ﴾: تردیدی در نزول قرآن.
- ۱۸- ﴿الْأَشْهُدُ﴾: فرشتگان، پیامبران و اعضای بدن.
- ۱۹- ﴿يَبْغُوْنَهَا عَوْجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.
- ۲۰- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۲۲- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناگزیر یا در حقیقت.
- ۲۳- ﴿أَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾: به نوید او تعالی اطمینان یا فروتنی کردند.
- ۲۷- ﴿الْمَلَأُ﴾: سران و بزرگان.
- ۲۷- ﴿بَادِيَ الرَّأْيِ﴾: ظاهر کار را می‌بینند و در آن دقت و اندیشه نمی‌کنند.
- ۲۸- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من بگویید.
- ۲۸- ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْكُمْ﴾: و بر شما پوشیده شد.
- ۳۱- ﴿خَزَائِنُ اللَّهِ﴾: خزانه‌های رزق و مال خدا.

- ۳۱- ﴿تَزِدْرِي أَعْيُنُكُمْ﴾: به چشم شما حقیر و بی ارزشند.
- ۳۳- ﴿أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۳۴- ﴿أَنْ يُغْوِيَكُمْ﴾: که شما را گمراه سازد.
- ۳۵- ﴿فَعَلَىٰ إِجْرَامِي﴾: پس عذاب گناه من به عهده خود من است.
- ۳۶- ﴿فَلَا تَبْتَئِسْ﴾: پس غمگین مباش.
- ۳۷- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و حمایت کامل ما.
- ۳۹- ﴿يُخْزِيهِ﴾: خوار و ذلیلش خواهد کرد.
- ۳۹- ﴿يَجِلُّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب می‌شود و می‌رسد.
- ۴۰- ﴿فَارَ التَّنُورُ﴾: آب از تنور نان پزی به شدت فوران کرد.
- ۴۱- ﴿مَجْرُهَا﴾: وقت حرکت آن.
- ۴۱- ﴿مُرْسَاهَا﴾: هنگام توقف آن.
- ۴۳- ﴿سَاوِي﴾: به زودی پناه می‌برم.
- ۴۳- ﴿لَا عَاصِمَ﴾: هیچ مانع و نگاه‌دارنده‌ای نیست.
- ۴۴- ﴿أَقْلِعِي﴾: باران را بس کن.
- ۴۴- ﴿غِيضَ الْمَاءِ﴾: آب کم شد و در زمین رفت.
- ۴۴- ﴿وَأَسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ﴾: بر کوه جودی نزدیک موصل قرار گرفت.
- ۴۴- ﴿بُعْدًا﴾: نابود و دور باد.
- ۴۸- ﴿بَرَكَتٍ﴾: خیر و برکت همیشگی.
- ۵۱- ﴿فَطَرْنِي﴾: مرا آفریده و هستی داده است.
- ۵۲- ﴿السَّمَاءِ﴾: باران را.
- ۵۲- ﴿مَدْرَارًا﴾: فراوان پی‌درپی بدون ضرر.
- ۵۴- ﴿أَعْتَرْنَاكَ﴾: به تو رسانده است.
- ۵۴- ﴿بِسُوءٍ﴾: جنون و دیوانگی.

- ۵۵- ﴿فَكِيدُونِي﴾: پس به ضرر من دست به حيله بزنيد.
- ۵۵- ﴿لَا تُنظِرُونِ﴾: مهلتم ندهيد.
- ۵۶- ﴿ءَاخِذْ بِنَاصِيَتِهَا﴾: خدا مالک اوست و بر او قدرت دارد.
- ۵۷- ﴿حَفِيظٌ﴾: مراقب و شاهد است.
- ۵۸- ﴿غَلِيظٌ﴾: بسيار سخت.
- ۵۹- ﴿جَبَّارٍ﴾: خود بين و متکبر.
- ۵۹- ﴿عَنِيدٌ﴾: سرکش، حق ستيز.
- ۶۰- ﴿بُعْدًا لِّعَادِ﴾: عاد نابود و از خير دور باد.
- ۶۱- ﴿وَأَسَعَمَّ رُكْمٌ فِيهَا﴾: عمران زمين را به اختيار شما گذاشت و شما را در آن ساکن ساخت.
- ۶۲- ﴿مُرِيْبٌ﴾: تشويش و اضطراب آور.
- ۶۳- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من بگويد.
- ۶۳- ﴿بَيِّنَةٍ﴾: يقين، بيان روشن و بصيرت.
- ۶۳- ﴿تَحْسِيرٍ﴾: ضرر، اگر از او نافرمانی کنم.
- ۶۴- ﴿ءَايَةً﴾: معجزه‌های که دليل صدق نبوتم است.
- ۶۷- ﴿الصَّيْحَةُ﴾: صدای کشنده از آسمان.
- ۶۷- ﴿جَثِيمِينَ﴾: خشک، بی حرکت و بی جان.
- ۶۸- ﴿لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا﴾: از مدت‌ها، به خوشی و عشرت در اینجا بسر نبرده‌اند.
- ۶۸- ﴿بُعْدًا لِّثَمُودَ﴾: ثمود از رحمت حق دور و نابود باد.
- ۶۹- ﴿بِعِجْلِ حَنِيذٍ﴾: گوساله بريان با سنگ‌های گداخته.
- ۷۰- ﴿نَكَرَهُمْ﴾: آنها را نپسنديد و از رفتارشان بدش آمد.
- ۷۰- ﴿أَوْجَسَ مِنْهُمْ﴾: در قلب خود از آنها احساس ترس کرد.
- ۷۲- ﴿يَوَيْلَىٰ﴾: کلمه تعجب است.

- ۷۳- ﴿مَجِيدٌ﴾: دارای خیر و احسان زیاد.
- ۷۴- ﴿الرَّوْعُ﴾: خوف و ترس.
- ۷۵- ﴿لَحْلِيمٌ﴾: همانا بردبار است، شتاب نمی کند.
- ۷۵- ﴿أَوْهٌ﴾: پرسوز و آه از ترس خدا.
- ۷۵- ﴿مُنِيبٌ﴾: به خدای سبحان رجوع می کرد.
- ۷۷- ﴿سَيِّءَ بِهِمْ﴾: از آمدن آنها خوشحال نشد چون بخاطر آنها از بدکاران قوم خود ترسید.
- ۷۷- ﴿صَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا﴾: بخاطر آنها دلتنگ شد که توانش ضعیف بود و برای نجات آنها چاره نداشت.
- ۷۷- ﴿يَوْمٌ عَصِيبٌ﴾: بدی و مصیبت امروز سخت تر است.
- ۷۸- ﴿يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ﴾: به سوی او می شتافتند، گویی مجبورشان ساخته اند.
- ۷۸- ﴿لَا تُخْزُونَ﴾: رسوا و اهانت نمی کنید.
- ۷۹- ﴿مِنْ حَقِّ﴾: هیچ ضرورتی.
- ۸۰- ﴿ءَاوَىٰ إِلَىٰ رُكْنٍ﴾: به قدرتمندی می پیوستم و به کمک او بر شما چیره می شدم.
- ۸۱- ﴿بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ﴾: قسمتی از شب یا آخر آن.
- ۸۲- ﴿سِجِّيلٍ﴾: گل پخته شده با آتش مانند سفال.
- ۸۲- ﴿مَنْضُودٍ﴾: پی در پی یا انبوه و آماده برای عذاب.
- ۸۳- ﴿مُسَوَّمَةً﴾: نشانی شده برای عذاب.
- ۸۴- ﴿أَرْلُكُمْ يُخَيِّرُ﴾: شما را در نعمت و آسایشی می بینم که از کم فروشی بی نیازتان می کند.
- ۸۴- ﴿يَوْمٍ مُّحِيطٍ﴾: روز هلاکت آور.
- ۸۵- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت بدون زیادت و نقصان.
- ۸۵- ﴿لَا تَبْخَسُوا﴾: کم نکنید.

- ۸۵- ﴿لَا تَعْتَوْا﴾: فساد را به حد کمال نرسانید.
- ۸۶- ﴿بَقِيَّتُ اللَّهِ﴾: حلالی که خدا برای شما باقی گذاشته است.
- ۸۶- ﴿بِحَفِيظٍ﴾: مراقب که شما را به سبب اعمالتان جزا بدهم.
- ۸۸- ﴿أَرْعَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۸۸- ﴿بَيِّنَةٍ﴾: هدایت و بصیرت.
- ۸۹- ﴿لَا يَجْرِمَنَّكُمْ﴾: شما را وادار نسازد.
- ۹۱- ﴿رَهْطِكُمْ﴾: گروه و قبیله‌ات.
- ۹۲- ﴿وَرَأَى كُمْ ظَهْرِيًّا﴾: پشت سر خود فراموش شده و بی ارزش.
- ۹۳- ﴿مَكَاتِكُمْ﴾: آخرین توان خود.
- ۹۳- ﴿وَأَرْتَقِبُوا﴾: منتظر عاقبت و نتیجه باشید.
- ۹۴- ﴿الصَّيْحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از آسمان.
- ۹۴- ﴿جَثْمِينَ﴾: خشک بی حرکت و بی جان.
- ۹۵- ﴿لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا﴾: از مدت‌ها، در این سرزمین به خوشی سکونت نداشته‌اند.
- ۹۵- ﴿بُعْدًا لِمَدِينٍ﴾: قوم مدین از رحمت حق دور و نابود باد.
- ۹۵- ﴿بَعْدَتْ تُمُودٌ﴾: پیش از این تمود نابود شد.
- ۹۶- ﴿سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ﴾: دلیلی روشن بر صدق رسالتش.
- ۹۸- ﴿يَقْدُمُ قَوْمَهُ﴾: فرعون پیشاپیش قوم خود خواهد بود.
- ۹۸- ﴿فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ﴾: پس آنها را در دوزخ داخل می‌کند چون همه از وحدانیت خدا منکر بودند.
- ۹۸- ﴿الْوَرْدُ الْمَوْرُودُ﴾: دوزخ و کسانی که در آن داخل می‌شوند.
- ۹۹- ﴿الرِّقْدُ الْمَرْفُودُ﴾: عطیه‌ای که به آنها داده شده است، لعنت.
- ۱۰۰- ﴿حَصِيدٍ﴾: نشانش از میان رفته مانند کشت درو شده.
- ۱۰۱- ﴿غَيْرَ تَتَّيِبٍ﴾: بجز زیان و نابودی.

- ۱۰۶- ﴿زَفِيرٌ﴾: به شدت بیرون آوردن هوا از سینه.
- ۱۰۶- ﴿شَهِيْقٌ﴾: برگشتن نفس به سینه.
- ۱۰۸- ﴿غَيْرَ مَجْدُوذٍ﴾: بی پایان.
- ۱۱۰- ﴿مُرِيْبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۱۱۲- ﴿لَا تَطْعَوَا﴾: از حدی که خدا برای شما تعیین کرده، تجاوز نکنید.
- ۱۱۳- ﴿لَا تَرَكَوْا﴾: دل های شما به محبت آنان میل نکند.
- ۱۱۴- ﴿رُزُلْفَا مِّنَ اللَّيْلِ﴾: ساعاتی از شب نزدیک روز.
- ۱۱۴- ﴿ذِكْرَىٰ لِلَّذَا كَرِيْنَ﴾: پندی است برای پند پذیران.
- ۱۱۶- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملتها.
- ۱۱۶- ﴿أُولُوا بِقِيَّةٍ﴾: صاحبان عقل و خیر.
- ۱۱۶- ﴿مَا أَتْرَفُوا فِيْهِ﴾: به آنها توانگری و نعمت ارزانی شده بود.
- ۱۱۹- ﴿تَمَّتْ﴾: حتمی و قطعی شد.
- ۱۲۱- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: آخرین توان خویش را به کار گیرید.

سوره یوسف

- ۳- ﴿نُقُصْ عَلَيْكَ﴾: ای محمد، به تو خبر می دهیم یا بیان می داریم.
- ۶- ﴿يَجْتَبِيْكَ﴾: تو را بکارهای بزرگ برمی گزیند.
- ۶- ﴿تَأْوِيْلِ الْأَحَادِيْثِ﴾: تعبیر و تفسیر خواب.
- ۸- ﴿نَحْنُ عُصْبَةٌ﴾: ما جمعی هستیم می توانیم کارهای او را درست و مرتب کنیم، نه آن دوتا.
- ۸- ﴿ضَلَلِ مُبِيْنٍ﴾: به ترجیح این دو بر ما، گرفتار خطای آشکار است.
- ۹- ﴿أَوْ أَطْرَحُوْهُ أَرْضًا﴾: او را به سرزمینی دور از پدرش بیندازید.
- ۹- ﴿يَنْجُلْ لَكُمْ وَجْهٌ أَبِيْكُمْ﴾: محبت و توجه پدر تنها به شما رسد.

- ۱۰- ﴿غَيْبَتِ الْجُبِّ﴾: قعر چاه.
- ۱۰- ﴿السَّيَّارَةِ﴾: مسافری.
- ۱۲- ﴿يَزْتَعُ﴾: تا از خوردنی‌های لذیذ فراوان بخورد.
- ۱۲- ﴿يَلْعَبُ﴾: مسابقه و تیر اندازی کند.
- ۱۵- ﴿أَجْمَعُوا﴾: قصد کردند.
- ۱۷- ﴿نَسْتَيْقُ﴾: مسابقه تیر اندازی می‌کردیم.
- ۱۸- ﴿سَوَلَّتْ﴾: آراسته و آسان کرده است.
- ۱۸- ﴿فَصَبْرٌ جَمِيلٌ﴾: در این امر به غیر خدا شکایت نمی‌کنم.
- ۱۹- ﴿سَيَّارَةٌ﴾: کاروانی که از مدین عازم مصر بود.
- ۱۹- ﴿وَارِدَهُمْ﴾: کسی که پیشاپیش هم‌سفران برای تهیه آب حرکت می‌کند.
- ۱۹- ﴿فَأَدْلَى دَلْوَهُ﴾: پس دلوش را به چاه انداخت تا آب بگیرد.
- ۱۹- ﴿أَسْرُوهُ﴾: آب رسان و یارانش او را از بقیه پنهان کردند یا برادرانش حال او را ننهان داشتند.
- ۲۰- ﴿شَرَوْهُ﴾: برادرانش یا کاروانیان او را فروختند.
- ۲۰- ﴿بِئَمْنٍ بَحْسٍ﴾: به قیمت اندک.
- ۲۱- ﴿أَكْرَمِي مَثْوَاهُ﴾: محل اقامت او را خوش آیند و نیکو بساز.
- ۲۱- ﴿غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ﴾: خدا تواناست، هیچ کس نمی‌تواند مانع اجرای کار او شود.
- ۲۲- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت خود رسید.
- ۲۳- ﴿رَاوَدَتْهُ﴾: برای هم‌بستر شدن با یوسف حيله به خرج داد.
- ۲۳- ﴿هَيْتَ لَكَ﴾: بشتاب و بیا که میل و رغبت من به توست.
- ۲۳- ﴿مَعَاذَ اللَّهِ﴾: از انجام این عمل به خدای یکتا پناه می‌برم.
- ۲۴- ﴿هَمَّ بِهَا﴾: به غریزه بشری قصد او کرد، همراه با عصمت.
- ۲۴- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: برگزیدگان برای طاعت یا رسالت او تعالی.

۲۵- ﴿وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ﴾: هر دو به سوی در دویدند، یوسف می خواست بیرون شود اما او مانع می شد.

۲۵- ﴿قَدَّتْ قَمِيصَهُ﴾: پراهن او را درید.

۲۵- ﴿الْفَيَا سَيِّدَهَا﴾: شوهرش را دیدند.

۲۶- ﴿شَهِدَ شَاهِدٌ﴾: خدا کودکی را در گهواره به سخن آورد و او به برائت یوسف شهادت داد.

۳۰- ﴿شَعَفَهَا حُبًّا﴾: محبت جوان دل او را پاره کرده است.

۳۱- ﴿أَعْتَدْتُ لَهُنَّ مَتَكًّا﴾: برای آنها پستی و ناز بالش آماده ساخت.

۳۱- ﴿أَكْبَرْنَهُ﴾: عظمت و شکوه او را دریافتند و با دیدن جمال زیبا او مدهوش شدند.

۳۱- ﴿قَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ﴾: از فرط حیرت و دهشت، دستهای خود را بریدند.

۳۱- ﴿حَشَى لِلَّهِ﴾: خدا پاک و منزه است و از آفرینش مانند این ناتوان نیست.

۳۲- ﴿فَأَسْتَعَصَمَ﴾: اما دست از عفت برداشت و نپذیرفت.

۳۳- ﴿أَصْبُ إِلَيْهِنَّ﴾: به پذیرش خواهش آنها متمایل می شوم.

۳۶- ﴿أَعَصِرُ خَمْراً﴾: انگور را می فشارم که برای استفاده شاه شراب ساخته شود.

۳۷- ﴿ذَلِكَمَّا﴾: این تعبیر خواب و خبر دادن از چیزهایی که آمدنی است.

۴۰- ﴿الَّذِينَ الْقَيِّمُ﴾: دین مستقیم یا استوار با دلایل.

۴۳- ﴿عِجَافٌ﴾: بسیار لاغر. ﴿تَعْبُرُونَ﴾: تأویل و تعبیر آن را می دانید.

۴۴- ﴿أَضَعْتُ أَحْلَامِي﴾: خوابهای پریشان.

۴۵- ﴿أَدَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ﴾: بعد از مدت زیاد به یاد آورد.

۴۷- ﴿دَأْبًا﴾: مثل عادت همیشگی خود به کشت و زرع بپردازید.

۴۸- ﴿مُحْصِنُونَ﴾: برای بذر ذخیره می کنید.

۴۹- ﴿يُعَاثُ النَّاسُ﴾: باران می بارد و زمینهای مردم پرسبزه و گیاه می شود.

۴۹- ﴿يَعِصِرُونَ﴾: آنچه عصاره اش گرفته می شود می فشارند، مانند زیتون.

- ۵۰- ﴿مَا بَالُ النَّسْوَةِ﴾: سرگذشت آن زنها چه بود؟
- ۵۱- ﴿مَا خَطْبُكُنَّ﴾: کار شما چگونه بود؟
- ۵۱- ﴿حَشَشَ لِلَّهِ﴾: خدا منزه و عفت یوسف شگفت انگیز است.
- ۵۱- ﴿حَصَّصَ الْحَقُّ﴾: حقیقت پنهان آشکار شد.
- ۵۴- ﴿مَكِينٌ﴾: دارای مقام عالی و اختیارات گسترده.
- ۵۶- ﴿يَتَّبِعُوا مِنْهَا﴾: به سرزمین مصر اقامت می‌گزینند.
- ۵۹- ﴿جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ﴾: یوسف ضروریات آنها را تهیه کرد.
- ۶۲- ﴿بِضَعَتَهُمْ﴾: کالای آنها را که با آن مواد غذایی خریدند.
- ۶۲- ﴿رِحَالِهِمْ﴾: ظرفهای آنها که مواد غذایی داشت.
- ۶۵- ﴿مَتَلَعَهُمْ﴾: مواد غذایی یا بارهای خود را.
- ۶۵- ﴿مَا نَبَغِي﴾: بالاتر از این چه احسانی می‌خواهیم؟
- ۶۵- ﴿نَمِيرُ أَهْلَنَا﴾: از مصر برای خانواده خود مواد غذایی می‌آوریم.
- ۶۶- ﴿مَوْثِقًا﴾: پیمان مؤدبانه که بتوان به آن اعتماد کرد.
- ۶۶- ﴿يُحَاطَ بِكُمْ﴾: همه شما مغلوب یا هلاک شوید.
- ۶۶- ﴿وَكَيْلٍ﴾: مراقب و آگاه.
- ۶۹- ﴿ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ﴾: برادر پدری و مادری خود بنیامین را نزد خود جای داد.
- ۶۹- ﴿فَلَا تَبْتَسِ﴾: اندوهگین مباش.
- ۷۰- ﴿السَّقَايَةَ﴾: ظرف طلایی برای نوشیدن آب که به پیمانانه کردن استعمال می‌شد.
- ۷۰- ﴿أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ﴾: منادی فریاد زد.
- ۷۰- ﴿الْعِيرِ﴾: کاروانی که بار دارد.
- ۷۲- ﴿صُورَاعَ الْمَلِكِ﴾: پیمانانه پادشاه را.
- ۷۲- ﴿رَعِيمٍ﴾: کفیل، این جایزه را شخص خودم می‌دهم.
- ۷۶- ﴿كِدْنَا لِيُوسُفَ﴾: بخاطر رسیدن یوسف به هدفش تدبیر کردیم.

- ۷۶- ﴿دِينَ الْمَلِكِ﴾: شریعت یا حکم پادشاه مصر.
- ۷۹- ﴿مَعَاذَ اللَّهِ﴾: به خدا پناه می‌بریم.
- ۸۰- ﴿أَسْتَيْسُوا مِنْهُ﴾: از یوسف مأیوس شدند که سخنان آنها را نپذیرفت.
- ۸۰- ﴿خَلَصُوا نَجِيًّا﴾: تنها شدند و به مشاوره پرداختند.
- ۸۰- ﴿مَا فَرَطْتُمْ﴾: کوتاهی کردید «ما» زاید است.
- ۸۲- ﴿الْعَيْرِ﴾: کاروان.
- ۸۳- ﴿سَوَلَّتْ﴾: آراسته و آسان کرده است.
- ۸۴- ﴿يَتَأَسَفَى﴾: ای اندوه بی‌کران.
- ۸۴- ﴿وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ﴾: چشمانش را پرده گرفت و سفید شدند.
- ۸۴- ﴿كُظِيمٌ﴾: خشم یا اندوه فراوان خویش را نهان می‌داشت.
- ۸۵- ﴿تَفْتُوًّا﴾: همیشه.
- ۸۵- ﴿تَكُونُ حَرْصًا﴾: مریض شوی و به آستانه مرگ قرار بگیری.
- ۸۶- ﴿بَثِّي﴾: غم و اندوه سنگینم را.
- ۸۷- ﴿فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ﴾: یوسف را جستجو و پیدا کنید. رُوحُ الله: رحمت خدا.
- ۸۸- ﴿الضُّرِّ﴾: لاغری از شدت گرسنگی.
- ۸۸- ﴿بِبِضْلَةٍ مُزَجَلَةٍ﴾: متاع از رواج افتاده، بد و تباه.
- ۹۱- ﴿ءَأَتَرَكَ اللَّهُ﴾: تو را بر ما فضیلت و برتری داده است.
- ۹۲- ﴿لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمْ﴾: هیچ توییخ و سرزنش نمی‌شوید.
- ۹۳- ﴿يَأْتِ بِصِيرًا﴾: از خوشحالی زیاد بینا می‌شود.
- ۹۴- ﴿فَصَلَّتِ الْعَيْرُ﴾: کاروان از دیار مصر فاصله گرفت.
- ۹۴- ﴿لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ﴾: اگر مرا به بی‌خردی نسبت ندهید یا تکذیب نکنید.
- ۹۵- ﴿ضَلَّالِكِ﴾: نادرست فکر می‌کنی.

۹۹- ﴿ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبُوَيْهِ﴾: پدر و مادرش را نزد خود جای داد و دست به گردن هم انداختند.

۱۰۰- ﴿سُجَّدًا﴾: سجده کنان، در شریعت ایشان این کار درست بود.

۱۰۰- ﴿الْبَدْوِ﴾: بادیه.

۱۰۰- ﴿نَزَعَ الشَّيْطَانُ﴾: شیطان تخم فساد افکند.

۱۰۱- ﴿فَاطِرٌ...﴾: ای خالق و آفریدگار...

۱۰۲- ﴿أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ﴾: قصد کردند تا در برابر یوسف دست به حيله بزنند.

۱۰۵- ﴿كَأَيِّنْ مِّنْ آيَةٍ﴾: بسیاری از نشانه‌های خدا.

۱۰۷- ﴿عَذَابِيَّةٌ﴾: عذابی که دامنگیر همگان شود.

۱۰۷- ﴿بَعَثَنَّا﴾: ناگهان.

۱۱۰- ﴿أَسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ﴾: پیامبران به اثر طولانی شدن زمان از نصرت نومید شدند.

۱۱۰- ﴿ظَنُّوا﴾: پیامبران گمان کردند یا احساس درونی به آنها دست داد.

۱۱۰- ﴿بِأَسْنَاءٍ﴾: عذاب ما.

۱۱۱- ﴿عِبْرَةٌ﴾: پند و بیدار کننده غافلان است.

۱۱۱- ﴿يُفْتَرَىٰ﴾: به دروغ بافته شود.

سوره رعد

- ۲- ﴿بِغَيْرِ عَمَدٍ﴾: بدون ستون.
- ۲- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق او تعالی است.
- ۲- ﴿يُدِيرُ الْأَمْرَ﴾: همه عالم را به قدرت و حکمت اداره می کند.
- ۳- ﴿مَدَّ الْأَرْضَ﴾: زمین را گسترده است به مشاهده چشم.
- ۳- ﴿رَوَّاسِي﴾: کوه‌های پا برجا تا زمین تکان نخورد.
- ۳- ﴿زَوَّجَيْنِ﴾: دو گونه.
- ۳- ﴿يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ﴾: روز را با تاریکی شب می پوشاند یا به عکس.
- ۴- ﴿قَطَعُ﴾: قطعه‌ها با طبایع و صفات مختلف.
- ۴- ﴿فَخِثْلٍ صِنَوَانٍ﴾: درختهای خرمایی که از یک ریشه برویند.
- ۴- ﴿الْأَكْلِ﴾: خوردنی‌ها، میوه و دانه.
- ۵- ﴿الْأَعْلَلُ﴾: غل و زنجیر.
- ۶- ﴿الْمُتَلَثِّ﴾: عذاب فضیحت باری که دامنگیر امثال ایشان گردیده.
- ۶- ﴿مَغْفِرَةً لِّلنَّاسِ﴾: نسبت به انسان پرده پوش است و به آنها مهلت می دهد.
- ۸- ﴿مَا تَعْيُضُ الْأَرْحَامُ﴾: آنچه را رحم سقط می کند.
- ۸- ﴿بِمَقْدَارٍ﴾: به اندازه و محدود که از آن تجاوز نمی کند.
- ۹- ﴿الْكَبِيرُ﴾: بزرگواری که همه اشیاء زیر دست او هستند.
- ۹- ﴿الْمُتَعَالِ﴾: برتر از همه چیز به قدرت خود^(۱).
- ۱۰- ﴿سَارِبٍ﴾: در راه خویش آشکار برود.

۱- این یکی از معانی علو است که برای الله سبحانه به اثبات رسیده است زیرا او با چیرگی و با ذات خویش بالاتر از آفریده‌هایش قرار دارد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۱۱- ﴿لَهُ مُعَقِّبَاتٌ﴾: برای حفظ او فرشتگان پی در پی می آیند.
- ۱۱- ﴿مِنْ أَمْرِ اللَّهِ﴾: به فرمان خدا.
- ۱۱- ﴿مِنْ وَالٍ﴾: یار و یاور یا کسی که عهده دار امور ایشان باشد.
- ۱۲- ﴿السَّحَابِ الثَّقَالِ﴾: ابر سنگین و پر آب.
- ۱۳- ﴿شَدِيدُ الْمِحَالِ﴾: غذایی دشوار دارد یا بسیار قوی است.
- ۱۴- ﴿لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ﴾: دعوت حق، کلمه توحید از آن خداست.
- ۱۵- ﴿وَلِلَّهِ يَسْجُدُ﴾: به فرمان خدا گردن می نهد.
- ۱۵- ﴿ظِلَّلَهُمْ﴾: سایه های آنها هم به فرمان خدا گردن می نهند.
- ۱۵- ﴿بِالْعُدُوِّ﴾: به اول روز.
- ۱۵- ﴿وَالْأَصَالِ﴾: به آخر روز.
- ۱۷- ﴿يَقْدَرِهَا﴾: به اندازه که حکمت خدا اقتضا کند.
- ۱۷- ﴿زَبَدًا﴾: کف و خاشاک روی آب.
- ۱۷- ﴿رَابِيًا﴾: بلند آمده و پرباد.
- ۱۷- ﴿زَبَدٍ﴾: آنچه وقت گداختن از فلزات جدا شود.
- ۱۷- ﴿جُفَاءً﴾: دور انداخته یا پراکنده می شود.
- ۱۸- ﴿بِئْسَ الْمِهَادِ﴾: جهنم جایگاه بد است.
- ۲۲- ﴿يَذَرُونُ﴾: دفع و گذشت می کنند.
- ۲۲- ﴿عُقَبِي الدَّارِ﴾: فرجام منزلگاه آخرت پسندیده، جنت است.
- ۲۵- ﴿سُوءُ الدَّارِ﴾: عاقبت زشت آن، دوزخ.
- ۲۶- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هرکه را بخواهد به اقتضای حکمتی کم می کند.
- ۲۶- ﴿مَتَعًا﴾: چیز اندک و ناپایدار.
- ۲۷- ﴿أَنَابًا﴾: قلباً به خدا رجوع کند.
- ۲۹- ﴿طُوبَىٰ لَهُمْ﴾: در آخرت زندگانی برای آنها خوش است.

- ۲۹- ﴿حُسْنُ مَعَابٍ﴾: بهترین مرجع و جای بازگشت.
- ۳۰- ﴿إِلَيْهِ مَتَابٍ﴾: توبه و بازگشت من تنها به سوی خداست.
- ۳۱- ﴿أَفَلَمْ يَأْتِئْسَ﴾: آیا ندانسته‌اند و برای شان آشکار نشده است.
- ۳۱- ﴿قَارِعَةً﴾: مصیبتی که آنها را به اقسام بلاها بکوبد.
- ۳۲- ﴿فَأَمَلَيْتَ﴾: مهلت دادم و امنیت و راحت ایشان را طولانی ساختم.
- ۳۴- ﴿وَأَق﴾: نگاهدارنده و پناه دهنده.
- ۳۵- ﴿أَكُلُّهَا دَائِمٌ﴾: میوه‌های آن دائمی است.
- ۳۶- ﴿إِلَيْهِ مَعَابٍ﴾: بازگشت من برای جزا تنها به سوی خداست.
- ۳۸- ﴿لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ﴾: به حکمت بالغه الهی برای هر زمانی حکمی تعیین شده است.
- ۳۹- ﴿أُمُّ الْكِتَابِ﴾: لوح محفوظ یا علم الهی.
- ۴۱- ﴿لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِهِ﴾: هیچ کس نمی‌تواند حکم او را رد یا باطل کند.

سوره ابراهیم

- ۱- ﴿يَا ذُنِ رَبِّهِمْ﴾: به توفیق یا به امر خدا.
- ۱- ﴿الْعَزِيزِ﴾: غالب یا بی‌مثل و مانند.
- ۱- ﴿الْحَمِيدِ﴾: ستوده و ستایش شده.
- ۲- ﴿وَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا وادیی است در جهنم.
- ۳- ﴿يَسْتَجِيبُونَ﴾: اختیار می‌کنند و ترجیح می‌دهند.
- ۳- ﴿يَبْغُونَهَا عِوَجًا﴾: می‌خواهند این راه کج باشد.
- ۵- ﴿بِأَيْمِ اللَّهِ﴾: نعمتهای خدا یا بلاهای که بر امت‌های گذشته وارد کرد.
- ۶- ﴿يُسْأَلُونَكَ﴾: به شما می‌چشانند و به کارهای دشوارتان می‌گماشتند.
- ۶- ﴿يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ﴾: دختران شما را برای خدمت زنده می‌گذاشتند.

- ۶- ﴿بَلَاءٌ﴾: امتحانی بود به نعمت و شکنجه.
- ۷- ﴿تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ﴾: پروردگار شما به تأکید اعلام فرمود.
- ۹- ﴿فَرَدُّوْاْ اَیْدِیْهِمْ فِیْٓ اَفْوَاهِهِمْ﴾: از شدت خشم بر پیامبران و گفتار ایشان انگشتان خویش را به دندان گرفتند.
- ۹- ﴿مُرِیْبٌ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۱۰- ﴿فَاطِرٌ﴾: آفریدگار.
- ۱۰- ﴿بِسُلْطٰنٍ﴾: حجت روشن به صدق گفتار خود.
- ۱۴- ﴿خَافَ مَقَامِیْ﴾: از ایستادن به حضور من در روز قیامت بترسد.
- ۱۵- ﴿اَسْتَفْتَحُوْاْ﴾: پیامبران علیه ستمگران از خدا کمک خواستند.
- ۱۵- ﴿خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ﴾: همه متکبران سرکش نابود شدند.
- ۱۵- ﴿عَنِیْدٍ﴾: ستیزه‌گر و دور از حق.
- ۱۶- ﴿صَدِیْدٍ﴾: زردابی که از بدن دوزخیان روان می‌شود.
- ۱۷- ﴿یَتَجَرَّعُهُ﴾: آن آب را به زحمت فرو می‌برد چون گرم و تلخ است.
- ۱۷- ﴿لَا یَكَادُ یُسِیْعُهُ﴾: از شدت زشتی و بوی بدش نتواند به آسانی ببلعد.
- ۱۸- ﴿یَوْمٍ عَاصِفٍ﴾: روز طوفانی که باد به شدت بوزد.
- ۲۱- ﴿بَرَزُوْاْ﴾: از قبرها بخاطر حساب بیرون می‌شوند.
- ۲۱- ﴿مُغْنُوْنَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می‌کنید.
- ۲۱- ﴿مُحِیْصٍ﴾: جای فرار و نجات.
- ۲۲- ﴿سُلْطٰنٍ﴾: تسلط یا حجت.
- ۲۲- ﴿بِمُصْرِخِكُمْ﴾: نجات دهنده شما از عذاب.
- ۲۲- ﴿بِمُصْرِخِیْ﴾: مرا از عذاب نجات دهید.
- ۲۴- ﴿كَلِمَةً طٰیْبَةً﴾: کلمه توحید و اسلام.
- ۲۵- ﴿تُوْتِیْ اُكْلَهَا﴾: میوه می‌دهد.

- ۲۶- ﴿كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ﴾: سخن کفر و گمراهی.
- ۲۶- ﴿أَجْتَنَّتْ﴾: تنه‌اش از رشیه جدا شد.
- ۲۷- ﴿فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: در قبر هنگام سؤال.
- ۲۸- ﴿دَارَ الْبُورِ﴾: سرای تباهی، جهنم.
- ۲۹- ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾: در آن داخل می‌شوند یا سختی آتش وی را می‌کشند.
- ۳۰- ﴿أَنْدَادًا﴾: همتایان یعنی بتها را پرستش کردند.
- ۳۱- ﴿لَا خِلْلٌ﴾: نه دوستی است و نه محبت.
- ۳۳- ﴿دَائِبِينَ﴾: برای منافع و مصالح شما همواره در جریانند.
- ۳۴- ﴿لَا تُحْصَوْنَ﴾: توان شمارش آن را ندارید که بی‌نهایت است.
- ۳۵- ﴿وَأَجُنْبُنِي﴾: مرا دور نگهدار.
- ۳۷- ﴿تَهْوَى إِلَيْهِمْ﴾: به سوی آنها به شوق بشتابد.
- ۴۲- ﴿تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ﴾: در آن روز چشم‌ها از ترس باز و پلک‌ها بی‌حرکت می‌مانند.
- ۴۳- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: به ذلت به سوی دعوت کننده می‌شتابند.
- ۴۳- ﴿مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ﴾: سرهای خود را بالا گرفته و مدام به جلو نگاه می‌کنند.
- ۴۳- ﴿أَفَعِدَّتُهُمْ هَوَاءً﴾: دل‌های‌شان تهی و از شدت حیرت چیزی را نمی‌فهمند.
- ۴۸- ﴿بَرَزُوا لِلَّهِ﴾: از قبرها بیرون می‌آیند و بخاطر حساب به پیشگاه خدا حاضر می‌شوند.
- ۴۹- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: به یکدیگر بسته شده‌اند.
- ۴۹- ﴿الْأَصْفَادِ﴾: زنجیرها یا غل‌ها.
- ۵۰- ﴿سَرَائِبُهُمْ﴾: لباس‌هاشان.
- ۵۰- ﴿تَغْشَىٰ وُجُوهُهُمْ﴾: روی‌های ایشان را می‌پوشاند.
- ۵۲- ﴿بَلَغَ لِّلنَّاسِ﴾: پند و انداز کامل است برای مردم.

سوره جِزْر

- ۲- ﴿رُبَّمَا﴾: «رَبَّ» برای تقلیل و «مَا» زاید است، چه بسا.
- ۳- ﴿ذَرُّهُمْ﴾: به حال خود رهاشان کن.
- ۴- ﴿لَهَا كِتَابٌ﴾: زمان آن معلوم و در لوح محفوظ نوشته است.
- ۷- ﴿لَوْ مَا تَأْتِينَا﴾: چرا برای ما نمی آوری.
- ۸- ﴿إِلَّا بِالْحَقِّ﴾: جز به مقتضای حکمت.
- ۹- ﴿الَّذِكْرُ﴾: قرآن را.
- ۱۰- ﴿شَيْعَ الْأَوْلِيْنَ﴾: گروه‌های ملت‌های پیشین.
- ۱۲- ﴿نَسَلُكُهُ﴾: قرآن را داخل می‌کنیم در حالی که به آن استهزا می‌کنند.
- ۱۳- ﴿خَلَّتْ سُنَّةُ الْأَوْلِيْنَ﴾: این سنت الهی است که هر کس پیامبران را تکذیب کند نابود می‌شود.
- ۱۴- ﴿يَعْرُجُونَ﴾: مشرکان صعود کنند و فرشتگان و اشیای شگفت‌انگیز را ببینند.
- ۱۵- ﴿سُكِّرَتْ أَبْصَرُنَا﴾: چشم بندی است.
- ۱۶- ﴿بُرُوجًا﴾: منازلی برای ستارگان سیار.
- ۱۷- ﴿رَجِيمٍ﴾: مطرود یا مرجوم با ستارگان.
- ۱۸- ﴿أَسْتَرَقَ السَّمْعُ﴾: دزدیده و پنهانی از عالم بالا چیزی را گوش داد.
- ۱۸- ﴿فَاتَّبَعَهُ﴾: به او می‌رسد.
- ۱۸- ﴿شَهَابٌ﴾: شعله آتش که به سرعت از آسمان پایین می‌آید.
- ۱۸- ﴿مُيِّنٌ﴾: آشکار به چشم بینندگان.
- ۱۹- ﴿الْأَرْضَ مَدَدْنَلَهَا﴾: زمین را بخاطر بهره‌گیری از آن گسترش دادیم.
- ۱۹- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های پا بر جا تا تکان نخورد.
- ۱۹- ﴿مَوْزُونٍ﴾: اندازه کرده شد به میزان حکمت.

- ۲۰- ﴿مَعْيَشٌ﴾: خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها را که وسیله زندگانی شماست.
- ۲۱- ﴿عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ﴾: ما به ایجاد و تدبیر خزانه‌های ارزاق توانا هستیم.
- ۲۱- ﴿نُنَزِّلُهُ﴾: او را ایجاد می‌کنیم یا عطا می‌نماییم.
- ۲۱- ﴿بِقَدْرِ مَعْلُومٍ﴾: به اندازه معین به مقتضای حکمت.
- ۲۲- ﴿الرِّيحِ لَوَاحٍ﴾: بادها را که ابر یا آب را می‌برند یا درخت‌ها را آبستن می‌کنند.
- ۲۳- ﴿مَحْنُ الْوَارِثُونَ﴾: بعد از نابودی آفرینش ما پاینده و باقی هستیم.
- ۲۶- ﴿صَلْصَلٍ﴾: گل خشک مانند سفال.
- ۲۶- ﴿حَمِيٍّ﴾: گل سیاه و تغییر یافته.
- ۲۷- ﴿نَّارِ السَّمُومِ﴾: باد نهایت گرم و کشنده.
- ۲۹- ﴿سَوِيَّةٌ﴾: شکل و صورت او را کامل کردم به جهت دمیدن روح.
- ۲۹- ﴿سَاجِدِينَ﴾: سجده کنید سجده سلام و تحیت نه سجده عبادت.
- ۳۱- ﴿أَبِيٍّ﴾: از کبر و سرکشی امتناع کرد.
- ۳۲- ﴿مَا لَكَ﴾: هدف‌ت چیست یا عذرت چیست.
- ۳۴- ﴿رَجِيمٍ﴾: از رحمت خدا دوری.
- ۳۵- ﴿الْأَلْعَنَةَ﴾: به غضب از خود دور کردن.
- ۳۶- ﴿فَانظِرْنِي﴾: مهلتم بده و مرگم را به تأخیر انداز.
- ۳۸- ﴿الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾: وقت نفخه اول.
- ۳۹- ﴿لَأَعْوِيَنَّهُمْ﴾: آنها را گمراه می‌کنم.
- ۴۰- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: کسانی که به طاعت خود برگزیده‌ای.
- ۴۱- ﴿صِرَاطٍ عَلِيٍّ﴾: راهی است که مراعات آن بر من واجب.
- ۴۲- ﴿سُلْطَنٍ﴾: تسلط و توانایی بر گمراه کردن.
- ۴۴- ﴿جُزْءٍ مَّقْسُومٍ﴾: گروه معین متمایز از دیگران.
- ۴۷- ﴿غِلٍّ﴾: کینه، عناد و دشمنی.

- ۴۸- ﴿نَصَبٌ﴾: هیچ خستگی و رنجی.
- ۵۱- ﴿صَيْفٌ إِبْرَاهِيمَ﴾: مهمانان او که از فرشتگان بودند.
- ۵۲- ﴿وَجِلُونَ﴾: هراسانیم.
- ۵۵- ﴿الْقَنَاطِينِ﴾: نومید از خیر یا فرزند.
- ۵۷- ﴿فَمَا خَطْبُكُمْ﴾: کار مهم شما چیست؟
- ۶۰- ﴿قَدَرْنَا﴾: دانستیم یا حکم کردیم.
- ۶۲- ﴿قَوْمٌ مُنْكَرُونَ﴾: گروهی ناآشنا، من شما را نمی‌شناسم.
- ۶۳- ﴿فِيهِ يَمْتَرُونَ﴾: در آمدن عذاب شک داشتند و تو را تکذیب می‌کردند.
- ۶۵- ﴿بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ﴾: به قسمتی از شب یا آخر آن.
- ۶۵- ﴿اتَّبِعْ أَذْبُرَهُمْ﴾: از دنبال آنها برو تا از احوالشان با خبر باشی.
- ۶۶- ﴿وَفَضَيْنَا إِلَيْهِ﴾: به لوط وحی فرستادیم.
- ۶۶- ﴿دَابِرَ هَوًّا لَّآءٍ﴾: آخرین نفر آنها، جمیع آنها.
- ۶۶- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح.
- ۷۰- ﴿عَنِ الْعَالَمِينَ﴾: از پناه دادن و مهمان کردن مردم.
- ۷۲- ﴿لَعَمْرُكَ﴾: ای محمد، به جان تو سوگند.
- ۷۲- ﴿سَكَرْتِهِمْ﴾: بی‌راهی و گمراهی خود.
- ۷۲- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست را نمی‌دیدند یا حیران بودند.
- ۷۳- ﴿الصَّيْحَةَ﴾: آواز کشنده از آسمان.
- ۷۳- ﴿مُشْرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.
- ۷۴- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل سخت پخته شده با آتش.
- ۷۵- ﴿لِلْمُتَوَسِّمِينَ﴾: به اهل فراست و اندیشه.
- ۷۶- ﴿لَيْسَبِيلٍ مُّقِيمٍ﴾: بر سر راه معلوم، ثابت و پر رفت و آمد قرار دارد.
- ۷۸- ﴿أَصْحَابِ الْأَيْكَةِ﴾: باشندگان سرزمین پر درخت و درهم پیچیده، قوم شعیب.

- ۷۹- ﴿إِنَّهُمَا﴾: شهرهای قوم لوط و ایکه.
- ۷۹- ﴿لِيَأْمُرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾: در سر راه آشکار هستند که در آنجا سفر می کنند.
- ۸۰- ﴿الْحِجْرِ﴾: دیار ثمود بین مدینه و شام.
- ۸۳- ﴿مُضْبِحِينَ﴾: هنگام صبح.
- ۸۷- ﴿سَبْعًا﴾: سوره فاتحه که هفت آیه است.
- ۸۷- ﴿مِّنَ الْمُثَانِي﴾: قرائت آن در نماز تکرار می شود «مِن» بیانیه است.
- ۸۸- ﴿أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ﴾: گروه‌های از کفار.
- ۸۸- ﴿وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾: فروتنی کن و نرمی نما.
- ۹۰- ﴿الْمُقْتَسِمِينَ﴾: تقسیم کنندگان، اهل کتاب.
- ۹۱- ﴿عِضِينَ﴾: بخش بخش، به قسمتی از قرآن ایمان آوردند و به قسمتی کافر شدند.

۹۴- ﴿فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ﴾: رسالت خویش را آشکار کن یا اجرا نما.

۹۹- ﴿الْيَقِينُ﴾: مرگ که وقوع آن یقینی است.

سوره نحل

- ۲- ﴿بِالرُّوحِ﴾: به وحی از جمله قرآن.
- ۴- ﴿نُطْفَةٍ﴾: آب حقیر.
- ۴- ﴿هُوَ خَصِيمٌ﴾: او حق ستیز است.
- ۵- ﴿الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۵- ﴿فِيهَا دِفْءٌ﴾: هنگام سردی خود را به وسیله آن گرم نگاه می دارید.
- ۶- ﴿فِيهَا جَمَالٌ﴾: در آنها تجمل، زینت و جاهت است.
- ۶- ﴿حِينَ تَرِيحُونَ﴾: هنگام غروب آنها را به جای شب‌شان می آورید.
- ۶- ﴿حِينَ تَسْرَحُونَ﴾: بامداد که آنها را به چرا می برید.

- ۷- ﴿مَحْمِلٌ أَثْقَالَكُمْ﴾: کالای گران بار شما را برمی دارند.
- ۷- ﴿بِشَقِّ الْأَنْفُسِ﴾: با رنج و مشقت خود.
- ۹- ﴿قَصْدُ السَّبِيلِ﴾: بیان راه راست و هموار.
- ۹- ﴿مِنْهَا جَائِرٌ﴾: برخی از راه‌ها کج هستند.
- ۱۰- ﴿فِيهِ نُسِيمُونَ﴾: چهار پایان خود را در آن می چرانید.
- ۱۳- ﴿مَا ذَرَأَ لَكُمْ﴾: آنچه برای منافع شما خلق کرده است.
- ۱۴- ﴿تَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ﴾: از بحر خصوصاً از اقیانوس برون آورید.
- ۱۴- ﴿مَوَاحِرَ فِيهِ﴾: در دریا روان هستند و آب را به شدت می شکافند.
- ۱۵- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های پابرجا.
- ۱۵- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾: تا شما را نلرزاند و پریشان نکند.
- ۱۶- ﴿عَلَّمَتْ﴾: نشانه‌های سر راه که با آنها راه خود را پیدا می کنید.
- ۱۸- ﴿لَا تُحْصُوهَا﴾: توان شمردن آن را ندارید که بی پایان است.
- ۲۳- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.
- ۲۴- ﴿أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ﴾: چیزهای باطل که به کتب آنها نوشته است.
- ۲۵- ﴿أَوْزَارَهُمْ﴾: گناهان خود را.
- ۲۶- ﴿الْقَوَاعِدُ﴾: ستونها و پایه‌ها یا بنیاد.
- ۲۷- ﴿يُجْزِيهِمْ﴾: آنها را با شکنجه و عذاب خوار و ذلیل می کند.
- ۲۷- ﴿تُشْتَقُونَ فِيهِمْ﴾: درباره آنها با پیامبران دشمنی و ستیز می کردید.
- ۲۷- ﴿الْحِزْيِ﴾: ذلت و رسوایی.
- ۲۷- ﴿السُّوءِ﴾: عذاب.
- ۲۸- ﴿فَالْقَوُ السَّلَمَ﴾: گردن نهادند و اظهار فروتنی کردند.
- ۲۹- ﴿مَتَوَى الْمُتَكَبِّرِينَ﴾: مسکن و جای متکبران.
- ۳۲- ﴿طَيِّبِينَ﴾: از پلیدی شرک و عصیان پاکند.

- ۳۴- ﴿حَاقٌ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کرد یا بر آنها فرود آمد.
- ۳۶- ﴿أَجْتَبُوا الطُّغُوتَ﴾: از پرستش معبودهای باطل و تمام آنهایی که به گمراهی دعوت می کنند اجتناب کنید.
- ۳۶- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و حتمی شد.
- ۳۸- ﴿جَهَدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: با قسم های غلیظ و مؤکد کوشیدند.
- ۴۱- ﴿لُتْبُوْنَتْهُمْ﴾: بدون شک آنها را جای می دهیم.
- ۴۱- ﴿حَسَنَةً﴾: خانه، جای آرامش یا بخششی نیکو.
- ۴۴- ﴿بِالْبَيِّنَاتِ﴾: آنها را با معجزه ها فرستادیم.
- ۴۴- ﴿الزُّبُرِ﴾: کتاب های آسمانی که بیانگر قوانین الهی هستند.
- ۴۵- ﴿يُخَسِّفُ﴾: فرو برد.
- ۴۶- ﴿تَقَلُّبِهِمْ﴾: سفرها و تجارت های آنها.
- ۴۶- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی توانند فرار کنند.
- ۴۷- ﴿تَخَوُّفٍ﴾: از ترس عذاب یا کم شدن تدریجی اشخاص و اموال شان.
- ۴۸- ﴿مِنْ شَيْءٍ﴾: هر جسم استاده و دارای سایه.
- ۴۸- ﴿يَتَفَيَّؤُا ظِلُّهُ﴾: سایه های آن از جانبی به جانب دیگر حرکت می کند.
- ۴۸- ﴿سُجَّدًا لِلَّهِ﴾: فرمانبردار او تعالی.
- ۴۸- ﴿هُمْ دَاخِرُونَ﴾: سایه ها نیز مانند صاحبان خود مطیع هستند.
- ۵۲- ﴿لَهُ الدِّينُ﴾: تنها از خدای یگانه طاعت لازم است.
- ۵۲- ﴿وَاصِبًا﴾: دایم، واجب یا خالص.
- ۵۳- ﴿تَجَرُّونَ﴾: به زاری و ناله از او کمک می خواهید.
- ۵۶- ﴿تَفْتَرُونَ﴾: آن را به دروغ به خدا نسبت می دادید.
- ۵۸- ﴿هُوَ كَظِيمٌ﴾: اعماق جاننش پر از خشم و اندوه می شود.
- ۵۹- ﴿يَتَوَارَى﴾: پنهان می شود.

- ۵۹- ﴿هُونٍ﴾: خواری.
- ۵۹- ﴿يَدُسُّهُ﴾: زنده در گورش کند.
- ۶۰- ﴿مَثَلُ السَّوْءِ﴾: صفت بد، کفر و جهالت.
- ۶۲- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و راست است یا ناچار.
- ۶۲- ﴿مُفْرَطُونَ﴾: پیشاپیش به دوزخ فرستاده می‌شوند.
- ۶۶- ﴿لِعِبْرَةٍ﴾: پند بزرگ و نشانه قدرت ماست.
- ۶۶- ﴿فَرَثٌ﴾: سرگین شکمبه.
- ۶۷- ﴿سَكْرًا﴾: شراب را، سپس به مدینه تحریم شد.
- ۶۸- ﴿أَوْحَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت وحی کرد، وحی در اینجا به معنی الهام و راه‌نمایی یا تسخیر است.
- ۶۸- ﴿بِئُوتَا﴾: خانه‌ها، زنبور عسل آن را برای تهیه عسل می‌سازد.
- ۶۸- ﴿يَعْرِشُونَ﴾: کندوهایی که برای زنبور عسل می‌سازند.
- ۶۹- ﴿ذُلًّا﴾: رام و آسان برای تو.
- ۷۰- ﴿أَزْدِلَ الْعُمُرُ﴾: بدترین و زبون‌ترین دوره عمر، بسیار پیر و خرف شدن.
- ۷۱- ﴿فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ﴾: تا آنها و بردگانشان در رزق مساوی باشند؟ نه.
- ۷۲- ﴿حَفَدَةً﴾: خدمتگارها و همکارها یا نبیرگان.
- ۷۶- ﴿أَحَدُهُمَا أَبِكُمْ﴾: یکی از آن دو گنگ مادرزاد.
- ۷۶- ﴿هُوَ كَلٌّ﴾: او نان خور اضافی و سربار است.
- ۷۷- ﴿كَلْمِحِ الْبَصْرِ﴾: مانند یک نگاه پنهانی.
- ۸۰- ﴿تَسْتَخِفُّونَهَا﴾: آنها را سبکبار می‌یابید.
- ۸۰- ﴿يَوْمَ ظَعْنِكُمْ﴾: وقت سفر خود.
- ۸۰- ﴿أَثْنًا﴾: اثاث خانه‌های شما مثل فرش.
- ۸۰- ﴿مَتَلَعًا﴾: اسباب که در زندگی و تجارت از آن بهر می‌گیرید.

- ۸۱- ﴿ظَلَّلَا﴾: چیزهای که از سایه آنها استفاده می کنید مانند درختها.
- ۸۱- ﴿أَكْنَنَّا﴾: مغاره‌ها که در آن پناه می برید.
- ۸۱- ﴿سَرَبِيلٌ﴾: لباس‌ها یا جوشن‌ها.
- ۸۱- ﴿تَقِيكُمْ بِأَسْكُمْ﴾: در جنگ‌ها شما را از شمشیر و نیزه نگه می دارد.
- ۸۴- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی شود که هم اکنون پروردگار خود را خوشنود سازند.
- ۸۵- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: مهلت داده نمی شوند و عذابشان به تأخیر نمی افتد.
- ۸۷- ﴿الْسَّلْمِ﴾: گردن نهادن به حکم او تعالی.
- ۹۰- ﴿يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ﴾: خدا در امور اعتقادی، عملی و اخلاقی به اعتدال و میانه روی دستور می دهد. ﴿الْإِحْسَنِ﴾: کار درست یا نفع رساندن به مردم.
- ﴿الْفَحْشَاءِ﴾: گناهان بسیار زشت.
- ۹۰- ﴿الْبَغْيِ﴾: سرکشی و ظلم بر مردم.
- ۹۱- ﴿كَفِيلاً﴾: شاهد، مراقب و ضامن.
- ۹۲- ﴿قُوَّةٍ﴾: محکم تابیدن.
- ۹۲- ﴿أَنْكَثًا﴾: تاب ریسمان را گشودن.
- ۹۲- ﴿دَخَلَا بَيْنَكُمْ﴾: در میان خود وسیله فساد، خیانت و فریب.
- ۹۲- ﴿أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ﴾: تا گروهی باشد.
- ۹۲- ﴿هِيَ أَرْبَابٌ﴾: بسیارتر، قویتر و ثروتمندتر.
- ۹۲- ﴿يَبْلُوكُمْ اللَّهُ بِهِ﴾: خدا شما را به این وسیله می آزماید که آیا به عهد خویش وفا می کنید.
- ۹۴- ﴿فَتَرَى قَدَمٌ﴾: پای تان از راه روشن اسلام می لغزد.
- ۹۶- ﴿يَنْفَدُ﴾: نیست و نابود می شود.
- ۹۸- ﴿فَأَسْتَعِذْ بِاللَّهِ﴾: به لطف خدا پناه ببر.

- ۹۹- ﴿سُلْطٰنٌ﴾: تسلط و قدرت.
- ۱۰۰- ﴿يَتَوَلَّوْنَهُ﴾: او را دوست و فرمانروا انتخاب می کنند.
- ۱۰۲- ﴿رُوْحُ الْقُدْسِ﴾: روح پاکیزه، جبریل.
- ۱۰۳- ﴿يُلْحِدُوْنَ اِلَيْهِ﴾: به آن نسبت می دهند که پیامبر را آموزش می دهد.
- ۱۰۷- ﴿اَسْتَحْبُوْا﴾: برتر دانستند و برگزیدند.
- ۱۰۸- ﴿طَبَعٌ﴾: مهر نهاده است.
- ۱۰۹- ﴿لَا جَرَمَ﴾: ثابت است یا ناچار یا در حقیقت.
- ۱۱۰- ﴿لِلَّذِيْنَ هَاجَرُوْا﴾: یار و یاور مهاجرین است.
- ۱۱۰- ﴿فَتَنُوْا﴾: بخاطر اسلام گرفتار رنج و عذاب شدند.
- ۱۱۲- ﴿رَعَدًا﴾: پاکیزه، فراوان یا گوارا و بی زحمت.
- ۱۱۵- ﴿الْدَّمِ﴾: خون جاری.
- ۱۱۵- ﴿لَحْمَ الْجَنْزِيْرِ﴾: تمام اجزای بدن خوک.
- ۱۱۵- ﴿اَهْلٌ لِّغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ﴾: هنگام سربریدن آن اسم غیر خدا ذکر شود.
- ۱۱۵- ﴿اَضْطُرُّ﴾: نیازمندی مجبورش ساخته تا چیزهای حرام را بخورد.
- ۱۱۵- ﴿غَيْرَ بَاغٍ﴾: برای کسب لذت محرمت را نخورد یا همیشه این حالت را اختیار نکند.
- ۱۱۵- ﴿لَا عَادٍ﴾: از سدرمق تجاوز نکند.
- ۱۲۰- ﴿كَانَ اُمَّةً﴾: ابراهیم عليه السلام معلم خوبی ها یا یگانه مؤمن بود.
- ۱۲۰- ﴿قَانِتًا لِلّٰهِ﴾: فرمانبردار اوتعالی.
- ۱۲۰- ﴿حَنِيفًا﴾: از باطل رو گردان و مایل به دین حق بود.
- ۱۲۱- ﴿اَجْتَبَلَهُ﴾: او را به نبوت برگزید.
- ۱۲۳- ﴿مِلَّةَ اِبْرٰهِيْمَ﴾: شریعت او که یکتا پرستی است.
- ۱۲۴- ﴿جُعِلَ السَّبْتُ﴾: تعظیم شنبه و فراغت برای عبادت در آن روز فرض شد.

۱۲۷- ﴿ضَيْقٌ﴾: دلتنگ.

سوره اسراء

- ۱- ﴿سُبْحٰنَ الَّذِیْ﴾: پاک و منزّه است ذاتی که قدرت او مایه شگفتی هاست.
- ۱- ﴿اَسْرٰی بَعْبِدِهٖ﴾: براق را گماشت که او ﷺ را شب هنگام ببرد.
- ۱- ﴿لِئُرِیْهٖ﴾: تا او را جانب آسمان بریم و به او نشان دهیم.
- ۲- ﴿وَكِیْلًا﴾: امور خویش را به خدا سپارید.
- ۳- ﴿ذُرِّیَّةَ...﴾: نسل خاص و یا ای فرزندان...
- ۴- ﴿قَضِیْنًا اِلٰی بَنِیْ اِسْرَآئِیْلَ﴾: به بنی اسرائیل اخبار کردیم که شما دو بار فتنه و فساد برپا می کنید.
- ۴- ﴿لَتَعْلُنَّ﴾: در ظلم و سرکشی افراط خواهید کرد.
- ۵- ﴿وَعَدُّ اُولٰٓئِهٖمَا﴾: وعده عذابی که به فتنه و فساد اول معین شده بود.
- ۵- ﴿اُولٰٓئِیْنَ بَآسٍ﴾: نیرومند، مهاجم، تند و سریع در کارزار.
- ۵- ﴿فَجَاسُوا﴾: برای دست گیری شما با تمام نیرو به جستجو پردازند.
- ۵- ﴿خَلَّلَ الْاَلِیَّارِ﴾: در خانه ها.
- ۶- ﴿الْکَرَّةِ﴾: دولت و غلبه.
- ۶- ﴿اَکْثَرَ نَفِیْرًا﴾: افراد یا قبایل شما را بیشتر از جمعیت دشمن تان قرار دادیم.
- ۷- ﴿لِیَسْئَلُوْا وُجُوْهَکُمْ﴾: تا شما را سخت اندوهگین سازند که اثر آن در سیمای شما آشکار گردد.
- ۷- ﴿اِیْتَدَبَرُوْا﴾: تا به شدت نابود و ویران کنند.
- ۷- ﴿مَا عَلَوْا﴾: به هر چه تسلط یابند.
- ۸- ﴿حَصِیْرًا﴾: زندان یا بستر و فرش.
- ۹- ﴿هٰی اَقْوَمُ﴾: اسلام و یکتا پرستی درست ترین راه هاست.

- ۱۲- ﴿الَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾: شب و روز یا تابش ماه و خورشید را.
- ۱۲ ﴿فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ﴾: ماه را بی نور و تاریک آفریدیم.
- ۱۲- ﴿آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً﴾: آفتاب را درخشان و وسیله دیدن چشم‌ها.
- ۱۳- ﴿الزَّمَنَةَ طَيِّبَةً﴾: کار نامه عمل انسان را به او متصل و جدا نشدنی ساختیم.
- ۱۴- ﴿حَسِيبًا﴾: محاسب.
- ۱۵- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ شخص گناهکاری گناه دیگری را بر نمی‌دارد.
- ۱۶- ﴿أَمْرًا مُتْرَفِيهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت آن دیار را به طاعت خدا دستور می‌دهیم.
- ۱۶- ﴿فَفَسَقُوا﴾: پس تمرد و عصیان نمایند.
- ۱۶- ﴿فَدَمَّرْنَا﴾: پس بنیاد آن دیار را برکنیم و آثارش را محو کنیم.
- ۱۷- ﴿الْقُرُونَ﴾: مللی را که حقایق را تکذیب می‌کردند.
- ۱۸- ﴿يَصْلَنَهَا﴾: به جهنم داخل شود و رنج آتش سوزان آن را بکشد.
- ۱۸- ﴿مَدْحُورًا﴾: دور از رحمت خدا.
- ۲۰- ﴿كُلًّا نُّمِدُّ﴾: عطای هر دو گروه را پی‌درپی زیاد می‌کنیم.
- ۲۰- ﴿مُحْظُورًا﴾: از کسی که خدا خواسته باشد ممنوع نیست.
- ۲۲- ﴿مُحْذُولٍ﴾: دور از نصرت و یاری خدا.
- ۲۳- ﴿قَضَىٰ رَبُّكَ﴾: پروردگارت فرمان داد و حکم کرد.
- ۲۳- ﴿أَفِ﴾: سخن دلتنگ کننده، ناپسند و ملال آور.
- ۲۳- ﴿لَا تَنْهَرُهُمَا﴾: با آنها درشت خونباش، از انجام کاری که نزد تو خوشایند نیست آنها را منع نکن.
- ۲۳- ﴿قَوْلًا كَرِيمًا﴾: سخن خوب و زیبا.
- ۲۵- ﴿لِللَّوْبِئِينَ﴾: برای توبه کنندگان از آنچه افراط کرده‌اند.
- ۲۹- ﴿يَدِكَ مَعْلُومَةً﴾: کنایه از بخل است.
- ۲۹- ﴿تَبَسُّطُهَا كُلِّ الْبَسِطِ﴾: کنایه از اسراف و خرج بیهوده است.

- ۲۹- ﴿مُحْسِرًا﴾: پشیمان یا درمانده و نیازمند.
- ۳۰- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر کسی را که بخواهد به مقتضای حکمت کم می کند.
- ۳۱- ﴿خَشِيئَةً اِمْلَقٍ﴾: از ترس فقر و نیازمندی.
- ۳۱- ﴿خِطًا كَبِيرًا﴾: گناهی بزرگ.
- ۳۳- ﴿سُلْطَنًا﴾: می تواند قاتل را قصاص کند یا دیت بگیرد.
- ۳۴- ﴿يَبْلُغُ اَشَدَّهُ﴾: به کمال برسد، مال خود را حفظ و به گونه درست استفاده کند.
- ۳۵- ﴿بِالْقِسْطِ اِلْمُسْتَقِيمِ﴾: به ترازوی راست و درست.
- ۳۵- ﴿اَحْسَنُ تَاْوِيْلًا﴾: سرانجامش نیکوتر است.
- ۳۶- ﴿لَا تَقْفُ﴾: پیروی نکن.
- ۳۷- ﴿مَرَحًا﴾: تکبر، خود پسندی.
- ۳۹- ﴿مَدْحُورًا﴾: دور از رحمت خدا.
- ۴۰- ﴿اَفَاَصْفَلَكُمْ رَبُّكُمْ﴾: آیا پروردگارتان به شما برتری داده که شما را برگزیده است.
- ۴۱- ﴿صَرَفْنَا﴾: سخن را به شیوه های مختلف بیان کردیم.
- ۴۱- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و اعراض از حق.
- ۴۲- ﴿لَا تَتَعَوَّا﴾: بدون شک جستجو می کردند.
- ۴۲- ﴿سَبِيْلًا﴾: راه منازعت و غلبه را.
- ۴۵- ﴿حِجَابًا مَّسْتُورًا﴾: پرده یا نهان از حس بینایی.
- ۴۶- ﴿اَكْتَنَّهُ﴾: پوشش های مانع شونده.
- ۴۶- ﴿وَقْرًا﴾: کری و سنگینی شدید در شنوایی.
- ۴۷- ﴿هُمَّ نَجْوَى﴾: در مورد تو با هم نجوا کنند.
- ۴۷- ﴿مَسْحُورًا﴾: جادو شده یا خود ساحر است.
- ۴۹- ﴿رُفَّتًا﴾: اجزای ریزش شده یا خاک و یا گرد و غبار.

- ۵۱- ﴿يَكْبُرُ﴾: احتمال پذیرش حیات برای آن سخت و دشوار است.
- ۵۱- ﴿فَطْرَكُمْ﴾: شما را آفرید. ﴿فَسَيُنْغِضُونَ﴾: به استهزا می‌جنبانند.
- ۵۲- ﴿بِحَمْدِهِ﴾: فرمانبردار و ستایش‌کنان.
- ۵۳- ﴿يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ﴾: در میان آنها بدی و فساد را شعله‌ور می‌سازد.
- ۵۴- ﴿وَكَيْلًا﴾: که امورشان بر تو سپرده شده باشد.
- ۵۵- ﴿زُبُورًا﴾: کتابی است که در او ستایش الهی و پند و اندرز ثبت است.
- ۵۶- ﴿لَا تَحْوِيَلًا﴾: نمی‌توانند ضرر و زیانی را که دامنگیر شماست به دیگری که به عبادت ایشان نپرداخته انتقال دهند.
- ۵۷- ﴿الْوَسِيْلَةَ﴾: قربت را به طاعت و عبادت.
- ۵۹- ﴿مُبْصِرَةً﴾: معجزه آشکار.
- ۵۹- ﴿فَطَلَمُوا بِهَا﴾: ستمگرانه به آن کفر ورزیدند و نابود شدند.
- ۶۰- ﴿أَحَاطَ بِالتَّائِبِينَ﴾: خدا به علم و قدرت به مردم احاطه کامل دارد و همه در تصرف او هستند.
- ۶۰- ﴿وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ﴾: درخت زقوم را، آزمایشی برای مردم قرار دادیم.
- ۶۰- ﴿طُغْيَانًا﴾: تجاوز از حد در کفر و سرکشی.
- ۶۲- ﴿أَرْءَيْتَكَ﴾: به من خبر بده.
- ۶۲- ﴿لَأَحْتَنِكَنَّ﴾: بدون شک بر فرزندانش غلبه می‌کنم یا با فریب ریشه‌شان را می‌کنم.
- ۶۴- ﴿أَسْتَفْزِرُّ﴾: استهانت کن، نادان بساز و از راه بیرون ببر.
- ۶۴- ﴿بِحَيْلِكَ وَرَجِلِكَ﴾: با کسالت که سواره و پیاده در راه معصیت قدم گذاشته‌اند.
- ۶۵- ﴿عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ﴾: توانایی بر فریب آنها.
- ۶۶- ﴿يُرْجَى﴾: روان می‌کند و به نرمی به حرکت می‌آورد.
- ۶۸- ﴿أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ﴾: که شما را در زمین فرو برد.
- ۶۸- ﴿حَاصِبًا﴾: باد تندی که بر شما سنگریزه پرتاب کند.

- ۶۹- ﴿قَاصِفًا﴾: باد تند، ویرانگر و کشنده.
- ۶۹- ﴿تَبِيعًا﴾: یارور یا کسی که انتقام شما را از ما بگیرد.
- ۷۱- ﴿بِأَمْلِهِمْ﴾: با رهبرشان یا با کتابشان.
- ۷۱- ﴿فَتِيلاً﴾: به اندازه رشته نازک بین هسته خرما.
- ۷۳- ﴿لَيَقْتُنُونَكَ﴾: تو را به فریب منحرف سازند.
- ۷۳- ﴿لَتَفْتَرِي عَلَيْنَا﴾: تا سخنانی را از خود بسازی و به ما نسبت دهی.
- ۷۴- ﴿تَرَكَّنُ إِلَيْهِمْ﴾: به آنها مایل شوی.
- ۷۵- ﴿ضَعَفَ الْحَيَوةَ﴾: چند برابر عذاب دنیا.
- ۷۶- ﴿لَيَسْتَفْزُزُونَكَ﴾: تا از جایت دورت کنند و خوار و بی‌مقدارت نمایند.
- ۷۷- ﴿تَحْوِيلًا﴾: تغییر و تبدیل.
- ۷۸- ﴿لُدْلُوكَ الشَّمْسِ﴾: بعد زوال یا هنگام زوال آفتاب از میانه آسمان.
- ۷۸- ﴿عَسَقِ اللَّيْلِ﴾: تاریکی شب یا شدت تاریکی.
- ۷۸- ﴿قُرْءَانَ الْفَجْرِ﴾: نماز بامداد را برپادار.
- ۷۹- ﴿فَتَهَجَّدْ﴾: نماز تهجد، نمازی که بعد از بیدار شدن هنگام شب خوانده می‌شود.
- ۷۹- ﴿نَافِلَةً لَّكَ﴾: فریضه افزون که خاصه خودت است.
- ۷۹- ﴿مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾: مقام بزرگ شفاعت.
- ۸۰- ﴿مُدْخَلَ صِدْقٍ﴾: داخل کردنی که همه امورم پسندیده و نیکو باشد.
- ۸۰- ﴿سُلْطَنًا نَّصِيرًا﴾: نیرو که بوسیله آن اسلام را یاری نمایم.
- ۸۱- ﴿زَهَقَ الْبَطِلُ﴾: شرک تباه و نابود شد.
- ۸۲- ﴿خَسَارًا﴾: نابودی به سبب کفرشان به قرآن.
- ۸۳- ﴿نَقَا بَجَانِيهِ﴾: با تکبر و سرکشی دور می‌شود.
- ۸۳- ﴿كَانَ يُوَسِّوًا﴾: از رحمت ما نومید می‌گردد.
- ۸۴- ﴿شَاكِلَتِهِ﴾: شیوه‌ای که برازنده اوست.

- ۸۶- ﴿وَكَيْلًا﴾: کسی را که بتواند قرآن را به تو برگرداند.
- ۸۸- ﴿ظَهِيرًا﴾: یاور.
- ۸۹- ﴿صَرَفْنَا﴾: به شیوه‌های گوناگون بیان کردیم.
- ۸۹- ﴿كُلِّ مَثَلٍ﴾: معانی شگفت انگیز، زیبا و بدیع.
- ۸۹- ﴿فَأَبَى﴾: پس نپذیرفت.
- ۸۹- ﴿كُفُورًا﴾: حق ستیز.
- ۹۰- ﴿يَنْبُوعًا﴾: چشمه‌ای همیشه پرآب.
- ۹۲- ﴿كَيْسَفًا﴾: تکه و پاره.
- ۹۲- ﴿قَبِيلًا﴾: آشکار یا گروه گروه.
- ۹۳- ﴿زُحْرَفٍ﴾: طلا.
- ۹۷- ﴿حَبَبَتْ﴾: شعله آن خاموش شود.
- ۹۷- ﴿سَعِيرًا﴾: شعله و زبانه آتش را.
- ۹۸- ﴿رُفَّتًا﴾: ذرات پراکنده یا خاک.
- ۱۰۰- ﴿كُفُورًا﴾: بسیار بخیل.
- ۱۰۱- ﴿مَسْحُورًا﴾: جادو شده‌ای یا خود ساحری.
- ۱۰۲- ﴿بَصَائِرٍ﴾: این معجزه‌ها آشکارند، هر بیننده به صدق گفتار من پی می‌برد.
- ۱۰۲- ﴿مَثْبُورًا﴾: هلاک شده یا دور از خیر.
- ۱۰۳- ﴿يَسْتَفِرُّهُمْ﴾: آنها را بیرون و خوار و بی‌مقدارشان کند.
- ۱۰۴- ﴿لَفِيْفًا﴾: همه را با هم.
- ۱۰۶- ﴿فَرَقْنَاهُ﴾: قرآن را بیان کردیم یا آیه آیه و سوره سوره نازل نمودیم.
- ۱۰۶- ﴿عَلَىٰ مَكِّثٍ﴾: به آهستگی.
- ۱۱۰- ﴿لَا تُخَافِتْ بِهَا﴾: در نماز قرآن را آهسته نخوان تا کسانی که با تو در نماز هستند صدایت را بشنوند.

سوره کُهِف

- ۱- ﴿لَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا﴾: هیچ گونه اختلال، اختلاف و انحراف از حق و حکمت را در آن قرار نداده است.
- ۲- ﴿قِيَمًا﴾: مستقیم و یا به مصالح جامعه انسانی.
- ۲- ﴿بِأَسَا﴾: عذاب بامهلت یا بی مهلت.
- ۵- ﴿كَبُرَتْ كَلِمَةً﴾: بزرگترین سخن به زشتی و قباحت.
- ۶- ﴿بَلِغْ نَفْسِكَ﴾: خود را بکشی یا به مشقت اندازی.
- ۶- ﴿أَسْفًا﴾: از شدت اندوه و خشم بر آنها.
- ۷- ﴿لَيَبْلُوهُمْ﴾: تا آنها را بیازمایم با این که از حالشان آگاهییم.
- ۷- ﴿أَحْسَنُ عَمَلًا﴾: نیکوکارتر و شتابنده به طاعت خدا.
- ۸- ﴿صَعِيدًا جُرُزًا﴾: خاک بی سبزه و گیاه.
- ۹- ﴿أُمَّ حَسِبْتَ﴾: آیا پنداشتی.
- ۹- ﴿الْكَهْفِ﴾: غار وسیع در کوه.
- ۹- ﴿الرَّقِيمِ﴾: تخته سنگی که در آن نامها و داستان آنها نوشته بود.
- ۱۰- ﴿أَوَى الْفِتْيَةُ﴾: جوانان برای حفظ دینشان فرار کردند و پناه بردند.
- ۱۰- ﴿رَشَدًا﴾: هدایت به راه حق.
- ۱۱- ﴿فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ﴾: و آنان را به خواب سنگین فروردیم.
- ۱۲- ﴿بَعَثْنَاهُمْ﴾: آنها را از خواب بیدار کردیم.
- ۱۲- ﴿أَمَدًا﴾: تعداد سالها را.
- ۱۴- ﴿رَبَطْنَا﴾: با شکیبایی قوی و استوار ساختیم.
- ۱۴- ﴿شَطَطًا﴾: سخن دوراز حق.
- ۱۶- ﴿مِرْقًا﴾: آنچه در زندگی از آن بهره ور شوید.

- ۱۷- ﴿تَزَوَّرُ﴾: میل می کند.
- ۱۷- ﴿تَقْرِضُهُمْ﴾: از آنها عدول می کند و دور می شود.
- ۱۷- ﴿فَجَوْهَ مِّنْهُ﴾: جای وسیعی از آن غار.
- ۱۸- ﴿بِالْوَصِيدِ﴾: کنار غار یا آستانه در آن.
- ۱۸- ﴿رُعْبًا﴾: از ترس.
- ۱۹- ﴿بِعَثْنِهِمْ﴾: آنان را از خواب طولانی بیدار کردیم.
- ۱۹- ﴿بِوَرِقِكُمْ﴾: با سکه های خود.
- ۱۹- ﴿أَزْكَىٰ طَعَامًا﴾: غذای حلال یا نیکو.
- ۲۰- ﴿إِن يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ﴾: اگر از شما آگاه شوند یا بر شما دست یابند.
- ۲۱- ﴿أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ﴾: مردم را از حال آنها آگاه ساختیم.
- ۲۲- ﴿رَجْمًا بِالْغَيْبِ﴾: از روی گمان و بدون یقین.
- ۲۲- ﴿فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ﴾: پس درباره آنها و تعدادشان مناقشه نکن.
- ۲۲- ﴿إِلَّا مِرَاءَ ظَهْرًا﴾: درباره آنها چیزی را بگو که برایت وحی شد.
- ۲۴- ﴿رَشْدًا﴾: هدایت و راه‌نمایی برای انسان.
- ۲۶- ﴿أَبْصَرَ بِهِ﴾: خدا چه بیناست به همه موجودات.
- ۲۷- ﴿مُلْتَحَدًا﴾: پناهگاه.
- ۲۸- ﴿أَصْبِرْ نَفْسَكَ﴾: خود را همنوا بساز و ثابت قدم و شکیبا باش.
- ۲۸- ﴿لَا تَعُدَّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ﴾: توجه خود را از مسلمانان بینوا مگیر.
- ۲۸- ﴿أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ﴾: قلب او را غافل کردیم.
- ۲۸- ﴿فُرْطًا﴾: اسراف یا ضایع و نابود ساختن.
- ۲۹- ﴿سُرَادِقُهَا﴾: سرا پرده‌ها یا شعله و دود آن.
- ۲۹- ﴿كَالْمُهْلِ﴾: مانند دود روغن یا فلز گداخته.
- ۲۹- ﴿سَاءَتْ مُرْتَفَقًا﴾: دوزخ جایگاه بد است.

- ۳۱- ﴿جَنَّتٌ عَدْنٍ﴾: بهشت‌های محل اقامت دائمی.
- ۳۱- ﴿سُنْدُسٍ﴾: دیبای نرم و نازک، حریر.
- ۳۱- ﴿إِسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- ۳۱- ﴿أَلَّا رَأَيْكَ﴾: تخت‌ها در حجله‌ها.
- ۳۲- ﴿جَنَّتَيْنِ﴾: دو باغ.
- ۳۲- ﴿حَفَفْنَاهُمَا﴾: اطراف آنها را احاطه کردیم.
- ۳۳- ﴿أُكُلَاهَا﴾: میوه‌های قابل خوردنش را.
- ۳۳- ﴿تَطْلِمُ مِّنْهُ﴾: از میوه و محصول آن هیچ کم نگردد.
- ۳۳- ﴿فَجَرَرْنَا خِلَالَهُمَا﴾: در میان آن دو جاری ساختیم.
- ۳۴- ﴿ثَمَرٍ﴾: ثروت فراوان و پر درآمد.
- ۳۴- ﴿أُعْرُزْنَفَرًا﴾: با داشتن همکاران و خویشان نیرومندترم.
- ۳۵- ﴿تَبِيدَ﴾: نیست و نابود و خراب شود.
- ۳۶- ﴿مُنْقَلَبًا﴾: جای بازگشت و سرانجام.
- ۳۸- ﴿لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي﴾: ولی من می‌گویم: ذات پاک او تعالی پروردگار من است.
- ۴۰- ﴿حُسْبَانًا﴾: بلایی مانند صاعقه و آفت.
- ۴۰- ﴿فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا﴾: و این باغ به ریگستان هراس‌انگیز یا زمین بی‌سبزه و گیاه و لغزنده تبدیل شود.
- ۴۱- ﴿غَوْرًا﴾: در اعماق زمین فرورود.
- ۴۲- ﴿أَحِيطَ بِثَمَرِهِ﴾: اموال و بوستانش نیست و نابود شد.
- ۴۲- ﴿يُقَلِّبُ كَفْيِهِ﴾: دست‌های خود را به هم می‌مالید، کنایه از پشیمانی و حسرت است.
- ۴۲- ﴿خَاوِيَةً عَلَىٰ عُرُوشِهَا﴾: بر سقف‌های درهم ریخته خود افتاده بود.
- ۴۴- ﴿الْوَالِيَةَ لِلَّهِ﴾: نصرت و پیروزی تنها از جانب خداست.

- ۴۴- ﴿خَيْرٌ عُقْبًا﴾: خدا به دوستان خود فرجام نیک می دهد.
- ۴۵- ﴿هَشِيمًا﴾: خشک و پوسیده بعد از شادابی و زیبایی.
- ۴۵- ﴿تَذْرُوهُ الرِّيحُ﴾: بادهای آن را می برند و با خاک یکسان می کنند.
- ۴۷- ﴿بَارِزَةً﴾: آشکار، هیچ چیزی بر روی آن نیست.
- ۴۸- ﴿مَّوْعِدًا﴾: وقتی برای ایفای وعده رستاخیز و پاداش و کیفر.
- ۴۹- ﴿وَضَعُ الْكِتَابُ﴾: نامه اعمال هرکس به دستش نهاده می شود.
- ۴۹- ﴿مُشْفِقِينَ﴾: ترسان.
- ۴۹- ﴿يُؤَيِّلَتَنَا﴾: ای وای تباه شدیم.
- ۴۹- ﴿لَا يُعَادِرُ﴾: باقی نمی گذارد.
- ۴۹- ﴿أَحْصَلَهَا﴾: آن را به شمار آورده و ثبت کرده است.
- ۵۰- ﴿أَسْجُدُوا لِآدَمَ﴾: به آدم سجده سلام و احترام کنید نه سجده پرستش.
- ۵۱- ﴿عَضُدًا﴾: همکار و یاور.
- ۵۲- ﴿مَّوْبِقًا﴾: محل هلاکت، دوزخ.
- ۵۳- ﴿مُؤَاقِعُهَا﴾: در آن خواهند افتاد.
- ۵۳- ﴿مَّضْرِفًا﴾: جایی که بروند.
- ۵۴- ﴿صَّرَفْنَا﴾: به شیوه های مختلف بیان کردیم.
- ۵۴- ﴿كُلِّ مَثَلٍ﴾: هر گونه مثلی، معانی شگفت انگیز و زیبا که در غرابت مانند مثل است.
- ۵۵- ﴿سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ﴾: سرنوشت گذشتگان که ریشه کن ساختن است اگر ایمان نیاورند.
- ۵۵- ﴿قُبُلًا﴾: گوناگون یا آشکار و رویاروی.
- ۵۶- ﴿لِيُذْخَضُوا﴾: تا باطل نمایند و از بین ببرند.
- ۵۶- ﴿هُزُؤًا﴾: تمسخر و استهزاء.

- ۵۷- ﴿أَكِنَّةٌ...﴾: پرده‌های بسیار، مانع از... .
- ۵۷- ﴿وَقُرًّا﴾: کری و سنگینی سخت در حس شنوایی.
- ۵۸- ﴿مَوْبِلًا﴾: محل نجات و پناهگاه.
- ۵۹- ﴿لِمَهْلِكِهِمْ﴾: برای نابود کردن ایشان.
- ۶۰- ﴿لِقَتْلِهِ﴾: به جوان همراه خود، یوشع بن نون.
- ۶۰- ﴿مَجْمَعُ الْبَحْرَيْنِ﴾: جای بهم‌پیوستن دو دریا.
- ۶۰- ﴿أَمْضَى حُقُبًا﴾: زمان طولانی راه می‌سپرم.
- ۶۲- ﴿نَضْبًا﴾: خستگی و رنج بی‌شمار.
- ۶۳- ﴿أَرْءَيْتَ﴾: به من خبر بده یا به خاطر داری.
- ۶۳- ﴿عَجَبًا﴾: به طرز شگفت‌آوری.
- ۶۴- ﴿مَا كُنَّا نَبْعُغُ﴾: آنچه ما می‌خواستیم و در جستجویش بودیم.
- ۶۴- ﴿فَأَرْتَدَّا عَلَىٰ آثَارِهِمَا﴾: به راهی که آمده بودند برگشتند.
- ۶۴- ﴿قَصَصًا﴾: نشان قدمهای خویش را دنبال می‌کردند.
- ۶۵- ﴿عَبْدًا﴾: خضر عليه السلام.
- ۶۶- ﴿رُشْدًا﴾: راستی و درستی یا به کار خود به خیری دست یابم.
- ۶۸- ﴿خُبْرًا﴾: علم و معرفت.
- ۷۱- ﴿شَيْئًا إِمْرًا﴾: کار بس ناشایست یا عجیب.
- ۷۳- ﴿لَا تُرْهِقْنِي عُسْرًا﴾: بر من سخت‌نگیر و تحمیل نکن.
- ۷۴- ﴿شَيْئًا نُكْرًا﴾: کار بسیار ناپسند و زشت.
- ۷۷- ﴿فَأَبْوًا﴾: امتناع ورزیدند.
- ۷۷- ﴿يَنْقُضَ﴾: منهدم شود و به سرعت فروریزد.
- ۷۸- ﴿بِتَأْوِيلٍ...﴾: نتیجه و سرانجام...
- ۷۹- ﴿وَرَأَاهُمْ﴾: پیش روی آنها.

- ۷۹- ﴿غَصَبًا﴾: بدون حق.
- ۸۰- ﴿يُرْهَقُهُمَا﴾: آنها را وادار کند یا از فرط محبت از او پیروی کنند.
- ۸۱- ﴿زَكْوَةً﴾: دور از بدی یا پاک دین و با صلاح.
- ۸۱- ﴿أَقْرَبَ رُحْمًا﴾: مهربانتر با پدر و مادر و فرمان برتر از آن دو.
- ۸۲- ﴿يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا﴾: به کمال عقل و قوت خود برسند.
- ۸۳- ﴿ذِي الْقُرْنَيْنِ﴾: پادشاه صالحی که هم علم داشت و هم حکمت.
- ۸۴- ﴿سَبَبًا﴾: علم و راه رسیدن آن.
- ۸۵- ﴿فَاتَّبَعَ سَبَبًا﴾: پس به راهی رفت که او را به مغرب می‌رساند.
- ۸۶- ﴿تَعْرُبُ فِي عَيْنٍ﴾: به نظر می‌رسید که آفتاب در چشمه‌ای غروب می‌کند.
- ۸۶- ﴿حِمَّةٍ﴾: گل آلود، گل سیاه.
- ۸۶- ﴿حُسْنًا﴾: رویش نیکویی، دعوت به حق و هدایت.
- ۸۷- ﴿عَذَابًا نُكْرًا﴾: عذاب هول انگیز و شدید.
- ۹۰- ﴿سِتْرًا﴾: پوششی از قبیل لباس و مسکن.
- ۹۱- ﴿خُبْرًا﴾: آگاهی کامل.
- ۹۳- ﴿السَّدِّينِ﴾: دو کوه بسیار بلند.
- ۹۴- ﴿يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ﴾: دو قبیله از نسل یافث بن نوح.
- ۹۴- ﴿خَرَجًا﴾: از اموال خود کمکت کنیم.
- ۹۴- ﴿سَدًّا﴾: دیواری که نتوانند بر ما دست یابند.
- ۹۵- ﴿رَدْمًا﴾: سد محکم و استوار.
- ۹۶- ﴿زُبْرَ الْحَدِيدِ﴾: قطعات بزرگ و ضخیم آهن را.
- ۹۶- ﴿الصَّدَقَيْنِ﴾: میان آن دو کوه.
- ۹۶- ﴿قَطْرًا﴾: مس گداخته را.
- ۹۷- ﴿يَطْهَرُوهُ﴾: از آن بالا بروند.

- ۹۷- ﴿نَقَبًا﴾: سوراخی از جهت سختی و صلابت آن.
- ۹۸- ﴿جَعَلَهُ دَكَّاءَ﴾: با خاک یکسانش می کند.
- ۹۹- ﴿يَمُوجُ﴾: موج می زنند و می آمیزند.
- ۹۹- ﴿نُفِخَ فِي الصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده شود.
- ۱۰۱- ﴿غِطَاءٍ﴾: پرده ضخیم.
- ۱۰۲- ﴿نُزُلًا﴾: منزل یا برای پذیرایی از آنها.
- ۱۰۵- ﴿وَرَزَانًا﴾: منزلت و اعتباری از جهت بطلان اعمالشان.
- ۱۰۷- ﴿الْفِرْدَوْسِ﴾: بالاترین و بهترین جای بهشت.
- ۱۰۸- ﴿حَوْلًا﴾: انتقال.
- ۱۰۹- ﴿مَدَدًا﴾: ماده‌ای است که با آن می نویسند.
- ۱۰۹- ﴿لِكَلِمَاتٍ رَبِّي﴾: علم و حکمت خدای من.
- ۱۰۹- ﴿لَتَفِدَّ الْبَحْرُ﴾: آب دریا به پایان می رسد. مَدَدًا: کمک و افزایش.

سوره مَرِيَمَ

- ۳- ﴿يَدَاءَ حَفِيًّا﴾: دعای نهانی که هیچ کس آن را نشنید.
- ۴- ﴿وَهَنَ الْعَظْمُ﴾: استخوانم سست و ضعیف شده است.
- ۴- ﴿شَقِيًّا﴾: هیچ زمانی نومید.
- ۵- ﴿خِفْتُ الْمَوْلَى﴾: از بستگان خود بیمناکم، از بدکاران یهود بودند.
- ۵- ﴿وَلِيًّا﴾: فرزندی که بعد از من جانشینم باشد.
- ۶- ﴿رَضِيًّا﴾: به گفتار و عمل مورد پسند و رضایت خودت باشد.
- ۸- ﴿أَنْ يَكُونَ﴾: چگونه می شود.
- ۸- ﴿عِتِيًّا﴾: حالتی که مداوا شدنی نیست.
- ۱۰- ﴿ءَايَةً﴾: نشانه‌ای بر تحقق خواسته‌ام تا تو را سپاسگزار باشم.

- ۱۰- ﴿سَوِيًّا﴾: سلامت کامل، نه گنگی و نه علت دیگری داری.
- ۱۱- ﴿مِنَ الْمُحْرَابِ﴾: جای نماز خواندن یا خانه‌ای که در آن خدا را عبادت می‌کرد.
- ۱۲- ﴿الْحُكْمِ﴾: دانش تورات و پرستش.
- ۱۳- ﴿حَنَانًا﴾: مهربانی با مردم.
- ۱۳- ﴿زَكْوَةً﴾: برکت یا پاکی از گناه.
- ۱۳- ﴿كَانَ تَقِيًّا﴾: فرمان بردار و پرهیزکار بود.
- ۱۴- ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ﴾: از پدر و مادرش فرمان می‌برد و با آنها مهربان بود.
- ۱۴- ﴿جَبَّارًا عَصِيًّا﴾: متکبر و مخالف فرمان خدا.
- ۱۶- ﴿أَنْتَبَدْتُ﴾: تنها به یک گوشه رفت.
- ۱۷- ﴿حِجَابًا﴾: پرده‌ای. رُوْحَنَا: جبرئیل را.
- ۱۷- ﴿بَشَرًا سَوِيًّا﴾: انسان خوش اندام.
- ۱۹- ﴿عُلْمًا زَكِيًّا﴾: پسری پاک از گناه و پاکیزه خلقت.
- ۲۰- ﴿بَغِيًّا﴾: زنا کار.
- ۲۲- ﴿مَكَانًا قَصِيًّا﴾: پشت کوه دور از مردم.
- ۲۳- ﴿فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ﴾: و درد زایمان او را آورد.
- ۲۳- ﴿نَسِيًّا مَنَسِيًّا﴾: بی‌ارزش و متروک که هیچ جایی در دلها نداشته باشد.
- ۲۴- ﴿فَنَادَاهَا﴾: جبریل یا عیسی او را صدا کرد.
- ۲۴- ﴿سَرِيًّا﴾: جوی آب یا پسر بلند مرتبه.
- ۲۵- ﴿رُطْبًا جَنِيًّا﴾: میوه رسیده یا تازه.
- ۲۶- ﴿قَرِيًّا عَيْتًا﴾: خوش باش نه اندوهگین.
- ۲۷- ﴿شَيْئًا قَرِيًّا﴾: چیزی بسیار ناشایست.
- ۲۹- ﴿كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا﴾: با کودک شیر خواری که در گهواره است.
- ۳۲- ﴿وَبَرًّا بِوَالِدَتِي﴾: با مادرم مهربان باشم و گرامیش بدارم.

- ۳۴- ﴿يَمْرُونَ﴾: شک دارند یا بیهوده با هم جدل می کنند.
- ۳۵- ﴿قَضَىٰ أَمْرًا﴾: خدا ایجاد چیزی را اراده کند.
- ۳۸- ﴿أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ﴾: شنوایی و بینایی آنها شگفت آور است.
- ۳۹- ﴿يَوْمَ الْحُسْرَةِ﴾: روز ندامت شدید.
- ۴۳- ﴿صِرَاطًا سَوِيًّا﴾: راه راست و نجات دهنده از گمراهی.
- ۴۴- ﴿عَصِيًّا﴾: بسیار نافرمان.
- ۴۵- ﴿وَلِيًّا﴾: همراه، در جهنم کنارهم.
- ۴۶- ﴿وَأَهْجُرْنِي مَلِيًّا﴾: برای همیشه از من دور شو.
- ۴۷- ﴿حَفِيًّا﴾: بسیار مهربان.
- ۴۸- ﴿شَقِيًّا﴾: نومید و بی بهره.
- ۵۰- ﴿لِسَانَ صِدْقٍ﴾: تمام ادیان آنها را به نیکویی یاد می کنند.
- ۵۱- ﴿كَانَ مُخْلَصًا﴾: خدا او را به رسالت برگزیده بود.
- ۵۲- ﴿قَرَّبَنَّهُ نَجِيًّا﴾: او نزدیک ساختیم و در آن حال با او سخن گفتیم.
- ۵۸- ﴿أَجْتَبَيْنَا﴾: به نبوت برگزیدیم.
- ۵۸- ﴿بُكِّيًّا﴾: از ترس خدا گریه می کردند.
- ۵۹- ﴿خَلْفَ﴾: فرزند بد.
- ۵۹- ﴿يَلْقَوْنَ غَيًّا﴾: جزای گمراهی خود را خواهند دیدند یا «غی» وادی است در جهنم.
- ۶۱- ﴿مَاتِيًّا﴾: آمدنی.
- ۶۲- ﴿لَعَوًّا﴾: زشت یا سخن بیهوده.
- ۶۵- ﴿سَمِيًّا﴾: مانند، در ذات و صفات او، هرگز نه.
- ۶۸- ﴿جِثِيًّا﴾: از شدت ترس به زانو درآمده اند.
- ۶۹- ﴿عِتِيًّا﴾: از نافرمانی یا تهور یا فسق.

- ۷۰- ﴿صَلِيًّا﴾: برای داخل شدن یا رنج و سختی کشیدن.
- ۷۱- ﴿وَارِدُهَا﴾: وارد دوزخ شود با گذشتن از صراط که بر روی جهنم قرار دارد.
- ۷۳- ﴿خَيْرٌ مَّقَامًا﴾: جای سکونتش زیباست.
- ۷۳- ﴿أَحْسَنُ نَدِيًّا﴾: جلسات و اجتماعاتش نیکوتر است.
- ۷۴- ﴿قَرْنٍ﴾: مردمان.
- ۷۴- ﴿أَحْسَنُ أَثْنًا﴾: وسایل زندگی بهتر داشته‌اند از قبیل فرش، لباس و غیره.
- ۷۴- ﴿رِيًّا﴾: ظاهر و منظر.
- ۷۵- ﴿فَلْيَمْدُدْ لَهُ﴾: پس خدا به او مهلت می‌دهد و یکباره هلاکش نمی‌کند.
- ۷۵- ﴿أَضْعَفُ جُنْدًا﴾: یارانش ضعیف و کم‌تر است.
- ۷۶- ﴿خَيْرٌ مَرَدًا﴾: سرانجام خوب‌تر دارد.
- ۷۷- ﴿أَفْرَءَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- ۷۸- ﴿أَطَّلَعَ الْغَيْبَ﴾: آیا اسرار غیب را کشف کرده، استفهام است.
- ۷۹- ﴿نَمُدُّ لَهُ﴾: بر او دایمی می‌گردانیم یا می‌افزاییم.
- ۸۱- ﴿عِزًّا﴾: شفیع و ناصر و مایه عزتشان باشد.
- ۸۲- ﴿ضِدًّا﴾: مایه ذلت و خواری آنها نه مایه عزت یا ناصر.
- ۸۳- ﴿تَوَزُّهُمْ أَزًّا﴾: آنها را به معاصی تشویق می‌کنند و به هیجان می‌آورند.
- ۸۵- ﴿وَفَدًّا﴾: سواره.
- ۸۶- ﴿وَرِدًّا﴾: تشنه یا مانند چارپایان تشنه.
- ۸۹- ﴿شَيْئًا إِدًّا﴾: چیز زشت و ناشایست را.
- ۹۰- ﴿يَنْفَطَّرْنَ مِنْهُ﴾: از زشتی این سخن آسمان‌ها متلاشی گردند.
- ۹۰- ﴿تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا﴾: کوه‌ها فروریزند.
- ۹۶- ﴿وُدًّا﴾: محبوب دلها.
- ۹۷- ﴿قَوْمًا لُدًّا﴾: گروه سرکش و باطل پرست را.

- ۹۸- ﴿قَرْنٍ﴾: نسل‌ها. ﴿مُحْسٍ﴾: می‌آبی یا می‌بینی یا می‌دانی.
 ۹۸- ﴿رُكْوًا﴾: کم‌ترین صدایی.

سوره طه

- ۱- ﴿لَيْشَقِيَّ﴾: تا از اندوه و تأسف قومت، خود را خسته کنی.
 ۵- ﴿عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾: استوایی که سزاوار جلالت اوست.
 ۶- ﴿مَا تَحْتِ الثَّرَى﴾: آنچه را که خاک پنهان کرده است یا ماورای زمین.
 ۷- ﴿أَخْفَ﴾: سخن نهانی دل و آنچه به ذهن می‌گذرد.
 ۱۰- ﴿ءَأَنْسُتُ نَارًا﴾: آتشی دیدم.
 ۱۰- ﴿بِقَبَسٍ﴾: شعله‌ای از آتش را بر سر چوب.
 ۱۰- ﴿هُدًى﴾: راه را بیابم یا راهنمایی پیدا کنم.
 ۱۲- ﴿الْمُقَدَّسِ﴾: پاکیزه یا مبارک.
 ۱۲- ﴿طَوًى﴾: نام وادی است.
 ۱۵- ﴿أَكَادُ أَحْفِيهَا﴾: وقت آمدن قیامت را نزدیک است از خودم نیز نهان دارم.
 ۱۶- ﴿فَتَرَدَى﴾: آنگاه هلاک شوی.
 ۱۸- ﴿أَتَوَكَّؤُا عَلِيهَا﴾: هنگام راه رفتن و مانند آن بر او تکیه می‌کنم.
 ۱۸- ﴿أَهْشُ بِهَا﴾: با این درخت را می‌زنم تا برگ‌هایش بریزد.
 ۱۸- ﴿مَقَارِبُ أُخْرَى﴾: منافع و نیازهای دیگر.
 ۲۰- ﴿حَيَّةٌ تَسْعَى﴾: ماری پر جنب و جوش و سریع.
 ۲۱- ﴿سِيرَتَهَا الْأُولَى﴾: به حالت اولی‌اش.
 ۲۲- ﴿إِلَى جَنَاحِكَ﴾: به پهلویت زیر بازوی چپ.
 ۲۲- ﴿بَيِّضَاءَ﴾: روشنتر از آفتاب.
 ۲۲- ﴿غَيْرِ سَوِّءٍ﴾: بدون پیسی و مانند آن.

- ۲۴- ﴿طَغَى﴾: در سرکشی و ستمگری از حد تجاوز کرده است.
- ۲۹- ﴿وَزِيْرًا﴾: همکار و معین.
- ۳۱- ﴿أَزْرِي﴾: پشت مرا یا قوت مرا.
- ۳۶- ﴿أَوْتَيْتَ سُؤْلَكَ﴾: خواسته و خواهشت به تو داده شد.
- ۳۹- ﴿فَأَقْذَفِيهِ فِي الْيَمِّ﴾: پس او را به دریای نیل بینداز.
- ۳۹- ﴿لِتُصْنَعَ عَلَى عَيْنِي﴾: تا زیر نظر من تربیه شوی.
- ۴۰- ﴿مَنْ يَكْفُلُهُ﴾: کسی که این را بگیرد، نگهداری و تربیه اش نماید.
- ۴۰- ﴿تَقَرَّرَ عَيْنُهَا﴾: به دیدار تو خوشحال شود.
- ۴۰- ﴿فَتَنَّاكَ فُتُونًا﴾: بارها تو را از محنتها نجات دادیم.
- ۴۰- ﴿جِئْتُ عَلَى قَدَرٍ﴾: موافق زمانی که برای آغاز رسالت تعیین شده بود به مصر بازگشتی.
- ۴۱- ﴿وَأَصْطَفَيْنَاكَ لِنُنْفِئَكَ﴾: تو را برای رسالت و اقامه حجت خود برگزیدم.
- ۴۲- ﴿لَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي﴾: در تبلیغ رسالت من سستی نکنید.
- ۴۵- ﴿يَقْرُطْ عَلَيْنَا﴾: به شکنجه ما عجله نماید.
- ۴۵- ﴿يَطْغَى﴾: به سرکشی و طغیان بیفزاید.
- ۴۶- ﴿إِنِّي مَعَكُمْ﴾: من حافظ و نگهبان شما هستم.
- ۵۰- ﴿خَلَقَهُ﴾: شکل اشیاء را که با منافع و خصوصیت مربوط به آن سازگار است.
- ۵۰- ﴿هَدَى﴾: آنچه به خیر و صلاح اوست به او نشان داده.
- ۵۱- ﴿فَمَا بَالُ الْقُرُونِ﴾: پس حالت ملل گذشته چه خواهد شد؟
- ۵۲- ﴿لَا يَضِلُّ رَبِّي﴾: هیچ چیز از علم پروردگار من پوشیده نیست.
- ۵۳- ﴿مَهْدًا﴾: محل آسایش مانند رختخواب کودک.
- ۵۳- ﴿سُبُلًا﴾: راههای که برای نیازمندیهای خویش بر آنها می‌روید.
- ۵۳- ﴿أَرْوَاجًا﴾: گوناگون یا به اشکال مختلف.

- ۵۳- ﴿شَقَى﴾: به صفات و خصایص گوناگون.
- ۵۴- ﴿لَا وِلِيَّ الْآثِمِينَ﴾: برای صاحبان خرد و بصیرت.
- ۵۶- ﴿أَبَى﴾: از ایمان و اطاعت امتناع ورزید.
- ۵۸- ﴿مَكَانًا سَوِيًّا﴾: جای میانه یا میدان هموار.
- ۵۹- ﴿يَوْمَ الزَّيْنَةِ﴾: روز عید شما.
- ۶۰- ﴿فَجَمَعَ كَيْدَهُ﴾: ساحران را جمع کرد که به وسیله آنها دست به فریب بزنند.
- ۶۱- ﴿وَيَلْكُمْ﴾: هلاک شوید.
- ۶۱- ﴿فَيَسْحَتَكُمْ﴾: پس شما را نابود خواهد کرد.
- ۶۲- ﴿أَسْرُوا النَّجْوَى﴾: در خفا با هم راز گفتند.
- ۶۳- ﴿بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَى﴾: راه و روش و شریعت برتر شما را.
- ۶۴- ﴿فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ﴾: پس تمام نیرنگ‌های خود را به دقت جمع کنید و به توانمندی و پایداری کامل سحر خود را انجام دهید.
- ۶۴- ﴿أَفْلَحَ﴾: به مطلوب خود دست یابد.
- ۶۷- ﴿فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ﴾: نهران کرد یا در نهاد خود احساس کرد.
- ۶۹- ﴿تَلَقَّفَ﴾: به سرعت می‌بلعد.
- ۷۲- ﴿وَالَّذِي فَطَرَنَا﴾: و ذاتی که ما را آفریده است.
- ۷۶- ﴿تَزَكَّى﴾: خود را از آلودگی‌های کفر و شرک پاکیزه دارد.
- ۷۷- ﴿أَسْرٍ بَعِيدٍ﴾: با بندگان من شبانه از مصر برو.
- ۷۷- ﴿يَبَسًا﴾: خشک، بدون آب و گل.
- ۷۷- ﴿لَا تَخْفُ دَرَكًا﴾: از رسیدن فرعون و لشکرش نترس.
- ۷۷- ﴿لَا تَحْتَسِبُ﴾: از غرق شدن هم بیم نداشته باش.
- ۷۸- ﴿فَعَشِيَهُمْ﴾: امواج خروشان آنها را برداشت و به کام خود فروبرد.
- ۸۰- ﴿الْأَيْمَنَ﴾: ماده صمغی شیرین مانند عسل.

- ۸۰- ﴿وَالسَّلَوٰی﴾: پرنده مشهور به سمانی.
- ۸۱- ﴿لَا تَطْعَمُوْا﴾: ناسپاسی یا ستم نکنید.
- ۸۱- ﴿فَيَحِلُّ عَلَیْكُمْ﴾: بر شما لازم و ثابت می شود.
- ۸۱- ﴿هَوٰی﴾: هلاک شد یا به جهنم افتاد.
- ۸۳- ﴿مَا اَعْجَلَكَ﴾: چه چیز تو را به عجله واداشت؟
- ۸۵- ﴿فَتَنَّا قَوْمَكَ﴾: قومت را آزمودیم یا به فتنه افکندیم.
- ۸۶- ﴿اَسْفَا﴾: حزین یا بسیار خشمگین.
- ۸۶- ﴿مَوْعِدِی﴾: با من وعده داشتید که به دین من ثابت و استوار می مانید.
- ۸۷- ﴿بِمَلٰکِنَا﴾: به قدرت و توان خود.
- ۸۷- ﴿اَوْزَارًا﴾: بارهای سنگین یا گناهی را.
- ۸۷- ﴿مِّنْ زِیْنَةِ الْقَوْمِ﴾: از زیورات قبطیان مصر.
- ۸۸- ﴿عِجْلًا جَسَدًا﴾: مجسمه گوساله، از طلای سرخ.
- ۸۸- ﴿لَهُۥ حُوْرًا﴾: مانند گاو صدا داشت.
- ۹۲- ﴿مَا مَنَعَكَ﴾: چه چیز ناگزیرت ساخت.
- ۹۵- ﴿فَمَا حَطْبُكَ﴾: این کار خطرناک را چرا انجام دادی؟
- ۹۶- ﴿بَصْرْتُ﴾: به بصیرت آگاه شدم.
- ۹۶- ﴿اَثْرَ الرَّسُوْلِ﴾: خاک زیر سم اسب جبریل.
- ۹۶- ﴿فَتَبَدَّتْهَا﴾: پس آن را در زیورات ذوب شده انداختم.
- ۹۶- ﴿سَوَّلْتُ﴾: زیبا و نیکو جلوه داد.
- ۹۷- ﴿لَا مِیْسَاسَ﴾: من به تو نزدیک نمی شوم و تو هم به من نزدیک نشو.
- ۹۷- ﴿لَنَنْسِفَنَّهٗ﴾: پراکنده اش می کنیم.
- ۱۰۰- ﴿وِزْرًا﴾: عذاب سنگین بخاطر اعراض از قرآن.
- ۱۰۲- ﴿زُرْقًا﴾: کبود چشم یا نابینا یا تشنه.

- ۱۰۳- ﴿يَتَخَفَتُونَ﴾: آهسته با هم گفتگو می کنند.
- ۱۰۴- ﴿أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً﴾: کسی که اندیشه برتر و روش پسندیده تر داشت.
- ۱۰۵- ﴿يَنْسِفُهَا﴾: آنها را از بیخ می کند یا آنها را به وسیله باد پراکنده می کند.
- ۱۰۶- ﴿فَاعَا﴾: زمین صاف فاقد گیاه و آبادی.
- ۱۰۶- ﴿صَفْصَفًا﴾: زمین هموار یا بی گیاه.
- ۱۰۷- ﴿عَوَجًا﴾: جای پست.
- ۱۰۷- ﴿أُمَّتًا﴾: جای بلند.
- ۱۰۸- ﴿لَا عِوَجَ لَهُ﴾: هیچ دعوت شده ای نمی تواند از آن سرپیچی کند.
- ۱۰۸- ﴿هَمْسًا﴾: صدای آهسته.
- ۱۱۱- ﴿عَنْتِ الْوُجُوهُ﴾: انسانها فرمانبردار می شوند.
- ۱۱۱- ﴿لِلْحَيِّ﴾: در برابر خدای جاوید و فنا ناپذیر.
- ۱۱۲- ﴿الْقَيُّومِ﴾: نگهبان جهانیان و مجری امور جهان.
- ۱۱۲- ﴿حَمَلٌ ظُلْمًا﴾: بار شرک و کفر را بر دوش گرفت.
- ۱۱۲- ﴿هَضْمًا﴾: از کم شدن ثوابش.
- ۱۱۳- ﴿صَرَفْنَا فِيهِ﴾: در قرآن به روش های مختلف بیان کردیم.
- ۱۱۳- ﴿ذِكْرًا﴾: پند و عبرت را.
- ۱۱۴- ﴿يُقْضَىٰ إِلَيْكَ﴾: بر تو کامل گردد.
- ۱۱۵- ﴿عَهْدِنَا إِلَىٰ آدَمَ﴾: به آدم دستور دادیم یا وحی فرستادیم.
- ۱۱۶- ﴿الْبَىٰ﴾: با تکبر از سجده امتناع ورزید.
- ۱۱۸- ﴿لَا تَعْرَىٰ﴾: برهنه نمی شوی.
- ۱۱۹- ﴿لَا تَضْحَىٰ﴾: در برابر گرمای آفتاب قرار نمی گیری.
- ۱۲۰- ﴿لَا يَبْلَىٰ﴾: از بین نمی رود.
- ۱۲۱- ﴿سَوْءَاتُهُمَا﴾: عورتشان.

- ۱۲۱- ﴿طَفِقًا يَخْصِفَانِ﴾: شروع کردند که بچسباندند.
- ۱۲۱- ﴿عَصَىٰ عَادَۡمُ﴾: آدم به سهو یا به تأییل نافرمانی کرد.
- ۱۲۲- ﴿أَجْتَبَهُ﴾: او را به نبوت برگزید و از مقربین خود گردانید.
- ۱۲۴- ﴿مَعِيْشَةً ضَنْكًا﴾: حالت سخت و دشوار، در گورش.
- ۱۲۸- ﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾: آیا به این غافلان سرانجام گذشتگان آشکار نشد.
- ۱۲۸- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: کثرت نابود ساختن ما امتهای گذشته را.
- ۱۲۸- ﴿لِأُولِي الْأُلْحَىٰ﴾: برای صاحبان عقل و بصیرت.
- ۱۲۹- ﴿لَكَانَ لِرِزَامًا﴾: لازم بود که نابودی شان سرعت یابد.
- ۱۲۹- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى﴾: روز قیامت، به ﴿كَلِمَةً﴾ عطف است.
- ۱۳۰- ﴿سَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: نماز بخوان و خدایت را حمد و ثنا بگو.
- ۱۳۰- ﴿ءَأَنَّىٰ آلِیْلِ﴾: ساعاتی از شب.
- ۱۳۱- ﴿أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ﴾: گروه‌های از کفار.
- ۱۳۱- ﴿زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾: زینت و زیبایی زندگی دنیا.
- ۱۳۱- ﴿لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ﴾: تا این زیبایی‌ها را وسیله آزمون و امتحان آنها قرار دهیم.
- ۱۳۳- ﴿بَيِّنَةً﴾: قرآن اعجاز آفرین.
- ۱۳۴- ﴿مِّن قَبْلِهِ﴾: پیش از بعثت پیامبران.
- ۱۳۴- ﴿تَحْزَى﴾: در آخرت عذاب و رسوا شویم.
- ۱۳۵- ﴿مُتَرَبِّصٌ﴾: در انتظار نتیجه آن هستید.
- ۱۳۵- ﴿الصِّرَاطِ السَّوِيِّ﴾: راه مستقیم.

سوره انبیاء

- ۱- ﴿أَقْتَرَبَ﴾: نزدیک شد.
- ۲- ﴿مُحَدَّثٍ﴾: تازه نزول یافته.
- ۳- ﴿أَسْرُوا النَّجْوَى﴾: در پنهان داشتن راز خود کوشیدند.
- ۵- ﴿أَضَعْتُ أَحْلِمَ﴾: خواب‌های پریشان است.
- ۸- ﴿جَسَدًا﴾: پیکرها یا دارندگان جسد.
- ۱۰- ﴿فِيهِ ذِكْرُكُمْ﴾: در آن پند و اندرز یا شرف شماست.
- ۱۱- ﴿كَمْ قَصَمْنَا﴾: بسیاری را هلاک کردیم.
- ۱۲- ﴿أَحْسُوا بِأَسْنَا﴾: عذاب شدید ما را احساس کردند.
- ۱۲- ﴿يَرْكُضُونَ﴾: به سرعت می‌گریزند.
- ۱۳- ﴿أُتْرِفْتُمْ فِيهِ﴾: در آن نعمت و رفاهی که داشتید پس سرکشی کردید.
- ۱۵- ﴿حَصِيدًا﴾: مانند گیاه درو شده.
- ۱۵- ﴿خَمِدِينَ﴾: بی‌جان، مانند آتشی که شعله‌اش خاموش شود.
- ۱۷- ﴿تَتَّخِذَ لَهَا﴾: برای سرگرمی بگیریم از قبیل زن و فرزند.
- ۱۸- ﴿نَقَذِفُ بِالْحَقِّ﴾: حق را می‌افکنیم.
- ۱۸- ﴿فَيَدْمَعُهُ﴾: باطل را نابود می‌کند.
- ۱۸- ﴿زَاهِقٌ﴾: از میان رفتنی است.
- ۱۸- ﴿الْوَيْلَ﴾: هلاکت یا رسوایی یا وادبی است در جهنم.
- ۱۹- ﴿لَا يَسْتَحْسِرُونَ﴾: رنجور و در مانده نمی‌شوند.
- ۲۰- ﴿لَا يَقْتُرُونَ﴾: در تسبیح و عبادت سستی نمی‌کنند.
- ۲۱- ﴿هُمْ يُنْشِرُونَ﴾: آنها مرده‌ها را زنده می‌کنند، هرگز نه.

- ۲۲- ﴿لَفَسَدَتَا﴾: نظام آنها نابسامان و در نتیجه درگیری و کشمکش ویران می شدند.
- ۲۶- ﴿وَلَدَا﴾: گفتند: فرشتگان دختران خدا هستند.
- ۲۸- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- ۳۰- ﴿كَانَتَا رَتْقًا﴾: آسمان و زمین با هم چسبیده بودند.
- ۳۰- ﴿فَفَتَقْنَاهُمَا﴾: پس آنها را به واسطه هوا از هم جدا ساختیم.
- ۳۰- ﴿كُلُّ شَيْءٍ حَيٍّ﴾: هر موجود نشو و نما کننده، حیوان یا نبات.
- ۳۱- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های پایدار.
- ۳۱- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ﴾: تا زمین آنها را نجنباند.
- ۳۱- ﴿فَجَا جَا سُبُلًا﴾: راه‌های بزرگ و پر رفت و آمد.
- ۳۲- ﴿سَفَقًا مَّحْفُوظًا﴾: سقف محفوظ از سقوط یا دگرگونی.
- ۳۳- ﴿كُلُّ﴾: آفتاب و مهتاب.
- ۳۳- ﴿فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾: در مداری می چرخند یا در آسمان روان هستند.
- ۳۵- ﴿نَبْلُوكُمْ﴾: شما را می آزماییم، با این که از وضع شما آگاهیم.
- ۳۹- ﴿لَا يَكْفُونَ﴾: نمی توانند دفع کنند.
- ۴۰- ﴿بَعَّةً﴾: ناگهان.
- ۴۰- ﴿فَتَبَّهَتْهُمْ﴾: و آنها را به دهشت و حیرت می اندازد.
- ۴۰- ﴿يُنظُرُونَ﴾: مهلت داده می شوند.
- ۴۱- ﴿فَحَاقَ﴾: پس عذاب احاطه کرد یا نازل شد.
- ۴۲- ﴿يَكْلُوكُمْ﴾: شما را حفظ و حراست می کند.
- ۴۳- ﴿يُصْحَبُونَ﴾: پناه و نجات داده شوند یا کمک شوند.
- ۴۶- ﴿نَفْحَةً﴾: بخشی اندکی.
- ۴۷- ﴿الْقِسْطَ﴾: عدالت یا دارای عدل.
- ۴۷- ﴿مِثْقَالَ حَبَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین چیز.

- ۴۹- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- ۵۲- ﴿الْتَّمَائِلُ﴾: بتهای که خود ساخته‌اید.
- ۵۶- ﴿فَطْرَهْنَ﴾: آنها را ایجاد کرده است.
- ۵۸- ﴿جُدَادًا﴾: شکسته و پاره‌پاره.
- ۶۱- ﴿عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ﴾: در برابر چشم مردم.
- ۶۵- ﴿نُكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ﴾: به باطل و ستیز رو آوردند.
- ۶۷- ﴿أَفِ لَكُمْ﴾: گفتاری است که هنگام زشت و ناپسند دانستن چیزی گفته می‌شود.
- ۷۱- ﴿إِلَى الْأَرْضِ﴾: به سوی سرزمین شام رفتند.
- ۷۲- ﴿نَافِلَةً﴾: بخشش یا علاوه بر خواسته‌اش.
- ۷۴- ﴿قَوْمَ سَوَاءٍ﴾: گروه فساد پیشه و زشت کردار.
- ۷۸- ﴿الْحَرْثِ﴾: کشت یا تاک انگور.
- ۷۸- ﴿نَفَقَتْ فِيهِ﴾: شب هنگام از غفلت چوپان پراکنده شدند و کشت را چریدند.
- ۸۰- ﴿صَنْعَةَ لَبُوسٍ﴾: ساختن زره را که در کارزار پوشیده می‌شود.
- ۸۰- ﴿لِئَلْحَصِّنَكُمْ﴾: تا شما را حفظ نماید.
- ۸۰- ﴿بِأْسِكُمْ﴾: جنگ با دشمن و بدست آوردن سلاح آن.
- ۸۱- ﴿عَاصِفَةً﴾: باد تند.
- ۸۲- ﴿يَعْوُضُونَ لَهُ﴾: در بحرهای غواصی می‌کردند و برای سلیمان چیزهای نفیس و گران بها بیرون می‌آوردند.
- ۸۲- ﴿كُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ﴾: آنان را از سرپیچی از فرمان سلیمان عليه السلام یا از تبهکاری دور نگه داشتیم.
- ۸۵- ﴿ذَا الْكَيْفِ﴾: گفته شده الیاس عليه السلام است.
- ۸۷- ﴿ذَا التُّونِ﴾: یونس عليه السلام. ﴿مُعْضِبًا﴾: بر قوم بی‌دین خود خشمگین شد.

- ۸۷- ﴿لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ﴾: با زندانی کردن و دیگر چیزها، او را در تنگنا قرار نمی‌دهیم.
- ۹۰- ﴿رَعَبًا وَرَهَبًا﴾: به امید ثواب و ترس از عذاب.
- ۹۰- ﴿خَشَعِينَ﴾: فروتن و فرمان بردار.
- ۹۱- ﴿أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾: عفت خود را حفظ کرد.
- ۹۱- ﴿مِنْ رُوحِنَا﴾: از روح خود، جبرئیل.
- ۹۲- ﴿أُمَّتُكُمْ﴾: ملت شما، اسلام.
- ۹۳- ﴿تَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾: دین خود را به گروه‌ها و احزاب متفرق ساختند.
- ۹۵- ﴿حَرَامٌ عَلَى قَرِيَّةٍ﴾: محال است بر اهل قریه‌ای.
- ۹۵- ﴿أَنَّهُمْ لَا يَرِجُعُونَ﴾: که آنها به رستاخیز و حساب به سوی ما برنگردند.
- ۹۶- ﴿حَدَبٍ﴾: زمین بلند.
- ۹۶- ﴿يَنسِلُونَ﴾: به شتاب بیرون می‌آیند.
- ۹۷- ﴿الْوَعْدُ الْحَقُّ﴾: رستاخیز، حساب و جزاء.
- ۹۷- ﴿شَخِصَةً﴾: باز می‌ماند و پلک‌هایش حرکت نمی‌کند.
- ۹۸- ﴿حَصْبُ جَهَنَّمَ﴾: هیزم دوزخ.
- ۹۸- ﴿لَهَا وَرِدُونَ﴾: در آن داخل می‌شوید.
- ۱۰۰- ﴿زَفِيرٌ﴾: تنفس شدیدی که از اثر آن قفسه سینه بالا بیاید.
- ۱۰۲- ﴿حَسِيصَهَا﴾: صدای شعله‌ور شدن آتش دوزخ را.
- ۱۰۳- ﴿الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ﴾: هنگام صور رستاخیز.
- ۱۰۴- ﴿السَّجِلَّ﴾: صفحلاً نوشته شده.
- ۱۰۴- ﴿لِلْكِتَابِ﴾: بر آنچه در صفحه نوشته است.
- ۱۰۵- ﴿الزُّبُورِ﴾: کتابهای آسمانی.
- ۱۰۵- ﴿الذِّكْرِ﴾: لوح محفوظ.

- ۱۰۶- ﴿لَبَلَّغَا﴾: پند و اندرز کافی است یا مایه رسیدن به مطلوب است.
- ۱۰۹- ﴿ءَأَذَنْتُكُمْ﴾: شما را از مأموریت خود آگاه ساختم.
- ۱۰۹- ﴿عَلَىٰ سَوَاءٍ﴾: به همه یکسان اعلام شد.
- ۱۰۹- ﴿إِنْ أَدْرِي﴾: من آگاه نیستم.
- ۱۱۱- ﴿فِتْنَةٌ لَّكُمْ﴾: امتحانی برای شماست.

سوره حَجِّ

- ۱- ﴿زُلْزَلَةَ السَّاعَةِ﴾: هول و هراس قیامت و سختی‌های آن.
- ۲- ﴿تَذَهُلُ﴾: از شدت ترس به خود گرفتار و غافل می‌شود.
- ۳- ﴿مَرِيدٍ﴾: سرکش، نافرمان و کوشا در فساد.
- ۴- ﴿تَوَلَّاهُ﴾: دوست و پیرو او شود.
- ۵- ﴿نُطْفَةٍ﴾: منی.
- ۵- ﴿عَلَقَةٍ﴾: پاره خون بسته.
- ۵- ﴿مُضْغَةٍ﴾: قطعه گوشت به اندازه‌ای که جویده شود.
- ۵- ﴿مُخَلَّقَةٍ﴾: دارای شکل که خلقتش شناخته شود.
- ۵- ﴿يَتَبَلَّغُوا أَشَدَّكُمْ﴾: تا به کمال عقل و قوت خود برسید.
- ۵- ﴿أُرْذِلَ الْعُمُرِ﴾: زبون‌ترین دوره عمر که عقل از کلانسالی تباه گردد.
- ۵- ﴿هَامِدَةً﴾: خشک و بی‌جان.
- ۵- ﴿أَهْرَئَتْ﴾: به جنب و جوش می‌آید.
- ۵- ﴿رَبَّتْ﴾: رشد و نمو می‌کند.
- ۵- ﴿زَوْجٍ بَهِيحٍ﴾: نوع خوب و تازه.
- ۹- ﴿ثَانِي عِظْفِهِ﴾: با تکبر و غرور سرپیچی می‌کند.
- ۹- ﴿خِزْيٍ﴾: ذلت و خواری.

- ۱۱- ﴿عَلَىٰ حَرْفٍ﴾: شک و اضطراب در دین.
- ۱۳- ﴿الْمَوْلَىٰ﴾: یاور.
- ۱۳- ﴿الْعَشِيرُ﴾: هم صحبت.
- ۱۵- ﴿يَنْصُرُهُ اللَّهُ﴾: خدا رسول خود را کمک خواهد کرد.
- ۱۵- ﴿بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ﴾: با ریسمانی به سقف خانه خود.
- ۱۵- ﴿ثُمَّ لَيَقَطَعَنَّ﴾: و خود را خفه کند تا بمیرد.
- ۱۵- ﴿كَيْدُهُ﴾: کاری که به خود انجام داده.
- ۱۷- ﴿وَالصَّاعِقِينَ﴾: پرستندگان فرشته‌ها یا ستاره‌ها.
- ۱۸- ﴿يَسْجُدُ لَهُ﴾: فرمانبر او هستند.
- ۱۸- ﴿حَقَّ عَلَيْهِ﴾: بر او حتمی شده است.
- ۱۹- ﴿خَصْمَانِ﴾: مسلمانان و کفار.
- ۱۹- ﴿الْحَمِيمِ﴾: آب جوشان.
- ۲۰- ﴿يُضَهِّرُ بِهِ﴾: به اثر آن ذوب می‌شود.
- ۲۱- ﴿مَقْلِعُ﴾: گرزها یا تازیانه‌ها.
- ۲۴- ﴿صِرَاطِ الْحَمِيدِ﴾: راه شایسته، اسلام را به بندگان پسندیده است.
- ۲۵- ﴿وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ﴾: مکه، حرم.
- ۲۵- ﴿الْعَكِيفِ فِيهِ﴾: ساکن و ملازم در آن.
- ۲۵- ﴿الْبَادِ﴾: آنهایی که از نقاط دیگر می‌آیند.
- ۲۵- ﴿بِالْحَادِ يَظْلَمُونَ﴾: با انحراف از حق و تمایل به باطل.
- ۲۶- ﴿بَوَّأْنَا لِابْرَاهِيمَ﴾: برای ابراهیم آماده کردیم یا آشکار نمودیم.
- ۲۷- ﴿أَذِّنْ فِي النَّاسِ﴾: مردم را دعوت کن و آگاه بساز.
- ۲۷- ﴿رِجَالًا﴾: پیاده.
- ۲۷- ﴿ضَامِرٍ﴾: شتر لاغر از رنج راه.

- ۲۷- ﴿فَجَّ عَمِيقٌ﴾: جای دور.
- ۲۸- ﴿بَهِيمَةً الْأَنْعَمِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۲۹- ﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ﴾: سپس از احرام خارج و چرک و ناپاکی‌ها را از خود دور نمایند یا مناسک حج را ادا کنند.
- ۳۰- ﴿حُرْمَتِ اللَّهِ﴾: مناسک حج و غیره.
- ۳۰- ﴿الرَّجَسِ﴾: پلیدی، مراد بتهاست.
- ۳۰- ﴿قَوْلِ الزُّورِ﴾: سخنی بیهوده و دروغ.
- ۳۱- ﴿حُقَفَاءَ لِلَّهِ﴾: از باطل روگردان و به دین حق باشید.
- ۳۱- ﴿تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ﴾: باد تند او را پرتاب می‌کند.
- ۳۱- ﴿مَكَانٍ سَحِيقٍ﴾: جای دور و کشنده.
- ۳۲- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: شعایر دینی را، قربانی که به کعبه برند.
- ۳۳- ﴿مَحِلُّهَا﴾: جای وجوب ذبح آن.
- ۳۳- ﴿إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾: ساحه حرم.
- ۳۴- ﴿مَنْسَكًا﴾: ذبح قربانی برای تقرب به خدا.
- ۳۴- ﴿بَشِيرِ الْمُحْبِتِينَ﴾: به فروتنان در برابر خدا مژده بده.
- ۳۶- ﴿وَالْبُدْنَ﴾: شتر یا گاوی است که جهت قربانی به حرم برند.
- ۳۶- ﴿شَعَائِرِ اللَّهِ﴾: نشانه‌های آئین الهی در حج.
- ۳۶- ﴿صَوَافٍ﴾: در صف ایستاده‌اند.
- ۳۶- ﴿وَجَبَتْ جُنُوبُهَا﴾: بعد از ذبح بر زمین افتد.
- ۳۶- ﴿أَطْعَمُوا الْقَانِعَ﴾: به سائل غذا بدهید.
- ۳۶- ﴿الْمُعْتَرِّ﴾: کسی که پیش شما می‌آید و سؤال نمی‌کند.
- ۳۸- ﴿خَوَانٍ كَفُورٍ﴾: خائن به امانت و منکر نعمت.
- ۴۰- ﴿صَوْمِعٍ﴾: عبادتگاه راهبان نصاری.

- ۴۰- ﴿بِيعٌ﴾: کنیسه‌های نصاری.
- ۴۰- ﴿صَلَوَاتٌ﴾: کنیسه‌های یهود.
- ۴۰- ﴿مَسْجِدٌ﴾: مسجدهای مسلمانان.
- ۴۴- ﴿أَصْحَابُ مَدْيَنَ﴾: قوم شعیب رضی الله عنه.
- ۴۴- ﴿فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ﴾: به آنها مهلت دادم و عقوبت‌شان را به تأخیر انداختم.
- ۴۵- ﴿فَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: ساکنان بسیاری از آبادیها را.
- ۴۵- ﴿خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا﴾: دیوارهای آن بر سقف‌های ویرانش افتاده است.
- ۴۵- ﴿قَصْرٍ مَّشِيدٍ﴾: قصرهای سر به فلک خالی از سکنه شد.
- ۴۸- ﴿أَمَلَيْتُ لَهَا﴾: به او مهلت دادم.
- ۵۱- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: گمان می‌کنند ما را ناتوان می‌سازند و نجات می‌یابند.
- ۵۲- ﴿تَمَّتْ﴾: قرائت کرد.
- ۵۲- ﴿أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ﴾: شیطان در دل رفقای خود در باره آیات تلاوت شده [برای اغوای آنها] شبه افکند.
- ۵۴- ﴿فَتَحُتِبَ لَهُ﴾: به قرآن اطمینان کند و به آن آرامش یابد.
- ۵۵- ﴿مِرْيَةٍ﴾: در باره قرآن در شک هستند.
- ۵۵- ﴿يَوْمِ عَقِيمٍ﴾: آخرین روز، قیامت.
- ۵۹- ﴿مُدْخَلًا﴾: بهشت یا مقام‌های عالی آن.
- ۶۰- ﴿ثُمَّ بُعِيَ عَلَيْهِ﴾: سپس بار دوم بر او ستم شود.
- ۶۱- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.
- ۶۷- ﴿مَنْسَكًا﴾: شریعت خاصی و عبادتی.
- ۷۱- ﴿سُلْطَنًا﴾: دلیلی و برهانی.
- ۷۲- ﴿الْمُنْكَرِ﴾: حالت زشت، عبوست و ترش‌رویی.
- ۷۲- ﴿يَسْطُونُ﴾: از خشم و کین بر خیزند و هجوم برند.

- ۷۴- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ﴾: عظمت و بزرگی خدا را نشناختند.
- ۷۸- ﴿هُوَ أَجْتَبَاكُمْ﴾: او شما را برای عبادت خود و دین خود برگزیده است.
- ۷۸- ﴿حَرَجَ﴾: تکلیف شدید و دشوار.
- ۷۸- ﴿هُوَ مَوْلَاكُمْ﴾: خدا مالک، ناصر و عهده‌دار امور شماست.

سوره مؤمنون

- ۱- ﴿أَفَلَحَ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان کامیاب و سعادت‌مند شدند و نجات یافتند.
- ۲- ﴿خَلِشْعُونَ﴾: فروتن، ترسان و آرام باشند.
- ۳- ﴿الْلَّعُونَ﴾: گفتار و کردار ناپسند.
- ۷- ﴿الْعَادُونَ﴾: از حلال به حرام تجاوز کردند.
- ۱۱- ﴿الْفِرْدَوْسِ﴾: عالی‌ترین و بهترین جای بهشت.
- ۱۲- ﴿سُلَّالَةٍ﴾: شیرهای که از غذا به وجود آمده است.
- ۱۳- ﴿قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾: جای مطمئن، رَحِم.
- ۱۴- ﴿عَلَقَةٍ﴾: خون بسته.
- ۱۴- ﴿مُضْغَةٍ﴾: تکه‌ای گوشت به اندازه‌ای که جویده شود.
- ۱۴- ﴿خَلْقًا آخَرَ﴾: متفاوت از اول با دمیدن روح در آن.
- ۱۴- ﴿فَتَبَارَكَ اللَّهُ﴾: خدا بزرگ یا خیر و احسانش فراوان است.
- ۱۴- ﴿أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾: زبردست و ماهرترین آفرینندگان است.
- ۱۷- ﴿سَبْعَ طَرَائِقَ﴾: هفت طبقه آسمان یا راه‌های رفت و آمد فرشتگان یا مدار ستارگان.
- ۱۸- ﴿بِقَدَرٍ﴾: به اندازه نیاز و مصالح انسان.
- ۲۰- ﴿شَجَرَةً﴾: درخت زیتون.
- ۲۰- ﴿بِالذُّهْنِ﴾: میوه آن دارای روغن زیتون است.

- ۲۰- ﴿صَبَّغُوا لِبَاسَهُمْ لَبَدًا مِّنْ عِزَّةٍ﴾: خورش انسان که با نان خوره شود.
- ۲۱- ﴿الْأَنْعَامِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۲۱- ﴿لَعِبْرَةً﴾: پند و اندرز و نشانه قدرت و رحمت خداست.
- ۲۲- ﴿عَلَيْهَا﴾: بر شتر.
- ۲۴- ﴿الْمَلُؤَأِ﴾: سران و بزرگان قوم.
- ۲۴- ﴿يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ﴾: ریاست شما را بدست گیرد.
- ۲۵- ﴿بِهِ جِنَّةٌ﴾: گرفتار جنون شده یا جن عقل او را برده است.
- ۲۵- ﴿فَتَرَبَّصُوا بِهِ﴾: در باه او صبر کنید و در انتظار بمانید.
- ۲۷- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و مراقبت ما.
- ۲۷- ﴿فَارَ التَّنُورِ﴾: آب از تنور نان فوران کرد.
- ۲۷- ﴿فَأَسْأَلُكَ فِيهَا﴾: درکشتی داخل شو.
- ۲۹- ﴿مُنزَلًا﴾: جای فرود آمدن.
- ۳۰- ﴿لُمُبْتَلِينَ﴾: همانا بندگان خود را با این آیات می‌آزمایم.
- ۳۱- ﴿قَرْنًا ءَاخِرِينَ﴾: قومی دیگر را، عاد اول قوم هود.
- ۳۳- ﴿أَتَرَفْتُهُمْ﴾: نعمت فراوان به آنها دادیم اما ناسپاسی کردند.
- ۳۶- ﴿هِيَآتٍ﴾: وقوع این وعده‌ها بسیار بعید است.
- ۴۱- ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ﴾: پس آواز جبریل یا عذاب بنیان برانداز دیگر آنها را گرفت.
- ۴۱- ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً﴾: پس مانند کف روی سیل نابودشان ساختیم.
- ۴۱- ﴿فَبُعْدًا...﴾: نابود باد یا از رحمت حق دور باد...
- ۴۲- ﴿قُرُونًا ءَاخِرِينَ﴾: ملت‌های دیگری را.
- ۴۴- ﴿تَتَرًا﴾: پی‌درپی در زمانهای مختلف.
- ۴۴- ﴿جَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ﴾: ایشان را تنها داستان‌های شگفت انگیز قرار دادیم.
- ۴۵- ﴿سُلْطٰنٍ مُّبِينٍ﴾: حجت روشن و آشکار کننده حق.

- ۴۶- ﴿قَوْمًا عَالِينَ﴾: گروه متکبر یا ستمگر مغرور.
- ۵۰- ﴿ءَاوَيْنَهُمَا﴾: آن دو را رساندیم.
- ۵۰- ﴿إِلَى رِبْوَةٍ﴾: به جایی بلندتر از نقاط دیگر.
- ۵۰- ﴿مَعِينٍ﴾: چشمه آب روان و زلال.
- ۵۲- ﴿أُمَّتِكُمْ﴾: ملت و شریعت شما.
- ۵۳- ﴿فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ﴾: امور دین خود را به پراکندگی کشاندند.
- ۵۳- ﴿زُبُرًا﴾: به گروه‌ها و فرقه‌های مختلف.
- ۵۴- ﴿غَمْرَتِهِمْ﴾: جهالت و گمراهی‌شان.
- ۵۵- ﴿أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ﴾: آنچه به کمک آنها قرار می‌دهیم.
- ۵۷- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: ترسان و هراسانند.
- ۶۰- ﴿يُؤْتُونَ مَاءً تَوًّا﴾: زکات و صدقات می‌دهند.
- ۶۰- ﴿قُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ﴾: دل‌هایشان هراسان است که مبدا اعمال‌شان قبول نشود.
- ۶۲- ﴿وَسَعَهَا﴾: به اندازه طاقتش، از اعمال.
- ۶۳- ﴿غَمْرَةً﴾: جهالت و غفلت.
- ۶۴- ﴿مُتَرَفِّهِمْ﴾: ثروتمندان‌شان را که ثروت آنها را گمراه و ناسپاس ساخته است.
- ۶۴- ﴿يَجْزُرُونَ﴾: به پیشگاه خدا زاری و ناله می‌کنند.
- ۶۶- ﴿تَنكِصُونَ﴾: از پذیرش آن اعراض می‌کردید.
- ۶۷- ﴿مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ﴾: به اهل حرم بودن می‌بالیدید و خود را بزرگ می‌شمردید.
- ۶۷- ﴿سَعِيرًا﴾: به اطراف آن جلسات شب نشینی تشکیل می‌دادید.
- ۶۷- ﴿تَهْجُرُونَ﴾: نسبت به قرآن سخن زشت و یاوه می‌گفتید.
- ۷۰- ﴿بِهِ جِنَّةٌ﴾: گرفتار جنون شده است.
- ۷۱- ﴿بِذِكْرِهِمْ﴾: قرآن را که مایه افتخار و شرف آنهاست.
- ۷۲- ﴿خَرَجًا﴾: دست مزد و اجرت.

- ۷۴- ﴿لَتَنكِبُونَ﴾: از حق منحرف می‌شوند.
- ۷۵- ﴿لَلْجَوِّ فِي طُغْيَانِهِمْ﴾: در گمراهی و کفر خود غرق می‌شوند.
- ۷۵- ﴿يَعْمَهُونَ﴾: راه راست و درست را نمی‌یابند یا حیران می‌شوند.
- ۷۶- ﴿فَمَا اسْتَكَاثُوا﴾: فروتنی نشان ندادند.
- ۷۶- ﴿مَا يَنْضَرُّعُونَ﴾: در پیشگاه خدا دعا و زاری نکردند.
- ۷۷- ﴿مُبْلِسُونَ﴾: حیران و نومید از خیر و خوبی.
- ۷۹- ﴿ذُرَّاءُكُمْ﴾: شما را آفرید و به زاد و ولد در زمین پراکنده ساخت.
- ۸۳- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: دروغ‌های که در کتابهایشان نوشته است.
- ۸۸- ﴿مَلَكُوتٌ﴾: فرمان‌روایی عظیم و گسترده.
- ۸۸- ﴿هُوَ يُجِيرُ﴾: اوست فریادرس و هرکه را بخواهد کمک و دفاع می‌کند.
- ۸۸- ﴿لَا يُجَارُ عَلَيْهِ﴾: هیچ کس نمی‌تواند مانع عذاب و عقاب او شود.
- ۸۹- ﴿فَأَنَّى تُسْحَرُونَ﴾: پس چگونه فریب می‌خورید، از یکتا پرستی کناره می‌روید.
- ۹۷- ﴿أَعُوذُ بِكَ﴾: به تو پناه می‌برم و از تو نیرو می‌خواهم.
- ۹۸- ﴿هَمَزَاتِ الشَّيْطَانِ﴾: وسوسه‌های فساد انگیز اهریمنان.
- ۱۰۰- ﴿مِنْ وَرَائِهِمْ﴾: پیش روی آنها.
- ۱۰۰- ﴿بَرَزَخٌ﴾: مانعی است.
- ۱۰۴- ﴿تَلْفُحٌ﴾: می‌سوزاند.
- ۱۰۴- ﴿كَالْحُونِ﴾: با چهره عبوس یا لبها از اثر سوختن جمع شده و دندانها نمایان است.
- ۱۰۶- ﴿غَلَبَتْ عَلَيْنَا﴾: بر ما چیره شد.
- ۱۰۶- ﴿شِفْوَتُنَا﴾: بخت بد یا لذات و شهوات ما.
- ۱۰۸- ﴿أَخْسَوْا فِيهَا﴾: مثل سگ دور شوید، در دوزخ بمانید.
- ۱۱۰- ﴿سِحْرِيًّا﴾: مورد استهزاء و تمسخر.

۱۱۶- ﴿فَتَعَلَىٰ اللَّهُ﴾: مقام و عظمت او تعالیٰ بلند و از بیهودگی‌ها منزّه است.

سوره نُوْر

- ۱- ﴿فَرَضْنَاهَا﴾: احکام آن را بر شما فرض کردیم.
- ۲- ﴿كُلٌّ وَاحِدٌ﴾: هر یکی را، اگر آزاد و ازدواج نکرده باشد.
- ۴- ﴿يُرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ﴾: زنان پاک دامن را متهم به زنا می‌کنند.
- ۸- ﴿دَرُؤًا عَنْهَا الْعَذَابِ﴾: عقوبت را از زن دفع می‌کند.
- ۱۱- ﴿بِالْإِفْكِ﴾: بهتان و دروغ بسیار زشت.
- ۱۱- ﴿عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ﴾: گروهی از شما.
- ۱۱- ﴿تَوَلَّىٰ كِبْرَهُو﴾: بخش عمده‌ای از آن را بر عهده داشت، رئیس منافقان عبد الله پسر اَبی.
- ۱۴- ﴿أَفْضَتْمْ فِيهِ﴾: در قضیه افک به گفتگو پرداختید و شایع ساختید.
- ۱۵- ﴿تَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا﴾: می‌پنداشتید این کار ساده است و فرجام بد ندارد.
- ۱۶- ﴿سُبْحَانَكَ﴾: سبحان الله زشتی و شناعة این تهمت بزرگ شگفت آور است.
- ۱۷- ﴿بُهْتَنٌ﴾: دروغی است که از شناعة و زشتی بی‌حد شنونده را به حیرت می‌اندازد.
- ۲۱- ﴿خُطُوتِ الشَّيْطَانِ﴾: راه و روش شیطان.
- ۲۱- ﴿بِالْفَحْشَاءِ﴾: به زشت‌ترین گناه.
- ۲۱- ﴿الْمُنْكَرِ﴾: آنچه شرع او را نپذیرد و به نزد خدا ناپسند باشد.
- ۲۱- ﴿مَا زَكَّىٰ﴾: از آلودگی گناهان پاک نمی‌شد.
- ۲۲- ﴿لَا يَأْتِلِ﴾: سوگند یاد نکنند یا کوتاهی نکنند.
- ۲۲- ﴿أُولُوا الْفَضْلِ﴾: صاحبان فضیلت در دین.
- ۲۲- ﴿السَّعَةِ﴾: ثروت.

- ۲۳- ﴿الْمُحْصَنَاتُ﴾: زنان پاکدامن را، همینگونه است مردان پاک دامن.
- ۲۵- ﴿دَيْنَهُمْ الْحَقُّ﴾: جزای آنها را که به عدالت تثبیت شده است.
- ۲۷- ﴿تَسْتَأْذِنُوا﴾: از کسی که صلاحیت اجازه دادن دارد اجازه بگیرید.
- ۲۸- ﴿أَرْزُقْ لَكُمْ﴾: برای شما شایسته‌تر است از لکهدار شدن به گمان و پستی.
- ۲۹- ﴿جُنَاحٌ﴾: گناه.
- ۲۹- ﴿مَتَّعْ لَكُمْ﴾: منافع و مصالح شماسست.
- ۳۰- ﴿يَغْضُوبُ مِنْ أَبْصَرِهِمْ﴾: از نگاه به نامحرمان خودداری کنند.
- ۳۱- ﴿زِينَتُهُنَّ﴾: جاهای زینت خود را از بدنشان.
- ۳۱- ﴿وَلْيَضْرِبْنَ﴾: بپندازند.
- ۳۱- ﴿بِجُحْرِهِنَّ﴾: چادرهای خود را.
- ۳۱- ﴿عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ﴾: بر سینه‌هایشان و اطراف آن.
- ۳۱- ﴿لِيُعُولَتِهِنَّ﴾: برای شوهرهای خود.
- ۳۱- ﴿نِسَائِهِنَّ﴾: زنانی که مخصوص صحبت و یا خدمت‌شان است.
- ۳۱- ﴿أُولَىٰ الْأَرْبَةِ﴾: میل به زنان.
- ۳۱- ﴿لَمْ يَطْهَرُوا﴾: به حد بلوغ و شهوت نرسیده‌اند.
- ۳۲- ﴿أَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ﴾: زنان و مردان بی‌همسر را همسر دهید.
- ۳۳- ﴿يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ﴾: آزادی خود را با عقد قرار داد می‌خواهند.
- ۳۳- ﴿فَتَيَاتِكُمْ﴾: کنیزان خود را.
- ۳۳- ﴿الْبِغَاءِ﴾: زنا. ﴿تَحْصَنًا﴾: عفت و پاکدامنی.
- ۳۵- ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ﴾: خدا روشن کننده آسمان و زمین یا هدایت کننده باشندگان این دو یا آفریدگار آنهاست.
- ۳۵- ﴿مِصْبَاحٌ﴾: چراغ بزرگ فروزان.
- ۳۵- ﴿زُجَاجَةٍ﴾: قندیلی از شیشه پاک و بسیار روشن.

- ۳۵- ﴿كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ﴾: ستاره درخشان.
- ۳۶- ﴿بُيُوتٍ﴾: عموم مساجد.
- ۳۶- ﴿أَنْ تُرْفَعَ﴾: قدر و حرمت شوند، مجلل و پاکیزه باشند.
- ۳۶- ﴿بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ﴾: اول و آخر روز.
- ۳۸- ﴿يَغْيِرُ حِسَابٍ﴾: بی‌نهایت یا فراوان.
- ۳۹- ﴿كَسْرَابٍ﴾: مانند سرابی است، شعاعی که در بیابان هنگام ظهر و شدت گرما مانند آب روان به نظر می‌آید.
- ۳۹- ﴿بِقِيعَةٍ﴾: در زمین هموار و فراخ.
- ۴۰- ﴿بِحَجْرِ لُجِيِّ﴾: دریای بسیار عمیق و پر آب.
- ۴۰- ﴿يَغْشَاهُ﴾: بر فرازش قرار می‌گیرد و او را می‌پوشاند.
- ۴۰- ﴿سَحَابٌ﴾: ابرهای که روشنی آسمان را پنهان می‌کنند.
- ۴۱- ﴿صَفَّاتٍ﴾: بال‌های خود را در هوا گشوده‌اند.
- ۴۳- ﴿يُزْجِي سَحَابًا﴾: به هر جا که بخواهد ابرها را به آرامی سوق می‌دهد.
- ۴۳- ﴿يَجْعَلُهُ رُكَّامًا﴾: آنها را به فراز هم متراکم می‌سازد.
- ۴۳- ﴿الْوَدَقَ﴾: باران را.
- ۴۳- ﴿مِنْ خِلَالِهِ﴾: از لابلای ابرها.
- ۴۳- ﴿سَنَا بَرْقِهٖ﴾: درخشش و لمعان برق آن.
- ۴۹- ﴿مُدْعَيْنٍ﴾: فرمانبردار و فروتن.
- ۵۰- ﴿أَنْ يَحْيَفَ﴾: که ستم روا دارد.
- ۵۳- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سخت‌ترین سوگندهای خود.
- ۵۳- ﴿طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ﴾: طاعت شما شناخته شده که از روی زبان است.
- ۵۴- ﴿مَا حُمِّلَ﴾: آنچه پیامبر به اجرای آن مأمور شده است از قبیل تبلیغ احکام.
- ۵۴- ﴿مَا حُمِّلْتُمْ﴾: آنچه به اجرای آن مأمور شده‌اید از قبیل اطاعت و فرمانبرداری.

- ۵۷- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: از عذاب ما نمی‌توانند فرار کنند.
- ۵۸- ﴿جُنَاحٌ﴾: بدون اجازه داخل شدن گناه نیست.
- ۶۰- ﴿الْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ﴾: پیره زنانی که حیض نمی‌بینند.
- ۶۰- ﴿غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ﴾: زینتی را که به نهمان داشتن آن مأمورند آشکار نکنند.
- ۶۱- ﴿مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ﴾: از چیزهای که وکالتاً در تصرف شماست و یا نگهبان آنها هستید.
- ۶۱- ﴿أَشْتَاتًا﴾: جداگانه.
- ۶۲- ﴿أَمْرٍ جَامِعٍ﴾: کار مهمی که ایجاب می‌کند همه یکجا باشند.
- ۶۳- ﴿دُعَاءَ الرُّسُولِ﴾: دعوت پیغمبر را که برای جمع شدن شما انجام می‌دهد یا صدا کردن شما پیامبر را.
- ۶۳- ﴿يَسْتَلْلُونَ مِنْكُمْ﴾: یکی پس از دیگری از میان شما نهانی بیرون می‌روند.
- ۶۳- ﴿لِوَادٍ﴾: خود را پشت سر دیگران پنهان می‌کنند تا بیرون روند.
- ۶۳- ﴿يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ﴾: از امر او سرپیچی می‌کنند یا مانع اجرای آن می‌شوند.
- ۶۳- ﴿فِتْنَةً﴾: سختی و محنت در دنیا.

سوره فرقان

- ۱- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: بزرگ و با عظمت است یا خیرش فزون است ذاتی که.
- ۱- ﴿نَزَلَ الْفُرْقَانَ﴾: قرآن را که فاصل بین حق و باطل است نازل کرد.
- ۲- ﴿فَقَدَرَهُ﴾: همه چیز را آماده کاری کرد که صلاحیت و شایستگی آن را دارند.
- ۳- ﴿نُشُورًا﴾: رستاخیز.
- ۴- ﴿إِفْكَ أَفْتَرْنَهُ﴾: دروغی است که از خود ساخته.
- ۴- ﴿زُورًا﴾: دروغی است بس بزرگ.
- ۵- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: دروغ‌های که در کتاب‌هاشان نوشته است.

- ۵- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز، همیشه.
- ۶- ﴿يَعْلَمُ السِّرَّ﴾: همه اسرار را می‌داند.
- ۸- ﴿جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا﴾: باغی پر ثمرکه از میوه‌های آن بخورد.
- ۸- ﴿رَجُلًا مَّسْحُورًا﴾: انسانی که سحر عقل او را ربوده است.
- ۱۱- ﴿سَعِيرًا﴾: آتش عظیم و شعله‌ور.
- ۱۲- ﴿تَغِيظًا﴾: صدای جوش و خروش، مثل صدای انسان خشمگین.
- ۱۲- ﴿زَفِيرًا﴾: آواز شدید مثل صدای درندگان.
- ۱۳- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: دست‌هاشان با غل و زنجیر به گردنشان بسته است.
- ۱۳- ﴿ثُبُورًا﴾: آرزوی مرگ کنند.
- ۱۶- ﴿وَعَدًا مَّسْئُولًا﴾: وعده‌ای است حق و باید بندگان آن را از خدا بخواهند.
- ۱۸- ﴿نَسُوا اللَّذِّكَ﴾: از نشانه‌های وحدانیت غفلت ورزیدند.
- ۱۸- ﴿قَوْمًا بُورًا﴾: گروه هلاک شده یا فاسد بودند.
- ۱۹- ﴿صَرَفًا﴾: عذاب الهی را از خود دور نمایید.
- ۲۰- ﴿فِتْنَةً﴾: بلا و آزمایش.
- ۲۱- ﴿لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا﴾: امید دیدار ما را ندارند، از رستاخیز منکرند.
- ۲۱- ﴿عُتُوًّا﴾: در ستمگری و سرکشی از حد تجاوز کردند.
- ۲۲- ﴿حِجْرًا مَّحْجُورًا﴾: [امروز] بشارت بر شما حرام است.
- ۲۳- ﴿هَبَاءً﴾: مانند گرد، چیزهای که در روزه با شعاع آفتاب دیده شود مثل غبار.
- ۲۳- ﴿مَنْثُورًا﴾: پراکنده و ناپایدار.
- ۲۴- ﴿مَقِيلًا﴾: جای آسایش و لذت بردن از خواب نیمروزی.
- ۲۵- ﴿تَشَقُّقُ السَّمَاءِ﴾: آسمان‌ها شکافته شوند.
- ۲۵- ﴿بِالْعَمَمِ﴾: با ابر سفید.
- ۲۷- ﴿سَبِيلًا﴾: راهی به سوی هدایت یا نجات.

- ۲۹- ﴿لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا﴾: به دوستان خود هیچ یاری نمی‌رساند.
- ۳۰- ﴿مَهْجُورًا﴾: متروک و مهمل.
- ۳۲- ﴿رَتَّلْنَاهُ﴾: ما آیات قرآن را یکی بعد از دیگری فرستادیم یا بیان نمودیم.
- ۳۳- ﴿أَحْسَنَ تَفْسِيرًا﴾: راست‌ترین شرح و بیان را.
- ۳۶- ﴿فَدَمَّرْنَاهُمْ﴾: آنها را نابود کردیم.
- ۳۸- ﴿أَصْحَابَ الرَّسِّ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را کشتند و در آن چاه افکندند.
- ۳۸- ﴿قُرُونًا﴾: ملت‌ها را.
- ۳۹- ﴿تَبَرْنَا تَبِيرًا﴾: به طرز شگفت‌انگیزی نابود کردیم.
- ۴۰- ﴿مَطَرِ السَّوْءِ﴾: باران سنگ‌های ویرانگر.
- ۴۰- ﴿لَا يَرْجُونَ نُشُورًا﴾: انتظار وقوع رستاخیز را ندارند بلکه منکر آن هستند.
- ۴۱- ﴿هَزَوًا﴾: به باد استهزاء.
- ۴۳- ﴿أَرْءَيْتَ﴾: به من بگو.
- ۴۳- ﴿وَكَيْلًا﴾: مراقب که او را از پرستش هوس‌هایش منع کنی.
- ۴۵- ﴿مَدَّ الظِّلَّ﴾: بین سپیده دم و طلوع آفتاب سایه را گسترده است.
- ۴۷- ﴿الَّيْلِ لِبَاسًا﴾: تاریکی شب را برای شما پوشش قرار داد مانند لباس.
- ۴۷- ﴿وَالنَّوْمَ سُبَاتًا﴾: خواب را مایه آسایش شما قرار داد با متوقف شدن کار و تلاش.
- ۴۷- ﴿التَّهَارَ نُشُورًا﴾: روز را بر خاستن از خواب برای کار و کوشش.
- ۴۸- ﴿الرَّيْحَ بُشْرًا﴾: بادها را بشارت دهنده باران که رحمت خداست.
- ۵۰- ﴿صَرَفْنَاهُ بَيْنَهُمْ﴾: باران را به شکل‌های مختلف فرستادیم.
- ۵۰- ﴿كُفُورًا﴾: به این نعمت انکار و ناسپاسی کردند.
- ۵۳- ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ﴾: دو دریا را در محل جریانشان در کنار هم قرار داد، یا آنها را جاری کرد.
- ۵۳- ﴿عَذْبُ فُرَاتٍ﴾: بسیار شیرین و گوارا.

- ۵۳- ﴿مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾: بسیار شور و تند یا بسیار تلخ.
- ۵۳- ﴿بَرَزَخًا﴾: حایل بزرگی که مانع یکجا شدن دو دریا می‌شود.
- ۵۳- ﴿وَحِجْرًا مَّحْجُورًا﴾: بین این دو دریا حایلی قرار داد که با هم مخلوط نشوند و صفاتشان تغییر نکند.
- ۵۴- ﴿نَسَبًا﴾: دارای نسب ذکور که به آنها منسوب است.
- ۵۴- ﴿وَصِهْرًا﴾: خویشاوندی.
- ۵۵- ﴿عَلَى رِبِّهِ ظَهِيرًا﴾: در برابر پروردگارش، در راه شرك همکار شیطان است.
- ۵۸- ﴿سَبَّحٌ﴾: اوتعالی را از همه نقص‌ها پاک و منزّه بدان.
- ۵۸- ﴿بِحَمْدِهِ﴾: او را به اوصاف کمال ستایش کن.
- ۵۹- ﴿أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که سزاوار کمال اوست.
- ۶۰- ﴿زَادَهُمْ نُفُورًا﴾: آنان را از ایمان دورتر ساخت.
- ۶۱- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: برتر و با عظمت است یا خیرش فراوان است خدای که.
- ۶۱- ﴿بُرُوجًا﴾: منازل ستارگان سیار.
- ۶۲- ﴿خِلْفَةً﴾: دنبال هم می‌آیند و جانشین یکدیگر می‌شوند.
- ۶۳- ﴿هُونًا﴾: به مهابت، وقار و فروتنی.
- ۶۳- ﴿قَالُوا سَلَمًا﴾: سخن درست به زبان می‌آورند که با آن از رنج و آزار رهایی یابند.
- ۶۵- ﴿كَانَ غَرَامًا﴾: عذاب جهنم دوامدار است.
- ۶۷- ﴿لَمْ يَفْتُرُوا﴾: بخیلانه سختی نمی‌کنند.
- ۶۷- ﴿قَوَامًا﴾: حد اعتدال، میانه این دو.
- ۶۸- ﴿يَلْقَ أَثَامًا﴾: در آخرت عذاب و جزا خواهد دید.
- ۷۲- ﴿مَرُّوا بِاللَّغْوِ﴾: کار بیهوده‌ای را مشاهده کردند.
- ۷۲- ﴿مَرُّوا كِرَامًا﴾: بزرگوارانه از آن کناره می‌گیرند و می‌گذرند.
- ۷۳- ﴿لَمْ يَحْزُرُوا﴾: [نمی‌باشند] نمی‌افتند.

- ۷۴- ﴿قُرَّةَ أَعْيُنٍ﴾: مایه شادمانی.
- ۷۴- ﴿إِمَامًا﴾: سرمشق یا پیشوا.
- ۷۵- ﴿يُجْزَوْنَ الْعُرْفَةَ﴾: بلندترین و بهترین جای جنت به آنها پاداش داده می‌شود.
- ۷۷- ﴿مَا يَعْبُوْا بِكُمْ﴾: هیچ ارج و اهمیتی به شما نمی‌دهد.
- ۷۷- ﴿دُعَاؤُكُمْ﴾: عبادت شما برای خدا.
- ۷۷- ﴿يَكُونُ لِيَامًا﴾: جزای تکذیب شما غذایی است که همواره با شماست.

سوره شُعَرَاء

- ۳- ﴿بَخِعْ نَفْسَكَ﴾: می‌خواهی خود را از حسرت و اندوه هلاک کنی.
- ۴- ﴿أَعْتَقْتَهُمْ﴾: گروه‌های ایشان یا سران و پیشوایان آنها.
- ۷- ﴿زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: نوع زیبا و پر منفعت.
- ۱۹- ﴿الْكَافِرِينَ﴾: انکار کنندگان نعمت من.
- ۲۰- ﴿الضَّالِّينَ﴾: خطا کاران نه از روی قصد.
- ۲۲- ﴿عَبَدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ﴾: بنی اسرائیل را خوار و برده خود ساخته‌ای.
- ۳۳- ﴿نَزَعَ يَدَهُ﴾: دست خود را از گریبانش بیرون آورد.
- ۳۳- ﴿هِيَ بَيْضَاءُ﴾: آن سفید و درخشان بود که چشم‌ها را خیره می‌کرد.
- ۳۴- ﴿لِلْمَلَأِ﴾: به سران و بزرگان قوم.
- ۳۶- ﴿أَرْجِهَ وَأَخَاهُ﴾: کار او و برادرش را به تأخیر بینداز و به شکنجه این دو عجله نکن.
- ۳۶- ﴿حَاشِرِينَ﴾: افراد پولیس را که تمام ساحران را جمع کنند.
- ۳۹- ﴿هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ﴾: آیا شما هم جمع می‌شوید، مردم را به اجتماع تشویق می‌کرد.
- ۴۴- ﴿بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ﴾: سوگند به قدرت و عظمت فرعون.

- ۴۵- ﴿تَلْقَفْ﴾: به سرعت می بلعید.
- ۴۵- ﴿مَا يَأْفِكُونَ﴾: چیزهای را که به تدویر دیگرگون نشان می دادند.
- ۵۰- ﴿لَا ضَيْرَ﴾: هر چه به ما برسد به زیان ما نیست.
- ۵۲- ﴿إِنَّكُمْ مُتَّبِعُونَ﴾: فرعون و سپاه او شما را تعقیب می کنند.
- ۵۳- ﴿حٰشِرِينَ﴾: افرادی را برای جمع آوری سپاه تا موسی عليه السلام و پیروانش را تعقیب نمایند.
- ۵۴- ﴿لَشِرْذِمَةٌ﴾: نسبت به ما گروهی اندکی هستند.
- ۵۶- ﴿حٰذِرُونَ﴾: آماده ، هوشیار و مسلح هستیم.
- ۶۰- ﴿مُشْرِقِينَ﴾: وقت آفتاب برآمدن.
- ۶۱- ﴿تَرَاءَا الْجَمْعَانِ﴾: هر دو گروه یکدیگر را دیدند.
- ۶۳- ﴿فَأَنفَلَقَ﴾: دریا به دوازده بخش شکافته شد.
- ۶۳- ﴿فَرَّقَ﴾: قسمتی از دریا.
- ۶۳- ﴿كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾: مثل کوه بسیار بلند.
- ۶۴- ﴿أَزْلَفْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ﴾: در آنجا لشکریان فرعون را نیز به دریا نزدیک ساختیم.
- ۷۵- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ...﴾: آیا دقت کردید و دانستید...
- ۸۴- ﴿لِسَانَ صِدْقٍ﴾: ستایش نیکو و ذکر خیر.
- ۸۷- ﴿لَا تُخْزِنِي﴾: مرا با شکنجه و عذاب ذلیل و رسوا مکن.
- ۸۹- ﴿بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾: با قلب سلیم از مرض کفر و نفاق.
- ۹۰- ﴿أَزْلَفْتِ الْجَنَّةَ﴾: بهشت نزدیک آورده شود جای که نعمت‌هایش مشاهد گردد.
- ۹۱- ﴿بُرَزَّتِ الْجَحِيمُ﴾: دوزخ نمایان شود به جایی که مناظر هول انگیزش دیده شود.
- ۹۱- ﴿لِلْعَاوِينَ﴾: برای گمراهان از راه حق.
- ۹۴- ﴿فَكُبْكِبُوا﴾: بتها سرنگون افکنده می شوند.
- ۹۸- ﴿نُسَوِّعُكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: شما و خالق جهان را یکسان مستحق عبادت

می‌پنداشتیم در حالی که شما بسیار ناتوان بوده‌اید.

- ۱۰۱- ﴿حَمِيٍّ﴾: نزدیک یا دل‌سوزی که به حال ما اهمیت قایل باشد.
- ۱۰۲- ﴿كَرَّةٍ﴾: برگشتی به دنیا.
- ۱۱۱- ﴿وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذُلُونَ﴾: افراد پست از تو پیروی کرده‌اند.
- ۱۱۸- ﴿فَأَفْتَحْ﴾: پس داوری کن.
- ۱۱۹- ﴿الْمَشْحُونِ﴾: مملو از انسان، چارپا و متاع.
- ۱۲۸- ﴿رِيعٍ﴾: راه یا جای بلند.
- ۱۲۸- ﴿ءَايَةٍ﴾: عمارت بلند و نمایان مانند علم.
- ۱۲۸- ﴿تَعْبَثُونَ﴾: بازی می‌کنید با ساختن این بناها یا با کسانی که از آنجا می‌گذرند.
- ۱۲۹- ﴿مَصَانِعَ﴾: قلعه‌ها یا کاخها یا حوض‌های آب.
- ۱۳۲- ﴿أَمَدَكُمُ﴾: به شما نعمت داد.
- ۱۳۷- ﴿خُلُقُ الْأَوْلِيْنَ﴾: عادت پیشینیان که به رستاخیز باور نداشتند.
- ۱۴۸- ﴿ظَلَعُهَا﴾: شکوفه که میوه می‌گردد.
- ۱۴۸- ﴿هَضِيمٍ﴾: رطب پخته و رسیده یا از فراوانی آویزان.
- ۱۴۹- ﴿فَرِهَيْنِ﴾: به تراشیدن آن ماهرید یا ستمگرید.
- ۱۵۳- ﴿مِنَ الْمَسْحَرِينَ﴾: از جادو شدگانی.
- ۱۵۵- ﴿لَهَا شَرْبٌ﴾: برای او سهمی از آب است.
- ۱۶۶- ﴿قَوْمٌ عَادُونَ﴾: قومی هستید که در گناه از حد گذشته‌اید.
- ۱۶۸- ﴿مِنَ الْقَالِينَ﴾: از دشمنان سرسخت.
- ۱۷۱- ﴿فِي الْعَبْرِينَ﴾: مانند همتایان خویش در عذاب باقی ماند.
- ۱۷۲- ﴿دَمْرَنَا الْأَخْرِينَ﴾: دیگران را به شدت نابود کردیم.
- ۱۷۳- ﴿مَطْرًا﴾: باران کشنده.
- ۱۷۶- ﴿أَصْحَابُ لَيْكَةِ﴾: صاحب‌های درختان بسیار و به هم پیچیده، نزدیک مدین.

- ۱۸۱- ﴿مِنَ الْمُخْسِرِينَ﴾: کم فروشانی که حقوق دیگران را کامل نمی دهند.
- ۱۸۳- ﴿لَا تَبْخُسُوا﴾: کم نکنید.
- ۱۸۳- ﴿لَا تَعْتُوا﴾: فساد و تباهی نکنید.
- ۱۸۴- ﴿وَالْحِيلَةَ الْأُولِينَ﴾: ملل گذشته را.
- ۱۸۵- ﴿الْمُسْحَرِينَ﴾: سحر و جادو شدگان.
- ۱۸۷- ﴿كَيْفًا﴾: پاره‌های از عذاب.
- ۱۸۹- ﴿الظَّلَّةَ﴾: ابری که بر آنها سایه افکند و بعد آتش بارید.
- ۱۹۶- ﴿زُبُرِ الْأَوْلِينَ﴾: کتاب‌های پیامبران پیشین.
- ۲۰۲- ﴿بَعَّةَ﴾: ناگهان.
- ۲۰۳- ﴿هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ﴾: آیا به ما مهلت داده می شود تا ایمان بیاوریم؟ نه، هرگز.
- ۲۰۵- ﴿أَفَرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- ۲۰۷- ﴿مَا أَعْنَىٰ عَنْهُمْ﴾: عمر دراز به آنها چه نفعی رساند، یعنی نفعی نرساند.
- ۲۱۵- ﴿أَخْفِضْ جَنَاحَكَ﴾: خوشرفتاری و فروتنی کن.
- ۲۱۹- ﴿تَقَلُّبِكَ فِي السَّجِدِينَ﴾: حرکات تو را در جمع نماز گزاران مشاهده می کند.
- ۲۲۲- ﴿أَفَاكٍ أَثِيمٍ﴾: پر گناه مانند کاهن‌ها.
- ۲۲۵- ﴿يَهِيمُونَ﴾: به هر راهی سرگردانند.

سوره نمل

- ۲- ﴿هُدًى﴾: هدایت کننده از گمراهی.
- ۴- ﴿فَهُمْ يَعْهَوْنَ﴾: آنها راه راست را نمی یابند یا متحیر و سرگردانند.
- ۷- ﴿ءَأَنْتُمْ نَارًا﴾: من آتشی را مشاهده کردم.
- ۷- ﴿بِشَهَابٍ قَبَسٍ﴾: اخگر شعله‌وری را از آن بیاورم.
- ۷- ﴿تَصْطَلُونَ﴾: گرم شوید.

- ۸- ﴿بُورِكُ﴾: پاکیزه و مبارک گردید و خیرش فزونی یافت.
- ۸- ﴿مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا﴾: موسی عليه السلام و فرشتگان.
- ۱۰- ﴿تَهْتَزُّ﴾: موج آسا حرکت می کند.
- ۱۰- ﴿كَأَنَّهَا جَانٌّ﴾: در سرعت حرکت مانند مار کوچکی است.
- ۱۰- ﴿لَمْ يُعْقَبْ﴾: موسی به عقب برنگشت و یا به پشت سر خود متوجه نشد.
- ۱۲- ﴿فِي جَيْبِكَ﴾: در گریبان.
- ۱۲- ﴿بِيضَاءَ﴾: درخشان تر از آفتاب.
- ۱۲- ﴿غَيْرِ سُوءٍ﴾: بدون برص و مانند آن.
- ۱۳- ﴿مُبْصِرَةً﴾: واضح، آشکار و هدایت کننده.
- ۱۴- ﴿عُلُوًّا﴾: از سرکشی و استکبار ایمان نیاوردند.
- ۱۶- ﴿مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾: درک مقصد پرندگان از آواز آنها.
- ۱۷- ﴿فَهُمْ يُوزَعُونَ﴾: گروه‌های اول آنها توقف داده می شوند تا گروه‌های آخر برسند.
- ۱۸- ﴿لَا يَحِطُّنَّكُمْ﴾: شما را پامال و نابود نکند.
- ۱۹- ﴿أَوْزَعِي...﴾: به من الهام کن و وادارم بساز...
- ۲۱- ﴿بِسُلْطَنِ مُبِينٍ﴾: دلیلی که عذر غیابت او را روشن کند.
- ۲۵- ﴿يُخْرِجُ الْخَبَاءَ﴾: چیزهای پنهان را آشکار می کند.
- ۲۸- ﴿تَوَلَّ عَنْهُمْ﴾: از آنها اندکی دور شو.
- ۳۱- ﴿أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ﴾: در برابر من خود را بزرگ نپندارید.
- ۳۱- ﴿مُسْلِمِينَ﴾: به خدا ایمان بیاورید یا تسلیم و فرمانبردار شوید.
- ۳۲- ﴿تَشْهَدُونَ﴾: شما نزد من حاضر می بودید یا برایم مشوره می دادید.
- ۳۳- ﴿أُولُوا بَأْسٍ﴾: ما دلیران جنگ آزموده‌ایم.
- ۳۷- ﴿لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا﴾: توان مقاومت با آن را ندارند.
- ۳۷- ﴿هُمْ صَغُرُونَ﴾: به اسارت و بردگی خوار و ذلیل می شوند.

۴۰- ﴿الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ﴾: کسی که از علم بهره‌ور بود، آصف یا جبریل یا فرشته‌ای دیگر.

۴۰- ﴿طَرْفُكَ﴾: چشم خود را یا پلک چشمان خود را برهم زنی.

۴۰- ﴿لِيَلْبُوْنِي﴾: تا مرا بی‌آزماید.

۴۱- ﴿نَكِّرُوا﴾: تغییر بدهید.

۴۴- ﴿أَدْخُلِي الصَّرْحَ﴾: به قصر با شکوه یا به ساحه آن یا به حوض آن وارد شو.

۴۴- ﴿حَسِبْتُهُ لِحَّةً﴾: بلقیس گمان کرد آب عمیق است.

۴۴- ﴿صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ﴾: قصری است صاف و تابان.

۴۴- ﴿مِنْ قَوَارِيرٍ﴾: از شیشه‌های شفاف.

۴۷- ﴿أَطَّيْرَنَا﴾: هر زمانی که به سختی‌ها گرفتار شدیم به فال بد گرفتیم.

۴۷- ﴿ظَلَمِيرُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ﴾: شومی شما عملتان است که نزد او تعالی نوشته است.

۴۷- ﴿قَوْمٌ تُفْتَنُونَ﴾: قومی هستید که شیطان شما را با وسوسه به فتنه می‌افکند.

۴۸- ﴿تَسْعَةُ رَهْطٍ﴾: نه نفر از بزرگان در رأس هر گروه.

۴۹- ﴿تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ﴾: یکدیگر را به خدا قسم دادند یا خود به خدا قسم یاد کردند.

۴۹- ﴿لُتُبَيِّنَنَّهٗ وَأَهْلَهٗ﴾: شب هنگام او و خانواده‌اش را بی‌خبر می‌کشیم.

۴۹- ﴿مَهْلِكٌ أَهْلِهٖ﴾: هلاکت خانواده او را.

۵۱- ﴿دَمَّرْنَاهُمْ﴾: نابودشان کردیم.

۵۲- ﴿خَاوِيَةً﴾: ویران و بی‌صاحب است.

۵۴- ﴿أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ﴾: از انجام علنی لواط هیچ شرم و باکی ندارید.

۵۶- ﴿يَتَطَهَّرُونَ﴾: از لواطت دوری می‌کنند.

۵۷- ﴿قَدَّرْنَاهَا﴾: بر او حکم و تقدیر کردیم.

۵۷- ﴿مِنَ الْغَيْرِینَ﴾: که جزو باقی‌ماندگان در عذاب باشد.

۵۸- ﴿مَطْرًا﴾: باران سنگ و کشنده از آسمان.

- ۶۰- ﴿حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ﴾: باغ‌های زیبا و با رونق.
- ۶۰- ﴿قَوْمٌ يَعْدِلُونَ﴾: قومی هستند منحرف از حق و مایل به باطل.
- ۶۱- ﴿الْأَرْضَ قَرَارًا﴾: زمین را محل استقرار و گسترده.
- ۶۱- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های استوار تا تکان نخورد.
- ۶۱- ﴿حَاجِزًا﴾: حایلی که مانع یکجا شدن آنها می‌شود.
- ۶۳- ﴿رَحْمَتِهِ﴾: باران که رحمت پروردگار و مایه حیات زمین است.
- ۶۶- ﴿أَدْرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ﴾: احوال قیامت را کامل دریافتند، این تهکم و استهزاء است بر آنها، از فرط بی‌اطلاعی ایشان در باره آخرت.
- ۶۶- ﴿عُمُونَ﴾: نشانه‌های آشکار آن را نمی‌بینند.
- ۶۸- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: دروغ‌های که در کتب آنها نوشته است.
- ۷۰- ﴿ضَبَقَ﴾: دلتنگی.
- ۷۲- ﴿رَدَفَ لَكُمْ﴾: به شما رسیده باشد.
- ۷۴- ﴿مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ﴾: اسراری که در سینه‌های خود نهان می‌دارند.
- ۷۵- ﴿غَائِبَةٍ﴾: چیزهای نهان از انسان.
- ۸۲- ﴿وَقَعَ الْقَوْلُ﴾: قیامت و دشواری‌های موعودش نزدیک شود.
- ۸۲- ﴿دَابَّةً﴾: جانوری را، این جانور از علایم قیامت کبری است.
- ۸۳- ﴿فَوْجًا﴾: گروهی را.
- ۸۳- ﴿فَهُمْ يُورَعُونَ﴾: دسته‌های اولی توقف داده می‌شوند تا گروه‌های آخر برسند و بعد یکجا سوق داده می‌شوند.
- ۸۷- ﴿فَفَزِعَ﴾: بترسند چنان ترسی که مرگ در پی دارد.
- ۸۷- ﴿دَاخِرِينَ﴾: خوار و ذلیل بعد از رستاخیز.
- ۹۰- ﴿فَكُتِبَتْ وَجُوهُهُمْ﴾: سرنگون افکنده می‌شوند.

سوره قصص

- ۴- ﴿عَلَا فِي الْأَرْضِ﴾: در سرزمین مصر نافرمانی و سرکشی کرد.
- ۴- ﴿شَيْعًا﴾: گروه‌های مختلف، گروهی برای خدمت و گروهی برای بیگاری و ذلت.
- ۴- ﴿يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ﴾: دخترانشان را برای خدمت زنده می‌گذاشت.
- ۶- ﴿يَحْذَرُونَ﴾: از رفتن پادشاهی‌شان هراس داشتند.
- ۸- ﴿كَانُوا خَاطِئِينَ﴾: مجرم و گناه‌کار بودند.
- ۹- ﴿فَرَّتْ عَيْنٌ﴾: مایه شادمانی است.
- ۱۰- ﴿فَرِحًا﴾: جز یاد موسی از همه چیز تهی گشت.
- ۱۰- ﴿لَتُبَدَىٰ بِهِ﴾: از شدت اندوه آشکار کند که این پسرش است.
- ۱۰- ﴿لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا﴾: اگر با صبر استوار نمی‌داشتیم.
- ۱۱- ﴿قَصِيهٍ﴾: از دنبالش برو و از احوالش آگاه شو.
- ۱۱- ﴿فَبَصُرَتْ بِهِ﴾: او را دید. ﴿عَن جُنُبٍ﴾: از دور.
- ۱۲- ﴿يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ﴾: بخاطر شما تربیت این پسر را به عهده می‌گیرند.
- ۱۳- ﴿تَقَرَّرَ عَيْنُهَا﴾: به دیدار فرزندش خوشحال شد.
- ۱۴- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال بالندگی و نیروی بدنی خود رسید.
- ۱۴- ﴿وَأَسْتَوَى﴾: عقلش کامل شد.
- ۱۵- ﴿فَوَكَرَهُ مُوسَى﴾: موسی با مشیت به سینه او زد.
- ۱۷- ﴿ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ﴾: همکار مجرمین.
- ۱۸- ﴿يَتَرَقَّبُ﴾: انتظار وقوع اتفاق بدی را داشت.
- ۱۸- ﴿يَسْتَصْرِخُهُ﴾: از او کمک می‌خواهد.
- ۱۸- ﴿إِنَّكَ لَعَوِيٌّ﴾: تو گمراه هستی هیچگاه اصلاح نمی‌شوی.

- ۱۹- ﴿يَبْطِشُ﴾: به قوت و شدت بگیرد.
- ۲۰- ﴿يَسْعَى﴾: به شتاب.
- ۲۰- ﴿إِنَّ أَلْمَلَأَ﴾: سران و بزرگان قوم.
- ۲۰- ﴿يَأْتِمُرُونَ بِكَ﴾: در باره تو با هم مشورت دارند.
- ۲۲- ﴿تَلْقَاءَ مَدْيَنَ﴾: به سمت مدین، قریه شعیب عليه السلام.
- ۲۲- ﴿سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾: راه راست که مایه نجات است.
- ۲۳- ﴿أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ﴾: جمعیت بسیاری از مردم را.
- ۲۳- ﴿تَذُودَانَ﴾: گوسفندان خود را از نزدیک شدن به آب منع می کردند.
- ۲۳- ﴿مَا خَطْبُكُمْ﴾: مقصد شما از این کار چیست؟
- ۲۳- ﴿يُصْدِرَ الرِّعَاءَ﴾: چوپانها رمه‌های خود را از آب دور ببرند.
- ۲۷- ﴿تَأْجُرْنِي﴾: بخاطر چراندن گوسفندها به من اجیر باشی.
- ۲۷- ﴿حِجَجَ﴾: سالها.
- ۲۹- ﴿ءَأَنَسَ﴾: مشاهده کرد.
- ۲۹- ﴿نَارًا﴾: آتشی را، در واقع نور ربانی بود.
- ۲۹- ﴿جَذْوَةً مِّنَ النَّارِ﴾: چوبی که آتش بدون شعله دارد.
- ۲۹- ﴿تَصْطَلُونَ﴾: خود را به آن گرم نمایید.
- ۳۱- ﴿تَهْتَرُ﴾: به سرعت حرکت می کند.
- ۳۱- ﴿لَمْ يُعْقَبْ﴾: بر نمی گردد یا متوجه نمی شود.
- ۳۲- ﴿جَبِيكَ﴾: گریبانت.
- ۳۲- ﴿بَيضَاءَ﴾: سفید، درخشانتر از آفتاب.
- ۳۲- ﴿غَيْرِ سَوْءٍ﴾: بدون برص و امثال آن.
- ۳۲- ﴿وَأَضْمَمُ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ﴾: دست راست خود را به سینهات بگذار
ترسی که از این مار داری زایل می شود.

- ۳۴- ﴿رِدْءًا﴾: یاور.
- ۳۵- ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ﴾: نیرومندی می‌سازم و کمکت می‌کنم.
- ۳۵- ﴿سُلْطَنًا﴾: حجت یا غلبه.
- ۳۶- ﴿مُفْتَرَى﴾: این را به دروغ به خدا نسبت می‌دهی.
- ۳۸- ﴿صَرْحًا﴾: قصری یا عمارت بلند و نمایان.
- ۴۰- ﴿فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ﴾: آنها را به دریا افکندیم و غرق نمودیم.
- ۴۱- ﴿أَيِّمَةً﴾: پیشوایانی در مسیر گمراهی.
- ۴۲- ﴿لَعْنَةً﴾: دوری از رحمت خدا.
- ۴۲- ﴿مِنَ الْمُقْبُوْحِينَ﴾: از طرد شدگان یا از زشت رویان هستند.
- ۴۳- ﴿الْقُرُونَ الْأُولَى﴾: ملل گذشته را که پیامبران خویش را تکذیب کردند.
- ۴۳- ﴿بَصَائِرَ لِلنَّاسِ﴾: روشنی بخش دلهای مردم که با آن حقایق را مشاهده کنند.
- ۴۴- ﴿قَضِيْنَا﴾: سپردیم.
- ۴۵- ﴿ثَاوِيًا﴾: مقیم.
- ۴۸- ﴿سِحْرَانِ تَطَاهَرَا﴾: قرآن و تورات هر دو سحر و پشتیبان یکدیگر.
- ۵۱- ﴿وَصَلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ﴾: ما قرآن را برای آنها پی‌درپی فرستادیم.
- ۵۴- ﴿يَذْرَءُونَ﴾: دفع می‌کنند.
- ۵۵- ﴿الْلُّغُوْا﴾: دشنام را از کفار.
- ۵۵- ﴿سَلَّمَ عَلَيْكُمْ﴾: سلام بر شما ما مثل شما رفتار نمی‌کنیم.
- ۵۷- ﴿نُتَخَطَفُ﴾: به سرعت ربوده می‌شویم.
- ۵۷- ﴿يُجِبِّيْ اِلَيْهِ﴾: از هر سمت به آنجا آورده می‌شود.
- ۵۸- ﴿كَمْ اَهْلَكْنَا﴾: چه بسیاری را هلاک کردیم.
- ۵۸- ﴿بَطَرْتُ مَعِيْشَتَهَا﴾: در دنیا بدمست و مغرور شده بودند.

- ۶۱- ﴿مِنَ الْمُحْضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ.
- ۶۳- ﴿أَغْوَيْنَا﴾: آنها را به گمراهی دعوت کردیم و از ما پیروی کردند.
- ۶۶- ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ﴾: دلایل بر آنها پوشیده گردد، دلیلی نمی‌یابند.
- ۶۸- ﴿الْخَيْرَةُ﴾: اختیار.
- ۶۹- ﴿مَا تَكُنُّ صُدُورُهُمْ﴾: باطل و عداوتی که در سینه‌های خود نهان می‌دارند.
- ۷۱- ﴿أَرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۷۱- ﴿سَرْمَدًا﴾: دایمی.
- ۷۵- ﴿يَقْفَرُونَ﴾: پندار باطلی که در دنیا به دروغ می‌بافتند.
- ۷۶- ﴿فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ﴾: بر آنها ستم یا کبر کرد.
- ۷۶- ﴿لَتَنُوًّا بِالْعُصْبَةِ﴾: به یک گروه سنگین بود.
- ۷۶- ﴿لَا تَفْرَحْ﴾: به کثرت دارایی خودبین و بدمست مباش.
- ۷۸- ﴿مِنَ الْقُرُونِ﴾: از ملت‌ها.
- ۷۸- ﴿لَا يُسْئَلُ﴾: برای معلومات از آنها سؤال نمی‌شود بلکه سؤال توییح و سرزنش می‌شود.
- ۷۹- ﴿فِي زِينَتِهِ﴾: در آرایشی از رفاه و ثروت خود.
- ۸۰- ﴿وَيَلْكُمْ﴾: وای بر شما، برای منع آنها از چنین آرزوهاست.
- ۸۰- ﴿وَلَا يُلْقَاهَا﴾: به انجام کارهای نیک موفق نمی‌شوند.
- ۸۲- ﴿وَيَكَاَنَ اللَّهُ﴾: آیا مشاهده نکردی که او تعالی.
- ۸۲- ﴿يَقْدِرُ﴾: به مقتضای حکمت روزی هر که را بخواهد کم می‌کند.
- ۸۲- ﴿وَيَكَاَنَّهُ لَا يُفْلِحُ﴾: آیا نمی‌بینی که رستگار نمی‌شود.
- ۸۵- ﴿مَعَادٍ﴾: به مکه پیروزمندانه.
- ۸۶- ﴿ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ﴾: پشتیبان کافران.

سورهٔ عَنكَبُوت

- ۲- ﴿لَا يُقْتَنُونَ﴾: با گرفتاری به سختی‌ها مورد امتحان قرار نمی‌گیرند تا مخلص از منافق جدا شود.
- ۴- ﴿أَنْ يَسْئُرُونَ﴾: ما را ناتوان سازند و از مجازات ما نجات یابند.
- ۵- ﴿أَجَلٌ أَلَّهِ﴾: وقت معین برای رستاخیز و جزاء.
- ۸- ﴿وَصَبَّأْنَا الْإِنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم.
- ۸- ﴿حُسْنًا﴾: فرمانبردار پدر و مادر و بر آنها مهربان باشد.
- ۱۰- ﴿فِتْنَةَ اللَّائِسِ﴾: شکنجه و آزاری که از مردم به او می‌رسد.
- ۱۲- ﴿خَطَايِكُمْ﴾: گناهان شما را.
- ۱۳- ﴿أَثْقَالَهُمْ﴾: خطاهای سنگین خود را.
- ۱۳- ﴿يَفْتَرُونَ﴾: سخنان دروغ و یاوه را از خود می‌بافتند.
- ۱۷- ﴿تَخْلُقُونَ إِفْكًا﴾: دروغ می‌گویند.
- ۲۱- ﴿إِلَيْهِ تُقْلَبُونَ﴾: به نزد خدا بر می‌گردید.
- ۲۲- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب خدا نمی‌توانید فرار کنید.
- ۲۵- ﴿مَوَدَّةَ بَيْنِكُمْ﴾: برای استحکام دوستی بین خود که همه یکسان بت پرستید.
- ۲۵- ﴿مَأْوَنَكُمْ أَلْتَّارِ﴾: جای شما دوزخ است.
- ۲۹- ﴿تَقَطَّعُونَ أَلْسَيْلَ﴾: راه را می‌بندید با آمیزش به گناه و زشتی.
- ۲۹- ﴿نَادِيكُمْ﴾: مجالس خود.
- ۳۲- ﴿مِنْ أَلْعَبْرِينَ﴾: مثل همتایان خود در عذاب خواهد ماند.
- ۳۳- ﴿سِيءَ بِهِمْ﴾: از آمدن آنها غمگین شد که از دست درازی قومش بر آنها ترسید.
- ۳۳- ﴿ضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا﴾: بخاطر آنها سخت دلتنگ شد که توان نجات آنها را نداشت.
- ۳۴- ﴿رَجْرَجًا﴾: عذاب شدید.

- ۳۶- ﴿لَا تَعْتَوْا﴾: فساد و تباهی نکنید.
- ۳۷- ﴿فَأَخَذْتَهُمُ الرَّجْفَةَ﴾: به سبب صیحه گرفتار زمین لرزه شدید شدند.
- ۳۷- ﴿جَثِيمِينَ﴾: خشک، بی حرکت و بی جان.
- ۳۸- ﴿كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾: خردمند و اهل نظر بودند.
- ۳۹- ﴿سَلِيقِينَ﴾: از عذاب خدا نجات یابند.
- ۴۰- ﴿حَاصِبًا﴾: باد شدیدی که سنگریزه پرتاب می کرد.
- ۴۰- ﴿أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ﴾: صدای تکان دهنده و کشنده از جانب آسمان او را گرفت.
- ۴۱- ﴿الْعَنَكُبُوتِ﴾: حشره معروف.
- ۴۸- ﴿لَا رَتَابَ﴾: در شک می افتادند.
- ۴۹- ﴿مَا يَجْحَدُ﴾: انکار و تکذیب نمی کند.
- ۵۰- ﴿آيَاتٍ مِّن رَّبِّهِ﴾: معجزه‌های خارق العاده از سوی پروردگارش.
- ۵۳- ﴿أَجَلٌ مُّسَمًّى﴾: روز قیامت.
- ۵۳- ﴿بِعْتَةٍ﴾: ناگهان.
- ۵۵- ﴿يَغْشَاهُمُ الْعَذَابُ﴾: عذاب آنها را احاطه کند.
- ۵۸- ﴿لِنُبَوِّئَنَّهُمْ﴾: آنها را دایمی جای می دهیم.
- ۵۸- ﴿عُرْفًا﴾: منازل عالی.
- ۶۰- ﴿كَأَيِّن مِّن دَابَّةٍ﴾: بسیاری از جانوران.
- ۶۱- ﴿فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه آنان را از توحید حق منحرف می سازند؟
- ۶۲- ﴿يَقْدِرُ لَهُ﴾: روزی هرکسی را به مقتضای حکمت کم می کند.
- ۶۴- ﴿لَهُوٌّ وَلَعِبٌ﴾: لذت‌های زود گذر، عبث و بیهوده.
- ۶۴- ﴿لَهُيَ الْحَيَوانُ﴾: بدون شک دیار آخرت پاینده و جاوید است.
- ۶۵- ﴿الدِّينِ﴾: طاعت و عبادت را.
- ۶۷- ﴿يُتَخَطَّفُ النَّاسُ﴾: مردم ربوده و سر بریده می شوند.

۶۸- ﴿مَثْوَىٰ لِلْكَافِرِينَ﴾: محل اقامت کافران.

سوره روم

- ۲- ﴿غَلَبَتِ الرُّومُ﴾: فارس روم را مغلوب کرد.
- ۳- ﴿أَدْنَى الْأَرْضِ﴾: نزدیک‌ترین ساحه سرزمین روم به فارس.
- ۳- ﴿غَلَبِهِمْ﴾: مغلوب شدنشان.
- ۸- ﴿أَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: زمان معین برای بقای آنها از ازل.
- ۹- ﴿أَثَارُوا الْأَرْضِ﴾: زمین را شخم زدند و برای زراعت آماده کردند.
- ۱۰- ﴿السُّوَأَى﴾: بدترین عذاب، دوزخ.
- ۱۲- ﴿يُؤْبَسُ الْمُجْرِمُونَ﴾: دلیل مجرمان منقطع می‌شود یا نومید می‌شوند.
- ۱۵- ﴿يُجْبَرُونَ﴾: شاد یا گرامی داشته می‌شوند.
- ۱۶- ﴿فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ﴾: همیشه در عذابند.
- ۱۸- ﴿حِينَ تَظْهَرُونَ﴾: هنگامی که به ظهر می‌رسید.
- ۲۰- ﴿تَنْتَشِرُونَ﴾: در امور زندگی دست بکار می‌شوید.
- ۲۱- ﴿لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾: تا به آنها تمایل پیدا کنید و انس بگیرید.
- ۲۶- ﴿لَهُ قَنُوتُونَ﴾: از اراده او تعالی فرمان می‌برند.
- ۲۷- ﴿لَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾: عالی‌ترین وصف در کمال و جلال از آن خداست.
- ۳۰- ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ﴾: پس روی خود را راست و درست کن.
- ۳۰- ﴿لِلدِّينِ﴾: به دین توحید و اسلام.
- ۳۰- ﴿حَنِيفًا﴾: متمایل به سوی او.
- ۳۰- ﴿فَطَرَتْ اللَّهُ﴾: به اسلام پایدار باشید.
- ۳۰- ﴿فَطَرَتِ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾: خدا انسان را بر آن آفریده است.
- ۳۰- ﴿لِحَلْقِ اللَّهِ﴾: به دین الهی که انسان را بر آن آفریده است.

- ۳۰- ﴿ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ﴾: این است دین مستقیم.
- ۳۱- ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ﴾: با توبه و اخلاص به او تعالی رجوع کنید.
- ۳۲- ﴿كَانُوا شِيعًا﴾: از هوای نفس به صورت احزاب گوناگون درآمدند.
- ۳۵- ﴿سُلْطَنًا﴾: کتابی یا دلیل روشنی.
- ۳۶- ﴿فَرِحُوا بِهَا﴾: به سبب آن متکبر و خودپسند می شوند.
- ۳۶- ﴿هُمْ يَقْنَطُونَ﴾: از رحمت خدا نومید می شوند.
- ۳۷- ﴿يَقْدِرُ﴾: به اقتضای حکمت روزی هرکه را بخواهد تنگ می کند.
- ۳۹- ﴿رَبًّا﴾: همین ربای حرام معروف.
- ۳۹- ﴿لَيْرَبُّوْا﴾: تا آن ربا بیفزاید.
- ۳۹- ﴿فَلَا يَرْبُوْا﴾: مایه برکت آن نمی شود.
- ۳۹- ﴿الْمُضْعِفُونَ﴾: چند برابر.
- ۴۳- ﴿لِلدِّينِ الْقَيِّمِ﴾: به دین مستقیم و فطرت.
- ۴۳- ﴿لَا مَرَدَّ لَهُ﴾: هیچ کس نمی تواند مانع وقوع آن شود.
- ۴۳- ﴿يَصَدَّعُونَ﴾: به سوی بهشت و دوزخ متفرق می شوند.
- ۴۴- ﴿يَمُهَّدُونَ﴾: جایگاه نعمت و ناز را مهیا می سازند.
- ۴۸- ﴿فَتُنْفِرُ سَحَابًا﴾: ابرها را حرکت می دهد و پراکنده می سازد.
- ۴۸- ﴿يَجْعَلُهُ كِسْفًا﴾: ابرها را به صورت قطعه های پراکنده در می آورد.
- ۴۸- ﴿الْوَدَقِ﴾: باران را.
- ۴۸- ﴿مِنْ خِلَالِهِ﴾: از لابلای آن.
- ۴۹- ﴿لَمُبْلِسِينَ﴾: از بارش باران نومید بودند.
- ۵۱- ﴿فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا﴾: گیاهان را بعد از شادابی و سبزی زرد می بینند.
- ۵۴- ﴿شَيْبَةً﴾: حالت پیری.
- ۵۵- ﴿يُؤْفَكُونَ﴾: از حق و راستی دوری می جستند.

۵۷- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ﴾: از آنها خواسته نمی‌شود که با توبه و طاعت، غضب خدا را از خود دور نمایند.

۶۰- ﴿لَا يَسْتَخِفُّكَ﴾: تو را به خفت، خواری و اضطراب وادار نکنند.

سوره لقمان

۶- ﴿لَهُوَ الْحَدِيثُ﴾: سخن باطل که انسان را از خیر و عبادت باز دارد.

۶- ﴿هُزُؤًا﴾: به استهزاء.

۷- ﴿وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا﴾: با تکبر از تفکر در آن اعراض می‌کند.

۷- ﴿وَقَرًا﴾: کربی مانع از شنیدن.

۱۰- ﴿بِعَيْرٍ عَمَدٍ﴾: بدون پایه و ستون.

۱۰- ﴿رَوَاسِيَ﴾: کوه‌های استوار.

۱۰- ﴿أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ﴾: تا شما را تکان ندهد.

۱۰- ﴿بَثَّ فِيهَا﴾: در روی زمین پراکنده کرد.

۱۰- ﴿زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾: نوع خوب و پرمفعت.

۱۲- ﴿لُقْمَانَ﴾: لقمان شخصی صالح و حکیم بود نه پیامبر.

۱۲- ﴿الْحِكْمَةَ﴾: عقل، فهم، زیرکی و سخن راست و درست.

۱۴- ﴿وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم و موظفش ساختیم.

۱۴- ﴿وَهَنًا﴾: در حال ناتوانی.

۱۴- ﴿فِضْلَهُ﴾: پایان دوره شیرخوارگی آن.

۱۵- ﴿أَنَابَ إِلَيَّ﴾: به اخلاص و طاعت به سوی من آمده است.

۱۶- ﴿مِثْقَالَ حَبَّةٍ...﴾: به وزن کوچکترین چیز...

۱۸- ﴿لَا تُضَعَّرُ خَدَّكَ لِلنَّاسِ﴾: به تکبر و غرور روی خود را از مردم نگردان.

۱۸- ﴿مَرَحًا﴾: به سرکشی، غرور و خودپسندی.

- ۱۸- ﴿مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: متکبر، کسی که به خصال نیک خود فخر کند.
- ۱۹- ﴿وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ﴾: در راه رفتن حد وسط را اختیار کن.
- ۱۹- ﴿أَغْضُضْ﴾: آهسته بدار.
- ۲۰- ﴿سَخَّرَ لَكُمْ﴾: برای منافع شما مسخر کرده است.
- ۲۰- ﴿أَسْبَغَ﴾: تمام، فراوان و کامل کرد.
- ۲۲- ﴿يُسَلِّمَ وَجْهَهُ...﴾: همه امور خود را بسپارد...
- ۲۲- ﴿أَسْتَمَسَكَ﴾: چنگزده دلبستگی یافته و پناه برده است.
- ۲۲- ﴿بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى﴾: به عهد و پیمان مطمئن.
- ۲۴- ﴿عَذَابٍ غَلِيظٍ﴾: عذاب شدید، دوزخ.
- ۲۷- ﴿يَمُدُّهُ﴾: بر او افزوده شود.
- ۲۷- ﴿سَبْعَةَ أَمْجُرٍ﴾: هفت دریای پرآب دیگر.
- ۲۷- ﴿مَا نَفِدَتْ﴾: به پایان نرسد.
- ۲۷- ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾: مقدرات و عجایب صنعت یا علم الهی^(۱).

۱- شیخ مخلوف می‌گوید: ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾ (مقدورات و عجایب او معلوماته) یعنی: تقدیرها و شگفتی‌ها یا معلوماتش.

می‌گویم: تفسیر ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾ به تقدیرات و معلومات، مخالف فهم سلف در این زمینه است و همچنین کنار گذاشتن ظاهر لفظ است، بلکه کلمات خداوند - پاک و منزّه - همان کلام و سخن او می‌باشد که پایان ندارد؛ زیرا الله اول است بی‌آنکه آغازی داشته باشد و آخر است بی‌آنکه پایانی داشته باشد و پیوسته و همیشه سخن گفته است و هر آنچه که بخواهد و هرگاه که اراده کند می‌گوید و کلام او در گذشته و آینده هیچ حد و مرزی نداشته و ندارد و درختان و دریاها بی‌آنکه مقدر نموده تا کلمات الله را بنویسند به ناچار تمام می‌شوند و پایان می‌پذیرند اما کلام الله هیچ پایانی ندارد.

تفسیر ﴿كَلِمَتُ اللَّهِ﴾ به تقدیرات یا معلومات شامل امور وجودی و امور عدمی می‌شود، در حالی که ویژگی کلمات الله این است که هیچ پایانی ندارد و از امور وجودی است. به نظر می‌رسد تفسیری که مؤلف ذکر نموده بر اساس مذهب اشاعره در مورد کلام الله است، زیرا آنها می‌گویند که کلام الله معنایی واحد درونی و قدیمی است و وصف تعدد شامل آن نمی‌شود. این تعریف

- ۲۹- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می کند.
- ۳۲- ﴿عَشِيَهُمْ مَوَّجٌ﴾: موجی بالای سر آنها قرار بگیرد.
- ۳۲- ﴿كَالظَّلِيلِ﴾: مانند ابر یا کوه‌های سایه افکن.
- ۳۲- ﴿فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ﴾: عده‌ای خدا را شکر و به عهد خود وفا می کنند.
- ۳۲- ﴿حَتَّارِ كُفُورٍ﴾: غدا و ناسپاس.
- ۳۳- ﴿يَوْمًا لَا يُجْرَى...﴾: روزی که در آن چیزی را دور نمی کند...
- ۳۳- ﴿فَلَا تَعْرَنَكُمُ﴾: شما را به لذت‌های خود سرگرم نکند و فریب ندهد.
- ۳۳- ﴿الْعُرُورِ﴾: شیطان اغواگر و امثال آن.

سوره سجده

- ۳- ﴿أَفْتَرَبُهُ﴾: قرآن را خودش ساخته است.
- ۴- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوایی که لایق کمال و جلال اوست.
- ۵- ﴿يَعْرُجُ إِلَيْهِ﴾: این امر به سوی او بالا می رود.
- ۷- ﴿أَحْسَنَ كُلِّ شَيْءٍ﴾: همه چیز را استوار ساخته است.
- ۸- ﴿سُلَّالَةٍ﴾: خلاصه‌ای.
- ۸- ﴿مَاءٍ مَّهِينٍ﴾: منی ضعیف و حقیر.

مخالف با مذهب اهل سنت و جماعت است که می‌گویند: «خداوند متعال پیوسته و همیشه به هر کلامی که بخواهد و هرگونه که بخواهد سخن می‌گوید و کلامش پایانی ندارد و خداوند این گونه وصف می‌شود که: گفت و می‌گوید، ندا داده و ندا می‌دهد، همانگونه خداوند متعال درباره‌ی خودش چنین خبر داده است او از هر کسی به نفس خویش آگاه‌تر است و از آفریده‌هایش صادق‌تر و نیکو سخن‌تر است». (نگاه: تفسیر ابن جریر ۸۰/۲۱-۸۲، تفسیر بغوی ۶/۲۹۲ و تفسیر سعدی ۱۶۶/۶). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۹- ﴿سَوَّئَةٌ﴾: او را صورت بخشیدن و موزون ساخت.
- ۱۰- ﴿ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ﴾: ما خاک و در زمین گم شویم.
- ۱۲- ﴿نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ﴾: سرهای خود را از رسوایی، شرم و ندامت به زیر افکنند.
- ۱۳- ﴿حَقَّقَ الْقَوْلُ﴾: قضاء و قدر ثابت و نافذ شده است.
- ۱۳- ﴿الْجَنَّةِ﴾: جن.
- ۱۶- ﴿تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ﴾: پهلوهایشان برای عبادت دور می شود.
- ۱۶- ﴿عَنِ الْمَضَاجِعِ﴾: از بسترهای خواب.
- ۱۷- ﴿مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ﴾: از اسباب شادمانی است.
- ۱۹- ﴿نُزُلًا﴾: مهمانی و ضیافت.
- ۲۳- ﴿فِي مِرْيَةٍ﴾: در شک.
- ۲۳- ﴿مِنْ لِقَائِهِ﴾: از پذیرفتن موسی تورات را به خوشی.
- ۲۶- ﴿أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ﴾: آیا مشرکان غافلند و سرانجامشان را روشن نساخته است.
- ۲۶- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: هلاکت و نابودی ملت‌های گذشته.
- ۲۶- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملل گذشته.
- ۲۷- ﴿الْأَرْضِ الْجُرُزِ﴾: زمین خشک و بی گیاه.
- ۲۸- ﴿هَذَا الْفَتْحُ﴾: این پیروزی و نجات شما.
- ۲۹- ﴿لَا هُمْ يُنظَرُونَ﴾: مهلت داده نخواهند شد تا ایمان بیاورند.

سوره احزاب

- ۱- ﴿اتَّقِ اللَّهَ﴾: همواره از خدا بترس یا پرهیزگاری را افزون نما.
- ۳- ﴿وَكَيْلًا﴾: مراقب.
- ۴- ﴿تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ﴾: آنها را مثل مادر بر خود حرام می کنید.
- ۴- ﴿أَدْعِيَاءَكُمْ﴾: فرزند خوانده‌های شما را.

- ۵- ﴿أَقْسَطُ﴾: عادلانه تر.
- ۵- ﴿مَوْلِيكُمْ﴾: دوستان دینی شما هستند.
- ۶- ﴿أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ﴾: مهربان تر و سودمندتر است به مؤمنان.
- ۶- ﴿أَزْوَاجُهُ وَأُمَّهَاتُهُمْ﴾: همسرانش مثل مادرند به مسلمانان در حرمت نکاح و قدر و منزلت.
- ۶- ﴿أُولَٰئِ الْأَرْحَامِ﴾: خویشاوندان.
- ۷- ﴿مِيثَاقَهُمْ﴾: پیمان آنها را، هر چه برعهده دارند بجا کنند.
- ۷- ﴿مِيثَاقًا غَلِيظًا﴾: پیمان استوار به وفا.
- ۹- ﴿جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ﴾: لشکرهای بزرگ به سوی شما آمدند، روز خندق سال پنجم هجرت.
- ۱۰- ﴿زَاعَتِ الْأَبْصُرُ﴾: چشمها از دهشت و حیرت کج و دیگرگون شدند.
- ۱۰- ﴿بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ﴾: دلها به گلو رسید، تمثیل است برای شدت ترس.
- ۱۱- ﴿أَبْتَلِيَ الْمُؤْمِنُونَ﴾: مؤمنان در سختی‌ها آزمایش شدند.
- ۱۱- ﴿زُلْزِلُوا﴾: از شدت ترس بسیار مضطرب شدند.
- ۱۲- ﴿عُرُورًا﴾: وعده بیهوده یا فریب.
- ۱۳- ﴿يَثْرِبَ﴾: نام سابق مدینه است.
- ۱۳- ﴿لَا مَقَامَ لَكُمْ﴾: اینجا محل اقامت شما نیست.
- ۱۳- ﴿إِنَّ بَيْوتَنَا عَوْرَةٌ﴾: خانه‌های ما دور و بیم تجاوز دشمن در آنجا است.
- ۱۳- ﴿فِرَارًا﴾: فرار از جنگ در صف مسلمانها.
- ۱۴- ﴿مِّنْ أَقْطَارِهَا﴾: از اطراف و نواحی مدینه.
- ۱۴- ﴿سُئِلُوا الْفِتْنَةَ﴾: از آنها خواسته شود که با مسلمانها بجنگند.
- ۱۴- ﴿مَا تَلَبَّثُوا بِهَا﴾: جنگ را به تأخیر نمی‌اندازند.
- ۱۷- ﴿يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ﴾: حکم و مشیت او را از شما دور می‌کند.

- ۱۸- ﴿الْمُعَوِّقِينَ﴾: گروهی از شما که مردم را از همکاری با رسول خدا منع می کردند.
- ۱۸- ﴿هَلُمَّ إِلَيْنَا﴾: پیش ما بیایید یا خود را به ما نزدیک بسازید.
- ۱۸- ﴿الْبَأْسَ﴾: جنگ.
- ۱۹- ﴿أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ﴾: به چیزهای که در نفع شماست بخالت می کنند.
- ۱۹- ﴿يُعْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ﴾: از سختی مرگ بیهوش می شود.
- ۱۹- ﴿سَلَقُوكُمْ﴾: به شما طعنه می زنند و آزار می رسانند.
- ۱۹- ﴿بِالْأَسِنَّةِ جِدَادٍ﴾: با زبان درازی.
- ۱۹- ﴿أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ﴾: حریص بر مال و غنیمت.
- ۱۹- ﴿فَأَحْبَطَ اللَّهُ﴾: خدا باطل کرد.
- ۲۰- ﴿بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ﴾: با اعراب در بادیه بودند.
- ۲۱- ﴿أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾: سرمشق نیکو در همه امور.
- ۲۳- ﴿قَضَىٰ نَحْبَهُ﴾: به پیمان خود وفا کردند یا جام شهادت نوشیدند.
- ۲۶- ﴿الَّذِينَ ظَلَهُرُوهُمْ﴾: یهود بنی قریظه که به احزاب کمک کردند.
- ۲۶- ﴿صِيَاصِيهِمُ﴾: از قلعه های مستحکم خود.
- ۲۶- ﴿الرُّعْبَ﴾: ترس شدید.
- ۲۸- ﴿أُمَّتِعُنَّ﴾: به شما متعه طلاق بدهم.
- ۲۸- ﴿أَسْرَحُنَّ﴾: طلاقتان نمایم.
- ۲۸- ﴿سَرَّاحًا جَمِيلًا﴾: طلاق حسن که ضرر و زیان در آن نیست.
- ۳۰- ﴿بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ﴾: گناه کبیره.
- ۳۱- ﴿مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ﴾: هرکه از شما فرمانبرداری کند.
- ۳۲- ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ﴾: با مردان به لهجه نرم و با آب و تاب سخن نگویند.
- ۳۳- ﴿قَرْنَ فِي بَيْوتِكُنَّ﴾: شما و دیگر زنان در خانه های خود بمانید.
- ۳۳- ﴿لَا تَبْرَجْنَ﴾: زینتی را که ستر آن واجب است آشکار نسازید.

- ۳۳- ﴿الْجَهْلِيَّةَ الْأُولَى﴾: جاهلیت پیش از اسلام.
- ۳۳- ﴿الرَّجَسَ﴾: گناه یا نقص را.
- ۳۴- ﴿وَالْحِكْمَةَ﴾: سیرت پیامبر یا احکام قرآن.
- ۳۵- ﴿الْقَنِينِ﴾: مردانی که مطیع فرمان خدا هستند.
- ۳۶- ﴿الْخَيْرَةَ﴾: اختیار.
- ۳۷- ﴿وَوَطْرًا﴾: حاجت خود را، کنایه از طلاق است.
- ۳۷- ﴿حَرَجٌ﴾: هیچ گناهی.
- ۳۷- ﴿أَدْعِيَاءِهِمْ﴾: فرزند خوانده‌هایشان، قبل از نسخ فرزند خواندگی.
- ۳۸- ﴿فَرَضَ اللَّهُ لَهُ﴾: خدا بر او قسمت کرده یا مقدر گردانیده یا بر او حلال کرده.
- ۳۸- ﴿خَلَوْا مِنْ قَبْلِ﴾: پیامبرانی که پیش از تو گذشتند.
- ۳۹- ﴿حَسِبًا﴾: محاسب اعمال.
- ۴۲- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز.
- ۴۹- ﴿سَرَّاحًا جَمِيلًا﴾: رها کردن نیکو و عاری از آزار و منع واجب.
- ۵۰- ﴿ءَأْتَيْتَ أَجُورَهُنَّ﴾: مهرهای ایشان را داده‌ای.
- ۵۰- ﴿أَفَاءَ اللَّهِ عَلَيْكَ﴾: خدا از راه غنیمت به تو داده است.
- ۵۱- ﴿تُرْجِي﴾: به تأخیر اندازی و همبستر نشوی.
- ۵۱- ﴿تُقَوِّي إِلَيْكَ﴾: همدم خود کنی و با او همبستر شوی.
- ۵۱- ﴿أَبْتَعَيْتَ﴾: خواستی.
- ۵۱- ﴿عَزَلْتَ﴾: کنار زده‌ای.
- ۵۱- ﴿ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقْرَأَ عَيْنُهُنَّ﴾: این که خودت را در مورد معاشرت با آنها مخیر ساختیم مایه مسرت و رضایت آنهاست چون می‌دانند این کار به دستور خداست.
- ۵۲- ﴿رَقِيبًا﴾: مراقب.
- ۵۳- ﴿غَيْرَ نَظِيرِينَ إِنَّهُ﴾: منتظر پختن غذا نباشید.

- ۵۳- ﴿فَأَنْتَشِرُوا﴾: پراکنده شوید و در نزد او درنگ نکنید.
- ۵۳- ﴿سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا﴾: حاجت قابل استفاده را از آنها خواستید.
- ۵۶- ﴿يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ﴾: بر پیامبر درود می فرستند.
- ۵۸- ﴿بُهْتَنًا﴾: کاربرد یا دروغ بسیار زشت.
- ۵۹- ﴿يُذِنِينَ عَلَيْهِنَّ﴾: بر خود بیندازند.
- ۵۹- ﴿جَلَبِيْبِهِنَّ﴾: چادرهای خود را.
- ۶۰- ﴿وَالْمُرْجِفُونَ﴾: آنهای که خبرهای دروغ را پخش می کنند.
- ۶۰- ﴿لِنُعْرِيتَكَ بِهِمْ﴾: تو را بر آنها مسلط می کنیم.
- ۶۱- ﴿تُفْقُوا﴾: یافت شوند و به دست آیند.
- ۶۸- ﴿ضِعْفَيْنِ﴾: دو چند.
- ۶۹- ﴿وَجِيهًا﴾: با جاه و مقام و مستجاب الدعوه.
- ۷۰- ﴿قَوْلًا سَدِيدًا﴾: سخن درست یا راست یا پیام آور حق.
- ۷۲- ﴿عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ﴾: تکالیف، اوامر و نواهی را عرضه کردیم.
- ۷۲- ﴿فَأَبَيْنَ﴾: نپذیرفتند.
- ۷۲- ﴿أَشَقَقْنَا مِنْهَا﴾: از خیانت در آن ترسیدند.

سوره سبأ

- ۲- ﴿مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ﴾: آنچه در زمین فرومی رود، باران و غیره.
- ۲- ﴿مَا يَرْجُ﴾: آنچه صعود می کند، فرشتگان و اعمال انسان.
- ۳- ﴿لَا يَعْرُبُ عَنْهُ﴾: از وی پوشیده و پنهان نمی ماند.
- ۳- ﴿مِثْقَالُ ذَرَّةٍ﴾: به اندازه کوچکترین مورچه یا گرد و غبار.
- ۵- ﴿مُعْجِزِينَ﴾: به گمان باطلشان بر ما سبقت گیرند و از عذاب ما نجات یابند.
- ۵- ﴿مِن رَّحْمٍ﴾: بدترین و سخت ترین عذاب.
- ۷- ﴿مَرَّقْتُمْ﴾: پاره پاره شدید و خاک گشتید.
- ۸- ﴿بِهِ جِنَّةٌ﴾: به جنون گرفتار شده سخنان بیهوده می گوید.
- ۹- ﴿نَحْسِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ﴾: آنها را مانند قارون به کام زمین فرومی بریم.
- ۹- ﴿كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ﴾: پاره ای از آسمان مثل اصحاب ایکه.
- ۹- ﴿مُنِيبٍ﴾: با توبه و طاعت به پرورگارش رجوع نماید.
- ۱۰- ﴿أَوْبِي مَعَهُ﴾: با او در تسبیح هم صدا شوید.
- ۱۱- ﴿أَعْمَلُ سَبِغَاتٍ﴾: زره های کامل و فراخ بساز.
- ۱۱- ﴿وَقَدِّرُ فِي السَّرْدِ﴾: زره ها را مستحکم و حلقه ها را به اندازه و متناسب به هم بساز.
- ۱۲- ﴿عُدُوها شَهْرٌ﴾: صبحگاه مسیر یکماه را طی می کرد.
- ۱۲- ﴿رَوَّاحِها شَهْرٌ﴾: شامگاه نیز مسیر یکماه را می پیمود.
- ۱۲- ﴿عَيْنَ الْقَطْرِ﴾: چشمه مس ذوب شده که مانند آب از زمین می جوشید.
- ۱۲- ﴿يَزْعُ مِنْهُمْ﴾: از آنها سربچی می کرد.
- ۱۳- ﴿مِن مَّحْرِبٍ﴾: قصرها یا مسجدها.
- ۱۳- ﴿تَمَثِيلٌ﴾: مجسمه ها از مس و چیزهای دیگر.

- ۱۳- ﴿جَفَانٍ كَأَلْبُوبٍ﴾: کاسه‌های بزرگ مانند حوض‌های کلان.
- ۱۳- ﴿قُدُورٍ رَّاسِيَتٍ﴾: دیک‌های بزرگ ثابت در جای خود.
- ۱۴- ﴿دَابَّةُ الْأَرْضِ﴾: موربانه که چوب را می‌خورد.
- ۱۴- ﴿تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾: عصای او را می‌خورد.
- ۱۵- ﴿لِسَبَاٍ﴾: برای مردم سبا، قبیله‌ای است به یمن.
- ۱۵- ﴿ءَايَةٌ﴾: نشانه‌ای بر قدرت ما یا پند و عبرت است.
- ۱۵- ﴿جَنَّاتٍ﴾: دو باغ یا دو سلسله از باغ‌ها.
- ۱۵- ﴿بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ﴾: شهری است پاکیزه و فرحت‌آور.
- ۱۶- ﴿فَأَعْرَضُوا﴾: شکر و سپاس نکردند یا پیامبران خود را تکذیب کردند.
- ۱۶- ﴿سَيْلٍ الْعَرِمِ﴾: سیلی که از اثر تخریب سد یا از باران شدید جاری شد.
- ۱۶- ﴿أَكْلٍ حَمِطٍ﴾: میوه‌های تلخ، ترش و زشت.
- ۱۶- ﴿أَثَلٍ﴾: نوعی از درخت گز.
- ۱۸- ﴿الْقَرَى﴾: قریه‌های شام.
- ۱۸- ﴿قَرَى ظَهْرَةَ﴾: متصل و نزدیک به هم.
- ۱۸- ﴿قَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرِ﴾: ما در میان این آبادی‌ها مسافت‌های نزدیک به هم تعیین کردیم.
- ۱۹- ﴿فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ﴾: آنها را اخبار سرگرم کننده و شگفت آور قرار دادیم.
- ۱۹- ﴿مَرَقْنَاهُمْ﴾: آنها را در سرزمین‌های مختلف پراکنده ساختیم.
- ۲۰- ﴿صَدَقَ عَلَيْهِمْ﴾: درباره آنها به اثبات رساند.
- ۲۱- ﴿سُلْطَنٍ﴾: سلطه و غلبه به وسوسه و فریب.
- ۲۲- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن یک ذره از نفع و یا ضرر.
- ۲۲- ﴿ظَهِيرٍ﴾: یاور در آفرینش و تدبیر.
- ۲۳- ﴿فُرِعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ﴾: از دل‌هایشان ترس و خوف دور شود.

- ۲۳- ﴿الْحَقُّ﴾: سخن حق را گفت، اجازه شفاعت.
- ۲۵- ﴿أَجْرَمْنَا﴾: خطاهای که ما انجام دادیم.
- ۲۶- ﴿يَفْتَحُ بَيْنَنَا﴾: بین ما داوری و حکم می‌کند.
- ۲۶- ﴿هُوَ الْفَتَّاحُ﴾: اوست قاضی و حاکم.
- ۲۷- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست، از ادعای مشارکت بتان به خدای یکتا خودداری کنید.
- ۲۸- ﴿كَافَّةً لِلنَّاسِ﴾: به همه مردم.
- ۳۱- ﴿مَوْفُوفُونَ﴾: در محل حساب نگهداشته می‌شوند.
- ۳۱- ﴿يَرْجِعُ﴾: رد می‌کند و نسبت خطا می‌دهد.
- ۳۳- ﴿مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ﴾: حیل‌های شبانه روزی شما مانع هدایت ما شد.
- ۳۳- ﴿أَنذَادًا﴾: هم‌تاهای از مخلوقات و عبادتش نماییم.
- ۳۳- ﴿أَسْرُوا الدَّامَةَ﴾: ندامت را نهان داشتند یا اظهار کردند.
- ۳۳- ﴿الْأَعْلَلُ﴾: زنجیرهای که دست‌ها را به گردن می‌بندد.
- ۳۴- ﴿مُتْرَفُوهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت و پیشوایان فاسد آنجا.
- ۳۶- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هر کسی را بخواهد به مقتضای حکمت تنگ می‌کند.
- ۳۷- ﴿زُلْفَى﴾: نزدیکی و تقرب.
- ۳۷- ﴿لَهُمْ جَزَاءُ الضَّعْفِ﴾: ثواب آنها دو چند است.
- ۳۷- ﴿فِي الْعُرْفَتِ﴾: در منزل‌های عالی بهشت.
- ۳۸- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: نگهبانان دوزخ آنها را حاضر می‌کنند.
- ۳۹- ﴿يَقْدِرُ لَهُ﴾: هرکه را بخواهد کم روزی می‌کند.
- ۴۱- ﴿أَنْتَ وَلِيْنَا﴾: تو یگانه یاور ماستی.
- ۴۳- ﴿إِفْكُ مُفْتَرِي﴾: دروغ ساختگی.
- ۴۵- ﴿مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ﴾: یک دهم نعمت‌های که به آنها دادیم.

- ۴۵- ﴿كَانَ نَكِيرًا﴾: انکار من بر آنها با ویرانی و نابودیشان بود.
- ۴۶- ﴿مِّنْ جِنَّةٍ﴾: جنون.
- ۴۸- ﴿يَقْذِفُ بِالْحَقِّ﴾: حق را به باطل می افکند و نابودش می کند.
- ۵۱- ﴿فَرَعُوا﴾: هنگام مرگ یا رستاخیز بترسند.
- ۵۱- ﴿فَلَا فَوْتَ﴾: جای فرار و نجات از عذاب نیست.
- ۵۱- ﴿مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾: جای حساب.
- ۵۲- ﴿التَّائُوشُ﴾: بدست آوردن ایمان و توبه.
- ۵۲- ﴿مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾: آخرت.
- ۵۳- ﴿يَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ﴾: به گمان می گویند.
- ۵۴- ﴿بِأَشْيَاءِ عِهِم﴾: با همتایان کافر آنها.
- ۵۴- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک و اضطراب آور.

سوره فاطر

- ۱- ﴿فَاطِرٍ﴾: ایجاد کننده.
- ۲- ﴿مَا يَفْتَحُ اللَّهُ﴾: آنچه خدا بفرستد.
- ۳- ﴿فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از توحید اوتعالی برگردانده می شوند.
- ۵- ﴿فَلَا تُعْرَتَكُمْ﴾: آرایش و لذت‌های دنیا شما را نفریبد.
- ۵- ﴿الْعُرُورُ﴾: هر چه بفریبد و حيله کند از قبیل شیطان و غیره.
- ۸- ﴿فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسْرَتٍ﴾: از غم و اندوه اینها که چرا در کفر روانند جانت از دست نرود.
- ۹- ﴿فَتُثِيرُ سَحَابًا﴾: باد ابرها را حرکت می دهد.
- ۹- ﴿النُّشُورُ﴾: زنده شدن مرده‌ها برای جزاء.
- ۱۰- ﴿يُرِيدُ الْعِزَّةَ﴾: شرف و قدرت می خواهد.

- ۱۰- ﴿الْكَلِمُ الطَّيِّبُ﴾: کلمه توحید و تمام عبادت‌های که با زبان انجام می‌شود.
- ۱۰- ﴿الْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ﴾: خدا عمل صالح را بالا می‌برد و می‌پذیرد.^(۱)
- ۱۰- ﴿يَبُورُ﴾: باطل می‌گردد.
- ۱۱- ﴿أَزْوَاجًا﴾: ذکور و اناث.
- ۱۱- ﴿مُعَصَّرٍ﴾: عمر دراز.
- ۱۲- ﴿عَذْبُ فُرَاتٍ﴾: پاکیزه، شیرین و گوارا.
- ۱۲- ﴿سَائِغٌ شَرَابُهُ﴾: آبش گوارا و خوشمزه است.
- ۱۲- ﴿مِلْحٌ أُجَاجٌ﴾: بسیار شور یا تلخ.
- ۱۲- ﴿حَلِيَّةٌ﴾: لؤلؤ و مرجان.
- ۱۲- ﴿مَوَاحِرَ﴾: بوسیله باد جاری هستند.
- ۱۳- ﴿يُولِجُ﴾: داخل می‌کند.
- ۱۳- ﴿لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: تا روز معین یعنی روز قیامت.
- ۱۳- ﴿قَطْمِيرٍ﴾: پوست نازک هسته خرما.
- ۱۸- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر دوش نمی‌کشد...
- ۱۸- ﴿مُثْقَلَةً﴾: کسی که بار گناهش سنگین است.
- ۱۸- ﴿حَمِلَهَا﴾: بار گناهان سنگینش را.
- ۱۸- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و گناه پاکی اختیار کند.
- ۲۱- ﴿الْحُرُونَ﴾: گرمای شدید به شب مانند باد سوزان.

۱- این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است. و قول دوم این است که کردار نیک، سخن نیک را بالا می‌برد، زیرا کردار، برهان راستین بودن انسان در سخن نیکش است. بنابراین، هرگاه کردار شخص سخنش را تصدیق کند و گردارش مطابق گفتارش باشد، شایسته و سزاوار این است که الله آن را بالا برده و بپذیرد. و این آیه یکی از بزرگ‌ترین حجت‌های اهل سنت علیه اهل بدعت در باب اثبات صفت علو الله متعال است. (نگاه: تفسیر ابن کثیر ۵/۵۷۲-۵۷۳). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة على كتاب كلمات القرآن تفسير وبيان للشيخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۲۵- ﴿بِالزُّبُرِ﴾: به کتابها مثل صحیفه ابراهیم و تورات موسی علیهما السلام.
- ۲۶- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: انکار من بر آنها به ویرانی و نابودی شان بود.
- ۲۷- ﴿جُدُدٌ﴾: راهها با رنگهای مختلف.
- ۲۷- ﴿عَرَابِيبُ سُودٌ﴾: نهایت سیاه مانند زاغ.
- ۲۹- ﴿لَنْ تَبُورَ﴾: کساد یا نابود نمی گردد.
- ۳۲- ﴿ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ﴾: گناهانش بر حسناتش رجحان یابد.
- ۳۲- ﴿مُقْتَصِدٌ﴾: حسنات و گناهانش برابر باشد.
- ۳۲- ﴿سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ﴾: حسناتش بر گناهانش رجحان یابد.
- ۳۴- ﴿الْحَزَنُ﴾: هر چیز اندوه آور.
- ۳۵- ﴿دَارَ الْمُقَامَةِ﴾: بهشت.
- ۳۵- ﴿نَصَبٌ﴾: رنج و مشقت.
- ۳۵- ﴿لُغُوبٌ﴾: رنج از خستگی و ناتوانی.
- ۳۷- ﴿هُمَّ يَصْطَرِحُونَ﴾: آنها به شدت فریاد می کنند و کمک می خواهند.
- ۳۹- ﴿جَعَلَكُمْ خَلِيفَ﴾: شما را جانشین گذشتگان قرار داده.
- ۳۹- ﴿مَقْتًا﴾: غضب شدید، خواری و حقارت.
- ۴۰- ﴿أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ﴾: به من از شریکهای خود خبر دهید.
- ۴۰- ﴿أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ﴾: آیا آنها در آفرینش با خدا شریکند.
- ۴۰- ﴿عُرُورًا﴾: باطل یا فریب.
- ۴۲- ﴿جَهْدَ أَيْمَنِهِمْ﴾: سخت ترین سوگند.
- ۴۲- ﴿نُفُورًا﴾: دوری و فرار از حق.
- ۴۳- ﴿مَكْرَ السَّيِّئِ﴾: حيله گریهای ناشایست، در برابر پیامبر.
- ۴۳- ﴿لَا يَحِيقُ﴾: احاطه نمی کند یا نازل نمی شود.
- ۴۳- ﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ﴾: انتظار ندارند.

۴۳- ﴿سُنَّتِ الْأَوَّلِينَ﴾: سنت گذشتگان را، سنت الهی که به جرم تکذیب انبیاء به عذاب گرفتار شوند.

سوره یس

- ۷- ﴿لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ﴾: سوگند به خدا که عذاب ثابت و حتمی شد.
- ۸- ﴿أَعْلَلَّا﴾: زنجیرها که دست‌های آنها را به گردنشان می‌بندد.
- ۸- ﴿فَهُمْ مُّقَمَحُونَ﴾: سرهاشان را بالا گرفته‌اند و چشمانشان خیره است.
- ۹- ﴿سَدًّا﴾: حایل و مانعی.
- ۹- ﴿فَأَعَشَيْنَاهُمُ﴾: چشم‌های آنها را پرده پوشانده‌ایم.
- ۱۲- ﴿ءَأَثَرُهُمْ﴾: آنچه وضع کرده‌اند از نیکویها و زشتی‌ها.
- ۱۲- ﴿أَحْصَيْنَاهُ﴾: او را ثبت و حفظ نمودیم.
- ۱۲- ﴿إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾: اصل آشکار، لوح محفوظ.
- ۱۳- ﴿الْقَرْيَةِ﴾: انطاکیه.
- ۱۴- ﴿فَعَزَّزْنَا بِبَالِثٍ﴾: آن دو را با فرستادن سومی قوت و نیرو بخشیدیم.
- ۱۸- ﴿تَطَيَّرْنَا بِكُمْ﴾: شما را فال بد گرفتیم.
- ۱۹- ﴿طَلَّيْرُكُمْ مَعَكُمْ﴾: شومی شما کفرتان است که پیوسته با خود شماست.
- ۱۹- ﴿أَيْنَ ذُكِّرْتُمْ﴾: آیا اگر به شما پند و اندرز دهیم به فال بد می‌گیرید.
- ۲۰- ﴿يَسْعَى﴾: برای نصیحت قوم خود شتابان راه می‌رفت.
- ۲۲- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.
- ۲۳- ﴿لَا تُعْنِ عَنِّي﴾: از من دفع نخواهد کرد.
- ۲۹- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: یک آواز کشنده از جانب آسمان.
- ۲۹- ﴿خَلِمْدُونَ﴾: مانند آتش خاموش شدند.
- ۳۰- ﴿يَلْحَسِرَةً﴾: وا دردا، وا حسرتا.
- ۳۱- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را هلاک ساختیم.

- ۳۱- ﴿الْقُرُونِ﴾: ملت‌ها.
- ۳۲- ﴿لَمَّا جَمِيعٌ﴾: همه بدون استثناء.
- ۳۲- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: آنها را برای حساب و جزا احضار می‌کنیم.
- ۳۴- ﴿فَجَرْنَا فِيهَا﴾: در زمین جاری ساختیم.
- ۳۶- ﴿خَلَقَ الْأَزْوَاجَ﴾: گروه‌ها را آفرید.
- ۳۷- ﴿نَسَلْخُ مِنْهُ النَّهَارَ﴾: روشنی آفتاب را از شب دور می‌کنیم.
- ۳۹- ﴿كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ﴾: مانند شاخه خشک و کهن درخت خرما.
- ۴۰- ﴿لَا اللَّيْلُ﴾: نه آیت شب، ماه.
- ۴۰- ﴿سَابِقُ النَّهَارِ﴾: سبقت کننده است از نشانه روز، از آفتاب.
- ۴۰- ﴿يَسْبَحُونَ﴾: گسترده سیر می‌کنند یا می‌چرخند.
- ۴۱- ﴿ذُرِّيَّتَهُمْ﴾: فرزندان و ناتوانان آنها را.
- ۴۱- ﴿الْمَشْحُونِ﴾: مملو از انسان و سایر حیوانات.
- ۴۳- ﴿فَلَا صَرِيحٌ لَهُمْ﴾: هیچ کس نیست که آنها را از غرق نجات دهد.
- ۴۹- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: نفخه مرگ.
- ۴۹- ﴿هُمْ يَخْصِمُونَ﴾: آنها بی‌خبر و با یکدیگر در خصومت و ستیزند.
- ۵۱- ﴿نُفِخَ فِي الصُّورِ﴾: نفخه رستاخیز دمیده شود.
- ۵۱- ﴿الْأَجْدَاثِ...﴾: قبرها... ﴿يَنْسِلُونَ﴾: در بیرون آمدن می‌شتابند.
- ۵۳- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: یک آواز، نفخه بعث.
- ۵۳- ﴿مُحْضَرُونَ﴾: برای حساب و جزا احضارشان می‌کنیم.
- ۵۵- ﴿فِي شُغْلٍ﴾: نعمت‌های بزرگ آنها را به خود مشغول و از چیزهای دیگر غافل کرده است.
- ۵۵- ﴿فَلِكُهُونَ﴾: با لذت‌های فراوان شادند.
- ۵۶- ﴿عَلَى الْأَرْيَاقِ﴾: بر تخت‌ها در حجله‌ها.

- ۵۷- ﴿لَهُمْ مَا يَدْعُونَ﴾: هر چه آرزو می کنند و یا می طلبند برای آنها می رسد.
- ۵۹- ﴿أَمْتَرُوا﴾: از مسلمانان جدا شوید.
- ۶۰- ﴿أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ﴾: آیا به شما امر نکرده بودم یا شما را مکلف نساخته بودم.
- ۶۲- ﴿جِبَلًا﴾: گروهی یا جماعتی بسیاری را.
- ۶۴- ﴿أَصْلَوْهَا﴾: در آن داخل شوید یا رنج و سختی آن را بکشید.
- ۶۶- ﴿لَطَمَسْنَا﴾: محو و ناپدید کنیم.
- ۶۶- ﴿فَأَسْتَبْقُوا الصِّرَاطَ﴾: بشتابند و از یکدیگر پیشی گیرند.
- ۶۶- ﴿فَأَنَّى يُبْصِرُونَ﴾: پس چگونه راه را می بینند؟
- ۶۷- ﴿عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ﴾: در محل گناهشان.
- ۶۸- ﴿مَنْ نُعَمِّرْهُ﴾: هر که را عمر دراز دهیم.
- ۶۸- ﴿نُنَكِّسُهُ فِي الخَلْقِ﴾: او را به ارزل عمر برمی گردانیم.
- ۷۲- ﴿ذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ﴾: چارپای را برای انسان رام نمودیم.
- ۷۵- ﴿وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ﴾: بتها سپاه آماده کافران هستند همه را یکجا بخاطر عذاب در جهنم احضار می کنیم.
- ۷۷- ﴿هُوَ خَصِيمٌ﴾: در دشمنی و ستیز کوشاست.
- ۷۸- ﴿هِيَ رَمِيمٌ﴾: این استخوانها پوسیده اند.
- ۸۱- ﴿بِلَآئِكَ﴾: بله، او تواناست که امثال اینها را بیافریند.
- ۸۳- ﴿مَلَكُوتٍ﴾: پادشاهی کامل.

سوره صافات

- ۱- ﴿وَالصَّفَّاتِ صَفًّا﴾: قسم به گروه‌های که برای عبادت صف می کشند.
- ۲- ﴿فَالزَّجْرَتِ زَجْرًا﴾: و قسم به آن‌های که با گفتار و کردار از ارتکاب معاصی منع می کنند.

- ۳- ﴿فَالْتَلَيْتَ ذِكْرًا﴾: قرآن را برای آموختن تلاوت می‌کنند.
- ۴- ﴿إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ﴾: یقیناً خدای شما یکتاست، جواب قسم.
- ۷- ﴿شَيْطَانٍ مَّارِدٍ﴾: شیطان نافرمان و متمرّد.
- ۸- ﴿يُقَدِّفُونَ﴾: تیر باران می‌شوند.
- ۹- ﴿دُحُورًا﴾: دور کرده می‌شوند.
- ۹- ﴿عَذَابٌ وَأَصْبٌ﴾: عذاب دائمی.
- ۱۰- ﴿خَطَفَ الْأَخْطَفَةَ﴾: سخنی را دزدانه به سرعت بشنود.
- ۱۰- ﴿شِهَابٌ﴾: شعله‌ای که به نظر می‌رسد، مانند ستاره از آسمان فرود می‌آید. ثاقب: روشن کننده یا سوزان.
- ۱۱- ﴿طِينٍ لَّازِبٍ﴾: گل با هم چسبیده.
- ۱۲- ﴿بَلْ عَجِبْتَ﴾: تو از قدرت خدا برآفرینش و انکار اینها به رستاخیز تعجب می‌کنی.
- ۱۲- ﴿يَسْخَرُونَ﴾: ولی آنها به تعجب تو تمسخر می‌کنند.
- ۱۴- ﴿يَسْتَسْخَرُونَ﴾: در تمسخر و استهزاء افراط می‌کنند.
- ۱۸- ﴿أَنْتُمْ دَاخِرُونَ﴾: شما بیچاره و ذلیل باشید.
- ۱۹- ﴿زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: یک صدا، نفخه رستاخیز.
- ۲۰- ﴿يَوَيْلَنَا﴾: ای مرگ زودتر بیا.
- ۲۰- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز جزا و حساب.
- ۲۲- ﴿أَرْوَاهُمْ﴾: امثال آنها یا همنشین‌های آنها را.
- ۲۴- ﴿فَقُوهُمْ﴾: اینها را در میدان حساب نگهدارید.
- ۳۰- ﴿قَوْمًا طَٰغِينَ﴾: گروه نافرمان.
- ۳۱- ﴿فَحَقَّ عَلَيْنَا﴾: بر ما ثابت و حتمی شده است.
- ۳۲- ﴿فَأَعْوَيْنَاكُمْ﴾: شما را به گمراهی دعوت کردیم و پذیرفتید.

- ۴۰- ﴿الْمُخْلِصِينَ﴾: کسانی که خدا آنها را برای طاعت خود برگزیده است.
- ۴۵- ﴿بِكَأْسٍ﴾: شراب یا پیاله شراب.
- ۴۵- ﴿مِّن مَّعِينٍ﴾: از شرابی که از چشمه‌ها جاری می‌شود.
- ۴۷- ﴿لَا فِيهَا عُوقُلٌ﴾: ضررهای که در شراب دنیاست در آن نیست.
- ۴۷- ﴿عَنْهَا يُنْفُوتُونَ﴾: به سبب آن مست می‌شوند و خردشان زایل می‌گردد.
- ۴۸- ﴿قَلَصِرَاتُ الْظَّرْفِ﴾: زیبا رویان بهشتی که غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی‌کنند.
- ۴۸- ﴿عَيْنٌ﴾: چشمان بزرگ در کمال زیبایی.
- ۴۹- ﴿بَيْضٌ مَّكْنُونٌ﴾: تخم مرغ‌های پوشیده، گردی هم بر آنها نرسیده است.
- ۵۳- ﴿لَمَدِينُونَ﴾: محاسبه و جزاء داده می‌شویم.
- ۵۵- ﴿سَوَاءٌ الْجَحِيمِ﴾: میانه دوزخ.
- ۵۶- ﴿إِنْ كِدَتْ لَتُرْدِينَ﴾: نزدیک بود مرا گمراه و نابود کنی.
- ۵۷- ﴿الْمُحْضَرِينَ﴾: از احضار شدگان در دوزخ مانند خودت.
- ۶۲- ﴿خَيْرٌ نُّزُلًا﴾: مهمانی، اکرام و لذت است.
- ۶۲- ﴿شَجَرَةُ الزُّقُومِ﴾: خبیث‌ترین درختی که در دوزخ می‌روید.
- ۶۳- ﴿فِتْنَةٌ لِّلظَّالِمِينَ﴾: بلا و عذابی است بر ستمگران در آخرت.
- ۶۴- ﴿أَصْلُ الْجَحِيمِ﴾: قعر جهنم.
- ۶۵- ﴿ظَلَعَهَا﴾: میوه آن که مانند خوشه خرماست.
- ۶۵- ﴿كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ﴾: مانند سرهای شیاطین، تمثیل است برای نهایت زشتی.
- ۶۷- ﴿لَشَوْبًا﴾: مخلوطی.
- ۶۷- ﴿مِّن حَمِيمٍ﴾: از آب جوشان.
- ۷۰- ﴿عَلَىٰ آثَرِهِمْ يُهْرَعُونَ﴾: به شتاب به دنبال پدرانشان رانده می‌شوند.

- ۸۳- ﴿مِنْ شَيْعَتِهِ﴾: از کسانی که اندیشه و راه نوح را دنبال کردند.
- ۸۶- ﴿أَيْفَاكَ﴾: آیا باطل و دروغی؟
- ۸۸- ﴿فَنَظَرَ﴾: همچو کاملان به دقت نگرست.
- ۸۹- ﴿إِنِّي سَقِيمٌ﴾: من بیمارم، مرادش این بود که قلبش از مشاهده کفر آنها بیمار است.
- ۹۱- ﴿فَرَاغَ إِلَى الْهَتِيمِ﴾: نهانی به سوی بتها رفت تا آنها را بشکند.
- ۹۳- ﴿ضَرْبًا بِالْيَمِينِ﴾: آنها را به شدت کوبید.
- ۹۴- ﴿يَزِفُونَ﴾: به شتاب می آمدند.
- ۱۰۱- ﴿بِعُلْمِ حَلِيمٍ﴾: به نوجوانی بردبار، بسیاری از عالما ترجیح داده اند که اسماعیل علیه السلام است.
- ۱۰۲- ﴿بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ﴾: به مرتبه ای رسید که همراه پدر نیازمندی های او را انجام دهد.
- ۱۰۳- ﴿أَسْلَمًا﴾: به امر خدا تسلیم شدند.
- ۱۰۳- ﴿تَلَّهُ لِلْجَبِينِ﴾: او را خوابانید و جبینش را بر خاک نهاد.
- ۱۰۶- ﴿الْبَلَاؤُا الْمُبِينُ﴾: آزمون روشن یا بلای آشکار است.
- ۱۰۷- ﴿بِذَبْحٍ﴾: به قوچی که ذبح شود.
- ۱۲۵- ﴿أَتَدْعُونَ بَعْلًا﴾: آیا بعل را پرستیش می کنید، نام بت است.
- ۱۲۷- ﴿لَمُحْضَرُونَ﴾: آنها را فرشتگان در دوزخ حاضر می کنند.
- ۱۳۰- ﴿إِلَ يَاسِينَ﴾: الیاس یا او و پیروانش.
- ۱۳۵- ﴿فِي الْغَابِرِينَ﴾: از باقی ماندگان در عذاب.
- ۱۳۶- ﴿دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ﴾: بقیه را هلاک کردیم.
- ۱۳۷- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: صبحگاهان.
- ۱۴۰- ﴿أَبَقَ﴾: گریخت. ﴿الْمَشْحُونِ﴾: پر.
- ۱۴۱- ﴿فَسَاهَمَ﴾: اهل کشتی قرعه زدند.

- ۱۴۱- ﴿الْمُدْحَضِينَ﴾: از مغلوب شدگان به قرعه.
- ۱۴۲- ﴿فَالْتَمَمَهُ الْخُوْثُ﴾: ماهی او را بلعید.
- ۱۴۲- ﴿هُوَ مُلِيمٌ﴾: او کار ملامت آور انجام داده بود.
- ۱۴۳- ﴿الْمُسَبِّحِينَ﴾: بسیار تسبیح می گفت.
- ۱۴۵- ﴿فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ﴾: او را به سرزمین پهناور افکندیم.
- ۱۴۶- ﴿يَقْطِبِينَ﴾: همین کادوی معروف و گفته شده چیز دیگر است.
- ۱۵۱- ﴿إفْكِهِمْ﴾: دروغ شان بر خدا.
- ۱۵۳- ﴿أَصْطَفَى﴾: اختیار کرده، استفهام توییخی است.
- ۱۵۶- ﴿سُلْطَنٌ﴾: دلیل روشن.
- ۱۵۸- ﴿الْحِنَّةُ﴾: فرشتگان یا شیاطین.
- ۱۵۸- ﴿إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ﴾: بدون شک کافرها به دوزخ حاضر کرده می شوند.
- ۱۶۲- ﴿عَلَيْهِ يَفْتَنِينَ﴾: هیچ کس را نمی توانید فاسد و از خدا دور نمایید.
- ۱۶۳- ﴿صَالِ الْجَحِيمِ﴾: اهل دوزخ.
- ۱۶۵- ﴿الصَّافُونَ﴾: ما خود در مقام عبادت به صف ایستاده ایم.
- ۱۶۶- ﴿الْمُسَبِّحُونَ﴾: خدا را از آنچه سزاوار جلالت او نیست پاکیزه می دانیم.
- ۱۷۷- ﴿بِسَاحَتِهِمْ﴾: به ساحت منزل آنها مراد خود آنهاست.
- ۱۸۰- ﴿رَبِّ الْعِزَّةِ﴾: پروردگار توانا.

سوره ص

۱- ﴿وَالْقُرْآنِ﴾: قسم به قرآن. جواب قسم: واقعیت امر چنانچه شما می پندارید نیست.

۱- ﴿ذِي الْذِكْرِ﴾: امور مورد نیاز در دین را بیان می کند.

۲- ﴿عِزَّةٍ﴾: از پذیرش حق تکبر و سرپیچی می کنند.

- ۲- ﴿شِقَاقٌ﴾: در مخالفت و دشمنی با خدا و رسول او هستند.
- ۳- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را نابود کردیم.
- ۳- ﴿قَرْنٍ﴾: امتهای.
- ۴- ﴿فَنَادَوْا﴾: هنگام مشاهده عذاب فریاد کردند.
- ۴- ﴿لَاتَ حِينَ مَنَاصٍ﴾: آن وقت، مجال خلاصی و فرار نیست.
- ۵- ﴿عُجَابٌ﴾: شگفت انگیز.
- ۶- ﴿الْمَلَأُ مِنْهُمْ﴾: سران کفار قریش.
- ۶- ﴿أَمْشُوا﴾: به دین خود رفتار نمایید.
- ۷- ﴿الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ﴾: آیین قریش.
- ۷- ﴿أَخْتَلَقُ﴾: دروغ و افترای خود اوست.
- ۱۰- ﴿الْأَسْبَابِ﴾: وسایل رفتن به آسمان.
- ۱۱- ﴿جُنْدٌ مَّا﴾: آنها گروه حقیرند «ما» زاید است.
- ۱۱- ﴿هُنَالِكَ﴾: روز فتح مکه یا بدر.
- ۱۲- ﴿ذُو الْأَوْتَادِ﴾: صاحب لشکرها یا ساختمان‌های مستحکم.
- ۱۳- ﴿أَصْحَابُ لُيْكَةَ﴾: ساکنان دیار پر درخت و درهم پیچیده، قوم شعیب.
- ۱۵- ﴿مَا يَنْظُرُ﴾: انتظار نمی‌کشند.
- ۱۵- ﴿صَيْحَةً وَاحِدَةً﴾: نفخه رستاخیز.
- ۱۶- ﴿قِطْنَا﴾: سهم ما را از عذابی که وعده داده‌ای.
- ۱۷- ﴿ذَا الْأَيْدِ﴾: دارای نیرو در دین و عبادت.
- ۱۷- ﴿إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾: به فرمان خدا رجوع می‌کرد.
- ۱۸- ﴿بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾: شام و چاشت.
- ۲۰- ﴿شَدَدْنَا مُلْكَهُ﴾: با اسباب قوت و نیرو، پادشاهی و قدرتش را افزودیم.
- ۲۰- ﴿ءَاتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ﴾: برای او نبوت، دانش و عمل درست دادیم.

- ۲۰- ﴿فَصَلِّ الْخُطَابِ﴾: دانش فیصله خصومت‌ها.
- ۲۱- ﴿تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ﴾: از دیوار مسجد بلند شدند و به نزد او آمدند.
- ۲۲- ﴿بَعَى بَعْضُنَا﴾: یکی از ما ستم کرده است.
- ۲۲- ﴿لَا تُشْطِطْ﴾: بی‌انصافی نکن.
- ۲۲- ﴿سَوَاءٍ الصِّرَاطِ﴾: راه راست که حقیقت است.
- ۲۳- ﴿أَكْفَلْنِيهَا﴾: آن را به من بده تا از او سرپرستی کنم.
- ۲۳- ﴿عَزَّنِي فِي الْخُطَابِ﴾: در اظهار حجت بر من فشار آورده و سخت گرفته است.
- ۲۴- ﴿الْخُلَطَاءِ﴾: شریکها.
- ۲۴- ﴿فَتَنَّهُ﴾: او را آزموده‌ایم.
- ۲۴- ﴿خَرَّ رَاكِعًا﴾: به خدا سجده کرد.
- ۲۴- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.
- ۲۵- ﴿لَزُلْفَى﴾: قربت و منزلت است.
- ۲۵- ﴿حُسْنِ مَثَابَ﴾: در آخرت سرانجام نیکو دارد، بهشت.
- ۲۷- ﴿بَطِلًا﴾: بیهوده و عبث.
- ۲۷- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا وادیی است در جهنم.
- ۳۰- ﴿إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾: به درگاه خدا همواره با توبه رجوع می‌کرد.
- ۳۱- ﴿بِالْعَشِيِّ﴾: بعد از زوال تا غروب.
- ۳۱- ﴿الصَّفِينَتِ﴾: اسب‌های که به سه پا و نوک چهارم ایستاد شوند.
- ۳۱- ﴿الْحِيَادِ﴾: اسبان تیز و سبقت‌گیرنده بر دشمن.
- ۳۲- ﴿أَحَبُّتُ حُبَّ الْخَيْرِ﴾: علاقه‌مندی به اسبها را ترجیح دادم.
- ۳۲- ﴿عَنْ ذِكْرِ رَبِّي﴾: بر ادای نماز عصر.

- ۳۲- ﴿تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾: آفتاب غروب کرد یا در تاریکی شب اسبها از نظرش نهان شد.
- ۳۳- ﴿رُدُّوْهَا عَلَيَّ﴾: اسبها را نزد من بیاورید.
- ۳۳- ﴿فَطَفِقَ مَسْحًا بِالْسُوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾: سپس به منظور تقرب به خدا به بریدن سر و ساق اسبها شروع کرد، این کار در آیین او مشروع بود.
- ۳۴- ﴿فَتَنَّا سُلَيْمَانَ﴾: سلیمان را آزمودیم و مجازات کردیم.
- ۳۴- ﴿جَسَدًا﴾: انسان ناقص خلقت را که همسرش به دنیا آورده بود.
- ۳۴- ﴿أَنَابَ﴾: توبه کرد.
- ۳۶- ﴿رُخَاءَ حَيْثُ أَصَابَ﴾: نرم یا فرمانبردار هر جا که بخواهد.
- ۳۷- ﴿غَوَاصٍ﴾: برای استخراج نفایس غواصی می کردند.
- ۳۸- ﴿الْأَصْفَادِ﴾: غل که دستها را به گردنها می بندد.
- ۳۹- ﴿بِعَيْرٍ حِسَابٍ﴾: در هیچ کدام از این دو امر محاسبه نمی شوی.
- ۴۰- ﴿لَزُلْفَى﴾: قربت و منزلت است.
- ۴۰- ﴿حُسْنِ مَعَابٍ﴾: سرانجام نیکوست در آخرت.
- ۴۱- ﴿بِنُصَبٍ وَعَذَابٍ﴾: به سختی و مشقت، رنج و عذاب.
- ۴۲- ﴿أَرْكُضٍ بَرَجَلِكَ﴾: پای خود را بر زمین بزن.
- ۴۲- ﴿هَذَا مُغْتَسَلٌ﴾: این چشمه است خود را شستشوکن، در آن شفای تو است.
- ۴۴- ﴿ضِعْتًا﴾: یک دسته شاخه درخت یا خوشه خرماي نارس.
- ۴۵- ﴿أُولَى الْأَيْدِي﴾: دارای نیرو در طاعت خدا.
- ۴۵- ﴿وَالْأَبْصَرِ﴾: و بیصرت در دین و دانش.
- ۴۶- ﴿أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ﴾: آنها را به خصلت نیک ویژگی بخشیدیم.
- ۵۲- ﴿قَلَصِرَاتُ الظَّرْفِ﴾: بجز از شوهران خود به کسی نگاه نمی کنند.
- ۵۲- ﴿أَثْرَابَ﴾: همه جوان و هم سن و سال هستند.

- ۵۴- ﴿تَقَادٍ﴾: فنا ناپذیر.
- ۵۵- ﴿لَشَرِّ مَقَابٍ﴾: بازگشت بد است.
- ۵۶- ﴿جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا﴾: به دوزخ داخل می‌شوند یا سختی آن را می‌کشند.
- ۵۶- ﴿فَيْئَسُ الْإِهَادِ﴾: جهنم جای بد است.
- ۵۷- ﴿حَمِيمٌ﴾: آب جوشان است.
- ۵۷- ﴿عَسَاقٌ﴾: ریمی که از بدن دوزخیان جاری می‌شود.
- ۵۸- ﴿ءَاخِرٌ﴾: عذاب دیگر.
- ۵۸- ﴿مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ﴾: مانند این عذابهای دیگر هم است.
- ۵۹- ﴿هَذَا فَوْجٌ﴾: این جماعت انبوه پیروان گمراه شماست.
- ۵۹- ﴿مُقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ﴾: با شما یکجا وارد دوزخ می‌شوند.
- ۵۹- ﴿لَا مَرْحَبًا بِهِمْ﴾: خوش نیامدند و آسایش نبینند.
- ۵۹- ﴿صَالُوا النَّارِ﴾: در دوزخ داخل خواهند شد یا سختی‌های آن را خواهند چشید.
- ۶۰- ﴿فَيْئَسُ الْقَرَارِ﴾: جهنم بر همه آنها جای بسیار بد است.
- ۶۳- ﴿أَتَخَذْنَهُمْ سِحْرِيًّا﴾: آیا ما آنها را در دنیا به استهزا گرفتیم، کار ما نادرست بوده؟
- ۶۳- ﴿زَاعَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصُرُ﴾: چشم ما به آنها نمی‌افتد و جای آنها را نمی‌بینیم.
- ۶۹- ﴿بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى﴾: به فرشتگان.
- ۶۹- ﴿إِذْ يَخْتَصِمُونَ﴾: زمانی که در مورد آدم و خلقت او اختلاف داشتند.
- ۷۲- ﴿سَوِيَّتُهُ﴾: آفرینش او را به صورت انسان به تمام رساندم.
- ۷۲- ﴿سَجِدِينَ﴾: سجده تحیت و سلام.
- ۷۵- ﴿الْعَالِينَ﴾: مستحق بزرگی، نه هرگز چنین نیست.
- ۷۷- ﴿رَجِيمٌ﴾: دور از خبر.

- ۷۹- ﴿فَأَنْظِرْنِي﴾: مهلتم بده و زنده‌ام بمان.
- ۸۱- ﴿يَوْمَ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾: روز نفخه اول.
- ۸۲- ﴿فَبِعِزَّتِكَ﴾: قسم به توانایی و قدرتت.
- ۸۲- ﴿لَأُعَوِّبَهُمْ﴾: با آراستن گناه به چشم آنها گمراه‌شان می‌کنم.
- ۸۶- ﴿الْمُتَكَلِّفِينَ﴾: از تظاهر کنندگان و سخن سازان نسبت به خدا.
- ۸۸- ﴿نَبَأَهُ﴾: صدق اخبار او را.

سوره زمر

- ۲- ﴿مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾: طاعت و عبادت را خالص برای او.
- ۳- ﴿زُلْفَى﴾: نزدیک گردانیدن.
- ۴- ﴿سُبْحَانَهُ﴾: خدا از اختیار فرزند پاک و منزه است.
- ۵- ﴿يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ﴾: شب را بر روز می‌پیچد مانند لباس بر انسان پس روز نهان و تاریکی ظاهر می‌گردد.
- ۶- ﴿أَنْزَلَ لَكُمْ﴾: برای شما آفرید.
- ۶- ﴿مِنَ الْأَنْعَامِ﴾: شتر، گاو، گوسفند و بز.
- ۶- ﴿ظَلَمْتِ ثَلَاثٍ﴾: سه تاریکی، تاریکی بطن، رحم و مشیمه.
- ۶- ﴿فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او روگردان می‌شوید؟
- ۷- ﴿لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ گناه‌کاری بر دوش نمی‌کشد...
- ۸- ﴿مُنِيبًا إِلَيْهِ﴾: به فریاد و زاری به خدا رجوع می‌کند.
- ۸- ﴿حَوْلَهُ نِعْمَةٌ﴾: از فضل و احسان به او نعمت بزرگ بدهد.
- ۸- ﴿أَنْدَادًا﴾: همتایانی و آنها را عبادت می‌کند.
- ۹- ﴿هُوَ قَنِيتٌ﴾: وی عابد و مطیع فرمان خداست.
- ۹- ﴿ءَأَنَاءَ اللَّيْلِ﴾: ساعت‌های از شب.

- ۱۰- ﴿بِعَيْرِ حِسَابٍ﴾: بی نهایت یا فراوان.
- ۱۶- ﴿ظُلُلٌ مِّنَ النَّارِ﴾: طبقه‌های متراکم دوزخ.
- ۱۷- ﴿أَجْتَبُوا الطُّغُوتَ﴾: از بتها و معبودهای باطل اجتناب کردند.
- ۱۷- ﴿أَنَابُوا إِلَى اللَّهِ﴾: به عبادت خدا رجوع کردند.
- ۱۹- ﴿حَقَّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب و ثابت شد.
- ۲۰- ﴿لَهُمْ غُرُفٌ﴾: در جنت برای آنها قصرهای عالی است.
- ۲۱- ﴿فَسَلَكَهُ وَيَنْبِيعُ﴾: پس آن را در چشمه‌ها و مجراها وارد نمود.
- ۲۱- ﴿يَهِيحُ﴾: خشک می‌شود.
- ۲۱- ﴿يَجْعَلُهُ حُطْلَمًا﴾: آن را شکسته و ریزه ریزه می‌کند.
- ۲۲- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.
- ۲۳- ﴿أَحْسَنَ الْحَدِيثِ﴾: رساترین و راست‌ترین سخن را، قرآن.
- ۲۳- ﴿كِتَابًا مُّتَشَبِهًا﴾: کتابی که بعضی از آن مشابه برخی دیگر است در اعجاز، هدایت و خصوصیات دیگر.
- ۲۳- ﴿مَّثَانِي﴾: در آن احکام، موعظه‌ها، قصه‌ها و غیره به تکرار بیان شده است.
- ۲۳- ﴿تَفْشَعِرُ مِنْهُ﴾: از وعیدهای قرآن می‌لرزد و مضطرب می‌شود.
- ۲۳- ﴿تَلِينُ جُلُودَهُمْ﴾: پوست‌های آنها آرامش می‌یابد.
- ۲۶- ﴿الْحِزْيِ﴾: ذلت و خواری را.
- ۲۸- ﴿عَوَجٍ﴾: اختلافی و اختلالی.
- ۲۹- ﴿شُرَكَاءَ مُتَشَكِّسُونَ﴾: شریکان بدخوکه همواره با هم در نزاع هستند.
- ۲۹- ﴿سَلَمًا لِّرَجُلٍ﴾: تنها از یک نفر باشد.
- ۳۲- ﴿مَثْوَى لِّلْكَافِرِينَ﴾: جایگاهی برای کافران.
- ۳۸- ﴿أَفْرَاءَ يُتْمِمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۳۸- ﴿حَسْبِيَ اللَّهُ﴾: در همه امور خدا مرا بس است.

- ۳۹- ﴿مَكَانَتِكُمْ﴾: توانایی خود.
- ۴۰- ﴿يُحْزِيهِ﴾: ذلیلش گرداند.
- ۴۰- ﴿يَحِلُّ عَلَيْهِ﴾: بر او واجب شود.
- ۴۲- ﴿يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ﴾: جان را قبض می‌کند.
- ۴۴- ﴿لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا﴾: هیچ کس در حضور خدا شفاعت نمی‌کند مگر به اجازه او.
- ۴۵- ﴿أَشْمَأَزَّتْ﴾: از یکتا پرستی متنفر و دلیگر شود.
- ۴۶- ﴿فَاطِرٍ...﴾: ای آفریدگار...
- ۴۷- ﴿يَحْتَسِبُونَ﴾: گمان می‌کردند و انتظارش را داشتند.
- ۴۸- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کند یا بر آنها فرود آید.
- ۴۹- ﴿خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً﴾: از فضل و احسان به او نعمتی بدهیم.
- ۴۹- ﴿هِيَ فِتْنَةٌ﴾: آن نعمت آزمایشی است.
- ۵۱- ﴿بِمُعْجِزِينَ﴾: از عذاب الهی نمی‌توانند فرار نمایند.
- ۵۲- ﴿يَقْدِرُ﴾: روزی هرکه را بخواهد به روی حکمتی کم می‌کند.
- ۵۳- ﴿أَسْرَفُوا﴾: در ارتکاب معاصی از حد تجاوز کردند.
- ۵۳- ﴿لَا تَقْنَطُوا﴾: نومید نشوید.
- ۵۳- ﴿الذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾: همه گناهان را به جز از شرک.
- ۵۴- ﴿أَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ﴾: با توبه و طاعت به خدای خود رجوع کنید.
- ۵۴- ﴿أَسْلِمُوا لَهُ﴾: او تعالی را به اخلاص عبادت کنید.
- ۵۵- ﴿بَعَثَهُ﴾: ناگهان.
- ۵۶- ﴿يَحْسِرْتَنِي﴾: وای اندوه بی‌کران، وای ندامت و پشیمانی.
- ۵۶- ﴿فَرَطْتُ﴾: کوتاهی کردم.
- ۵۶- ﴿فِي جَنْبِ اللَّهِ﴾: در طاعت، اجرای دستور و حق او تعالی.

- ۵۶- ﴿السَّخِرِينَ﴾: اسلام، آقران و مسلمانان را به استهزا می گرفتند.
- ۵۸- ﴿كَرَّةٍ﴾: بازگشت به دنیا.
- ۶۰- ﴿مَمْنُونٍ لِّلْمُتَكَبِّرِينَ﴾: جای متکبران.
- ۶۱- ﴿بِمَقَارَتِهِمْ﴾: به سبب دست یافتن ایشان به مطلوب.
- ۶۳- ﴿لَّهُمْ مَقَالِيدُ...﴾: کلیدها یا خزانه‌های... از آن اوست.
- ۶۵- ﴿أَيَّحْبَطَنَّ عَمَلَكَ﴾: عملت باطل می گردد.
- ۶۷- ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ...﴾: خدا را نشناختند یا به عظمت او پی نبردند...
- ۶۷- ﴿قَبَضْتُهُ﴾: در توان و تصرف اوست.
- ۶۷- ﴿مَطْوِيَّتًا بِيَمِينِهِ﴾: به قدرت خدا در هم پیچیده می شوند، مانند پیچاندن نوسینده نامه را.
- ۶۸- ﴿الصُّورِ﴾: شاخی که اسرافیل در آن می دمد، در نفخه اول.
- ۶۸- ﴿فَصَعِقَ﴾: بمیرد.
- ۶۹- ﴿وُضِعَ الْكِتَابُ﴾: نامه اعمال انسان داده شود.
- ۷۱- ﴿زُمَرًا﴾: گروه‌های پراکنده و پی در پی.
- ۷۱- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و ثابت شد.
- ۷۳- ﴿طَبَّتُمْ﴾: از لوث گناه پاک شدید.
- ۷۴- ﴿صَدَقْنَا وَعْدَهُ﴾: نعمتهای که به ما وعده داده بود وفا کرد.
- ۷۴- ﴿تَنْبَأُوا﴾: جای می گیریم.
- ۷۵- ﴿حَاقِبِينَ﴾: احاطه کرده اند.

سوره غافر

- ۳- ﴿غَافِرِ الذَّنْبِ﴾: گناه مسلمانان را می پوشاند.
- ۳- ﴿قَابِلِ التَّوْبِ﴾: توبه هر گناه کار را می پذیرد.
- ۳- ﴿ذِي الطَّوْلِ﴾: توانگر یا دارای فضل، انعام و احسان.
- ۴- ﴿فَلَا يَعْزُرُكَ﴾: تو را نفریبند.
- ۴- ﴿تَقَلُّبُهُمْ﴾: رفت و آمد پر منفعت آنها زیرا این استدراج است.
- ۵- ﴿لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ﴾: تا بوسیله باطل حق را نابود کنند.
- ۶- ﴿حَقَّتْ﴾: واجب و مقرر شد به نابود ساختن.
- ۷- ﴿سَبِيلِكَ﴾: راه هدایت، اسلام.
- ۷- ﴿وَوَقَّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾: آنها را از عذاب جحیم نگهدار.
- ۹- ﴿وَوَقَّهُمُ السَّيِّئَاتِ﴾: آنها را از گناه یا از عذاب آن نگهدار.
- ۱۰- ﴿لَمَقْتُ اللَّهِ﴾: دشمنی و غضب شدید خدا بر شما.
- ۱۲- ﴿تُؤْمِنُوا﴾: باور می کردید.
- ۱۳- ﴿يُنِيبُ﴾: با تفکر در آیات رجوع می کند.
- ۱۵- ﴿رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ﴾: آسمانها را بر فراز هم افراشته است.
- ۱۵- ﴿يُلْقِي الرُّوحَ﴾: وحی یا قرآن یا جبریل را می فرستد.
- ۱۵- ﴿يَوْمَ التَّلَاقِ﴾: روز اجتماع در محشر.
- ۱۶- ﴿بَرِزُونَ﴾: از قبرها آشکار بیرون می آیند و هیچ چیز آنها را پنهان نمی کند.
- ۱۸- ﴿يَوْمَ الْأَرْفَةِ﴾: روز نزدیک، روز قیامت.
- ۱۸- ﴿الْحَنَاجِرِ﴾: حلقها.
- ۱۸- ﴿حَمِيمٍ﴾: دوست مشفق که به آنها اهمیت بدهد.

- ۱۹- ﴿خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ﴾: نگاه خائنانه را.
- ۲۱- ﴿وَاقٍ﴾: مدافعی که از آنها عذاب را دور کند.
- ۲۵- ﴿أَسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ﴾: دختران آنها را برای خدمت زنده بگذارید.
- ۲۵- ﴿ضَلَّلٍ﴾: نابودی و بطلان.
- ۲۷- ﴿عُدَّتْ يَرْيِّ﴾: به خدایم پناه گرفتیم.
- ۲۹- ﴿ظَاهِرِينَ﴾: پیروز و برترید.
- ۲۹- ﴿بَأْسِ اللَّهِ﴾: عذاب و انتقام خدا.
- ۲۹- ﴿مَا أُرِيكُمْ﴾: شما را راهنمایی نمی‌کنم.
- ۳۰- ﴿الْأَحْزَابِ﴾: ملت‌های گذشته که علیه انبیاء یاور هم بودند.
- ۳۱- ﴿دَابِّ قَوْمِ نُوحٍ﴾: عادت آنها در تکذیب پیامبران.
- ۳۲- ﴿يَوْمَ التَّنَادِ﴾: روز قیامت، در آن روز مردم را به محشر می‌خوانند.
- ۳۳- ﴿عَاصِمٍ﴾: دفاع کننده.
- ۳۴- ﴿مُرْتَابٍ﴾: شک و تردید کننده در دین و یگانگی خدا.
- ۳۵- ﴿بِغَيْرِ سُلْطَنِ﴾: بدون دلیل.
- ۳۵- ﴿كَبْرٍ مَّقْتًا﴾: جدال بدون دلیل آنها دشمنی بزرگ است.
- ۳۶- ﴿صَرْحًا﴾: قصری یا ساختمان بلند و نمایان.
- ۳۶- ﴿أَبْلُغُ الْأَسْبَبِ﴾: به درها یا به راه‌ها برسم.
- ۳۷- ﴿تَبَابٍ﴾: تباهی و نابودی.
- ۴۰- ﴿بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾: اعطای رازق مطلق بی‌نهایت است.
- ۴۳- ﴿لَا جَرَمَ﴾: حق و ثابت است یا در حقیقت.
- ۴۳- ﴿مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ﴾: باز گشت ما بعد از مرگ به سوی خداست که همه را کیفر و پاداش می‌دهد.
- ۴۵- ﴿حَاقٍ﴾: احاطه کرد یا نازل شد.

- ۴۶- ﴿عُدُوْا وَعَشِيَّآ﴾: صبح و شام یا دایم در برزخ.
- ۴۷- ﴿مُعْتُوْنَ عَنَّا﴾: از ما دفاع می کنید یا به جای ما بر می دارید.
- ۵۱- ﴿يَقُوْمُ الْاَشْهَدُ﴾: فرشتگان، پیامبران و مؤمنان به شهادت برخیزند.
- ۵۲- ﴿مَعْدِرْتُهُمْ﴾: بهانه یا عذر خواهی ایشان.
- ۵۵- ﴿بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَرِ﴾: هر صبح و شام یا دایم.
- ۵۶- ﴿مَا هُمْ بِبَلِغِيهِ﴾: هرگز به اسباب کبر و بزرگ‌نمایی نخواهند رسید.
- ۶۰- ﴿دَاخِرِيْنَ﴾: باپستی و حقارت.
- ۶۲- ﴿فَاَنَّى تُؤْفَكُوْنَ﴾: پس چگونه از توحید اوتعالی منحرف می شوید؟
- ۶۳- ﴿يُؤْفَكُ﴾: از توحید حق منحرف می شوند.
- ۶۴- ﴿الْاَرْضَ قَرَارًا﴾: زمین را محل زندگی و آرامش.
- ۶۴- ﴿السَّمَاءَ بِنَاءً﴾: آسمان را سقف برافراشته مانند قبه بالای سر شما.
- ۶۴- ﴿فَتَبَارَكَ اللهُ﴾: خدا بزرگ است یا خیرش فراوان است.
- ۶۶- ﴿اَنْ اُسْلِمَ﴾: که فرمانبردار باشم یا دین خود را خالص گردانم.
- ۶۷- ﴿لِتَبْلُغُوْا اَشَدَّكُمْ﴾: تا به کمال عقل و قوت برسید.
- ۶۸- ﴿قَضَىْ اَمْرًا﴾: اراده ایجاد کاری را بکند.
- ۶۹- ﴿اَنِّيْ يُصْرَفُوْنَ﴾: چگونه از آیات با همه راستی و وضاحت آنها منحرف ساخته می شوند؟
- ۷۱- ﴿الْاَغْلُلُ﴾: زنجیرهای که دست‌ها و گردن‌ها را با هم می بندد.
- ۷۲- ﴿الْحَمِيْمِ﴾: آب جوشان.
- ۷۲- ﴿يُسْجَرُوْنَ﴾: سوزانده می شوند یا دوزخ از آنها پر می شود.
- ۷۵- ﴿تَفْرَحُوْنَ﴾: سرمستی و تکبر می نمودید.
- ۷۵- ﴿تَمْرَحُوْنَ﴾: بسیار کبر می کردید.
- ۷۶- ﴿مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِيْنَ﴾: جایگاه متکبران.

- ۸۰- ﴿حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ﴾: به چیزهای مهمی که به آن ارزش قایلید.
- ۸۲- ﴿فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ﴾: از آنها دفع نکرد و به آنها نفع نرسانید.
- ۸۳- ﴿مِنَ الْعِلْمِ﴾: از دانش به امور دنیا، دین را مسخره می‌کردند.
- ۸۳- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کرد یا بر آنها فرود آمد.
- ۸۴- ﴿رَأَوْا بَأْسَنَا﴾: شدت عذاب ما را در دنیا مشاهده کردند.
- ۸۵- ﴿خَلَّتْ﴾: گذشته است.

سوره فصلت

- ۳- ﴿فُصِّلَتْ آيَاتُهُ﴾: آیات آن دسته بندی شده است یا به روشنی بیان شده است.
- ۵- ﴿فِي أَكْثَرِ﴾: از خلقت در پوششی است که مانع فهم و درک می‌شود.
- ۵- ﴿وَقُرْ﴾: سنگینی است که مانع شنیدن می‌گردد.
- ۵- ﴿حِجَابٌ﴾: پرده‌ای ضخیمی است که مانع سازگاری ما با تو می‌شود.
- ۶- ﴿فَأَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ﴾: با طاعت و عبادت متوجه او تعالی باشید.
- ۶- ﴿وَيَلِّ لِلْمُشْرِكِينَ﴾: بر مشرکین هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید باد.
- ۸- ﴿غَيْرِ مَمْنُونٍ﴾: جاودانی.
- ۹- ﴿أَنْدَادًا﴾: همتایانی از مخلوقات و آنها را پرستش می‌کنید.
- ۱۰- ﴿رَوَّاسِي﴾: کوه‌های استوار که مانع تکان زمین می‌شوند.
- ۱۰- ﴿بَرَكَ فِيهَا﴾: منافع و خیر زمین را بسیار کرد. ﴿أَقْوَاتَهَا﴾: مواد غذایی و مصالح زندگی ساکنان زمین را.
- ۱۰- ﴿فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ﴾: در چهار روز تمام.
- ۱۱- ﴿أَسْتَوَى﴾: قصد ساختن کرد.
- ۱۱- ﴿هِيَ دُخَانٌ﴾: او از ماده شبیه دود ساخته شده بود.
- ۱۱- ﴿أَتَيْنَا﴾: دستورات مرا به جا کنید.

- ۱۲- ﴿فَقَضَلُنَّ﴾: پس آنها را ساخت.
- ۱۲- ﴿حِفْظًا﴾: آن را از آفات، نیکو حفظ کردیم.
- ۱۳- ﴿أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً﴾: شما را از عذاب شدید و کشنده بر حذر می‌دارم.
- ۱۶- ﴿رِيحًا صَرْصَرًا﴾: باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.
- ۱۶- ﴿أَيَّامٍ نَّحْسَاتٍ﴾: روزهای شوم یا روزهای پر غبار و خاک باد.
- ۱۶- ﴿أَخْزَى﴾: ذلت و اهانت شدید.
- ۱۷- ﴿فَهَدَيْتُهُمْ﴾: راه‌های گمراهی و هدایت را به آنها نشان دادیم.
- ۱۷- ﴿الْعَذَابِ الْهُونِ﴾: عذاب ذلت‌آور.
- ۱۹- ﴿فَهُمْ يُورَعُونَ﴾: گروه‌های پیشرو را نگه می‌دارند تا گروه‌های دنبال برسند.
- ۲۲- ﴿وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ﴾: هنگام ارتکاب گناه خود را نهان نمی‌کردید.
- ۲۲- ﴿أَنْ يَشْهَدَ...﴾: از ترس شهادت دادن...
- ۲۲- ﴿ظَنَنْتُمْ﴾: هنگام نهان داشتن از مردم باور داشتید.
- ۲۲- ﴿كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ﴾: بسیاری از اعمالی را که در نهان انجام می‌دادید.
- ۲۳- ﴿أَرَدْنَاكُمْ﴾: شما را نابود کرد.
- ۲۴- ﴿مَنْوَى لَهُمْ﴾: اقامتگاه دائمی آنهاست.
- ۲۴- ﴿إِنْ يَسْتَعْبُوا﴾: اگر در آن روز رضای پروردگار خود را بجویند.
- ۲۴- ﴿مِنَ الْمُعْتَبِينَ﴾: از آنها‌ی که خواسته‌شان پذیرفته شود.
- ۲۵- ﴿فَيَضُنَّا لَهُمْ﴾: برای آنها گماشتیم و مهیا کردیم.
- ۲۵- ﴿حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾: وعید عذاب بر آنها تحقق یافت.
- ۲۶- ﴿وَالْعَوَا فِيهِ﴾: هنگام قرائت قرآن سخنان بیهوده بگویند.
- ۲۹- ﴿الْأَسْفَلِينَ﴾: در قعر دوزخ.
- ۳۰- ﴿أَسْتَقْمُوا﴾: به اعتقاد، عمل و اخلاص در راه حق پایداری کردند.
- ۳۱- ﴿مَا تَدْعُونَ﴾: آنچه در خواست و آرزو کنید.

- ۳۲- ﴿نُزُلًا﴾: روزی یا مهمانی یا بخشش.
- ۳۴- ﴿وَلِيٍّ حَكِيمٍ﴾: دوست نزدیکی است که به تو اهمیت می دهد.
- ۳۵- ﴿مَا يُلْقَاهَا﴾: به این خصلت نیکو نایل نمی شود.
- ۳۶- ﴿يَنْزَعَنَّكَ﴾: به تو برسد یا مانع تو گردد.
- ۳۶- ﴿نَزْعٌ﴾: وسوسه ای یا مانع شونده ای.
- ۳۸- ﴿لَا يَسْمُونَ﴾: از تسبیح گفتن به ستوه نمی آیند.
- ۳۹- ﴿الْأَرْضِ خَشِعَةً﴾: زمین را خشک، آرام و بی سبزه و گیاه.
- ۳۹- ﴿أَهْرَظَتْ﴾: به سبزه و گیاه به جنب و جوش می آید.
- ۳۹- ﴿رَبَّتْ﴾: بالا می آید.
- ۴۰- ﴿يُلْحِدُونَ﴾: از حق و راستی منحرف می شوند.
- ۴۴- ﴿قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا﴾: قرآن به زبان عجم چنانچه پیشنهاد می کنند.
- ۴۴- ﴿لَوْلَا فَصَّلَتْ آيَاتُهُ﴾: چرا این قرآن به زبانی که ما آشناسیم بیان نشد.
- ۴۴- ﴿ءَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ﴾: آیا کتابی که به زبان عجم است به پیامبری که عرب است نازل شد.
- ۴۴- ﴿فِي عَادَانِهِمْ وَقُرْ﴾: در گوش های ایشان کری است که مانع شنیدن قرآن می شود.
- ۴۵- ﴿مُرِيْبٍ﴾: شک و اضطراب آور.
- ۴۷- ﴿أَكْمَامِهِنَّ﴾: پوسته اش.
- ۴۷- ﴿ءَأَذِّنْكَ﴾: تو را خبر دادیم و آگاه ساختیم.
- ۴۸- ﴿ظَنُّوْا﴾: یقین دانستن.
- ۴۸- ﴿مُحْيِصٍ﴾: جای فرار و گریز از عذاب.
- ۴۹- ﴿لَا يَسْمُ الْإِنْسَانُ﴾: انسان مانده نمی شود.
- ۴۹- ﴿دُعَاءِ الْحَيْرِ﴾: طلب عافیت و فراوانی نعمت.

- ۴۹- ﴿فَيَعُوْسُ قَنُوطٌ﴾: از فضل و رحمت خدا نومید است.
- ۵۰- ﴿هَذَا لِي﴾: این حق من است من به لیاقت خود سزاوارش هستم.
- ۵۰- ﴿عَذَابٍ غَلِيْظٍ﴾: عذاب شدید و دائمی.
- ۵۱- ﴿نَعَايِجَانِيْهِ﴾: با تکبر از شکر و سپاس دوری گزیند.
- ۵۱- ﴿دُعَاءٍ عَرِيْضٍ﴾: دعای بسیار و مداوم.
- ۵۳- ﴿الْاَفَاقِ﴾: کرانه‌های آسمان‌ها و زمین.
- ۵۴- ﴿فِي مَرِيَّةٍ﴾: در شکند.

سوره شوری

- ۵- ﴿يَتَفَطَّرْنَ﴾: از عظمت و جلال خدا پاره پاره شوند.
- ۶- ﴿اَوْلِيَاءَ﴾: معبودهای که به کمک آنها باور دارند.
- ۷- ﴿اللَّهُ حَفِيْظٌ عَلَيْهِمْ﴾: خدا مراقب اعمال و پاداش دهنده آنهاست.
- ۷- ﴿بِوَكِيْلٍ﴾: امور آنها به تو سپرده شده باشد.
- ۷- ﴿اُمَّ الْقُرَى﴾: مکه یعنی اهالی آنجا را.
- ۷- ﴿يَوْمَ الْجُمُعِ﴾: روز قیامت.
- ۱۰- ﴿اِلَيْهِ اُنِيْبُ﴾: در همه حال به درگاه او رجوع می‌کنم.
- ۱۱- ﴿فَاطِرٌ...﴾: آفریننده...
- ۱۱- ﴿مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَرْوَاجًا﴾: همسرانی از جنس خودتان.
- ۱۱- ﴿مِنْ الْاَنْعَمِ اَرْوَاجًا﴾: از چارپایان نر و ماده.
- ۱۱- ﴿يَذُرُوْكُمْ فِيْهِ﴾: به سبب ازدواج تعداد شما را زیاد می‌کند.
- ۱۲- ﴿لَهُ مَقَالِيْدُ﴾: کلیدها یا خزانه‌ها از آن اوست.
- ۱۲- ﴿يَقْدِرُ﴾: به حکمت بالغه روزی هرکه را بخواهد تنگ می‌کند.
- ۱۳- ﴿شَرَاعَ لَكُمْ﴾: راه روشن را به شما آشکار کرد.

- ۱۳- ﴿مَا وَصَّى﴾: آیینی که امر کرده و موظف ساخته بود.
- ۱۳- ﴿أَقِيمُوا الدِّينَ﴾: دین توحید را به پادارید، اسلام.
- ۱۳- ﴿كَبُرَ...﴾: بزرگ و دشوار است...
- ۱۳- ﴿يَجْتَبِي﴾: برمی‌گزیند.
- ۱۳- ﴿يُنِيبُ﴾: به او رجوع می‌کند و به طاعت او رو می‌آورد.
- ۱۴- ﴿بَغِيًّا بَيْنَهُمْ﴾: از دشمنی یا از دنیا طلبی.
- ۱۴- ﴿مُرِيْبٍ﴾: شک و اضطراب‌آور.
- ۱۵- ﴿أَسْتَقِمُّ﴾: به راه راست و روشن ادامه بده.
- ۱۵- ﴿لَا حُجَّةَ﴾: به خصومت و بیان حجت مجال نماند برای این که حق به ظهور پیوست.

- ۱۶- ﴿أَسْتُجِيبَ لَهُ﴾: مردم دین خدا را پذیرفتند و به آن گردن نهادند.
- ۱۶- ﴿حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةً﴾: دلیل آنها باطل و ناپایدار است.
- ۱۷- ﴿الْمِيزَانَ﴾: عدالت و راستی در حقوق را.
- ۱۸- ﴿مُسْتَفْقُونَ مِنْهَا﴾: با این که به آن توجه دارند از آن هراسانند.
- ۱۸- ﴿يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ﴾: در وقوع قیامت مجادله می‌کنند یا شک دارند.
- ۱۹- ﴿لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ﴾: به بندگان خود مهربان است.
- ۲۰- ﴿حَرَّتْ الْأَخْرَةَ﴾: ثواب آخرت را.
- ۲۱- ﴿كَلِمَةُ الْفَصْلِ﴾: حکم قطعی به تأخیر عذاب تا روز آخرت.
- ۲۲- ﴿رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ﴾: زیباترین، پاکیزه‌ترین و نزهت افزاترین ساحه بهشت.
- ۲۳- ﴿يَقْتَرِفُ حَسَنَةً﴾: طاعت ورزد.
- ۲۷- ﴿لِبَعْوًا﴾: طغیان یا ستم می‌نمودند.
- ۲۷- ﴿يُنزِلُ بِقَدْرِ﴾: به اندازه‌ای که حکیم توانا بخواهد می‌فرستد.
- ۲۸- ﴿قَنْطَوًا﴾: از بارش آن نومید شدند.

- ۲۹- ﴿بَثَّ فِيهِمَا﴾: در آسمان و زمین پراکنده ساخته است.
- ۳۱- ﴿يُعْجِزِينَ﴾: از عذاب الهی نمی‌توانید فرار نمایید.
- ۳۲- ﴿الْجَوَارِ﴾: کشتی‌هاست.
- ۳۲- ﴿كَأَلَّا عَالِمًا﴾: مانند کوه‌ها یا کاخ‌های بلند.
- ۳۳- ﴿فَيُظَلِّلْنَ رَوَاكِدَ﴾: کشتی‌ها ساکن و بی‌حرکت می‌شوند.
- ۳۴- ﴿يُؤَبِّقُهُنَّ﴾: آنها را یا کسانی که در آنها هستند غرق می‌کند.
- ۳۵- ﴿مَحِيصٍ﴾: جای فرار و نجات از عذاب.
- ۳۷- ﴿وَالْفَوَاحِشِ﴾: زشت‌ترین گناهان.
- ۳۸- ﴿أَمْرُهُمْ شُورَى﴾: در کارهای خود با هم مشوره می‌کنند.
- ۳۹- ﴿أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ﴾: ظلم و ستم بر آنها برسد.
- ۳۹- ﴿يَنْتَصِرُونَ﴾: از کسی که به آنها ظلم کرده انتقام می‌گیرند و تجاوز نمی‌کنند.
- ۴۲- ﴿يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ﴾: در زمین فساد یا سرکشی می‌کنند.
- ۴۵- ﴿خٰشِعِينَ﴾: کوچک و حقیر.
- ۴۵- ﴿يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ﴾: از شدت ترس دزدانه نگاه می‌کنند.
- ۴۷- ﴿تَكْبِيرٍ﴾: از گناهان خود انکار کنید.
- ۴۸- ﴿فَرِحَ بِهَا﴾: بخاطر آن متکبر و خودپسند می‌شود.
- ۵۲- ﴿رُوحًا﴾: قرآن یا نبوت یا جبریل را.
- ۵۲- ﴿الْإِيمَانُ﴾: قوانین گستره‌ای که تنها به وسیله وحی آن را شناختی.
- ۵۲- ﴿صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾: دین راست و درست، اسلام.

سوره زخرف

- ۴- ﴿أَمْ الْكِتَابِ﴾: لوح محفوظ یا علم ازلی.
- ۵- ﴿أَفَنضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ﴾: آیا از اتمام حجت و پند و اندرز شما با قرآن صرف نظر کنیم.
- ۵- ﴿صَفْحًا﴾: به سبب اعراض از شما.
- ۵- ﴿أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ﴾: به علت این که شما در جهالت و گمراهی افراط می کنید؟ نه، هرگز ترک نکنیم.
- ۶- ﴿كَمْ أَرْسَلْنَا﴾: بسیار فرستادیم.
- ۶- ﴿فِي الْأَوَّلِينَ﴾: به سوی ملت های گذشته.
- ۸- ﴿بَطْشًا﴾: از روی قوت.
- ۸- ﴿مِثْلُ الْأَوَّلِينَ﴾: او صاف یا داستان شگفت انگیز پیشینیان.
- ۱۰- ﴿الْأَرْضَ مَهْدًا﴾: زمین را فرش گسترده برای استقرار بر آن.
- ۱۰- ﴿سُبُلًا﴾: راه های رفت و آمد یا اسباب زندگانی.
- ۱۱- ﴿مَاءً يَّقْدَرُ﴾: آب را به اندازه ضرورت.
- ۱۱- ﴿فَأَنْشَرْنَا بِهِ﴾: پس به وسیله آب زنده کردیم.
- ۱۲- ﴿خَلَقَ الْأَزْوَاجَ﴾: انواع و اقسام مخلوقات را آفرید.
- ۱۲- ﴿وَالْأَنْعَامَ﴾: و از چارپایان از قبیل شتر.
- ۱۳- ﴿لِيَسْتَوُوا﴾: تا قرار بگیرد.
- ۱۳- ﴿سَخَّرَ﴾: رام کرد.
- ۱۳- ﴿مُقَرَّنِينَ﴾: توانا و غالب یا نگهدارنده.
- ۱۶- ﴿أَصْفَلَكُمْ بِالْبَنِينَ﴾: پسران را برای شما برگزیده است.
- ۱۷- ﴿مَثَلًا﴾: مثل و مانند.

- ۱۷- ﴿هُوَ كَظِيمٌ﴾: قلبش پر از خشم و اندوه است.
- ۱۸- ﴿يُنشِئُ فِي الْحِلْيَةِ﴾: در زینت و نعمت پرورش می‌یابد، دختران.
- ۱۸- ﴿فِي الْخِصَامِ﴾: در خصومت.
- ۲۰- ﴿يَخْرُصُونَ﴾: هر چه می‌گویند دروغ می‌گویند.
- ۲۲- ﴿عَلَىٰ أُمَّةٍ﴾: بر آیین و روشی.
- ۲۳- ﴿قَالَ مُتْرَفُوهَا﴾: صاحبان ناز و نعمت و غرق شهوات آن دیار گفتند.
- ۲۶- ﴿إِنِّي بَرَاءٌ﴾: من بیزارم.
- ۲۷- ﴿فَطَرَنِي﴾: مرا آفریده است.
- ۲۸- ﴿كَلِمَةً بَاقِيَةً﴾: کلمه توحید یا بیزاری از بت پرستی را.
- ۲۸- ﴿فِي عَقِبِهِ﴾: در نسل خود تا روز قیامت.
- ۳۱- ﴿مِنَ الْقَرَيْتَيْنِ﴾: از یکی از این دو قریه، مکه و طایف.
- ۳۲- ﴿سُخْرِيًّا﴾: فرمان بردار و خدمتکار.
- ۳۳- ﴿أُمَّةً وَاحِدَةً﴾: یک ملت، از محبت دنیا همه کافر شوند.
- ۳۳- ﴿مَعَارِجَ﴾: نردبانها و پلگان رفیع از نقره.
- ۳۳- ﴿يَظْهَرُونَ﴾: بالا می‌شدند.
- ۳۵- ﴿زُخْرَفًا﴾: طلا یا آراسته و مزین.
- ۳۵- ﴿لَمَّا مَتَّع...﴾: مگر متاع...
- ۳۶- ﴿مَنْ يَعِشْ﴾: کسی که روی برگرداند و غافل شود.
- ۳۶- ﴿نُقِصَّ لَهُ﴾: برای او آماده کنیم.
- ۳۶- ﴿لَهُ قَرِينٌ﴾: همنشینی که هیچ گاه از او جدا نشود.
- ۴۴- ﴿إِنَّهُ لَذِكْرٌ﴾: قرآن شرف بزرگ است.
- ۴۹- ﴿بِمَا عَاهَدَ عِنْدَكَ﴾: به اساس عهدی که با تو بسته، دور داشتن راه راست یافتگان از عذاب.

- ۵۰- ﴿يَنْكُثُونَ﴾: پیمان خود را که به راه نیک می‌روند، می‌شکنند.
- ۵۲- ﴿هُوَ مَهِينٌ﴾: او کوچک و حقیر است.
- ۵۲- ﴿يُبِينُ﴾: از لکنت زبان سخن را روشن بیان کند.
- ۵۳- ﴿مُقَرَّبِينَ﴾: همراه با او که تصدیقش نمایند.
- ۵۴- ﴿فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ﴾: قوم خود را سبک عقل یافت.
- ۵۵- ﴿ءَأَسْفُونَا﴾: با این کارها ما را سخت خشمگین ساختند.
- ۵۶- ﴿سَلَفًا﴾: سرمشق کافران در استحقاق عذاب.
- ۵۶- ﴿مَثَلًا لِلْآخِرِينَ﴾: پند و عبرت به کافران بعد از آنها.
- ۵۷- ﴿مِنْهُ يَصُدُّونَ﴾: بخاطر آن از خوشحالی فریاد می‌کشند.
- ۵۸- ﴿قَوْمٌ حَصِصُونَ﴾: گروهی ستیزه‌گرد.
- ۵۹- ﴿مَثَلًا﴾: نشانه و عبرتی شگفت‌انگیز، مانند مَثَل، زبان زد همه.
- ۶۰- ﴿لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ﴾: به جای شما قرار می‌دادیم.
- ۶۱- ﴿وَأَنَّهُ لَعَلَّمُ لِّلسَّاعَةِ﴾: نزول عیسی عليه السلام نشانه نزدیکی قیامت است.
- ۶۱- ﴿فَلَا تَمْتَرْنَ بِهَا﴾: در آمدن قیامت شک نکنید.
- ۶۵- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا عذاب شدید.
- ۶۶- ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ﴾: آیا انتظار خواهند کشید.
- ۶۶- ﴿بَعْتَهُ﴾: ناگهان.
- ۶۷- ﴿الْأَخِلَّاءُ﴾: دوستان غیر خدایی.
- ۷۰- ﴿مُحَبَّرُونَ﴾: شاد و خندان باشید.
- ۷۱- ﴿الْأَكْوَابِ﴾: صراحی‌ها.
- ۷۵- ﴿لَا يُفْتَرُّ عَنْهُمْ﴾: عذاب آنها تخفیف نمی‌یابد.
- ۷۵- ﴿مُبْلِسُونَ﴾: خاموشند یا از نومی‌دی بسیار اندوهگینند.
- ۷۷- ﴿لِيُقْفِضَ عَلَيْنَا رَبُّكَ﴾: کاش خدایت ما را بکشد تا از این عذاب خلاص شویم.

- ۷۹- ﴿أَمْ أَمْرًا مَرًّا﴾: بلکه در برابر پیامبر دست به دسیه قوی زدند.
- ۸۰- ﴿نَجْوَاهُمْ﴾: سخنان آسته آنها را که با هم می گویند.
- ۸۳- ﴿يَحْضُوا﴾: در باطل فروروند.
- ۸۴- ﴿فِي السَّمَاءِ إِلَهُ﴾: او خدای آسمان هاست.
- ۸۵- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي﴾: برتر است یا خیر و احسانش فراوان است.
- ۸۷- ﴿فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾: پس چگونه از عبادت او تعالی منحرف می شوند.
- ۸۸- ﴿قِيلَهُ﴾: خدا از گفتار پیامبر آگاه است.
- ۸۹- ﴿فَأَصْفَحَ عَنْهُمْ﴾: از آنها دور شو.
- ۸۹- ﴿سَلَّمَ﴾: کار من متارکه و دوری از شماست.

سوره دخان

- ۳- ﴿لَيْلَةٍ مُّبَرَّكَتٍ﴾: شب قدر از ماه رمضان.
- ۴- ﴿فِيهَا يُفْرَقُ﴾: در آن شب فیصله و بیان می شود.
- ۴- ﴿أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾: کارهای مهم یا با حکمت.
- ۱۰- ﴿فَأَرْتَقِبْ﴾: پس در انتظار شک کنندگان باش.
- ۱۰- ﴿بِذُخَانٍ﴾: دودی، کنایه از گرفتاری آنها به خشکسالی و گرسنگی است.
- ۱۱- ﴿يَغْشَى النَّاسَ﴾: مردم را احاطه کند.
- ۱۳- ﴿أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى﴾: چگونه پند بگیرند؟
- ۱۴- ﴿مُعَلَّمٍ﴾: انسانی به او آموخته است.
- ۱۶- ﴿يَوْمَ نَبْطِشُ﴾: روزی که به شدت بگیریم، روز بدر یا قیامت.
- ۱۷- ﴿فَتَنَّا﴾: آزمودیم.
- ۱۸- ﴿أَدْوَا إِلَىٰ عِبَادَ اللَّهِ﴾: بنی اسرائیل را به من بسپارید.
- ۱۹- ﴿لَا تَعْلُوا﴾: برتری نجوید یا افترا نکنید.

- ۱۹- ﴿بِسُلْطٰنٍ﴾: دلیل روشن به صدق گفتارم.
- ۲۰- ﴿اِنِّیْ عٰدُتُ بِرَبِّیْ﴾: من به خدای خود پناه گرفتم.
- ۲۰- ﴿تَرْجُمُوْنِ﴾: به من آزار برسانید یا مرا با سنگ بکشید.
- ۲۳- ﴿فَاَسْرِ بِعِبَادِیْ لَیْلًا﴾: شب هنگام بنی اسرائیل را با خود ببر.
- ۲۳- ﴿اِنَّکُمْ مُّتَّبِعُوْنَ﴾: فرعون و لشکرش دنبال شما می آیند.
- ۲۴- ﴿اَلْبَحْرَ رَهْوًا﴾: دریا را آرام یا شکافته.
- ۲۴- ﴿جُنْدٌ﴾: گروهی.
- ۲۷- ﴿نِعْمَةٌ﴾: ناز و نعمت یا زیبایی و لذت های زندگی.
- ۲۷- ﴿فَلٰکِہِیْنَ﴾: آسوده و مرفه.
- ۲۹- ﴿مَا کَانُوْا مُنْظَرِیْنَ﴾: عذاب آنها تا وقت دیگر مهلت نمی یابد.
- ۳۱- ﴿کَانَ عَلِیًّا﴾: متکبر و سرکش بود.
- ۳۲- ﴿اَلْعٰلَمِیْنَ﴾: جهانیان دوران خود.
- ۳۳- ﴿بَلٰتُوْا مُبِیْنَ﴾: آزمایش یا نعمت آشکار بود.
- ۳۵- ﴿بِیْمُنْشَرِیْنَ﴾: بعد از مرگ زنده نمی شویم.
- ۳۷- ﴿قَوْمٌ نُّبِعَ﴾: قوم ابوکرب حمیری پادشاه یمن.
- ۴۰- ﴿یَوْمَ الْفَصْلِ﴾: روز قیامت و حساب.
- ۴۱- ﴿لَا یُعْنِیْ مَوْلٰی...﴾: هیچ دوست و قریبی نمی تواند دفاع کند...
- ۴۳- ﴿شَجَرَتِ الزَّقْوَمِ﴾: خبیث ترین درخت که در دوزخ می روید.
- ۴۵- ﴿کَاَلْمُهْلِ﴾: مانند دُرد روغن زیتون یا فلز ذوب شده.
- ۴۶- ﴿اَلْحَمِیْمِ﴾: آب جوشان.
- ۴۷- ﴿فَاعْتَلَوْهُ﴾: او را به تندی و قهر بکشید.
- ۴۷- ﴿سَوَآءِ الْجَحِیْمِ﴾: میانه دوزخ.
- ۵۰- ﴿بِهٖ تَمْتَرُوْنَ﴾: در باره آن شک داشتید و مجادله می کردید.

- ۵۳- ﴿سُنْدُسٍ﴾: دیبای نازک.
- ۵۳- ﴿اسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- ۵۴- ﴿زَوَّجْنَهُمْ مِجُورٍ عَيْنٍ﴾: زنان سفید چهره و زیبا چشم بهشتی را همدم و همراز آنها می‌کنیم.
- ۵۵- ﴿يَدْعُونَ فِيهَا﴾: در بهشت طلب می‌کنند.
- ۵۹- ﴿فَأَرْتَقِبْ﴾: منتظر عذاب بر آنها باش.
- ۵۹- ﴿إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ﴾: آنها هم انتظار دارند که به تو چیزی برسد.

سوره جاثیه

- ۴- ﴿يُبْتُ﴾: پخش و پراکنده می‌سازد.
- ۵- ﴿تَصْرِيفِ الرِّيحِ﴾: تغییر جهت وزش و احوال بادها.
- ۷- ﴿وَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.
- ۷- ﴿أَفَاكٍ أَثِيمٍ﴾: دروغگوی سر تا پا گناه.
- ۹- ﴿أَتَّخَذَهَا هُزُؤًا﴾: او را مسخره می‌کند.
- ۱۰- ﴿لَا يُغْنِي عَنْهُمْ﴾: از آنها دفاع نمی‌کند.
- ۱۱- ﴿رَجْزٍ﴾: عذاب شدید.
- ۱۴- ﴿لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ﴾: انتظار آمدن عذاب الهی بر دشمنانش را ندارند.
- ۱۷- ﴿بَعِيًا بَيْنَهُمْ﴾: از حسد و دشمنی با یکدیگر.
- ۱۸- ﴿شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأَمْرِ﴾: راه و روش روشن از امر دین.
- ۱۹- ﴿لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ﴾: هرگز از تو دور نخواهند کرد.
- ۲۰- ﴿بَصَّيرٌ لِّلنَّاسِ﴾: دلایل روشنی است که راه نجات را به مردم نشان می‌دهد.
- ۲۱- ﴿أَجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ﴾: گناه کردند و کفر ورزیدند.
- ۲۳- ﴿أَفْرَأَيْتَ﴾: به من خبر بده.

- ۲۳- ﴿غِشَوٰةٌ﴾: پرده تا راه درست را نبیند.
- ۲۸- ﴿جَائِيَةً﴾: از شدت ترس بر زانو در آمده.
- ۲۸- ﴿كِتٰبِهَا﴾: نامه اعمالش.
- ۲۹- ﴿نَسْتَسِيْخُ...﴾: فرشتگان را به نوشتن امر کرده بودیم...
- ۳۳- ﴿حَاقٌ بِهٖمَّ﴾: فرود می آید یا آنها را احاطه می کند.
- ۳۴- ﴿نَنْسَلُكُمْ﴾: شما را در عذاب می گذاریم.
- ۳۴- ﴿مَآ وَنُكُمُ النَّارُ﴾: جایگاه شما دوزخ است.
- ۳۵- ﴿غَرَّتْكُمْ...﴾: شما را فریفت...
- ۳۵- ﴿لَا هُمْ يُسْتَعْتَبُوْنَ﴾: از آنها خواسته نمی شود که برگردند و خوشنودی خدا را بدست آورند.
- ۳۷- ﴿لَهُ الْكِبْرِيَآءُ﴾: جاه و جلال و فرمانروایی مخصوص اوست.

سوره احقاف

- ۳- ﴿اَجَلٍ مُّسَمًّى﴾: زمان معین، روز قیامت.
- ۴- ﴿اَرَءَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۴- ﴿لَهُمْ شِرْكٌ﴾: شرکتی با خدا دارند.
- ۴- ﴿اَثَرَةٍ مِّنْ عِلْمٍ﴾: اثر علمی از گذشتگان نزد شماست.
- ۸- ﴿تُفِيضُوْنَ فِيْهِ﴾: به طعن و تکذیب قرآن می پردازید.
- ۹- ﴿مَا كُنْتُ بِدَعَاٍ﴾: من چیز نوی نیاوردم.
- ۱۰- ﴿اَرَءَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید حال شما چه خواهد بود.
- ۱۱- ﴿اِفْكٌ قَدِيْمٌ﴾: دروغ دیرینه.
- ۱۵- ﴿وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ﴾: به انسان دستور دادیم.
- ۱۵- ﴿كُرْهًا﴾: به سختی و مشقت.

- ۱۵- ﴿حَمْلُهُ وَفِصْلُهُ﴾: مدت حمل او و از شیر جدا شدنش.
- ۱۵- ﴿بَلَغَ أَشُدَّهُ﴾: به کمال قوت و عقل خود برسد.
- ۱۵- ﴿رَبِّ أَوْزَعْنِي﴾: پرودگارا به من الهام کن و کمکم نما.
- ۱۷- ﴿أُقِ لَكُمْ﴾: از شما دلتنگ شدم، سخن دلتنگ کننده و ناپسند، از امری اظهار آزرده‌گی کردن.
- ۱۷- ﴿أَنْ أُخْرَجَ﴾: بعد از مرگ زنده می‌شوم.
- ۱۷- ﴿خَلَّتِ الْقُرُونُ﴾: ملت‌ها از جهان رفتند و هیچ کدام دو باره زنده نشدند.
- ۱۷- ﴿وَيَلِكُ﴾: وای بر تو تباه‌شده‌ی، مراد تشویق او به اسلام است.
- ۱۷- ﴿ءَامِنٌ﴾: به خدا و رستاخیز ایمان بیاور.
- ۱۷- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: سخنان باطلی که در کتب آنها نوشته است.
- ۱۸- ﴿حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ﴾: وعده عذاب بر آنها لازم و ثابت شد.
- ۱۸- ﴿قَدْ خَلَتْ﴾: گذشته‌اند.
- ۲۰- ﴿عَذَابَ الْهُونِ﴾: عذاب، خواری و ذلت.
- ۲۱- ﴿أَخَا عَادٍ﴾: برادر قوم عاد، هود را.
- ۲۱- ﴿بِالْأَحْقَافِ﴾: به احقاف، وادیی است بین عُمَان و سرزمین مَهْرَه.
- ۲۲- ﴿لِتَأْفِكُنَا﴾: تا ما را برگردانی یا با دروغ دور کنی.
- ۲۴- ﴿عَارِضًا﴾: ابری گسترده در افق.
- ۲۵- ﴿تَدْمِرُ﴾: هلاک می‌کند.
- ۲۶- ﴿مَكَّنَّهُمْ﴾: ایشان را قوت و شوکت داده بودیم.
- ۲۶- ﴿فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ﴾: نیروی آنها را به شما ندادیم.
- ۲۶- ﴿فَمَا أَعْنَى عَنْهُمْ﴾: پس از آنها دور نکرد.
- ۲۶- ﴿حَاقَ بِهِمْ﴾: آنها را احاطه کرد یا بر ایشان فرود آمد.
- ۲۷- ﴿صَرَفْنَا الْآيَاتِ﴾: به اسلوب‌های مختلف آیات را تکرار کردیم.

- ۲۸- ﴿قُرْبَانًا ءَالِهَةً﴾: معبودانی که آنها را به خدا نزدیک می کنند.
- ۲۸- ﴿يَقْتُرُونَ﴾: افتراء می کردند.
- ۲۹- ﴿صَرَفْنَا إِلَيْكَ﴾: به سوی تو فرستادیم.
- ۲۹- ﴿أَنْصِتُوا﴾: خاموش شوید و به دقت بشنوید.
- ۲۹- ﴿قُضِيَ﴾: تلاوت قرآن تمام شد.
- ۳۲- ﴿فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ﴾: نمی تواند از عذاب او فرار نماید.
- ۳۳- ﴿لَمْ يَعْى بِخَلْقِهِنَّ﴾: از آفرینش آنها خسته یا ناتوان نگردید.
- ۳۳- ﴿بَلَى﴾: بله، خدا می تواند مرده ها را زنده کند.
- ۳۵- ﴿أُولُوا الْعُرْمِ﴾: صاحبان صبر، ثبات و جدیت.
- ۳۵- ﴿بَلَعُ﴾: این تبلیغ است از جانب پیامبر ما.

سوره محمد

- ۱- ﴿أَصَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾: خدا اعمال آنها را باطل و بی فایده کرد.
- ۲- ﴿كَفَرَ عَنْهُمْ﴾: از آنها دور کرد.
- ۲- ﴿أَصْلَحَ بِالْهَمِّ﴾: حال ایشان را در دین و دنیا به صلاح آورد.
- ۴- ﴿فَضْرَبَ الرَّقَابِ﴾: پس گردن آنها را بزنید.
- ۴- ﴿أَخْنَتُمُوهُمْ﴾: کشته، زخمی و اسیر فراوان از آنها گرفتید.
- ۴- ﴿فَشُدُّوا الْوَتَاقِ﴾: اسرای آنها را بند و زنجیر کنید.
- ۴- ﴿مَنَّا﴾: اسیرها را بدون عوض آزاد و بر آنها منت گزارید.
- ۴- ﴿فِدَاءً﴾: از آنها فدیة بگیرید یا در برابر اسرای مسلمین آزادشان کنید.
- ۴- ﴿حَتَّى تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا﴾: تا این که جنگ آلات و بارهای سنگین خود را بر زمین نهد، پایان جنگ.

۴- ﴿لَيَبْلُوَنَّ...﴾: تا امتحان کند... و بار گناه مسلمانان را کاهش دهد و کافران را تباه کند.

۴- ﴿فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ﴾: هرگز اعمال آنها را باطل نمی‌کند بلکه اجر و پاداش آنها را کامل می‌دهد.

۸- ﴿فَتَعَسَا لَهُمْ﴾: بر آنها مرگ یا شقاوت و بدبختی باد.

۹- ﴿فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ﴾: خدا اعمال آنها را باطل کرد که از قرآن نفرت داشتند.

۱۰- ﴿دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: خدا نا بودشان کرد.

۱۱- ﴿مَوْلَى...﴾: دوست و ناصر...

۱۲- ﴿مَثْوَى لَهُمْ﴾: محل سکونت آنهاست.

۱۳- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: بسیار شهرها که.

۱۵- ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ﴾: وصف بهشت.

۱۵- ﴿غَيْرِ عَاسِنٍ﴾: تغییر نمی‌کند و گنده و بد بوی نمی‌شود.

۱۵- ﴿عَسَلٍ مُّصَفًّى﴾: عسل پاکیزه و صاف.

۱۵- ﴿مَاءً حَمِيمًا﴾: آب جوشان.

۱۶- ﴿مَاذَا قَالَ ءَانِفًا﴾: همین حالا یا همین ساعت چه گفت.

۱۸- ﴿جَاءَ أَشْرَاطُهَا﴾: علایم قیامت آمده است از جمله بعثت رسول خدا.

۱۸- ﴿فَأَنَّى لَهُمْ﴾: پس چگونه یا از کجا باشد برای ایشان.

۱۹- ﴿يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ﴾: خدا از حرکات شما آگاه است.

۱۹- ﴿مَثْوَانِكُمْ﴾: جای استقرار شما را.

۲۰- ﴿الْمَعْشَىٰ عَلَيْهِ﴾: کسی که دچار بی‌هوشی و مستی باشد.

۲۰- ﴿فَأَوْلَىٰ لَهُمْ﴾: اسباب نابودی اینها نزدیک است یا سزاوار عذابند، «لام» زاید

است.

۲۱- ﴿طَاعَةٌ﴾: فرمانبرداری برای آنان بهتر است یا دستور ما طاعت است.

۲۱- ﴿عَزَمَ الْأَمْرُ﴾: فرمان جهاد قطعیت یافت و بر عهده آنان قرار گرفت.

- ۲۲- ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ﴾: آیا می‌توان از شما انتظار داشت، یعنی می‌توان.
- ۲۲- ﴿تَوَلَّيْتُمْ﴾: فرمانروای مردم شوید.
- ۲۴- ﴿أَفَقَالُوا﴾: قفل آنهاست که باز نمی‌شود.
- ۲۵- ﴿سَوَّلَ لَهُمْ﴾: شیطان خطاهای آنها را آراست و آسان نشان داد و امیدوارشان ساخت.

- ۲۵- ﴿أَمْ لِيَ لَهْمٌ﴾: خدا بر آنها با آرزوهای پوچ‌شان مهلت داد.
- ۲۶- ﴿يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ﴾: خدا از تمام زشتی‌های پنهان آنها آگاه است.
- ۲۹- ﴿أَضَعْنَاهُمْ﴾: کینه‌های شدید و نهان ایشان را.
- ۳۰- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از علایم مشخصه چهره‌شان.
- ۳۰- ﴿فِي حَنْ الْقَوْلِ﴾: از اسلوب سخن‌شان.
- ۳۱- ﴿لَتَبْلُوَنَّكُمْ﴾: همانا شما را به تکالیف شاقه می‌آزمایم.
- ۳۱- ﴿تَبْلُواْ أَخْبَارَكُمْ﴾: خبرهای شما را آشکار کنیم.
- ۳۵- ﴿فَلَا تَهِنُواْ﴾: از جهاد علیه کفار سستی نکنید.
- ۳۵- ﴿الْسَّلْمِ﴾: صلح و آستی.
- ۳۵- ﴿لَنْ يَّتْرِكُمْ أَعْمَالَكُمْ﴾: خدا هرگز از اجر اعمال شما نمی‌کاهد.
- ۳۷- ﴿فِيْ حِفْظِكُمْ﴾: و به اصرار اموال شما را بخواهد.
- ۳۷- ﴿أَضَعْنَاكُمْ﴾: کینه‌های شدید شما را در برابر اسلام.

سوره فتح

- ۱- ﴿فَتْحًا مُّبِينًا﴾: پیروزی درخشان، صلح حدیبیه در سال ششم هجری.
- ۴- ﴿السَّكِينَةَ﴾: آرامش خاطر و ثبات را.
- ۶- ﴿ظَنَّ السَّوْءَ﴾: گمان بد.
- ۶- ﴿عَلَيْهِمْ دَابِرَةُ السَّوْءِ﴾: دعاء است بر هلاکت و نابودی ایشان.

- ۹- ﴿تُعَزِّرُوهُ﴾: به کمک دین خدا پردازید.
- ۹- ﴿تُوقِّرُوهُ﴾: او تعالی را تعظیم کنید و گرامی بدارید.
- ۹- ﴿تَسْبِحُوهُ﴾: او را از آنچه لایق جلالت او نیست پاک و منزّه بدانید.
- ۹- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: بامداد و شام یا تمام روز.
- ۱۰- ﴿نَكَثَ﴾: تعهد و بیعت را بشکند.
- ۱۱- ﴿الْمُخَلَّفُونَ﴾: تخلف کنندگان از همراهی با تو در غزوه حدیبیه.
- ۱۲- ﴿لَنْ يَنْقَلِبَ﴾: هرگز به مدینه بر نمی‌گردد.
- ۱۲- ﴿قَوْمًا بُورًا﴾: گروهی فاسد یا شایسته هلاکت.
- ۱۵- ﴿ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ﴾: بگذارید با شما به غزوه خیبر حاضر باشیم.
- ۱۵- ﴿كَلِمَ اللَّهِ﴾: فرمان خدا را به اختصاص غنایم برای اهل حدیبیه.
- ۱۶- ﴿أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ﴾: دارای قوت و صلابت در جنگ.
- ۱۷- ﴿حَرَجٌ﴾: گناهی در تخلف از جهاد.
- ۱۸- ﴿يُبَايِعُونَكَ﴾: با تو در حدیبیه بیعت رضوان را انجام دادند.
- ۱۸- ﴿فَتْحًا قَرِيبًا﴾: پیروزی نزدیک، فتح خیبر سال هفتم هجرت.
- ۲۱- ﴿أَحَاطَ اللَّهُ﴾: خدا او را به شما آماده کرده یا نگهداشته است.
- ۲۴- ﴿بِبَطْنِ مَكَّةَ﴾: به دل مکه، حدیبیه نزدیک مکه.
- ۲۴- ﴿أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ﴾: شما را برتری داد و بر آنها پیروز گردانید.
- ۲۵- ﴿وَالْهَدَىٰ﴾: شترانی که رسول خدا آورده بود.
- ۲۵- ﴿مَعْكُوفًا﴾: منع و محبوس کردند.
- ۲۵- ﴿مِحْلَةً﴾: به محلی که کشتن آن حلال است.
- ۲۵- ﴿تَطَّوَّهُمْ﴾: آنها را یکجا با کفار نا بود و پامال کنید.
- ۲۵- ﴿مَعْرَةً﴾: کار زشتی یا ننگی.
- ۲۵- ﴿لَوْ تَزَيَّلُوا﴾: اگر مسلمانان در مکه از کفار جدا می‌بودند.

- ۲۶- ﴿الْحَمِيَّةُ﴾: ننگ و غضب شدید.
- ۲۶- ﴿سَكِينَتُهُ﴾: اطمینان و آرامش خود را.
- ۲۶- ﴿كَلِمَةَ التَّقْوَى﴾: کلمه توحید و اخلاص.
- ۲۷- ﴿فَتَحًا قَرِيبًا﴾: پیروزی نزدیک، صلح حدیبیه یا فتح خیبر.
- ۲۸- ﴿لِيُظْهِرَهُ﴾: تا او را برتری دهد و نیرومندش کند.
- ۲۹- ﴿سَيِّمَاهُمْ﴾: نشانه آنها.
- ۲۹- ﴿مَثَلُهُمْ﴾: وصف شگفت انگیز ایشان.
- ۲۹- ﴿فَقَارَرَهُ﴾: پس آن جوانه را تقویت کند.
- ۲۹- ﴿فَأَسْتَعْلَظُ﴾: محکم شود.
- ۲۹- ﴿فَأَسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوْقِهِ﴾: و برساقه خود ایستاد شود.

سوره حجرات

- ۱- ﴿لَا تُقَدِّمُوا﴾: در هیچ کاری تصمیم نگیرید و امری را فیصله نکنید.
- ۲- ﴿أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ﴾: مبدا اعمال شما باطل شود.
- ۳- ﴿يَعْضُونَ أَسْوَاتَهُمْ﴾: صدای خود را پایین می آورند و آهسته سخن می گویند.
- ۳- ﴿أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ﴾: خدا دل‌های آنان را امتحان کرده و برگزیده است.
- ۴- ﴿الْحُجْرَاتِ﴾: حجره‌های همسران پیامبر.
- ۷- ﴿لَعْنَتُمْ﴾: گرفتار گناه و نابود می شود.
- ۹- ﴿بَعَثْتُ﴾: تجاوز و سرکشی کرد و صلح را نپذیرفت.
- ۹- ﴿تَفِيءَ﴾: رجوع کند.
- ۹- ﴿أَفْسِطُوا﴾: در همه امور عدالت را رعایت نمایید.
- ۹- ﴿الْمُقْسِطِينَ﴾: عدالت پیشگان را و به آنها پاداش نیکو می دهد.
- ۱۱- ﴿لَا يَسْخَرُ﴾: تمسخر و عیب نکند.

- ۱۱- ﴿لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ﴾: یکدیگر را طعن و بدگویی نکنید.
- ۱۱- ﴿وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَبِ﴾: یکدیگر را به لقب‌های زشت صدا نکنید.
- ۱۲- ﴿كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ﴾: بسیاری از گمانها، گمان بد به اشخاص نیک.
- ۱۲- ﴿لَا تَجَسَّسُوا﴾: در جستجوی راز نهان مسلمانها نباشید.
- ۱۲- ﴿فَكَرِهْتُمُوهُ﴾: به یقین از آن بیزارید پس انجامش ندهید.
- ۱۴- ﴿ءَامَنَّا﴾: به زبان و دل تصدیق کردیم.
- ۱۴- ﴿لَمْ تُؤْمِنُوا﴾: به دل تصدیق نکرده‌اید.
- ۱۴- ﴿أَسْلَمْنَا﴾: از ترس و حرص و آز گردان نهادیم.
- ۱۴- ﴿لَا يَلْتَكُمُ﴾: کم نمی‌کند.
- ۱۶- ﴿أَتَعْلَمُونَ أَللَّهَ بِدِينِكُمْ﴾: آیا خدا را از ایمان خود آگاه می‌سازید.

سوره ق

- ۱- ﴿وَالْقُرْآنِ﴾: به قرآن قسم است که مبعوث می‌شوید.
- ۳- ﴿رَجَعُ بَعِيدٌ﴾: حیات دوباره غیر ممکن است.
- ۵- ﴿أَمْرٍ مَّرِيحٍ﴾: کاری پریشان و اضطراب‌آور.
- ۶- ﴿فُرُوجٍ﴾: شکافی.
- ۷- ﴿الْأَرْضِ مَدَدْنَهَا﴾: زمین را برای استقرار بر آن گسترش دادیم.
- ۷- ﴿رَوَاسِيٍّ﴾: کوه‌های استوار که زمین را از تکان خوردن منع می‌کنند.
- ۷- ﴿زُوجٍ بَهِيحٍ﴾: نوع زیبا و شاداب.
- ۸- ﴿عَبْدٍ مُّنبِئٍ﴾: بنده‌ای که با باور کامل به قدرت ما به ما رجوع کند.
- ۹- ﴿حَبِّ الْحَصِيدِ﴾: دانه گیاهی که درو می‌شود.
- ۱۰- ﴿وَالْتَّخْلِ بَاسِقَلَتٍ﴾: درخت بلند و تناور خرما.
- ۱۰- ﴿لَهَا طَلْعٌ﴾: خرما‌ی که هنوز در غلاف است.

- ۱۰- ﴿تَضِيدٌ﴾: متراکم یکی بالای دیگری.
- ۱۱- ﴿كَذَلِكَ الْخُرُوجُ﴾: همینگونه است زنده شدن بعد از مرگ هنگام رستاخیز.
- ۱۲- ﴿أَصْحَبُ الرَّيْسِ﴾: صاحبان چاه، پیامبر خود را در چاه افکندند و نابود شدند.
- ۱۴- ﴿أَصْحَبُ الْأَيْكَةِ﴾: باشندگان ناحیه جنگلزار، دارای درختان انبوه و در هم پیچیده، قوم شعیب.
- ۱۴- ﴿قَوْمٌ نُبَعٌ﴾: قوم ابوکرب جمیری شاه یمن.
- ۱۵- ﴿أَفْعَيْنَا بِالْخَلْقِ﴾: آیا در آفرینش عاجز شده بودیم، نه هرگز.
- ۱۵- ﴿فِي لَبِيسٍ﴾: در شک و اشتباه هستند.
- ۱۶- ﴿حَبِلَ الْوَرِيدِ﴾: رگ گردن.
- ۱۷- ﴿يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ﴾: دو فرشته مراقبند و می نویسند.
- ۱۷- ﴿قَعِيدٌ﴾: فرشته‌ای نشسته است.
- ۱۸- ﴿رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾: فرشته‌ای حاضر و آماده، مراقب گفتار اوست.
- ۱۹- ﴿سَكْرَةُ الْمَوْتِ﴾: سختی مرگ که عقل را می برد.
- ۱۹- ﴿تَحِيدٌ﴾: از آن فرار می کردی.
- ۲۲- ﴿غَطَاءَكَ﴾: پرده‌ای که تو را از آخرت غافل ساخت.
- ۲۲- ﴿حَدِيدٌ﴾: تیز و نافذ است.
- ۲۳- ﴿عَتِيدٌ﴾: برای عرضه داشتن آماده است.
- ۲۴- ﴿عَنِيدٍ﴾: ستیزه‌گر و دور از حق را.
- ۲۵- ﴿مُعْتَدٍ﴾: ظالم و متجاوز از حد.
- ۲۵- ﴿مُرِيبٍ﴾: شک کننده به خدا و دین.
- ۲۷- ﴿مَا أَطْعَيْتُهُ﴾: من او را به طغیان و سرکشی مجبور نکردم.
- ۳۱- ﴿أَزَلْفَتِ الْجَنَّةُ﴾: جنت نزدیک آورده شود.

- ۳۲- ﴿أَوَابٍ﴾: تائب و رجوع کننده به خدا.
- ۳۳- ﴿بِقَلْبٍ مُّنبِئٍ﴾: با قلب مخلص و پذیرای فرمان حق.
- ۳۶- ﴿كَمْ أَهْلَكْنَا﴾: بسیاری را هلاک کردیم.
- ۳۶- ﴿قَرْنٍ﴾: نسلها.
- ۲۶- ﴿بَطْشًا﴾: از روی قوت.
- ۲۶- ﴿فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ﴾: از ترس مرگ روی زمین را گردش کردند.
- ۲۶- ﴿فَتَحِيصٍ﴾: جای فرار و نجات از عذاب خدا.
- ۳۸- ﴿لُغُوبٍ﴾: ماندگی.
- ۳۹- ﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را از هر نقص منزه بدان یا حمد و سپاس نما.
- ۴۰- ﴿أَدْبَرَ السُّجُودِ﴾: بعد از نماز.
- ۴۲- ﴿يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ﴾: نفخه رستاخیز را می شنوند.
- ۴۴- ﴿تَشَقَّقُ الْأَرْضُ...﴾: زمین بشکافد...
- ۴۴- ﴿سِرَاعًا﴾: به جانب دعوتگر بشتابند.
- ۴۵- ﴿بِحَبَابٍ﴾: مسلط که آنها را به اجبار مسلمان کنی.

سوره ذاریات

- ۱- ﴿وَالذَّرِيَّتِ ذُرْوَانَ﴾: قسم به بادها که خاک و چیزهای دگر را پراکنده می سازند.
- ۲- ﴿فَالْحَمِلَتِ وَقْرًا﴾: ابرها که باران را حمل می کنند.
- ۳- ﴿فَالْجَرِيَّتِ يُسْرًا﴾: کشتی های که بر روی آب به سهولت حرکت می کنند.
- ۴- ﴿فَالْمُقْسِمَتِ أَمْرًا﴾: فرشتگانی که مقدرات ربانی را تقسیم می کنند.
- ۵- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: رستاخیز که به شما وعده شده، جواب قسم است.
- ۵- ﴿لَصَادِقٌ﴾: راست و درست است.

- ۶- ﴿إِنَّ الدِّينَ﴾: بی شک جزای بعد از حساب.
- ۷- ﴿ذَاتِ الْحُبُكِ﴾: دارای راه‌ها که مدار ستارگان است.
- ۸- ﴿قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ﴾: گفتار ضد و نقیض دارید.
- ۹- ﴿يُؤْفَكُ عَنْهُ﴾: از قرآن منحرف می‌شود.
- ۱۰- ﴿قُتِلَ الْأَخْرَاصُونَ﴾: دروغ‌گویان از رحمت دور و زشت هستند.
- ۱۱- ﴿عَمْرَةَ﴾: از امور آخرت نمی‌دانند.
- ۱۱- ﴿سَاهُونَ﴾: از دستورات الهی غافلند.
- ۱۲- ﴿أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ﴾: روز جزاء چه وقت است، از آن منکرند.
- ۱۳- ﴿يُقْتَنُونَ﴾: تعذیب و سوزانده می‌شوند.
- ۱۷- ﴿يَهْجَعُونَ﴾: می‌خوابیدند.
- ۱۸- ﴿بِالْأَسْحَارِ﴾: آخرهای شب.
- ۱۹- ﴿وَالْمَحْرُومِ﴾: کسی که از صدقه بی بهره است برای این که با همه نیازمندی از سؤال اجتناب می‌کند.

۲۴- ﴿صَيْفٍ إِبْرَاهِيمَ﴾: مهمانان ابراهیم از فرشته‌ها.

۲۵- ﴿قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ﴾: آنها را نشناخت با خود گفت گروه ناشناسند.

۲۶- ﴿فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ﴾: پنهان از مهمانان نزد خانواده خود رفت.

۲۸- ﴿فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ﴾: در نهاد خود از آنها احساس کرد.

۲۸- ﴿بِغُلَامٍ عَلِيمٍ﴾: پسر دانا، اسحاق علیه السلام در نزد جمهور.

۲۹- ﴿صَرَقَ﴾: فریاد.

۲۸- ﴿فَصَكَّتْ وَجْهَهَا﴾: از تعجب بر روی خود زد.

۳۱- ﴿فَمَا خَطْبُكُمْ﴾: کار مهم شما چیست؟

۳۴- ﴿مُسَوَّمَةً﴾: نشانی شده که سنگ عذاب است.

۳۸- ﴿فِي مُوسَىٰ﴾: در قصه موسی علیه السلام آیتی قرار دادیم.

- ۳۹- ﴿فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ﴾: فرعون به سبب فرمانروایی از ایمان به خدا اعراض کرد.
- ۴۰- ﴿هُوَ مُلِيمٌ﴾: فرعون طغیان کرده و در خور سرزنش بود.
- ۴۱- ﴿الرِّيحِ الْعَقِيمِ﴾: تند باد بی باران که آنها را نابود و نسلشان را منقرض ساخت.
- ۴۲- ﴿كَالَّذِينَ مِمَّ﴾: مانند چیزهای پوسیده و ریز ریز شده.
- ۴۴- ﴿فَعَتَوْا﴾: پس سرکشی کردند.
- ۴۴- ﴿فَأَخَذَتْهُمُ الصَّلِيعَةُ﴾: پس صدای مهیب یا آتشی از آسمان آنها را نابود کرد.
- ۴۷- ﴿بَيَّنَّهَا بِأَيْدِي﴾: آسمان را با قوت و قدرت بنا کردیم.
- ۴۷- ﴿إِنَّا لَمُوسِعُونَ﴾: ما تواناستیم.
- ۴۸- ﴿الْأَرْضِ فَرَشْنَاهَا﴾: برای استقرار بر روی زمین آن را مانند فرش گستردیم.
- ۴۸- ﴿فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ﴾: و ما چه نیکو هموار و درسکننده هستیم.
- ۴۹- ﴿خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ﴾: دو نوع آفریدیم.
- ۵۰- ﴿فَقَرُّوْا إِلَى اللَّهِ﴾: از عذاب خدا به سوی ثواب او بگریزید.
- ۵۳- ﴿طَاغُونَ﴾: در کفر از حد گذشته‌اند.
- ۵۶- ﴿لِيُعْبَدُونَ﴾: برای این که مرا بشناسند یا فرمانبردار من باشند.
- ۵۹- ﴿ذُنُوبٍ﴾: سهمی از عذاب.
- ۶۰- ﴿فَوَيْلٌ﴾: نابودی یا حسرت یا عذاب شدید.

سوره طور

- ۱- ﴿وَالطُّورِ﴾: قسم به طور سینا که خدا در آنجا با موسی عليه السلام سخن گفت.
- ۲- ﴿كِتَابٍ مَّسْطُورٍ﴾: قسم به کتابی که به نظام درست نوشته شده است.
- ۳- ﴿فِي رَقٍ﴾: در صفحه، آنچه در آن بنویسند جلد باشد و یا چیز دیگر.
- ۳- ﴿مَنْشُورٍ﴾: گشوده و مهر نشده.
- ۴- ﴿وَالْمَيْتِ الْمَعْمُورِ﴾: قسم به بیت المعمور، خانه است در آسمان یا کعبه.

- ۵- ﴿وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ﴾: قسم به آسمان.
- ۶- ﴿وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ﴾: قسم به دریای شعله‌ور در روز قیامت.
- ۷- ﴿إِنَّ عَذَابَ﴾: که عذاب، جواب قسم‌های است که در بالا آمد.
- ۹- ﴿تَمُورُ السَّمَاءِ﴾: آسمان به شدت دور می‌خورد، مانند آسیاب.
- ۱۱- ﴿فَوَيْلٌ﴾: هلاکت یا حسرت یا شدت عذاب.
- ۱۲- ﴿خَوْضٍ﴾: غرق در سخنان بیهوده و دروغ.
- ۱۳- ﴿يُدْعُونَ﴾: به تندى و خشونت رانده می‌شوند.
- ۱۶- ﴿أَصْلَوْهَا﴾: در دوزخ داخل شوید یا سختی آن را بکشید.
- ۱۸- ﴿فَلَكِهِنَّ﴾: متلذذ، مرفه و مسرور.
- ۲۰- ﴿سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ﴾: تخت‌های یکسان کنارهم.
- ۲۰- ﴿زَوْجَنَّهُمْ﴾: جفت و همدم گردانیدیم.
- ۲۰- ﴿بِحُورٍ عِينٍ﴾: با زیبا چشمان سفید پوست بهشتی.
- ۲۱- ﴿مَا أَلْتَنَّهُمْ﴾: از پاداش پدران چیزی را کم نمی‌کنیم.
- ۲۱- ﴿رَهِيْنٌ﴾: نزد خدا گرو است.
- ۲۳- ﴿يَتَنَزَّعُونَ﴾: از یکدیگر می‌گیرند.
- ۲۳- ﴿كَأْسًا﴾: شراب یا جام شراب را.
- ۲۳- ﴿لَا لَعُوٌّ فِيهَا وَلَا تَأْتِيْمٌ﴾: هنگام نوشیدن آن بیهوده نمی‌گویند و حرکت موجب گناه انجام نمی‌دهند.
- ۲۴- ﴿لَوْلَوْ مَكْنُونٌ﴾: مروارید نهان در صدف.
- ۲۶- ﴿مُشْفِقِينَ﴾: ترسان از عاقبت.
- ۲۷- ﴿عَذَابَ السَّمُومِ﴾: آتش جهنم که وارد مسامات می‌شود.
- ۲۸- ﴿هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ﴾: او تعالی احسان کننده، مهربان و بسیار بخشنده است.
- ۳۰- ﴿رَيْبَ الْمُنُونِ﴾: حوادث کشنده روزگار.

- ۳۲- ﴿قَوْمٌ طَاغُونُ﴾: قومی ستیزه‌گر و متجاوز.
- ۳۳- ﴿تَقَوْلُهُ﴾: قرآن را از پیش خود ساخته است.
- ۳۷- ﴿خَزَائِنُ رَبِّكَ﴾: خزانه‌های رزق و رحمت یا مقدرات خدایت.
- ۳۷- ﴿هُمُ الْمُصِيطِرُونَ﴾: آنها صاحبان قدرت و سیطره‌اند.
- ۳۸- ﴿لَهُمْ سَلَمٌ﴾: نردبانی دارند که با آن به آسمان می‌روند.
- ۴۰- ﴿مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ﴾: از پرداخت غرامت در رنجند.
- ۴۲- ﴿هُمُ الْمَكِيدُونَ﴾: جزای حيله و مکر خود را می‌یابند.
- ۴۴- ﴿كَيْفًا﴾: قطعه بزرگی.
- ۴۴- ﴿سَحَابٌ مَّرْكُومٌ﴾: ابر متراکم است که باران می‌بارد.
- ۴۵- ﴿فِيهِ يُصَعَّقُونَ﴾: روز بدر نابود می‌شوند.
- ۴۶- ﴿لَا يُعْنِي عَنْهُمْ﴾: از آنها دور نمی‌کند.
- ۴۷- ﴿عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ﴾: عذابی پیش از این، قحطی.
- ۴۸- ﴿بِأَعْيُنِنَا﴾: در حفظ و حراست ما.
- ۴۸- ﴿سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: خدایت را پاک و منزه بدان و حمد و سپاس بگو.
- ۴۹- ﴿إِذْ بَرَّ الْأُنْجُومُ﴾: وقت نهم شدن ستارگان در روشنی سحر.

سوره نجم

- ۱- ﴿وَاللَّجَمِ إِذَا هَوَىٰ﴾: قسم به ستاره وقتی که غروب می‌کند.
- ۲- ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ﴾: پیامبر از حق و هدایت عدول نکرده، جواب قسم است.
- ۲- ﴿مَا غَوَىٰ﴾: هرگز به باطل اعتقاد نداشته است.
- ۵- ﴿شَدِيدُ الْفُؤَىٰ﴾: بسیار نیرومند، امین وحی جبریل.
- ۶- ﴿ذُو مِرَّةٍ﴾: توانا یا زیبا یا دارای آثار بدیع.
- ۶- ﴿فَأَسْتَوَىٰ﴾: به صورت اصلی و ملکوتی خود ایستاد.

- ۸- ﴿ذَنَابًا﴾: جبریل به رسول خدا نزدیک شد.
- ۹- ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ﴾: فاصله او و پیامبر خدا به اندازه دو کمان یا دو ذراع بود.
- ۱۰- ﴿عَبْدِهِ﴾: بنده خدا، محمد ﷺ.
- ۱۲- ﴿أَفْتُمِرُونَ﴾: آیا پیامبر را تکذیب و با او مجادله می کنید.
- ۱۳- ﴿نَزْلَةَ أُخْرَىٰ﴾: یک بار دیگر به صورت اصلی.
- ۱۴- ﴿سِدْرَةَ الْمُنْتَهَىٰ﴾: جایی که دانش مخلوقات به انتها می رسد.
- ۱۵- ﴿جَنَّةِ الْمَأْوَىٰ﴾: بهشت که آرامگاه ارواح شهداست.
- ۱۶- ﴿يَعْتَشَى السِّدْرَةَ﴾: سدره را پوشیده بود.
- ۱۷- ﴿مَا زَاغَ الْبَصَرُ﴾: نگاه او از آنچه به دیدنش مأمور بود منحرف نشد.
- ۱۷- ﴿مَا طَعَى﴾: از آنچه به دیدنش مأمور بود تجاوز نکرد.
- ۱۸- ﴿لَقَدْ رَأَىٰ﴾: بی شک به شب معراج دید.
- ۱۹- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید آیا این بتها توانایی دارند.
- ۱۹- ﴿الَّذَاتِ وَالْعَزَّيَّاتِ وَمَنُوتٍ﴾: لات، منات و عزا بتهای که در جاهلیت پرستش می شدند.
- ۲۲- ﴿قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ﴾: قسمت ظالمانه یا نادرست.
- ۲۴- ﴿أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ﴾: آیا انسان به همه آرزوهای خود می رسد. نه، هرگز.
- ۲۶- ﴿لَا تُغْنِي شَفَعَتُهُمْ﴾: شفاعت آنها مدافع یا سودمند نیست.
- ۳۲- ﴿الْفَوَاحِشِ﴾: گناهان کبیره و نهایت زشت.
- ۳۲- ﴿اللَّمَمِ﴾: گناهان صغیره.
- ۳۲- ﴿فَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ﴾: با اعمال نیک خودستایی نکنید.
- ۳۴- ﴿أَكْدَىٰ﴾: احسان خود را بخیلانه قطع کرد.
- ۳۷- ﴿الَّذِي وَفَّىٰ﴾: دستورات الهی را کامل انجام داد.
- ۳۸- ﴿أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ...﴾: هیچ مجرمی بار گناه دیگری را بر دوش نمی گیرد.

- ۴۲- ﴿الْمُنْتَهَى﴾: بازگشت در آخرت برای دریافت پاداش.
- ۴۶- ﴿ثُمَّ لِي﴾: در رحم می‌ریزد.
- ۴۷- ﴿النِّسَاءَ الْأُخْرَى﴾: زنده کردن مرده‌ها چنانچه وعده کرده است.
- ۴۹- ﴿الشَّعْرَى﴾: ستاره معروف که در جاهلیت پرستش می‌شد.
- ۵۰- ﴿عَادًا الْأُولَى﴾: عاد نخستین، قوم هود عليه السلام.
- ۵۱- ﴿ثَمُودَ﴾: قوم صالح عليه السلام.
- ۵۳- ﴿وَالْمُؤْتَفِكَةَ﴾: شهرهای قوم لوط.
- ۵۳- ﴿أَهْوَى﴾: بلند کرد و بر زمین کوبید.
- ۵۴- ﴿فَعَشَلَهَا﴾: آن را به انواع عذاب گرفتار کرد.
- ۵۵- ﴿ءِآلَاءِ رَبِّكَ﴾: نعمت‌های پروردگارت از جمله دلایل قدرت او.
- ۵۵- ﴿تَتَمَارَى﴾: شک می‌کنی.
- ۵۷- ﴿أَزِفَتِ الْأَازِفَةُ﴾: قیامت نزدیک شد.
- ۵۸- ﴿كَاشِفَةٌ﴾: کسی که سختی و هول آن را دفع کند.
- ۶۱- ﴿أَنْتُمْ سَمِدُونَ﴾: شما غافلید.

سوره قمر

- ۱- ﴿أَنْشَقَّ الْقَمَرَ﴾: ماه آسمان به دو نیمه، شق شد، معجزه پیامبر است.
- ۲- ﴿سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾: سحر دائمی یا استوار یا ناپایدار است.
- ۳- ﴿مُسْتَقَرٌّ﴾: سرانجامی دارد که به آن استقرار می‌یابد.
- ۴- ﴿مُرْدَجَرٌ﴾: بازداشتن از کفر است.
- ۵- ﴿التُّدْرُ﴾: پیامبران یا امور هشدار دهنده دیگر.
- ۶- ﴿شَيْءٍ نُكْرٍ﴾: چیزی زشت و وحشت انگیز، هول قیامت.
- ۷- ﴿خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ﴾: چشم‌هایشان از شدت ترس به زیر افتاده است.

- ۷- ﴿الْأَجْدَاثِ﴾: قبرها.
- ۸- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: شتابان.
- ۸- ﴿يَوْمَ عَسِيرٍ﴾: روز سختی است.
- ۹- ﴿وَأَزْدُجِرَ﴾: با دشنام و حرکات دیگر از تبلیغ رسالت منع شد.
- ۱۰- ﴿مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرَ﴾: مغلوب شدم انتقام مرا از اینها بگیر.
- ۱۱- ﴿أَبْوَابِ السَّمَاءِ﴾: درهای ابر را.
- ۱۱- ﴿بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ﴾: باران تند که به شدت می بارید.
- ۱۲- ﴿فَجَرَرْنَا الْأَرْضَ﴾: زمین را شکافتیم.
- ۱۲- ﴿أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ﴾: هلاکت ایشان به اثر طوفان مقدر شده بود.
- ۱۳- ﴿دُسرٍ﴾: میخ‌های که با آنها تخته‌ها را محکم می کنند.
- ۱۴- ﴿تَجَرِي بِأَعْيُنِنَا﴾: به محافظت ما یا زیر نظر ما یا به امر ما روان بود.
- ۱۵- ﴿تَرَكْنَهَا آيَةً﴾: داستان این کشتی را باقی گذاشتیم تا مایه پند و عبرت باشد.

۱۵- ﴿مُدْكِرٍ﴾: پند و عبرت گیرنده.

۱۶- ﴿نُذْرٍ﴾: هشدارهای من.

۱۹- ﴿رِيحًا صَرْصَرًا﴾: باد سوزان یا سرد یا با آواز شدید.

۱۹- ﴿يَوْمٍ نَحْسٍ﴾: روزی که بر آنها شوم بود.

۱۹- ﴿مُسْتَمِرٍّ﴾: شومی آن دائمی یا شدید یا زشت است.

۲۰- ﴿تَنْزِغِ النَّاسِ﴾: مردم را می کند و پرتاب می کند.

۲۰- ﴿أَعْجَازُ نَخْلٍ﴾: تنه درخت خرما. مُنْفَعِرٍ: ریشه کن شده.

۲۴- ﴿سُعْرٍ﴾: عذاب شدید و آتش یا جنون.

۲۵- ﴿كَذَابٍ أَثَرٍ﴾: دروغگوی متکبر است.

۲۷- ﴿فِتْنَةً لَهُمْ﴾: برای امتحان و ابتلای آنها.

- ۲۷- ﴿أَصْطِرُّ﴾: به آزار و اذیت آنها صبور باش و عجله نکن.
- ۲۸- ﴿قَسَمَةٌ بَيْنَهُمْ﴾: بین آنها و شتر تقسیم شده است.
- ۲۸- ﴿كُلُّ شَرْبٍ﴾: هر سهم از آب.
- ۲۸- ﴿مُحْتَضِرٌ﴾: صاحب نوبت حاضر می شود.
- ۲۹- ﴿فَتَعَاطَى﴾: شتر را به شمشیر بست.
- ۳۴- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی که ریگ‌ها را بر آنها پرتاب می کرد.
- ۳۴- ﴿تَجَيَّنَهُمْ بِسَحْرِ﴾: وقت طلوع فجر آنها را نجات دادیم.
- ۳۶- ﴿أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا﴾: لوط آنها را از عذاب شدید ما ترساند.
- ۳۶- ﴿فَتَمَارَوْا بِالْأُنْذُرِ﴾: ولی آنها در آن هشدارها شک و تکذیب کردند.
- ۳۷- ﴿رَاوَدُوهُ عَنِ ضَيْفِهِ﴾: آنها از لوط عليه السلام خواستند مهمان‌های خود را در اختیارشان بگذارد.
- ۳۷- ﴿فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ﴾: ما آنها را کور ساختیم یا چشمانشان را محو کردیم.
- ۳۸- ﴿بُكْرَةً﴾: اول روز.
- ۴۳- ﴿فِي الزُّبُرِ﴾: در کتابهای آسمانی.
- ۴۴- ﴿مَخْنُ جَمِيعٌ﴾: ما یک گروه هستیم و متحدانه عمل می کنیم.
- ۴۴- ﴿مُنْتَصِرٌ﴾: توانایم و مغلوب نمی شویم.
- ۴۶- ﴿وَالسَّاعَةَ أَذْهَى﴾: و قیامت دشوارتر است.
- ۴۶- ﴿أَمْرٌ﴾: تلختر از عذاب دنیا.
- ۴۷- ﴿سُعْرٍ﴾: آتش شعله‌ور یا جنون.
- ۴۹- ﴿خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ﴾: به تقدیر ازلی یا محکم و به اندازه مقرر.
- ۵۰- ﴿إِلَّا وَاحِدَةً﴾: مگر یک کلمه، لفظ «کن» است.
- ۵۱- ﴿أَشْيَاعَكُمْ﴾: همتایان شما در کفر را.
- ۵۲- ﴿الزُّبُرِ﴾: نامه‌های اعمال.

۵۳- ﴿مُسْتَطَرًّا﴾: در لوح محفوظ نوشته شده است.

۵۴- ﴿نَهْرٍ﴾: چشمه‌ها.

۵۵- ﴿مَقْعَدِ صِدْقٍ﴾: جایگاه شایسته.

سوره رحمان

۲- ﴿عَلَّمَ الْقُرْآنَ﴾: قرآن را به انسان آموخت.

۵- ﴿مُحْسَبَانَ﴾: به حساب منظم در برج خود در گردش هستند.

۶- ﴿التَّجْمُ﴾: گیاه بی ساقه.

۶- ﴿يَسْجُدَانِ﴾: مطیع فرمان خدا هستند در اموری که برای آن آفریده شده‌اند.

۷- ﴿وَضَعَ الْمِيزَانَ﴾: نظام عدل را روشن کرد و مردم را به پیروی از آن دستور

داد.

۸- ﴿أَلَّا تَطْغَوْا﴾: تا این که از حق و عدالت تجاوز نکنید.

۹- ﴿بِالْقِسْطِ﴾: به عدالت.

۹- ﴿لَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ﴾: در وزن کردن، کم و کاست نکنید.

۱۱- ﴿ذَاتُ الْأَكْمَامِ﴾: خوشه‌های نارس و غلاف دار خرما.

۱۲- ﴿ذُو الْعَصْفِ﴾: پوسته‌دار یا کاه یا دارای برگ خشک.

۱۲- ﴿الرِّيْحَانُ﴾: گیاه خوش بو.

۱۳- ﴿ءَالَاءِ رَبِّكُمَا﴾: نعمت‌های خدای خود.

۱۳- ﴿تُكَذِّبَانِ﴾: ای انسان و ای جن ناسپاسی می‌کنید.

۱۴- ﴿صَلْصَلٍ﴾: گل خشک صدا دهند.

۱۴- ﴿كَالْفَخَّارِ﴾: مانند گلی که به اثر سوزاندن مثل سنگ گردد.

۱۵- ﴿مَّارِجٍ﴾: شعله بی دود.

۱۹- ﴿مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ﴾: دو دریای شیرین و شور را در محل جریانشان روان ساخت.

۱۹- ﴿يَلْتَقِيَانِ﴾: در جوار هم هستند یا کناره آن دو بهم پیوست است.

۲۰- ﴿بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ﴾: میان آن دو پرده است از زمین یا از قدرت الهی.

۲۰- ﴿لَا يَبْغِيَانِ﴾: یکی بر حد دیگری تجاوز نمی کند.

۲۴- ﴿لَهُ الْجَوَارِ﴾: کشتی های روان از آن اوست.

۲۴- ﴿الْمُنشَآتُ﴾: بادبان بلند.

۲۴- ﴿كَأَلَّاغْلَمٌ﴾: مانند کوه های سرافراشته یا کاخ ها.

۲۶- ﴿فَانٍ﴾: هلاک شونده است.

۲۷- ﴿ذُو الْجَلَلِ﴾: دارای جاه و جلال و استغنائی مطلق.

۲۷- ﴿الْإِكْرَامِ﴾: احسان کامل.

۲۹- ﴿فِي شَأْنٍ﴾: درکاری است، به مقتضای حکمت حالت های را ایجاد می کند و حالت های را از میان می برد.

۳۱- ﴿سَنَفَرُغْ لَكُمْ﴾: بعد از مهلت دادن به محاسبه شما می پردازیم.

۳۱- ﴿أَيُّهُ الثَّقَلَانِ﴾: ای انسان و جن.

۳۳- ﴿تَنْفُذُوا﴾: از ساحه فرمان من بیرون روید.

۳۳- ﴿فَأَنْفُذُوا﴾: پس بروید، امر اعجازی است.

۳۴- ﴿بِسُلْطَنِ﴾: به نیرو، قهر و غلبه خیلی بعید است...!

۳۵- ﴿شُؤَاطٍ﴾: شعله های بی دود.

۳۵- ﴿نُحَاسٍ﴾: مس گداخته یا دود بدون شعله.

۳۷- ﴿فَكَانَتْ وَرْدَةً﴾: مانند گل سرخ گردد.

۳۷- ﴿كَالِدِهَانٍ﴾: مانند روغن زیتون در زوبان.

۴۱- ﴿بِسِيمَتِهِمْ﴾: از سیاهی روی و کبودی چشم آنها.

- ۴۱- ﴿فَيُؤَخِّدُ بِالْتَّوَصِي﴾: موی پیشانی آنها را می گیرند.
- ۴۴- ﴿حَمِيمٍ ءَانَ﴾: آب جوشان.
- ۴۶- ﴿جَنَّتَانِ﴾: دو بستان یکی داخل و دیگری بیرون قصر.
- ۴۸- ﴿ذَوَاتَا أَفْنَانٍ﴾: دارای شاخه‌ها یا انواع میوه‌ها.
- ۵۰- ﴿عَيْنَانِ﴾: دو چشمه، تسنیم و سلسبیل.
- ۵۲- ﴿زَوْجًا﴾: دو گونه یکی مشهور و دیگری ناشناخته.
- ۵۴- ﴿اسْتَبْرَقٍ﴾: دیبای ضخیم.
- ۵۴- ﴿وَجَعَى الْجَنَّتَيْنِ﴾: میوه‌های رسیده این دو باغ.
- ۵۴- ﴿دَانٍ﴾: به دسترس تناول کننده است.
- ۵۶- ﴿قَصِيرَاتُ الظَّرْفِ﴾: غیر از شوهر خود به دیگری نگاه نمی کنند.
- ۵۶- ﴿لَمْ يَطْمِئُنْ﴾: بیش از شوهر هیچ کس با آنها مقاربت نکرده است.
- ۶۲- ﴿وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانٍ﴾: غیر از آن دو باغ، دو باغ دیگر بالاتر یا پایین تر نیز است.
- ۶۴- ﴿مُدَاهَمَتَانِ﴾: هر دو بسیار سرسبزند.
- ۶۶- ﴿نَضَاحَتَانِ﴾: دایم در فورانند.
- ۷۰- ﴿خَيْرَاتٌ حِسَانٌ﴾: خوش خلق و خوش صورت.
- ۷۲- ﴿حُورٌ﴾: زنان سفید چهره و زیبا.
- ۷۲- ﴿مَقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ﴾: پرده نشینان در خانه‌های از مروارید.
- ۷۶- ﴿رَفْرَفٍ﴾: ناز بالشت‌ها یا فرش‌های عالی.
- ۷۶- ﴿عَبْقَرِيٍّ﴾: فرش‌های نفیس.
- ۷۸- ﴿تَبْرَكٌ﴾: برتر یا خیر و احسانش بسیار است.
- ۷۸- ﴿ذِي الْجَلَلِ﴾: با شکوه و استغنائی مطلق.
- ۷۸- ﴿الْأَكْرَامِ﴾: فضل و احسان کامل.

سوره واقعه

- ۱- ﴿وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾: با نفخه رستاخیز قیامت برپا شود.
- ۳- ﴿خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ﴾: آن روز گناهکاران را پست و نیکو کاران را سرفراز می گرداند.
- ۴- ﴿رُجَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین به شدت لرزانده شود.
- ۵- ﴿بُسَّتِ الْجِبَالُ﴾: کوهها مانند تلخان کوبیده و ریزریز شوند.
- ۶- ﴿هَبَاءٌ مُنَبِّئًا﴾: غبار پراکنده.
- ۷- ﴿كُنْتُمْ أَزْوَاجًا﴾: شما دسته دسته شوید.
- ۸- ﴿فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾: اهل سعادت و برکت یا ناحیه راست.
- ۹- ﴿أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾: اهل شقاوت یا ناحیه چپ.
- ۱۳- ﴿ثُلَّةٌ﴾: گروه بیشتر.
- ۱۵- ﴿سُرُرٍ مَّوْضُونَةٍ﴾: به تخت‌های که به استحکام خاص از طلا بافته شده‌اند.
- ۱۷- ﴿وَلِدَانٍ مُّخْلَدُونَ﴾: نوجوانانی که همیشه جوان و زیبا باقی می‌مانند.
- ۱۸- ﴿بِأَكْوَابٍ﴾: با جام‌ها.
- ۱۸- ﴿أَبَارِيقَ﴾: ظرف‌ها.
- ۱۸- ﴿كَأْسٍ﴾: شراب یا جام شراب.
- ۱۸- ﴿مِّن مَّعِينٍ﴾: از چشمه‌های شراب.
- ۱۹- ﴿يُصَدَّعُونَ عَنْهَا﴾: نوشیدن این شراب‌ها دردسر ندارد.
- ۱۹- ﴿لَا يُنْزِفُونَ﴾: به سبب نوشیدن آن مست نمی‌شود.
- ۲۲- ﴿حُورٌ عِينٌ﴾: زنان سفید اندام با چشمان فراخ و زیبا.
- ۲۳- ﴿الَّذُلُومِ الْمَكُونِ﴾: مروارید نهان در صدف و مصون از تغییر.
- ۲۵- ﴿لَعَوًا﴾: سخن بی‌خیر یا باطل.
- ۲۵- ﴿لَا تَأْتِيَمًا﴾: نه سخن گناه آلود یا موجب گناه.

- ۲۸- ﴿فِي سِدْرٍ﴾: در سایه درخت نبق در ناز و نعمت زندگی می‌کنند.
- ۲۸- ﴿مَخْضُودٍ﴾: بی خار.
- ۲۹- ﴿طَلْحٍ﴾: درخت موز یا مانند آن.
- ۲۹- ﴿مَنْضُودٍ﴾: میوه آن از پایین تا بالا روی هم افتاده است.
- ۳۰- ﴿ظِلِّ مَمْدُودٍ﴾: سایه دایمی یا گسترده.
- ۳۱- ﴿مَاءٍ مَّسْكُوبٍ﴾: آبی که از آبشارها می‌ریزد و پیوسته در روی زمین جاری است.
- ۳۴- ﴿مَرْفُوعَةٍ﴾: گرانبها، بر روی تخت‌ها یا چارپایه‌های بلند.
- ۳۷- ﴿عُرْبًا﴾: شوهر دوست.
- ۳۷- ﴿أَثْرَابًا﴾: هم سن و سال.
- ۴۲- ﴿سَمُومٍ﴾: باد سوزان که در مسامات وارد شود.
- ۴۲- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
- ۴۳- ﴿يَحْمُومٍ﴾: دود غلیظ یا آتش.
- ۴۴- ﴿لَا كَرِيمٍ﴾: در آن گرمی آزار دهنده سودی نمی‌رساند.
- ۴۵- ﴿مُتْرَفِينَ﴾: در ناز و نعمت و نفس پرست.
- ۴۶- ﴿الْحَنِثِ الْعَظِيمِ﴾: گناه بزرگ، شرک.
- ۵۲- ﴿زُقُومٍ﴾: درخت بسیار زشت در دوزخ.
- ۵۵- ﴿شُرْبِ الْهَيْمِ﴾: مانند شتر تشنه که سیراب نشود.
- ۵۶- ﴿هَذَا نُزُلُهُمْ﴾: این کیفری است که به آنها مهیا شده.
- ۵۶- ﴿يَوْمَ الدِّينِ﴾: روز قیامت.
- ۵۸- ﴿أَفْرَأَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۵۸- ﴿مَا تُمْنُونَ﴾: منی که در رحم می‌ریزد.
- ۵۹- ﴿تَخْلُقُونَهُ﴾: به صورت انسان آفریدید.

- ۶۰- ﴿بِمَسْبُوقِينَ﴾: مغلوب و عاجز.
- ۶۳- ﴿مَا تَحْرُثُونَ﴾: دانه‌ای که در زمین می‌کارید.
- ۶۴- ﴿تَزْرَعُونَهُ﴾: او را می‌رویاند تا به کمال برسد.
- ۶۵- ﴿حُطَمًا﴾: گیاه خشک و بی‌فایده.
- ۶۵- ﴿تَفَكَّهُونَ﴾: از دگرگونی و حالت بد او تعجب می‌کردید.
- ۶۶- ﴿إِنَّا لَمَعْرُومُونَ﴾: بدون شک، با از بین رفتن خوردنی‌ها نابود خواهیم شد.
- ۶۷- ﴿مَحْرُومُونَ﴾: همگی از رزق محروم شدیم.
- ۶۹- ﴿الْمَنْزِلُونَ﴾: ابر یا ابر سفید.
- ۷۰- ﴿جَعَلْنَاهُ أَجَاًا﴾: این آب شیرین را نمک یا تلخ می‌گردانیم که نوشیدنش ممکن نباشد.
- ۷۱- ﴿النَّارَ الَّتِي تُورُونَ﴾: آتشی را که می‌افروزید.
- ۷۳- ﴿مَتَلَعًا لِّلْمُقْوِينَ﴾: برای استفاده‌ی مسافران صحراء یا آنهای که به آن نیاز دارند.
- ۷۵- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: پس سوگند می‌خورم «لا» زائد و برای تأکید است.
- ۷۵- ﴿بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾: به غروب ستارگان یا مدار آنها.
- ۷۷- ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ﴾: این کتاب قرآنی است بسیار سودمند یا با ارزش.
- ۷۸- ﴿كِتَابٍ مَّكْنُونٍ﴾: کتابی است نزد پروردگار در لوح محفوظ نهان و موصون از بدی.
- ۷۹- ﴿لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾: جز پاکیزگان نمی‌توانند به آن دست زنند صفت دیگر قرآن است.
- ۸۱- ﴿أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ﴾: شما اهمیت نمی‌دهید یا تکذیب می‌کنید.
- ۸۳- ﴿بَلَغَتِ الْحُلُقُومَ﴾: هنگام مرگ جان به گلو رسد.
- ۸۵- ﴿مَنْ أَقْرَبُ إِلَيْهِ﴾: ما به علم و قدرت خویش به او نزدیک‌تریم.
- ۸۶- ﴿غَيْرِ مَدِينِينَ﴾: مغلوب حکم الهی نباشید.
- ۸۹- ﴿فَرُوحٌ﴾: برای او آسایش یا رحمت است.

- ۸۹- ﴿رَيْحَانٌ﴾: رزق نیکو.
 ۹۳- ﴿فَنُزِّلُ﴾: مهمانی اوست.
 ۹۳- ﴿حَمِيمٍ﴾: آب جوشان.
 ۹۴- ﴿تَصْلِيَةٌ جَاحِيَةٍ﴾: رنج آتش دوزخ را می‌کشد یا به آن انداخته می‌شود.

سوره حَٰدِدِ

- ۱- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی یاد و ستایش کرد.
 ۱- ﴿الْعَزِيزُ﴾: بر همه چیز توانا و غالب است.
 ۳- ﴿الْأَوَّلُ﴾: از همه موجودات پیش است.
 ۳- ﴿الْآخِرُ﴾: بعد از نابودی موجودات باقی است.
 ۳- ﴿الظَّاهِرُ﴾: وجود او با دلایل روشن، آشکار است.
 ۳- ﴿الْبَاطِنُ﴾: حقیقت ذات او تعالی از عقل و ادراک پنهان است.^(۱)
 ۴- ﴿أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ﴾: استوای که شایان کمال او تعالی است.
 ۴- ﴿مَا يَلْبُجُ﴾: آنچه داخل می‌شود از قبیل باران و غیره.
 ۴- ﴿مَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾: آنچه به سوی آسمان بالا می‌رود از قبیل فرشتگان و اعمال بندگان.
 ۴- ﴿هُوَ مَعَكُمْ﴾: او از همه چیز آگاه و با شماست.

۱- بهتر و شایسته‌تر این بود که این دو نام خداوند یعنی ظاهر و باطن را بر اساس همان تفسیری که پیامبر ﷺ تفسیر نموده تفسیر می‌کرد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «وَأنت الظاهر فليس فوقك شيء، وَأنت الباطن فليس دونك شيء» «تو ظاهر هستی پس هیچ چیزی بالاتر از تو نیست و تو باطن هستی پس هیچ چیزی از تو دور و مخفی نیست». بنابراین اسم ظاهر بیانگر بالا بودن او بر آفریده‌هایش دارد و اسم باطن بیانگر احاطه‌ی علم او است و اینکه هیچ چیز از او پنهان نمی‌ماند، شنوایی‌اش گنجایش تمامی صداها را دارد و بینایی‌اش همه‌ی آفریده‌ها را زیر نظر دارد. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفيدة علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته‌ی دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۶- ﴿يُولِجُ اللَّيْلَ﴾: شب را داخل می کند.
- ۱۰- ﴿قَبْلَ الْفَتْحِ﴾: پیش از فتح مکه یا صلح حدیبیه.
- ۱۰- ﴿الْحُسَيْنِ﴾: پاداش نیکو، جنت.
- ۱۱- ﴿قَرُضًا حَسَنًا﴾: کار ثوابی را از طیب خاطر انجام بدهد.
- ۱۳- ﴿أَنْظُرُونَا﴾: منتظر ما بمانید.
- ۱۳- ﴿نَقْتَبِسُ﴾: روشنایی بگیریم.
- ۱۴- ﴿بِسُورِ﴾: دیواری بین بهشت و دوزخ، اعراف.
- ۱۴- ﴿يُنَادُواوَهُمْ﴾: منافقها مسلمانان را صدا می کنند.
- ۱۴- ﴿فَتَنَّتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾: با اختیار نفاق خود را نابود کردید.
- ۱۴- ﴿تَرَبَّصُّمُ﴾: انتظار داشتید به مسلمانان حوادث ناگوار برسد.
- ۱۴- ﴿عَرَّتْكُمْ الْأُمَانِيُّ﴾: آرزوهای بیهوده شما را فریفت.
- ۱۴- ﴿الْغُرُورُ﴾: شیطان و هر فریبنده ای.
- ۱۵- ﴿هِيَ مَوْلَاكُمْ﴾: دوزخ به شما مناسب است.
- ۱۶- ﴿أَلَمْ يَأْنِ﴾: آیا وقت آن نرسیده. ﴿أَنْ تَحْشَعَ﴾: که فروتنی کند.
- ۱۶- ﴿الْأَمَدِ﴾: زمان.
- ۲۰- ﴿تَكَاثُرٌ...﴾: مباحات است به افزونی...
- ۲۰- ﴿أَعْجَبَ الْكُفَّارَ﴾: کشاورزان را به شگفت آورد.
- ۲۰- ﴿يَهِيْجُ﴾: بسیار خشک شود.
- ۲۰- ﴿يَكُونُ حُطْمًا﴾: بعد از خشک شدن بشکنند و پوسیده گردد.
- ۲۱- ﴿سَابِقُوا﴾: بشتابید.
- ۲۲- ﴿تَبَرَّأَهَا﴾: این کائنات را خلق نمایم.
- ۲۳- ﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا﴾: تا حزین و نومید نشوید.
- ۲۳- ﴿لَا تَفْرَحُوا﴾: به غرور و تکبر شادی نکنید.

- ۲۳- ﴿مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾: متکبر خودستا را.
- ۲۵- ﴿الْمِيزَانَ﴾: عدالت را که به اجرای آن دستور دادیم یا همین ترازوی معروف را.
- ۲۵- ﴿أَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ﴾: آهن را آفریدیم یا برای مردم مهیا ساختیم.
- ۲۵- ﴿بِأَسْسٍ شَدِيدَةٍ﴾: نیروی قوی.
- ۲۷- ﴿فَقَفَيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ﴾: بعد از آنها فرستادیم.
- ۲۷- ﴿الْإِنجِيلَ﴾: انجیل را، سپس تحریفش نمودند.
- ۲۷- ﴿الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ﴾: کسانی که از دین او پیروی کردند.
- ۲۷- ﴿رَأْفَةً وَرَحْمَةً﴾: نرمی و مهربانی.
- ۲۷- ﴿رَهْبَانِيَّةً﴾: زیاده روی در عبادت.
- ۲۷- ﴿مَا كَتَبْنَا عَلَيْهَا﴾: ما این رهبانیت را بر آنها فرض نکرده بودیم بلکه آنها از پیش خود ساختند.
- ۲۷- ﴿فَمَا رَعَوْهَا﴾: آن را رعایت نکردند، بلکه جانشین‌های ایشان آن گم و به دین عیسی انکار کردند.
- ۲۸- ﴿يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ﴾: به شما دو اجر می‌دهد.
- ۲۹- ﴿لَيْلًا يَعْلَمُ﴾: تا بداند «لا» زاید است.

سوره مُجَادَلَه

- ۱- ﴿تُجَدِّلُكَ﴾: با تو گفتگو می‌کرد و سخن را تکرار می‌نمود.
- ۱- ﴿تَحَاوَرَكُمَا﴾: گفتگوی شما را.
- ۲- ﴿يُظَاهِرُونَ﴾: همسر خود را مانند مادر خود تحریم می‌کنند.
- ۲- ﴿مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ﴾: سخن زشت که شایسته شرع و عقل نباشد.
- ۲- ﴿زُورًا﴾: دروغ، بیهوده و منحرف از حق.
- ۳- ﴿يَتَمَاسَا﴾: به مقاربت یا انگیزه آن از هم لذت ببرند.

- ۵- ﴿يُحَادُّونَ﴾: مخالفت و دشمنی می کنند.
- ۵- ﴿كَيْتُوا﴾: خوار یا نابود یا لعنت می شوند.
- ۶- ﴿أَخَصَلَهُ اللَّهُ﴾: خدا از آن کاملاً آگاه است.
- ۷- ﴿تَجَوَّى ثَلَاثَةً﴾: سه نفر با هم زار نهانی بگویند.
- ۷- ﴿هُوَ رَايِعُهُمْ﴾: خدا چهارم آنها و از نجوای آنها آگاه است.
- ۷- ﴿هُوَ مَعَهُمْ﴾: خدا با آنها و از همه چیز آگاه است.
- ۸- ﴿لَوْلَا يُعَذِّبُنَا﴾: چرا ما را عذاب نمی کند.
- ۸- ﴿حَسَبُهُمْ جَهَنَّمُ﴾: برای تعذیب و شکنجه آنان جهنم کافی است.
- ۸- ﴿يَصَلَوْنَهَا﴾: به دوزخ داخل می شوند یا سختی آن را می کشند.
- ۱۰- ﴿إِنَّمَا التَّجَوَّى﴾: بدون شک نجوای که نهی شده.
- ۱۰- ﴿لِيَحْزُنَ﴾: تا اندهگین کند.
- ۱۱- ﴿تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ﴾: در مجالس جای را بر دیگران فراخ کنید و پیوست با هم ننشینید.
- ۱۱- ﴿أَنْشُرُوا﴾: بخاطر فراخ شدن مجلس یا عبادت یا کار خیر دیگر برخیزید.
- ۱۳- ﴿ءَأَشْفَقْتُمْ﴾: آیا از فقر ترسیدید.
- ۱۳- ﴿تَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾: با نسخ حکم آن بر شما آسان کرد.
- ۱۴- ﴿إِلَى الَّذِينَ﴾: منافقانی را که.
- ۱۴- ﴿تَوَلَّوْا قَوْمًا﴾: با یهود دوستی کردند.
- ۱۴- ﴿غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ﴾: خدا بر یهود غضب کرده است.
- ۱۶- ﴿جَنَّةٍ﴾: به جان و مال خود سپر قرار دادند.
- ۱۷- ﴿لَنْ تُغْنِيَ...﴾: هرگز دفاع نمی کند...
- ۱۹- ﴿أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ﴾: بر عقل آنها غلبه یافته است.
- ۲۰- ﴿يُحَادُّونَ﴾: مخالفت و دشمنی می کنند.

- ۲۰- ﴿فِي الْأَذْيَانِ﴾: در میان ذلیل‌ترین مردمانند.
- ۲۱- ﴿عَزِيزٌ﴾: همواره بر دشمنانش پیروز و شکست‌ناپذیر است.
- ۲۲- ﴿بُرُوجٍ مِّنْهُ﴾: به نوری که بر دل آنها می‌افکند یا به قرآن.

سورة حَشْرِ

- ۱- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ﴾: خدا را پاک و منزه می‌داند و ستایش می‌کند.
- ۲- ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا﴾: یهود بنی‌نضیر را در نزدیک مدینه.
- ۲- ﴿لِأَوَّلِ الْحَشْرِ﴾: در اولین اخراج و تبعید به شام.
- ۲- ﴿فَأَتْنَهُمُ اللَّهُ﴾: امر و عذاب خدا بر آنها آمد.
- ۲- ﴿لَمْ يَخْتَسِبُوا﴾: گمان نمی‌کردند و به ذهن آنها هم خطور نمی‌کرد.
- ۲- ﴿قَذَفَ﴾: افکند.
- ۳- ﴿الْجِلَاءِ﴾: با زن و فرزندان از وطن بیرون شدن.
- ۴- ﴿شَاقُوا﴾: دشمنی و نافرمانی کردند.
- ۵- ﴿مِنْ لَيْتَةٍ﴾: درخت خرما یا درخت شایسته خرما را.
- ۵- ﴿عَلَىٰ أَصُولِهَا﴾: بر ساقه‌اش.
- ۶- ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ﴾: آنچه خدا عاید گردانید.
- ۶- ﴿فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ﴾: بخاطر بدست آوردن آن نتاختید.
- ۶- ﴿رِكَابٍ﴾: آنچه سوار شوند خصوصاً شتر.
- ۷- ﴿دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ﴾: این اموال تنها در میان توانگران دست بدست نگردد.
- ۹- ﴿تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْأَيْمَانَ﴾: مدینه را وطن خود قرار دادند و به خلوص نیت ایمان آوردند.
- ۹- ﴿حَاجَةً﴾: سوزش دل و حسد.
- ۹- ﴿خَصَاصَةً﴾: فقر و احتیاج.
- ۹- ﴿مَنْ يُوقَ﴾: کسی که دور نگاه داشته شود.
- ۹- ﴿شَحَّ نَفْسِهِ﴾: از بخل و حرص خویش.
- ۱۰- ﴿غَلًّا﴾: هیچ حقد، کینه و خیانتی.

- ۱۴- ﴿بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ﴾: جنگ آنها در میان خودشان سخت تر است.
- ۱۴- ﴿قُلُوبُهُمْ شَتَّى﴾: بین خود اختلاف دارند و دلهاشان پراکنده است.
- ۱۵- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾: عاقبت بد کفر خود را.
- ۱۹- ﴿تَسْوَأُ اللَّهُ﴾: اوامر و نواهی خدا را مراعات نکردند.
- ۱۹- ﴿فَانَسَهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾: پس خدا هم خود آنها را از یاد خودشان برد، کار خیری به نفع آخرت خود انجام ندادند.
- ۲۱- ﴿خَشِعَا﴾: فروتن و فرمان بردار.
- ۲۱- ﴿مُتَّصِدِعَا﴾: پاره پاره.
- ۲۳- ﴿الْمَلِكُ﴾: مالک و متصرف تمام اشیاء.
- ۲۳- ﴿الْقُدُّوسُ﴾: دور از همه نقصها و در کمال پاکیزگی است.
- ۲۳- ﴿السَّلْمُ﴾: سالم از عیب و نقص.
- ۲۳- ﴿الْمُؤْمِنُ﴾: پیامبران خود را با معجزه تأیید و تصدیق می کند.
- ۲۳- ﴿الْمُهَيِّمُنُ﴾: حافظ و مراقب تمام اشیاء.
- ۲۳- ﴿الْعَزِيزُ﴾: قوی و غالب.
- ۲۳- ﴿الْجَبَّارُ﴾: قهار یا بلند مرتبه.
- ۲۳- ﴿الْمُتَكَبِّرُ﴾: کبریا و با جاه و جلال.
- ۲۴- ﴿الْبَارِئُ﴾: ایجاد کننده.
- ۲۴- ﴿الْمُصَوِّرُ﴾: خالق صورتها به هر شکل که بخواهد.
- ۲۴- ﴿الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾: نامهای نیکو با معانی نیکو.

سوره مُتَّحِنَه

- ۱- ﴿أُولِيَاءَ﴾: یاورانی که با آنها دوستی و خیر خواهی می کنید.
- ۱- ﴿أَنْ تُوْمِنُوا﴾: بخاطر ایمانتان یا نفرتی که از دین شما داشتند.

- ۲- ﴿يَتَقَفَّوْكُمْ﴾: به شما دست یابند یا با شما روبرو شوند.
- ۲- ﴿يَسْطُورُوا إِلَيْكُمْ﴾: به سوی شما بکشایند.
- ۴- ﴿أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾: سرمشق خوبی در اظهار بیزاری از گمراهان.
- ۴- ﴿إِنَّا بُرَاءٌ مِنْكُمْ﴾: ما از شما بیزاریم.
- ۴- ﴿إِلَيْكَ أُنَبَّأْنَا﴾: توبه کنان به درگاه تو رجوع کردیم.
- ۵- ﴿لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً﴾: ما را به دست کافران عذاب نکن.
- ۸- ﴿تَبَرُّوهُمْ﴾: به آنها احسان و احترام نمایید.
- ۸- ﴿وَتَقْسِطُوا إِلَيْهِمْ﴾: با آنها به عدل و انصاف رفتار کنید.
- ۹- ﴿ظَاهِرُونَ﴾: با کسانی که با شما پیکار و اخراجتان نمودند، همکاری کردند.
- ۹- ﴿أَنْ تَوَلَّوْهُمْ﴾: که با آنها طرح دوستی بریزید.
- ۱۰- ﴿فَأَمْتَحِنُوهُمْ﴾: آنها را آزمایش نمایید، این حالت در صلح حدیبیه بود.
- ۱۰- ﴿أَجُورَهُنَّ﴾: مهر آنها را.
- ۱۰- ﴿بِعِصْمِ الْكُوفِرِ﴾: به عقد نکاح زنان مشترک.
- ۱۱- ﴿فَاتَكُمُ شَيْءٌ﴾: یکی مرتد شد و گریخت.
- ۱۱- ﴿فَعَاقَبْتُمْ﴾: با آنها پیکار کردید و غنیمت گرفتید.
- ۱۲- ﴿بِبُهْتَنِ﴾: نسبت کودکان یافت شده به شوهر.
- ۱۲- ﴿يَفْتَرِيَهُ﴾: او را به دروغ می سازند.
- ۱۳- ﴿لَا تَتَوَلَّوْا﴾: دوست نگیرید.
- ۱۳- ﴿قَوْمًا﴾: یهود را یا عامه کفار را.

سوره صَف

- ۱- ﴿سَبَّحَ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی و بزرگی می ستاید و فروتنی می کند.
- ۳- ﴿كَبْرَ مَقْتًا﴾: بسیار خشم آور است.

- ۴- ﴿صَفَّا﴾: خود صف بسته‌اند یا به صف ایستاد کرده شده‌اند.
- ۴- ﴿بُنَيْنٌ مَّرْصُوصٌ﴾: عمارتی مستحکم و به هم پیوسته.
- ۵- ﴿رَاعُوا﴾: به اختیار خود از حق منحرف شدند.
- ۵- ﴿أَزَاعَ اللَّهِ فُلُوبَهُمْ﴾: خدا توفیق‌شان نداد که به راه حق بروند.
- ۸- ﴿نُورَ اللَّهِ﴾: حقیقتی را که پیامبر آورده است.
- ۱۳- ﴿أُخْرَى﴾: نعمت دیگری هم نصیب شماست.
- ۱۴- ﴿لِلْحَوَارِيِّينَ﴾: خاصان عیسی علیه السلام.
- ۱۴- ﴿فَأَيَّدْنَا﴾: مؤمنان را قوت و نیرو دادیم.
- ۱۴- ﴿ظَاهِرِينَ﴾: با دلایل آشکار پیروزی یافتند.

سوره جُمُعَه

- ۱- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ﴾: خدا را به پاکی می‌ستایند.
- ۱- ﴿الْمَلِكِ﴾: مالک تمام اشیاء.
- ۱- ﴿الْقُدُّوسِ﴾: از همه عیبها پاک است.
- ۱- ﴿الْعَزِيزِ﴾: قادر، غالب و تواناست.
- ۲- ﴿الْأَمِينِ﴾: عرب معاصر پیامبر.
- ۲- ﴿يُزَكِّيهِمْ﴾: آنها را از آلودگی‌های جاهلیت پاک می‌کند.
- ۳- ﴿ءَاخِرِينَ مِنْهُمْ﴾: بر گروه دیگری از عرب.
- ۳- ﴿لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ﴾: هنوز به آنها نپیوسته‌اند و به زودی خواهند پیوست.
- ۵- ﴿حَمَلُوا التَّوْرَةَ﴾: مکلف شدند که به تورات عمل نمایند، یهود.
- ۵- ﴿يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾: کتابهای بزرگ را بر می‌دارد و از آنها بهره نمی‌گیرد.
- ۶- ﴿هَادُوا﴾: یهودیت را پذیرفته‌اید.
- ۹- ﴿ذَرُوا الْبَيْعَ﴾: خرید و فروش را رها کنید.

- ۱۰- ﴿فَأَنْتَشِرُوا﴾: برای بدست آوردن نیازمندی‌های خود پراکنده شوید.
 ۱۱- ﴿انْفِضُوا إِلَيْهَا﴾: از نزد تو پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند.

سورة مُنَافِقُونَ

- ۲- ﴿جَنَّةٌ﴾: سپری برای حفظ جان و مال خود.
 ۳- ﴿أَمْنًا﴾: تنها به زبان ایمان آوردند.
 ۴- ﴿فَطَبَعَ﴾: بخاطر کفرشان مهر نهاده شد.
 ۵- ﴿لَا يَفْقَهُونَ﴾: حقیقت ایمان را نمی‌دانند.
 ۴- ﴿حُشْبٌ مُسْنَدَةٌ﴾: چوب تکیه داده بر دیوارند، اجسام بی‌خردند.
 ۴- ﴿هُمُ الْعَدُوُّ﴾: دشمنانی سرسختند.
 ۴- ﴿أَلَيْ يُوَفِّكُونَ﴾: چگونه از راه حق منحرف می‌شوند؟
 ۵- ﴿لَوْ رَأَوْهُمْ﴾: به استهزاء و تمسخر روی خود را می‌گردانند.
 ۷- ﴿حَتَّى يَنْفِضُوا﴾: تا از کنار پیامبر پراکنده شوند.
 ۸- ﴿رَجَعْنَا﴾: از غزوه بنی‌مصطلق برگشتیم.
 ۸- ﴿لِيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ﴾: قوی‌ترها [خود آنها] بیرون می‌کنند.
 ۸- ﴿الْأَذَلُّ﴾: ضعیف‌ترها [رسول خدا] را.
 ۸- ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ﴾: غلبه و قهر خاصه خداست.
 ۹- ﴿لَا تُلْهَكُمُ﴾: شما را مشغول نگرداند.
 ۹- ﴿عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ﴾: از طاعت و عبادت خدا.
 ۱۰- ﴿لَوْلَا أَخَّرْتَنِي﴾: چرا مهلتم ندادی و مرگم را به تأخیر نینداختی.

سوره تَغَابُن

- ۱- ﴿يُسَبِّحُ لِلَّهِ...﴾: خدا را به پاکی می ستاید و ثنا می گوید...
- ۱- ﴿لَهُ الْمُلْكُ﴾: در همه امور اختیار کامل دارد.
- ۳- ﴿بِالْحَقِّ﴾: به حکمت بالغه.
- ۳- ﴿فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ﴾: صورت های شما را نیکو ساخت.
- ۵- ﴿وَبَالَ أَمْرِهِمْ﴾: سرانجام بد کفر خود را در دنیا.
- ۶- ﴿تَوَلَّوْا﴾: از ایمان به پیامبران سرپیچی کردند.
- ۸- ﴿وَالثُّورِ﴾: به قرآن.
- ۹- ﴿لِيَوْمِ الْجَمْعِ﴾: در قیامت که خلائق برای حساب و جزاء جمع می شوند.
- ۹- ﴿يَوْمِ التَّغَابُنِ﴾: روزی که زیان کافر به ترک ایمان و غفلت مسلمان به کوتاهی از احسان آشکار گردد.
- ۱۱- ﴿بِإِذْنِ اللَّهِ﴾: به اراده، قضاء و قدر او.
- ۱۱- ﴿يَهْدِي قَلْبَهُ﴾: خدا دلش را به یقین، صبر و تسلیم هدایت می کند.
- ۱۵- ﴿فِتْنَةً﴾: بلاء، محنت و آزمون است.
- ۱۶- ﴿يُوقُ شَحْ نَفْسِهِ﴾: از بخل شدید و حرص خویشتن دور بماند.
- ۱۷- ﴿قَرَضًا حَسَنًا﴾: اعمال را به اخلاص، طیب خاطر و امید ثواب انجام دهید.

سوره طَلَق

- ۱- ﴿فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ﴾: زنها را در زمان پاکی که در آن مقاربت نشده باشد طلاق دهید.
- ۱- ﴿أَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾: عده را شمار و سه حیض یا سه پاکی را کامل نمایید.

- ۱- ﴿يَفْحِشَةَ مَيْيَنَةٍ﴾: گناه کبیره آشکار.
- ۲- ﴿بَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ﴾: زنان طلاق شده به پایان عده خود نزدیک شوند.
- ۲- ﴿مُخْرَجًا﴾: راه نجات از تمام سختی‌ها و بلاها.
- ۳- ﴿لَا يَحْتَسِبُ﴾: به ذهنش خطور نمی‌کند.
- ۳- ﴿فَهُوَ حَسْبُهُ﴾: خدا در همه امور به او بس است.
- ۳- ﴿قَدْرًا﴾: وقت معین یا تقدیر ازلی.
- ۴- ﴿يَيْسَنَ﴾: زنانی که امید بچه دار شدن ندارد.
- ۴- ﴿وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ﴾: عده زنان نابالغ سه ماه است.
- ۴- ﴿يُسْرًا﴾: آسانی را.
- ۶- ﴿وَجِدْكُمْ﴾: وسع و توان خود.
- ۶- ﴿وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ﴾: در باره شیر دادن و اجرت آن با هم مشوره نمایید.
- ۶- ﴿تَعَاَسَرْتُمْ﴾: در باره شیر دادن و اجرت آن مضایقه کردید.
- ۷- ﴿ذُو سَعَةٍ﴾: غنی و توانگری.
- ۷- ﴿قُدِرَ عَلَيْهِ﴾: فقیر و تنگدست.
- ۸- ﴿كَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ﴾: بسیاری از اهالی قریه‌ای.
- ۸- ﴿عَتَّتْ﴾: سرکشی کرد.
- ۸- ﴿عَذَابًا نُكْرًا﴾: عذاب زشت در آخرت.
- ۹- ﴿وَبَالَ أَمْرَهَا﴾: عاقبت بد نافرمانی خود را.
- ۹- ﴿خُسْرًا﴾: خسران و هلاکت.
- ۱۰- ﴿ذِكْرًا﴾: قرآن را.
- ۱۱- ﴿رَسُولًا﴾: پیامبری یا جبریل را فرستاده است.
- ۱۲- ﴿يَنْزِلُ الْأَمْرُ﴾: قضا و قدر یا تدبیر او تعالی جریان دارد.

سوره تحریم

- ۱- ﴿مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾: خدا نوشیدن عسل را برای تو حلال کرده است.
- ۱- ﴿تَبَتَّغِي﴾: طلب می کنی.
- ۲- ﴿مِحْلَةَ أَيْمَنِكُمْ﴾: کشودن قسمهای شما را با کفاره.
- ۲- ﴿اللَّهُ مَوْلَاكُمْ﴾: خدا ناصر و متولی امور شماست.
- ۳- ﴿نَبَأْتُ بِهِ﴾: این راز را به دیگری خبر داد.
- ۳- ﴿أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ﴾: خدا پیامبر را از افشا شدن این راز آگاه ساخت.
- ۴- ﴿صَعَّتْ فُلُوبُكُمْ﴾: دل های شما از حق پیامبر که بر شماست منحرف شده است.
- ۴- ﴿إِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ﴾: اگر شما به رنجاندن و اندوهگین ساختن او ﷺ همدست شوید.
- ۴- ﴿هُوَ مَوْلَاهُ﴾: خدا یار و یاور اوست.
- ۴- ﴿ظَهِيرٌ﴾: پشتیبان او می باشند.
- ۵- ﴿قَنْتَلْتِ﴾: مطیع و فرمانبردار خدا.
- ۵- ﴿سَلِيحَتِ﴾: هجرت کنندگان یا روزه داران.
- ۶- ﴿قَوًّا أَنْفُسَكُمْ﴾: خود را با طاعت و عبادت دور نگاه دارید.
- ۶- ﴿غِلَاطٌ شِدَادٌ﴾: نگاهبانان دوزخ قوی و سنگدل هستند.
- ۸- ﴿تُوبَةً نُّصُوحًا﴾: توبه خالصانه یا صادقانه یا مقبول.
- ۸- ﴿لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ﴾: خدا پیامبر خود را خوار نمی کند بلکه عزت او را می افزاید.
- ۹- ﴿أَغْلُظُّ عَلَيْهِمْ﴾: بر آنها سخت بگیر یا در برابر ایشان سنگدل باش.
- ۱۰- ﴿فَخَانَتَاهُمَا﴾: به منافقت یا به نامی به آن دو خیانت کردند.
- ۱۰- ﴿فَلَمْ يُعْنِيَا عَنْهُمَا﴾: از آن دو دفاع نکردند.
- ۱۲- ﴿أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا﴾: دامن خود را از مردان دور نگاه داشت.

- ۱۲- ﴿مِنْ رُوحِنَا﴾: از روحی که مخلوق ماست بدون واسطه پدر، عیسی الصلی علیہ و آله و سلم.
 ۱۲- ﴿مِنَ الْقَنْتَرِینِ﴾: از بندگان مطیع و فرمانبردار خدا.

سوره مَلِك

- ۱- ﴿تَبَرَّكَ الَّذِیْ﴾: بلند و با عظمت یا خیرش فراوان است ذاتی که.
 ۱- ﴿بِیْدِهِ الْمُلْکُ﴾: امر و نهی و فرمانروایی از آن اوست.
 ۲- ﴿خَلَقَ الْمَوْتَ﴾: مرگ را آفریده یا از ازل مقدر کرده است.
 ۲- ﴿لِیَبْلُوْکُمْ﴾: تا شما را بیازماید.
 ۲- ﴿أَحْسَنَ عَمَلًا﴾: نیکو کارتر و مخلصتر یا فرمانبرتر است.
 ۳- ﴿طَبَاقًا﴾: هر آسمان بر فراز دیگری است.
 ۳- ﴿تَفَوُّتٍ﴾: اختلاف و عدم تناسب.
 ۳- ﴿فُطُورٍ﴾: شکافها یا خلل و نابسامانی.
 ۴- ﴿کَرَّتَیْنِ﴾: دوباره.
 ۴- ﴿خَاسِئًا﴾: خوار و ذلیل از نیافتن خلل و نابسامانی.
 ۴- ﴿هُوَ حَسِیْرٌ﴾: او از کثرت مراجعت خسته و مانده است.
 ۵- ﴿بِمَصْبِیحٍ﴾: به ستاره‌های درخشان.
 ۵- ﴿رُجُومًا لِلشَّیْطٰنِ﴾: وسیله طرد شیاطین با پرتاب شهاب از ستارگان بر آنها.
 ۷- ﴿شَهِیقًا﴾: آواز زشت مانند آواز خر.
 ۷- ﴿تَفَوُّرٌ﴾: آنها را می‌جوشاند.
 ۸- ﴿تَکَادُ تَمِیزٌ﴾: نزدیک است بترکد و از هم بپاشد.
 ۸- ﴿فَوْجٌ﴾: جماعتی از کفار.
 ۱۱- ﴿فَسْحَقًا﴾: از رحمت و بخشش دور باد.
 ۱۵- ﴿الْأَرْضِ ذُلُولًا﴾: زمین را رام، نرم و هموار کرد که در آن قرار گیرید.

- ۱۵- ﴿مَنَاكِبَهَا﴾: نواحی آن یا راه‌ها و گزرگاه‌های آن.
- ۱۵- ﴿إِلَيْهِ النَّشُورُ﴾: از قبرها برانگیخته می‌شوید و پیش او می‌روید.
- ۱۶- ﴿مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾: کسی که فرمان‌روای آسمان هاست.
- ۱۶- ﴿يُخَسِّفُ بِكُمْ﴾: شما را فرو برد.
- ۱۶- ﴿هِيَ تَمُورُ﴾: زمین لرزه کند.
- ۱۷- ﴿حَاصِبًا﴾: بادی از سوی آسمان که در آن سنگریزه است.
- ۱۷- ﴿كَيْفَ نَذِيرٍ﴾: تهدید، هشدار و توانایی من در فرستادن عذاب چگونه است.
- ۱۸- ﴿كَانَ نَكِيرٍ﴾: هلاک ساختن من چگونه بود.
- ۱۹- ﴿صَفَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ﴾: هنگام پرواز بال‌های خود را می‌گشایند و جمع می‌کنند.
- ۲۰- ﴿أَمَنْ هَذَا﴾: آیا این کیست؟
- ۲۰- ﴿جُنْدٌ لَّكُمْ﴾: یار و یاور و پناگاه شماست.
- ۲۰- ﴿عُرُورٍ﴾: گرفتار فریب شیطان و لشکر او هستند.
- ۲۱- ﴿لَجُؤًا فِي عُتُوٍ﴾: در سرکشی و ستیز ادامه دادند.
- ۲۱- ﴿نُفُورٍ﴾: فرار و دوری از حق.
- ۲۲- ﴿مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ﴾: به روی افتاده که از لغزش در امان نیست.
- ۲۲- ﴿يَمِشِي سَوِيًّا﴾: ایستاده راه می‌رود و نمی‌افتد، مَثَل است برای مشرکین و یکتا پرستان.
- ۲۴- ﴿ذُرًّا لَّكُمْ﴾: شما را آفرید و پخش کرد.
- ۲۷- ﴿رَأْوَهُ زُلْفَةً﴾: عذاب را نزدیک خود بینند.
- ۲۷- ﴿سَيِّئًا﴾: از ذلت و اندوه سیاه می‌شود.
- ۲۷- ﴿بِهِ تَدْعُونَ﴾: به تمسخر تقاضا داشتید، هر چه زودتر بیاید.
- ۲۸- ﴿أَرْعَيْتُمْ﴾: به من خبر دهید.
- ۲۸- ﴿يُجِيرُ الْكَافِرِينَ﴾: کافرها را نجات یا پناه می‌دهد.

- ۳۰- ﴿غَوْرًا﴾: در زمین فرورود و دست رسی به آن ممکن نباشد.
 ۳۰- ﴿بِمَاءٍ مَّعِينٍ﴾: آب روان که به سهولت بدست بیاید.

سوره قلم

- ۱- ﴿وَالْقَلَمِ﴾: قسم به قلم.
 ۱- ﴿مَا يَسْطُرُونَ﴾: قسم به آنچه می نویسند.
 ۲- ﴿مَا أَنْتَ﴾: ای محمد تو نیستی، جواب قسم.
 ۳- ﴿غَيْرَ مَمْنُونٍ﴾: دایمی.
 ۶- ﴿بِأَيِّكُمْ أَلْمَفْتُونُ﴾: کدام یک از شما دیوانه است.
 ۹- ﴿وَدُواً لَوْ تَدَّهِنُ﴾: دوست دارند که با ایشان نرمی و مدارا کنی.
 ۹- ﴿فَيُدْهِنُونَ﴾: آنها نیز با تو نرمی و مدارا کنند.
 ۱۰- ﴿حَلَافٍ﴾: حق و ناحق قسم می خورد.
 ۱۰- ﴿مَّهِينٍ﴾: پست و بی تمیز یا دروغ گو.
 ۱۱- ﴿هَمَّازٍ﴾: عیبجو یا غیبتگر.
 ۱۱- ﴿مَّشَاءٍ بَنِيٍّ﴾: برای سخن چینی و فتنه انگیزی بین مردم رفت و آمد دارد.
 ۱۳- ﴿عُتْلٍ﴾: بدخلق و فرومایه یا خشن و بدرفتار.
 ۱۳- ﴿زَنِيمٍ﴾: حرامزاده، بی اصل و نسب یا بدکار.
 ۱۵- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: چیزهای باطل که نوشته اند.
 ۱۶- ﴿سَنَسُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ﴾: او را گرفتار ننگ دایمی سازیم، مانند داغ بر بینی.
 ۱۷- ﴿بَلَوْنَهُمْ﴾: اهل مکه را به قحطی آزمودیم.
 ۱۷- ﴿الْحِجَّةِ﴾: باغی بود نزدیک صنعاء.
 ۱۷- ﴿لَيَصْرُمُنَّهَا﴾: میوه های رسیده باغ را بچینند.

- ۱۷- ﴿مُصْبِحِينَ﴾: صبحگاهان.
- ۱۸- ﴿لَا يَسْتَنُونَ﴾: برخلاف پدر خود حصه نیازمندان را جدا نکنند.
- ۱۹- ﴿فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ﴾: آتشی در آن باغ افتاد.
- ۲۰- ﴿كَالْصَّرِيمِ﴾: مانند خاکستر سیاه و شب تاریک.
- ۲۱- ﴿فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ﴾: هنگام صبح یکدیگر را صدا کردند.
- ۲۲- ﴿أَعْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار حرکت کنید.
- ۲۲- ﴿صَرِيمِينَ﴾: قصد چیدن میوه‌ها را دارید.
- ۲۳- ﴿يَتَخَفَتُونَ﴾: آهسته به یکدیگر می‌گفتند.
- ۲۵- ﴿عَدُوا﴾: صبح هنگام به سوی کشتزار خود رفتند.
- ۲۵- ﴿عَلَىٰ حَرْدٍ﴾: به تنهایی و بدون مساکین.
- ۲۵- ﴿قَدِيرِينَ﴾: می‌توانند میوه‌ها را بچینند.
- ۲۶- ﴿إِنَّا لَضَالُّونَ﴾: ما راه گم کرده‌ایم این باغ ما نیست.
- ۲۸- ﴿أَوْسَطَهُمْ﴾: عاقلتر و با اندیشه‌تر آنها.
- ۲۸- ﴿لَوْلَا تَسْوِحُونَ﴾: چرا از این کار و خبث نیت خود از خدا آمرزش نمی‌خواهید.
- ۳۰- ﴿يَتَلَوَّمُونَ﴾: یکدیگر را ملامت می‌کردند.
- ۳۲- ﴿إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ﴾: از خدای خود خیر و عفو می‌خواهیم.
- ۳۸- ﴿لَمَّا تَخَيَّرُونَ﴾: هر چه را شما انتخاب می‌کنید و مشتاق آن هستید.
- ۳۹- ﴿لَكُمْ أَيْمَنُ عَلَيْنَا﴾: با ما پیمان‌های مؤکد به سوگند بسته‌اید.
- ۳۹- ﴿لَمَّا تَحْكُمُونَ﴾: هر چه به نفع خود حکم کنید.
- ۴۲- ﴿يُكْشَفُ عَن سَاقٍ﴾: کنایه از شدت هول و وحشت قیامت است.^۱

۱- این یکی از دو قول در تفسیر این آیه است و قول دوم چنین است: منظور این است که الله ساقش را آشکار می‌کند. و حدیثی که صحت آن ثابت است دلیل این قول است. (نگا: صحیح بخاری - کتاب التوحید باب قول الله تعالی: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿۳۳﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ﴿۳۴﴾﴾ (۴۳۱/۱۳) حدیث

شماره (۷۴۳۹) و همچنین امام مسلم این حدیث را به شماره (۱۸۳) از طریق عطاء بن یسار عن ابي سعيد الخدري روایت کرده است).

همچنین سلف صالح در اثبات صفت ساق همانند صفت پا و دست اختلافی نداشته‌اند و تنها در تفسیر این آیه اختلاف کرده‌اند. برخی از آنها گفته‌اند: «منظور از ساق، ساق الله است، بنابراین الله ساق خویش را آشکار نموده و در این هنگام مؤمنان برایش سجده می‌کنند همانگونه که در صحیحین وارد شده است». (لفظ این حدیث در صحیح بخاری چنین است که از ابو سعید خدری رضی الله عنه روایت شده که گفت: به رسول الله صلی الله علیه و آله گفتیم: آیا پروردگاران را در قیامت می‌بینیم؟ فرمود: آیا در دیدن خورشید و ماه در هوای صاف دچار مشکل می‌شوید؟ گفتیم: نه. فرمود: پس شما در دیدن پروردگارتان در آن هنگام نیز دچار مشکل نمی‌شوید. سپس فرمود: منادی ندا سر می‌دهد که هر قومی به سوی آنچه عبادت می‌کردند بروند. پس اصحاب صلیب با صلیبشان و بت‌پرستان با بت‌هایشان می‌روند و هر کس معبودی را می‌پرستیده با آن می‌رود تا اینکه افرادی می‌مانند که الله را عبادت کرده‌اند چه نیکوکار باشند یا تبهکار و غیره از اهل کتاب. سپس جهنم آورده شده و عرضه می‌شود که گویی سراب است. به یهود گفته می‌شود: شما چه کسی را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما عزیر پسر الله را می‌پرستیدیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید الله همسر و فرزندی نداشته است (و ندارد) پس چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته می‌شود: بنوشید پس در جهنم سقوط می‌کنند. سپس به نصاری گفته می‌شود که شما چه را پرستش می‌کردید؟ می‌گویند: ما مسیح پسر الله را پرستش می‌کردیم. گفته می‌شود: دروغ گفتید الله همسر و فرزندی نداشته است (و ندارد) گفته می‌شود: چه می‌خواهید؟ می‌گویند: می‌خواهیم ما را بنوشانی. گفته می‌شود: بنوشید پس در جهنم سقوط می‌کنند تا اینکه کسانی باقی می‌مانند که الله را پرستش می‌کردند چه نیکوکار و چه تبهکار. به آنها گفته می‌شود: اکنون که مردم رفته‌اند چه چیزی شما را نگه داشته است. می‌گویند: ما آن هنگام که بیشتر به آنها نیاز داشتیم از آنها جدا شدیم و ما ندای ندا دهنده‌ای را شنیدیم که ندا سر داده هر کس به آنچه می‌پرستید بیبوند و ما منتظر پروردگاران هستیم، می‌گوید: خداوند جبار با هیئتی متفاوت از آنچه در ابتدا دیده بودند می‌آید و می‌گوید: من پروردگار شما هستم، می‌گویند: تو پروردگاران هستی، و جز پیامبران کسی با او سخن نمی‌گوید. می‌گوید: آیا شما نشانه‌ای دارید که او را با آن بشناسید؟ می‌گویند: ساق، پس الله ساقش را آشکار نموده و هر مؤمنی برای او به سجده می‌افتد و کسانی که از روی خودنمایی و ریا و شهرت خدا را سجده می‌کردند باقی می‌مانند پس می‌روند تا سجده کنند اما کمرشان یک پارچه صاف می‌ماند الحدیث».

برخی نیز گفته‌اند: (إن المراد شدة الهول) منظور ترس و هراس بسیار شدید است. در نتیجه آنها این آیه را از آیات صفات به شمار نیاورده‌اند اما صفت ساق که در سنت ثابت است را انکار نکرده‌اند یعنی صفت ساق را با نص قرآن ثابت نمی‌دانند بلکه از طریق سنت آن را به اثبات

- ۴۳- ﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾: چشمانشان به زیر افتاده است.
- ۴۳- ﴿تَرَهَقُهُمْ ذِلَّةٌ﴾: ذلت و ندامت وجود آنها را فراگیرد.
- ۴۴- ﴿فَذَرْنِي﴾: به من بگذار، تهدید شدید است.
- ۴۴- ﴿سَنَسْتَدْرِجُهُمْ﴾: آنها را زمان می دهیم و یکباره گرفتارشان نمی کنیم.
- ۴۵- ﴿أُمْلِي لَهُمْ﴾: به آنها مهلت می دهم.
- ۴۶- ﴿مَغْرَمٍ﴾: غرامت آن مزد.
- ۴۶- ﴿مُثْقَلُونَ﴾: سنگین بارند.
- ۴۸- ﴿كَصَاحِبِ الْحَوْتِ﴾: مانند صاحب ماهی، یونس عليه السلام.
- ۴۸- ﴿مَكْطُومٌ﴾: از نافرمانی قوم خود دل پر از خشم و اندوه داشت.
- ۴۹- ﴿لَتُبَدَّ بِالْعَرَاءِ﴾: از شکم ماهی به صحرای خالی و مهلک افکنده می شد.
- ۵۰- ﴿فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را برگزید و دو باره به او وحی فرستاد.
- ۵۱- ﴿لَيُرِزُّ لِقُونِكَ﴾: پایت را بلغزانند و چشم زخمت بزنند.

سوره حَاقَّة

- ۱- ﴿الْحَاقَّةُ﴾: قیامت، هر چه را انکار کرده اند در آن روز تحقق یابد.
- ۲- ﴿مَا الْحَاقَّةُ﴾: قیامت و صحنه های هول انگیزش چیست.

می رسانند. و به هر حال تضادی میان دو قول وجود ندارد زیرا الله در روزی بسیار هراسناک ساق خویش را آشکار می گرداند.

بر خلاف معطله که به صفت ساق ایمان ندارند و نه از قرآن و نه از سنت آن را ثابت نمی دانند بلکه آیه و حدیث را به شدت عذاب تعبیر می کنند و اگر چه این را می توان از آیه برداشت کرد ولی در تفسیر حدیث نمی توان چنین برداشتی داشت، زیرا در حدیث ساق به ضمیری اضافه شده که به الله متعال باز می گردد. (نگاه: تفسیر ابن جریر ۲۹-۳۸-۴۲ و تفسیر ابن کثیر ۷/۹۰-۹۱). (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

- ۴- ﴿بِالْقَارِعَةِ﴾: به قیامت که هول و هراسش دلها را می‌کوبد.
- ۵- ﴿بِالطَّاغِيَةِ﴾: به آواز بسیار شدید.
- ۶- ﴿بِرِيحٍ صَّارِصٍ﴾: به باد سوزان یا سرد یا آواز شدید.
- ۶- ﴿عَاتِيَةٍ﴾: طوفان شدید.
- ۷- ﴿سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ﴾: آفریدگار باد را بر آنها مسلط کرد.
- ۷- ﴿حُسُومًا﴾: پی‌درپی یا شوم.
- ۷- ﴿أَعْبَاجُ نَخْلِ﴾: تنه درخت خرما.
- ۷- ﴿خَاوِيَةٍ﴾: بر زمین افتاده یا پوسیده.
- ۹- ﴿وَالْمُؤْتَفِكْتُ﴾: اهالی قریه‌های قوم لوط.
- ۹- ﴿بِالْحَاطِئَةِ﴾: خطای بزرگ.
- ۱۰- ﴿أَخَذَةَ رَابِيَةً﴾: شدیدتر از عذاب‌های دیگر.
- ۱۱- ﴿الْجَارِيَةِ﴾: کشتی نوح.
- ۱۲- ﴿تَذُكْرَةً﴾: پند و عبرت.
- ۱۲- ﴿تَعِيَهَا﴾: او را به خاطر بسپارد.
- ۱۳- ﴿نَفْحَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: یک نفخه، نفخه اول برای تخریب عالم.
- ۱۴- ﴿مُحِلَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین به دستور ما از جایش برداشته شود.
- ۱۴- ﴿فَدُكَّتَا﴾: کوبیده یا هموار شوند.
- ۱۵- ﴿وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ﴾: قیامت قائم شود.
- ۱۶- ﴿أَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ﴾: آسمان از ترس پاره و پراکنده گردد.
- ۱۶- ﴿وَأَهِيَّةٌ﴾: بعد از آن همه استحکام شکسته و ویران است.
- ۱۷- ﴿عَلَىٰ أَرْجَائِبَهَا﴾: کناره‌ها و اطراف آسمان.
- ۱۸- ﴿يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ﴾: بعد از نفخه دوم برای حساب و جزا پیش خدا می‌آیند.
- ۱۹- ﴿هَآؤُمْ﴾: بگیریید یا بیایید.

- ۱۹- ﴿كِتَابِيَّةٌ﴾: نامه اعمال مرا.
- ۲۱- ﴿رَاضِيَةً﴾: پسندیده.
- ۲۳- ﴿قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ﴾: میوه‌های آن در دسترس است.
- ۲۴- ﴿هَنِيئًا﴾: گوارا.
- ۲۷- ﴿كَانَتْ أَلْقَاضِيَةً﴾: مرگ پایان کارم بود، زنده نمی‌شدم.
- ۲۸- ﴿مَا أَغْنَىٰ عَنِّي﴾: عذاب را از من دفع نکرد.
- ۲۸- ﴿مَالِيَةً﴾: آنچه داشتم، مال و مانند آن.
- ۲۹- ﴿سُلْطَنِيَّةٌ﴾: حجت یا سلطه و قدرت من.
- ۳۰- ﴿فَعُلُوهُ﴾: دست و گردنش را با زنجیر ببندید.
- ۳۱- ﴿أَلْجَحِيمَ صَلْوُهُ﴾: او را در جهنم بیفکنید یا بسوزانید.
- ۳۲- ﴿فَأَسْلُكُوهُ﴾: داخلش نمایید.
- ۳۴- ﴿لَا يَحْضُ﴾: تشویق نمی‌کرد.
- ۳۵- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشاوند مهربان که از او دفاع کند.
- ۳۶- ﴿غَسْلِينَ﴾: ریم اهل دوزخ.
- ۳۷- ﴿الْخَاطِئُونَ﴾: کافرها.
- ۳۸- ﴿فَلَا أُفْسِمُ﴾: قسم می‌خورم و «لا» زاید است.
- ۴۰- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾: این قرآن را خدا به رسول کریم وحی کرده و او به مردم می‌رساند.
- ۴۴- ﴿لَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا﴾: اگر پیامبر سخنانی را می‌ساخت و به ما نسبت می‌داد.
- ۴۵- ﴿بِالْيَمِينِ﴾: دست راست او را یا به قوت و قدرت.
- ۴۶- ﴿الْوَتِينَ﴾: رگ قلب یا حرام مغز.
- ۴۷- ﴿عَنْهُ حَاجِرِينَ﴾: مانع هلاکت او.
- ۵۰- ﴿لَحْسَرَةً﴾: مایه ندامت بزرگ است.

۵۲- ﴿فَسَيِّحُ بِأَسْمِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را از آنچه سزاوار او نیست پاک و منزّه بشمار.

سوره معارج

۱- ﴿سَأَلَ سَائِلٌ﴾: درخواست کننده‌ای بر خود و قومش در خواست کرد.

۳- ﴿ذِي الْمَعَارِجِ﴾: صاحب آسمانها، جای بالا رفتن فرشتگان.

۴- ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ﴾: فرشتگان از این مدارج بالا می‌روند.

۴- ﴿وَالرُّوحُ﴾: جبریل.

۴- ﴿فِي يَوْمٍ﴾: در روز قیامت.

۴- ﴿مِقْدَارُهُ﴾: مقدار آن در حق کفار.

۵- ﴿صَبْرًا جَمِيلًا﴾: در برابر رنج و آزار قومت تنها به خدا شکوه کن.

۸- ﴿السَّمَاءِ كَالْمُهْلِ﴾: آسمان مانند فلز گداخته یا دُرد روغن زیتون.

۹- ﴿الْجِبَالِ كَالْعِهْنِ﴾: کوهها مانند پشم رنگارنگ.

۱۰- ﴿حَمِيمٌ﴾: خویشاوند مشفق، از شدت ترس.

۱۱- ﴿يُبَصِّرُ وَّهُمْ﴾: خویشاوندان یکدیگر را می‌شناسند.

۱۳- ﴿فَصِيلَتِهِ﴾: عشیره نزدیکش را.

۱۳- ﴿تُؤْوِيهِ﴾: در نسب یا روز سختی او را به خود پیوست می‌کردند.

۱۵- ﴿إِنَّهَا لَطَيٌّ﴾: جهنم یا درک دوم دوزخ شعله‌ور است.

۱۶- ﴿نَزَاعَةَ لِّلشَّوَى﴾: دست و پا یا پوست سر مجرم را می‌گند.

۱۸- ﴿فَأَوْعَى﴾: مال خود را از حرص و آز در ظرفی ذخیره کرد.

۱۹- ﴿هَلُوعًا﴾: ناشکیبا و حریص.

۲۰- ﴿جَزُوعًا﴾: بسیار نومید می‌شود.

۲۱- ﴿مَنْوَعًا﴾: بسیار بخیل است و از احسان منع می‌کند.

۲۵- ﴿وَالْمَحْرُومِ﴾: محروم از عطا و بخشش که سؤال نمی‌کند.

- ۲۷- ﴿مُشْفِقُونَ﴾: از کبریایی او تعالی ترسانند.
- ۳۱- ﴿الْعَادُونَ﴾: متجاوز از حلال به حرام.
- ۳۶- ﴿مُهْطِعِينَ﴾: گردنهای خود را دراز کرده به سوی تو می شتابند.
- ۳۷- ﴿عَزِيزِينَ﴾: گروه‌های پراکنده.
- ۳۹- ﴿مِمَّا يَعْلَمُونَ﴾: از آنچه خود می دانند، نطفه کوچک.
- ۴۰- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: قسم می خورم «لا» زاید است.
- ۴۱- ﴿بِمَسْبُوقِينَ﴾: مغلوب و ناتوان.
- ۴۲- ﴿فَذَرَهُمْ﴾: آنها را به حال خود بگذار.
- ۴۲- ﴿يَخْوضُوا﴾: در باطل غوطه‌ور شوند.
- ۴۳- ﴿مِنَ الْأَجْدَاثِ﴾: از قبرها.
- ۴۳- ﴿سِرَاعًا﴾: شتابان به سوی دعوت کننده.
- ۴۳- ﴿نُصَبِ﴾: سنگ‌های که در جاهلیت مورد احترام آنها بود.
- ۴۳- ﴿يُوفِضُونَ﴾: می‌دوند.
- ۴۴- ﴿خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ﴾: نمی‌توانند بالا نگاه کنند.
- ۴۴- ﴿تَرَهَقَهُمْ ذَلَّةٌ﴾: در ذلت و خواری غرقند.

سوره نوح

- ۴- ﴿إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ﴾: اگر ایمان نیاورید وقت آمدن عذاب الهی.
- ۶- ﴿فِرَارًا﴾: دوری و رمندگی از ایمان.
- ۷- ﴿وَأَسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ﴾: از تنفر زیاد خود را در لباس‌هایشان پنهان کردند.
- ۷- ﴿أَصْرُوا﴾: در راه کفر پایداری کردند.
- ۱۱- ﴿يُرْسِلِ السَّمَاءَ﴾: باران را روان می‌کند.
- ۱۱- ﴿مَدْرَارًا﴾: فراوان و پی‌درپی.

- ۱۳- ﴿لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا﴾: به کبریایی خدا معتقد نیستید یا از جاه و جلالش نمی ترسید.
- ۱۴- ﴿خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا﴾: شما را به تدریج در حالت‌های مختلف آفرید.
- ۱۵- ﴿سَمَوَاتٍ طِبَاقًا﴾: آسمان‌ها را بر فراز هم.
- ۱۶- ﴿نُورًا﴾: روشنگر زمین در تاریکی شب.
- ۱۶- ﴿الشَّمْسُ سِرَاجًا﴾: آفتاب را چراغ فروزان که تاریکی را محو می کند.
- ۱۷- ﴿أَنْثَبْتُمْ مِنَ الْأَرْضِ﴾: شما را از خاک آفرید.
- ۱۹- ﴿الْأَرْضَ بِسَاطًا﴾: زمین را برای استقرار بر روی آن گسترد.
- ۲۰- ﴿سُبُلًا فِجَاجًا﴾: راه‌های وسیع.
- ۲۱- ﴿خَسَارًا﴾: گمراهی در دنیا و عذاب در آخرت.
- ۲۲- ﴿مَكْرًا كُبَّرًا﴾: مکر نهایت بزرگ.
- ۲۳- ﴿وَدَّآ...﴾: بت‌های هستند که قوم نوح پرستش می کردند سپس این روش به عرب انتقال یافت، «ود» بت قبیله «کلب»
- ۲۳- ﴿سُوَاعًا﴾: سواع بت قبیله هُدَیْل.
- ۲۳- ﴿يَعُوْثٌ﴾: یعوث بت غطفان.
- ۲۳- ﴿يَعُوْقٌ﴾: یعوق بت همدان.
- ۲۳- ﴿نَسْرًا﴾: نسر بت آذی کلاع از قبیله جمیر بود.
- ۲۵- ﴿مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ﴾: از سبب گناهانشان و «ما» زاید است.
- ۲۶- ﴿دَيَّارًا﴾: یکی را که به روی زمین حرکت کند.
- ۲۸- ﴿تَبَارًا﴾: هلاکت و نابودی.

سوره جن

- ۱- ﴿قُرْآنًا عَجَبًا﴾: قرآنی شگفت‌انگیز در فصاحت و بلاغت.

- ۲- ﴿الرُّشْدِ﴾: حق یا توحید و ایمان.
- ۳- ﴿تَعَالَى﴾: بلند و با عظمت است.
- ۳- ﴿جَدُّ رَبِّنَا﴾: مقام یا قدرت پروردگار ما.
- ۴- ﴿يَقُولُ سَفِيهَتَنَا﴾: جاهل ما می گفت، ابلیس.
- ۴- ﴿شَطَطًا﴾: سخنان دروغ و دور از حق.
- ۶- ﴿يَعُوذُونَ﴾: پناه می جستند.
- ۶- ﴿فَزَادُوهُمْ رَهَقًا﴾: به گناه یا سرکشی و سفاهت آنان افزودند.
- ۸- ﴿حَرَسًا شَدِيدًا﴾: نگاهبان های قوی از فرشتگان.
- ۸- ﴿شُهَبًا﴾: شهاب های شعله وری که مانند ستاره به سرعت فرود می آیند.
- ۹- ﴿شُهَابًا رَّصَدًا﴾: شهابی درکمین که او را هدف قرار می دهد.
- ۱۰- ﴿رَشَدًا﴾: خیر، صلاح و رحمت.
- ۱۱- ﴿طَّرَائِقَ قِدَاً﴾: دارای مذاهب گوناگون.
- ۱۲- ﴿ظَنَّتْنَا﴾: اینک دانستیم و یقین کردیم.
- ۱۳- ﴿فَلَا يَخَافُ بَخْسًا﴾: از نقصان ثواب حسناش نمی ترسد.
- ۱۳- ﴿لَا رَهَقًا﴾: از رسیدن ذلت نمی ترسد [که گناه دیگری بر او بار شود]
- ۱۴- ﴿مِنَّا الْقَسِطُونَ﴾: گروهی از ما کافر و از راه حق منحرف شدند.
- ۱۴- ﴿تَحَرَّوْا رَشَدًا﴾: به سوی خیر، صلاح و هدایت رفتند.
- ۱۵- ﴿لِحِبَّتِهِمْ حَطَبًا﴾: هیزم دوزخ هستند.
- ۱۶- ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾: راه هدایت، اسلام.
- ۱۶- ﴿مَاءَ غَدَقًا﴾: آب فراوان که با آن زندگانی بهتر می شود.
- ۱۷- ﴿لِنَفْتِهِمْ فِيهِ﴾: تا با این نعمت ها آنها را بیازمایم.
- ۱۷- ﴿يَسْلُكُهُ﴾: او را داخل می کند.
- ۱۷- ﴿عَذَابًا صَعَدًا﴾: عذاب مشقت آور و طاقت فرسا.

- ۱۹- ﴿عَبْدُ اللَّهِ﴾: نبی کریم که خدا را عبادت می کند.
- ۱۹- ﴿عَلَيْهِ لِبَدَا﴾: از تعجب اطراف او ازدحام می کردند.
- ۲۱- ﴿رَشْدًا﴾: نفعی یا هدایتی.
- ۲۲- ﴿لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ﴾: اگر فرمان خدا را بجا نکنم هیچ کس عذاب او را از من دفع نمی کند.
- ۲۲- ﴿مُلْتَحَدًا﴾: پناهگاهی یا جای استواری که به آن پشت گرمی یابم.
- ۲۵- ﴿أَمَدًا﴾: زمانی دور.
- ۲۷- ﴿رَصَدًا﴾: نگاهبانی از فرشتگان که او را حراست می کنند.
- ۲۸- ﴿أَحَاطَ﴾: به تمام و کمال آگاه است.
- ۲۸- ﴿أَحْصَى﴾: کاملاً ضبط کرده است.

سوره مَزَّمَل

- ۱- ﴿الْمُزَّمَلُ﴾: خود را در جامه پیچنده، نبی کریم.
- ۴- ﴿رَتَّلِ الْقُرْآنَ﴾: قرآن را به آهستگی بخوان، حروف را از مخرج ادا کن.
- ۵- ﴿قَوْلًا ثَقِيلًا﴾: سخنی که بر مکلفین مشقت آور است، قرآن.
- ۶- ﴿نَاشِئَةَ اللَّيْلِ﴾: عبادتی که در شب انجام می شود.
- ۶- ﴿أَشَدُّ وَطْأًا﴾: ثابت تر و استوارتر است.
- ۶- ﴿أَقْوَمُ قِيْلًا﴾: خواندن قرآن ثابت تر است زیرا در شب حضور قلب بیشتر است.
- ۷- ﴿سَبْحًا﴾: مشغولیت و تلاش.
- ۸- ﴿تَبَتَّلَ إِلَيْهِ﴾: یکسره به عبادت او پرداز.
- ۱۰- ﴿هَجْرًا جَمِيلًا﴾: کناره گیری شایسته با شکیبایی.
- ۱۱- ﴿ذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ﴾: تکذیب کنندگان را به خود من واگذار من بر آنها بسنده ام.
- ۱۱- ﴿أُولَى النَّعْمَةِ﴾: صاحبان ناز و نعمت و زندگانی خوش.

- ۱۱- ﴿مَهْلَهُمْ قَلِيلًا﴾: آنها را اندک زمانی مهلت بده بعد از آن عذاب و عقوبت است.
- ۱۲- ﴿أُنْكَالًا﴾: زنجیرهای محکم و سنگین.
- ۱۳- ﴿طَعَامًا ذَا غُصَّةٍ﴾: غذای گلوگیر.
- ۱۴- ﴿يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ﴾: روزی که زمین به شدت تکان بخورد، روز قیامت.
- ۱۴- ﴿كَثِيرًا مَّهِيلًا﴾: توده‌های ریگ روان.
- ۱۶- ﴿أَخْذًا وَبِيْلًا﴾: گرفتن شدید و عاقبت ناگوار.
- ۱۸- ﴿السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ﴾: آسمان در آن روز از ترس شکافته گردد.
- ۲۰- ﴿لَنْ تُحْصَوْهُ﴾: نمی‌توانید وقت قیام شب را به دقت تعیین کنید.
- ۲۰- ﴿فَتَابَ عَلَیْكُمْ﴾: خدا بر شما رحم کرد و اجازه داد که وقت معین برای قیام شب را ترک نمایید.
- ۲۰- ﴿فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾: در شب هر اندازه به شما آسان است نماز بخوانید و در این نماز آنچه آسان است از قرآن قرائت نمایید.
- ۲۰- ﴿يَضْرِبُونَ﴾: برای تجارت و مقاصد دیگر سفر می‌کنند.
- ۲۰- ﴿أَقِمْوْا الصَّلَاةَ﴾: نماز فرض را ادا کنید.
- ۲۰- ﴿قَرُضًا حَسَنًا﴾: به طیب خاطر و برای کسب رضای خدا.

سوره مَدَّثَرٌ

- ۱- ﴿الْمُدَّثِّرُ﴾: پنهان کننده خود را به لباس هایش، نبی کریم.
- ۳- ﴿رَبِّكَ فَكْبِّرُ﴾: تنها پروردگارت را بزرگ بشمار و تعظیم نما.
- ۴- ﴿ثِيَابَكَ فَطَهِّرُ﴾: لباس‌هایت را پاک کن کنایه از پاکیزگی نفس از بدیهاست.
- ۵- ﴿وَالرُّجْزَ فَاهْجُرُ﴾: از گناه که موجب عذاب است دوری گزین.
- ۶- ﴿لَا تَمُنْ نَسْتَكْثِرُ﴾: به امید آن نبخش که بیشتر بگیری.

- ۸- ﴿تُقَرَّرُ فِي التَّاقُورِ﴾: بخاطر رستاخیز در صورت دمیده شود.
- ۱۱- ﴿ذَرْنِي﴾: به من واگذار، تهدید و وعید است.
- ۱۲- ﴿مَالًا مَّمْدُودًا﴾: مال فراوان.
- ۱۳- ﴿بَيْنَ شُهُودًا﴾: پسران که همیشه در حضور او هستند و هیچگاه برای کسب و کار از او جدا نمی‌شوند چون نیازی به آن ندارند.
- ۱۴- ﴿مَهَّدْتُ لَهُ﴾: نعمت، ریاست و مقام او را گسترش دادم.
- ۱۶- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نخواهد شد.
- ۱۶- ﴿لَا يَتَّبِعُنَا عَنِيدًا﴾: نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد یا از حق دوری می‌جوید.
- ۱۷- ﴿سَأُرْهِقُهُ صُعُودًا﴾: به زودی به عذاب پرمشقت و طاقت فرسا دچارش می‌کنم.
- ۱۸- ﴿قَدَّرَ﴾: سخن طعنه‌آمیزی نسبت به خدا و پیامبر در ذهن خود آماده کرد.
- ۱۹- ﴿فَقَتِلَ﴾: لعنت و عذاب بر او باد یا از نیکی و خیر دور باد.
- ۲۱- ﴿نَظَرَ﴾: درباره سخن طعنه‌آمیزی که آماده کرده بود تأمل کرد.
- ۲۲- ﴿عَبَسَ﴾: هنگامی که میدان حيله برایش تنگ شد ابرو درهم کشید.
- ۲۲- ﴿بَسَرَ﴾: در عبوست چهره‌اش افزود.
- ۲۴- ﴿سِحْرٌ يُؤْتَرُ﴾: سحری است که از ساحران می‌آموزد.
- ۲۶- ﴿سَأُصْلِيهِ سَقَرًا﴾: به زودی به جهنم داخلش می‌کنم.
- ۲۹- ﴿لَوَاحٍ لِّلْبَشْرِ﴾: پوست دوزخیان را سیاه می‌کند و می‌سوزاند.
- ۳۱- ﴿فِتْنَةً﴾: سبب فتنه و گمراهی.
- ۳۱- ﴿مَا هِيَ﴾: نیست دوزخ.
- ۳۳- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ﴾: قسم به شب وقتی که دور شود.
- ۳۴- ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ﴾: قسم به صبح هنگامی که روشن شود.
- ۳۵- ﴿إِنَّهَا لِيَحْدَى الْكُبْرِ﴾: قطعاً همین جهنم یکی از بلاهای عظیم است،
جواب قسم.

- ۳۷- ﴿أَنْ يَتَّقَدَّمَ﴾: به سوی خیر و طاعت پیش رود.
- ۳۸- ﴿بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةً﴾: نزد او تعالی در گرو اعمال خویش است.
- ۴۲- ﴿مَا سَلَكَكُمْ﴾: چه چیز شما را وارد کرد؟
- ۴۵- ﴿كُنَّا نَحْوُ﴾: ما غرق در باطل بودیم.
- ۴۶- ﴿بِیَوْمِ الدِّینِ﴾: به روز رستاخیز، حساب و جزا.
- ۵۰- ﴿حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ﴾: خرهای وحشی و رمنده.
- ۵۱- ﴿قَسْوَرَةً﴾: شیر یا تیرانداز.
- ۵۶- ﴿أَهْلُ التَّقْوَى﴾: سزاوار است که بندگان از او بترسند.

سورة قِيَامَت

- ۱- ﴿لَا أُقْسِمُ﴾: قسم می خورم «لا» زاید است.
- ۲- ﴿الْوَامَةِ﴾: بر آنچه از دست رفته سرزنش و پشیمانی می کند.
- ۴- ﴿بَلَى﴾: بله، آن را بعد از پراکنده شدن جمع می کنیم.
- ۴- ﴿تُسْوَى بَنَانَهُ﴾: سرانگستان او را مرتب کنیم
- ۵- ﴿لِيُفَجِّرَ أَمَامَهُ﴾: به تمام عمر خود به فسق و فجور ادامه دهد.
- ۷- ﴿بَرِيقَ الْبَصْرِ﴾: چشم از آنچه مشاهده می کند به دهشت و حیرت افتد.
- ۸- ﴿خَسَفَ الْقَمَرُ﴾: روشنی ماه برود.
- ۹- ﴿جُمُعَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ﴾: آفتاب و مهتاب در حالی که تاریکند از مغرب ظاهر شوند.
- ۱۰- ﴿أَيْنَ الْمَفْرُ﴾: جای فرار از عذاب یا نجات از ترس کجاست؟
- ۱۱- ﴿لَا وَرَزَّ﴾: جای نجات و پناه از عذاب خدا ندارد.
- ۱۴- ﴿بَصِيرَةٌ﴾: دلیل آشکار یا چشم بینا.
- ۱۵- ﴿لَوْ أَلْفَىٰ مَعَاذِيرَهُ﴾: هر قدر عذر بیاورد برایش سودمند نیست.
- ۱۷- ﴿جَمْعُهُ﴾: جمع قرآن در سینه و حفظ تو.
- ۱۷- ﴿قُرْآنَهُ﴾: که هر وقت خواسته باشی آن را بخوانی.
- ۱۸- ﴿قُرْآنَهُ﴾: قرائت آن را برای تو به زبان جبریل به اتمام رساندیم.
- ۱۹- ﴿بَيَانَهُ﴾: تفسیر معانی مشکل آن.
- ۲۲- ﴿تَأْضِرَةٌ﴾: زیبا، شاد و خندان.
- ۲۴- ﴿بَاسِرَةٌ﴾: بسیار عبوس و افسرده.
- ۲۵- ﴿فَاقِرَةٌ﴾: بلای بزرگ کمر شکن.
- ۲۶- ﴿بَلَغَتِ التَّرَاقِي﴾: جان به گلو رسد.

- ۲۷- ﴿مَنْ رَاقٍ﴾: او را که مداوا می کند و از مرگ نجات می دهد؟
- ۲۹- ﴿وَاللُّغْتِ السَّاقُ...﴾: بیچد یا بچسبد...
- ۳۰- ﴿الْمَسَاقُ﴾: روان کردن انسان برای جزا و پاداش.
- ۳۳- ﴿يَتَمَطَّى﴾: به کبر و ناز راه می رفت.
- ۳۴- ﴿أَوْلَىٰ لَكَ﴾: آنچه مایه نابودی توست به تو نزدیک است.
- ۳۶- ﴿يُتْرَكُ سُدًى﴾: سرخور گذاشته می شود که نه مورد امر و نهی قرار گیرد و نه ثواب و عقاب شود.
- ۳۷- ﴿مَنْيَ يُمْنَى﴾: منی که در رحم می ریزد.
- ۳۸- ﴿فَسَوَىٰ﴾: درست و کاملش کرد و در او روح دمید.

سوره انسان

- ۲- ﴿أَمْشَاجٍ﴾: مختلط دارای صفات متفاوت.
- ۲- ﴿تَبْتَلِيهِ﴾: انسان را با تعیین تکالیف آزمایش می کنیم.
- ۳- ﴿هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ﴾: برای او راه هدایت و گمراهی را نشان دادیم.
- ۴- ﴿سَلَسِلًا﴾: زنجیرهای که با آن بسته و به آتش کشیده می شوند.
- ۴- ﴿أَعْلَلًا﴾: غل‌های که دست‌های آنها را به گردنشان می بندند.
- ۵- ﴿كَأْسٍ﴾: شراب یا جام شراب.
- ۵- ﴿مِزْجُهَا﴾: آنچه شراب با آن آمیخته شود.
- ۵- ﴿كَافُورًا﴾: آبی مانند کافور در بهترین حالت.
- ۶- ﴿عَيْنًا﴾: آب چشمه یا شراب آن.
- ۶- ﴿يُشْرَبُ بِهَا﴾: که از آن می نوشند.
- ۶- ﴿يُفَجِّرُونَهَا﴾: به هر جای خانه که بخواهند روانش می سازند.
- ۷- ﴿مُسْتَطِيرًا﴾: گسترده است.

- ۱۰- ﴿يَوْمًا عَبُوسًا﴾: روزی که از هول و هراس آن چهره‌ها ترش و عبوس می‌شوند.
- ۱۰- ﴿قَمَطْرِيرًا﴾: عبوست شدید.
- ۱۱- ﴿لَقْنَهُمْ نَصْرَةً﴾: به آنها چهره شاد و زیبا بخشید.
- ۱۳- ﴿أَلَّا رَأَيْكَ﴾: تخت‌ها در حجله‌ها.
- ۱۳- ﴿زَمَهْرِيرًا﴾: سرمای شدید یا ماه.
- ۱۴- ﴿دَانِيَةً عَلَيْهِمْ﴾: درختان آنجا بر آنها سایه افکن است.
- ۱۴- ﴿ذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا﴾: میوه‌های آن به دسترس تناول کننده است.
- ۱۵- ﴿أَكْوَابٍ﴾: صراحی‌ها.
- ۱۵- ﴿قَوَارِيرًا﴾: مانند شیشه صافند.
- ۱۶- ﴿قَدَرُوهَا﴾: ساقیان بهشتی به اندازه سیراب شدن در آن شراب می‌ریزند.
- ۱۷- ﴿كَأَسًا﴾: شرابی که یا جام شرابی که.
- ۱۷- ﴿مِزَاجُهَا﴾: آمیزه آن.
- ۱۷- ﴿زَنْجِيلاً﴾: آبی که در خوبی مانند زنجبیل است.
- ۱۹- ﴿وَلِدَانٌ مُّخَلَّدُونَ﴾: نوجوانانی که همیشه جوان و زیبا خواهند ماند.
- ۱۹- ﴿لَوْلَا مَنَّوْنَا﴾: مروارید پراکنده در زیبایی و صفایی.
- ۲۱- ﴿ثِيَابٌ سُندُسٍ﴾: لباس‌های از حریر نازک.
- ۲۱- ﴿إِسْتَبْرَقٌ﴾: دیبای ضخیم.
- ۲۵- ﴿بُكْرَةً وَأَصِيلًا﴾: اول و آخر روز یا مدام.
- ۲۷- ﴿يَوْمًا ثَقِيلًا﴾: روز بسیار هراس انگیز، روز قیامت.
- ۲۸- ﴿شَدَدْنَا أَسْرَهُمْ﴾: خلقت آنها را مستحکم کردیم.

سورهٔ مُزَسَّلَات

- ۱- ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾: قسم به بادهای عذاب که مانند یال اسب به ردیف قرار دارند.
- ۲- ﴿فَالْعَصْفَتِ عَصْفًا﴾: قسم به بادهای تند و نابودکننده.
- ۳- ﴿وَالنَّشْرَاتِ نَشْرًا﴾: و قسم به فرشتگانی که بالهای خود را در فضا هنگام آوردن وحی می‌گسترانند.
- ۴- ﴿فَالْفَرِيقَتِ فَرَقًا﴾: و قسم به فرشتگان حامل وحی که حق و باطل را از هم جدا می‌کند.
- ۵- ﴿فَالْمُلْقِيَتِ ذِكْرًا﴾: و قسم به فرشتگانی که به انبیاء وحی می‌رسانند.
- ۶- ﴿عُذْرًا﴾: برای دفع عذر و بهانه بنده‌ها.
- ۶- ﴿نُذْرًا﴾: برای انداز و ترسانیدن از عذاب.
- ۷- ﴿إِنَّمَا تُوعَدُونَ﴾: آنچه به شما درباره رستاخیز وعده داده‌اند، جواب قسم.
- ۸- ﴿التَّجُومِ طُمِسَتْ﴾: ستارگان تاریک شوند.
- ۹- ﴿السَّمَاءِ فُرِجَتْ﴾: آسمان بشکافت.
- ۱۰- ﴿الْجِبَالِ نُسِفَتْ﴾: کوه‌ها به سرعت کنده شوند.
- ۱۱- ﴿الرُّسُلِ أُقْتَتَتْ﴾: پیامبران به وعده‌گاه رسانده شوند، روز قیامت.
- ۱۲- ﴿لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ﴾: گفته می‌شود برای چه روزی به تأخیر افتاده است.
- ۱۳- ﴿لِيَوْمِ الْفَصْلِ﴾: برای روز جدایی بین خلاق یا حق و باطل.
- ۱۵- ﴿وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ﴾: نابودی در آن روز هراس‌انگیز.
- ۲۰- ﴿مَاءٍ مَّهِينٍ﴾: منی ضعیف و حقیر.
- ۲۱- ﴿قَرَارٍ مَّكِينٍ﴾: رَحِم.
- ۲۳- ﴿فَقَدَرْنَا﴾: پس آن را به اندازه مناسب قرار دادیم.

- ۲۵- ﴿الْأَرْضَ كِفَاتًا﴾: زمین را برای اجتماع انسان.
- ۲۵- ﴿أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا﴾: زنده‌ها بر روی زمین جمع و مرده‌ها در دل خاک نهان می‌شوند.
- ۲۷- ﴿رَوَاسِيَ شَخِخْتٍ﴾: کوه‌های بلند و استوار.
- ۲۷- ﴿مَاءً فُرَاتًا﴾: آب شیرین گوارا.
- ۳۰- ﴿ظِلِّ﴾: دود جهنم.
- ۳۰- ﴿ثَلَاثِ شُعَبٍ﴾: سه شاخه مانند گیسوان.
- ۳۱- ﴿لَا ظَلِيلٍ﴾: سایه‌ای که گرمی را دور کند.
- ۳۱- ﴿لَا يُعْنِي مِنَ اللَّهَبِ﴾: اندکی از گرمای آتش را دفع نمی‌کند.
- ۳۲- ﴿تَرْمِي بِشَرَرٍ﴾: شراره پرتاب می‌کند.
- ۳۲- ﴿كَالْقَصْرِ﴾: هر شراره مانند کاخ بلند و بزرگ.
- ۳۳- ﴿كَأَنَّهُ وَجِمَلَةٌ صَفْرَاءُ﴾: انگار آن شراره‌ها شتران سیاه‌تاب هستند. عرب شتر سیاه‌تاب را از سبب کثرت، سرعت حرکت و رنگ آن زرد می‌نامند.
- ۳۹- ﴿لَكُمْ كَيْدٌ﴾: حيله‌ای دارید برای حفظ خود از عذاب.

سوره نبا

- ۱- ﴿عَمَّ﴾: از چه چیز پر اهمیت.
- ۲- ﴿عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ﴾: از قرآن یا از رستاخیز.
- ۴- ﴿كَلَّا﴾: هرگز چنین نیست.
- ۶- ﴿الْأَرْضَ مِهْدًا﴾: زمین را محل آرامش و استقرار.
- ۷- ﴿وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا﴾: کوه‌ها را مانند میخ برای زمین تا تکان نخورد.
- ۸- ﴿خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا﴾: شما را به شکل مذکر و مؤنث آفریدیم برای زاد و ولد.

- ۹- ﴿تَوْمَكُمْ سُبَاتًا﴾: خواب را برای فراغت و آرامش جسمی شما.
- ۱۰- ﴿الَّيْلَ لِبَاسًا﴾: شب را پرده‌ای که شما را با تاریکی خود می‌پوشاند.
- ۱۱- ﴿الْتَّهَارَ مَعَاشًا﴾: روز را برای بدست آوردن وسایل زندگانی.
- ۱۲- ﴿سَبْعًا شِدَادًا﴾: هفت آسمان محکم و استوار.
- ۱۳- ﴿سِرَاجًا وَهَاجًا﴾: چراغ درخشان، آفتاب.
- ۱۴- ﴿الْمُعْصِرَاتِ﴾: ابرهای بارنده.
- ۱۴- ﴿مَاءَ حَاجَا﴾: آب فراوان که به وفرت و پیایی می‌بارد.
- ۱۶- ﴿جَنَّتِ الْفَافَا﴾: باغ‌های که درختانش در هم پیچیده است.
- ۱۸- ﴿فَتَاتُونَ أَفَوَاجًا﴾: گروه گروه به حالت‌های مختلف می‌آیند.
- ۱۹- ﴿فَكَانَتْ أَبْوَابًا﴾: آسمان دارای درها و راه‌های بسیاری می‌گردد.
- ۲۰- ﴿فَكَانَتْ سَرَابًا﴾: کوه‌ها مانند سراب شوند.
- ۲۱- ﴿كَانَتْ مِرْصَادًا﴾: جهنم در کمین و چشم به راه کافران است.
- ۲۲- ﴿لِلطَّغِينِ مَنَابًا﴾: جای بازگشت سرکشان است.
- ۲۳- ﴿أَحْقَابًا﴾: روزگار دراز و بی‌نهایت.
- ۲۴- ﴿بَرْدًا﴾: خوابی یا آسایشی از گرمی آتش.
- ۲۵- ﴿حَمِيمًا﴾: آب جوشان.
- ۲۵- ﴿عَسَاقًا﴾: زردابی که از بدن اهل دوزخ جاری می‌شود.
- ۲۶- ﴿جَزَاءً وَفَاقًا﴾: آنها را موافق اعمالشان جزاء دادیم.
- ۲۸- ﴿كِذَابًا﴾: تکذیب شدید.
- ۲۹- ﴿أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا﴾: به صورت نوشته ضبطش کردیم.
- ۳۱- ﴿مَفَازًا﴾: پیروزی بر تمام خواهشات.
- ۳۳- ﴿كَوَاعِبَ﴾: دختران انار پستان، زنان بهشت.
- ۳۳- ﴿أَثْرَابًا﴾: هم سن و سال.

- ۳۴- ﴿كَأْسًا دِهَاقًا﴾: جام‌های سرشار از شراب بهشت.
- ۳۵- ﴿لَعَوًا﴾: سخنان بیهوده یا زشت.
- ۳۵- ﴿كِدْبًا﴾: دروغ.
- ۳۶- ﴿عَطَاءً حِسَابًا﴾: احسان به اندازه کفایت یا فراوان.
- ۳۷- ﴿خِطَابًا﴾: سخن گفتن مگر به اجازه او تعالی.
- ۳۸- ﴿الرُّوحُ﴾: جبریل.
- ۳۹- ﴿مَنَابًا﴾: راه بازگشت به ایمان و عبادت.
- ۴۰- ﴿يَلِيَّتِي كُنْتُ تُرَبًّا﴾: ای کاش در این روز خاک بودم و عذاب نمی‌شدم.

سوره نازعات

- ۱- ﴿وَالنَّازِعَاتِ﴾: قسم به فرشتگانی که جان کافر را می‌گیرند.
- ۱- ﴿غَرَقًا﴾: به سختی و درد.
- ۲- ﴿وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا﴾: سوگند به فرشتگانی که جان مسلمانان را به آرامی و مهربانی می‌گیرند.
- ۳- ﴿السَّابِحَاتِ سَبْحًا﴾: سوگند به فرشتگانی که از آسمان برای اجرای فرمان الهی شتابان و شناکان فرود می‌آیند.
- ۴- ﴿فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا﴾: و قسم به فرشتگانی که ارواح را شتابان به بهشت یا دوزخ می‌برند.
- ۵- ﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾: و فرشتگانی که برای تدبیر و مأموریت خویش فرود می‌آیند.
- ۶- ﴿يَوْمَ تَرَجُّفُ الرَّاجِفَةُ﴾: روزی که نفخه اول با آواز هول انگیزش اجرام را بلرزاند.
- ۷- ﴿تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ﴾: نفخه رستاخیز به دنبال او می‌آید.
- ۸- ﴿وَاجِفَةٌ﴾: مضطرب یا ترساننده.
- ۹- ﴿أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ﴾: چشمانشان از ترس به زیر افتاده است.

- ۱۰- ﴿فِي الْحَافِرَةِ﴾: به حالت اولی، زندگانی.
- ۱۱- ﴿كُنَّا عِظْمًا نَّخِرَةً﴾: استخوان‌های پوسیده شویم.
- ۱۲- ﴿كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ﴾: بازگشت زیان آوری خواهد بود.
- ۱۳- ﴿زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ﴾: تنها یک صدا، نفخه رستاخیز.
- ۱۴- ﴿هُمْ بِالسَّاهِرَةِ﴾: همه زنده و بر روی زمین باشند.
- ۱۶- ﴿طَوًى﴾: نام وادی است.
- ۱۷- ﴿طَعْنٍ﴾: از حد در گذشته و به خدای یکتا کفر ورزیده است.
- ۱۸- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و طغیان پاک شوی.
- ۲۰- ﴿الْآيَةَ الْكُبْرَى﴾: معجزه بزرگ، عصا و ید بیضاء.
- ۲۲- ﴿يَسْعَى﴾: در فساد می‌کوشید.
- ۲۳- ﴿فَحْشَرٌ﴾: ساحران و یا سپاه خود را گجمع کرد.
- ۲۵- ﴿نَكَالٌ﴾: به عذاب.
- ۲۸- ﴿رَفَعَ سَمَكَهَا﴾: آسمان را بلند و استوار ساخت.
- ۲۸- ﴿فَسَوَّيْنَاهَا﴾: آن را برابر و بی‌عیب گردانید.
- ۲۹- ﴿أَغْطَشَ لَيْلَهَا﴾: شب آن را تاریک گردانید.
- ۲۹- ﴿أَخْرَجَ ضُحَاهَا﴾: روز آن را بوسیله آفتاب روشن گردانید.
- ۳۰- ﴿دَحَلَهَا﴾: زمین را برای سکونت اهلش گسترش داد.
- ۳۱- ﴿مَرَعَهَا﴾: غذای انسان و چاربا.
- ۳۲- ﴿وَالْجِبَالَ أَرْسَلْنَا﴾: کوه‌ها را مانند میخ در زمین ثابت و استوار گردانید.
- ۳۴- ﴿الظَّامَّةُ الْكُبْرَى﴾: بلای بزرگ، قیامت.
- ۳۶- ﴿بُرْزَتِ الْجَحِيمِ﴾: دوزخ آشکار ساخته می‌شود.
- ۳۹- ﴿هِيَ الْمَأْوَى﴾: تنها جهنم مقام اوست.
- ۴۲- ﴿أَيَّانَ مُرْسَلَهَا﴾: خدا چه وقت قیامت را بر پا می‌کند؟

سوره عَبَسَ

- ۱- ﴿عَبَسَ﴾: پیامبر ابرو درهم کشید.
- ۱- ﴿تَوَلَّى﴾: روگرداند.
- ۳- ﴿لَعَلَّهُ يَرْزُقَا﴾: شاید این نابینا به تعلیم تو از جهل پاک می شد.
- ۴- ﴿يَدَّكِرُ﴾: پند می گرفت.
- ۶- ﴿لَهُ تَصَدَّى﴾: تو به او متوجه می شوی.
- ۸- ﴿جَاءَكَ يَسْعَى﴾: نزد تو به شتاب آمد تا بیاموزد.
- ۱۰- ﴿عَنْهُ تَلَهَّى﴾: به وی توجه نمی کنی و خود را مشغول می سازی.
- ۱۱- ﴿كَلَّا﴾: هرگز این کار را تکرار نکن.
- ۱۱- ﴿إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ﴾: آیات قرآن پند و اندرز است.
- ۱۳- ﴿فِي صُحُفٍ﴾: در صحیفه های که از لوح محفوظ نوشته شده است.
- ۱۴- ﴿مَرْفُوعَةٍ﴾: نزد خدا قدر و منزلت عالی دارد.
- ۱۵- ﴿بِأَيْدِي سَفَرَةٍ﴾: به دست فرشتگانی قرار دارد که آن را از لوح محفوظ می نویسند.
- ۱۶- ﴿بِرِّزْقٍ﴾: به فرمان خدا هستند یا صادقند.
- ۱۷- ﴿قُتِلَ الْإِنْسَانُ﴾: کافر دور ساخته یا به عذاب گرفتار شود.
- ۱۹- ﴿فَقَدَّرَهُ﴾: او را از حالتی به حالت دیگر سامان داد تا این که خلقتش کامل شد یا او را برای آنچه شایسته آن است آماده کرد.
- ۲۰- ﴿السَّبِيلِ يَسْرُهُ﴾: راه های هدایت و گمراهی را بر او آسان ساخت.
- ۲۱- ﴿فَأَقْبَرُهُ﴾: برای گرامی داشت مقام انسان دستور داد به قبر دفن شود.
- ۲۲- ﴿أَنْشَرَهُ﴾: بعد از مرگ او را زنده می کند.
- ۲۳- ﴿لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرُهُ﴾: دستورات او تعالی را به جا نکرده بلکه کوتاهی ورزیده است.

- ۲۶- ﴿شَقَقْنَا الْأَرْضَ﴾: زمین را با رویاندن گیاه یا کشت شکافتیم.
- ۲۸- ﴿قَضَبًا﴾: علف تازه برای چارپایان، مانند شبدر.
- ۳۰- ﴿حَدَائِقَ غُلْبًا﴾: باغهای بزرگ پر درخت.
- ۳۱- ﴿أَبَا﴾: علف و گیاه یا کاه.
- ۳۳- ﴿جَاءَتِ الصَّاحَّةُ﴾: صدای شدید بیاید و گوشها را کر کند، نفخه دوم.
- ۳۸- ﴿مُسْفِرَةٌ﴾: روی مسلمانها درخشان است.
- ۴۰- ﴿غَبْرَةٌ﴾: غبار و کدورت است، بر روی کفار.
- ۴۱- ﴿تَرَهَّقَهَا قَتْرَةٌ﴾: تاریکی و سیاهی آن رویها را بپوشاند.

سوره تکویر

- ۱- ﴿الشَّمْسُ كُوِّرَتْ﴾: روشنایی آفتاب از بین برده شود یا درهم پیچیده شود.
- ۲- ﴿التَّجُومُ أَنْكَدَرَتْ﴾: ستارگان سقوط کنند.
- ۳- ﴿الْجِبَالُ سُيِّرَتْ﴾: کوهها کنده شوند.
- ۴- ﴿الْعِشَارُ عَظَلَتْ﴾: شتران ماده باردار بدون نگاهبان رها کرده شوند.
- ۵- ﴿الْوُحُوشُ حُخِرَتْ﴾: جانوران وحشی از هر طرف جمع کرده شوند.
- ۶- ﴿الْبِحَارُ سُجِّرَتْ﴾: دریاها آتش شعله‌ور گردند.
- ۷- ﴿الْقُلُوبُ زُوجَتْ﴾: هر کس با همتای خود جفت کرده شود.
- ۸- ﴿الْمَوءُودَةُ﴾: دختر زنده به گور.
- ۱۰- ﴿الصُّحُفُ نُشِرَتْ﴾: نامه‌های اعمال پخش شود.
- ۱۱- ﴿السَّمَاءُ كُشِطَتْ﴾: آسمان برکنده شود.
- ۱۲- ﴿الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ﴾: دوزخ برای تعذیب کافرها شعله‌ور گردد.
- ۱۳- ﴿الْجَنَّةُ أُلْفَتْ﴾: بهشت را نزدیک پرهیزگاران بیاورند.

- ۱۴- ﴿عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ﴾: هر کس به اعمال نیک و بد خود آگاه شود، جواب إذا است.
- ۱۵- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: سوگند می خورم «لا» زاید است.
- ۱۵- ﴿بِالْحُنَّسِ﴾: به ستارگان سیار که روزها به افق پنهان و شب ظاهر می شوند.
- ۱۷- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾: و قسم به شب هنگامی که تاریک شود یا تاریکی آن پایان یابد.
- ۱۸- ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾: و قسم به صبح هنگامی که بدرخشد یا جهان را روشن کند.
- ۱۹- ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ﴾: بدون شک قرآن کلام فرستادهٔ پروردگار، جبریل است که از سوی خدا آورده، جواب قسم.
- ۲۰- ﴿مَكِينٍ﴾: دارای مقام رفیع و بزرگ است.
- ۲۳- ﴿رِءَاءَهُ﴾: پیامبر جبریل را به صورت اصلیش دیده است.
- ۲۴- ﴿الْغَيْبِ﴾: وحی و خبر آسمانها.
- ۲۴- ﴿بِضْنَيْنٍ﴾: بخیل که به رساندن وحی کوتاهی کند.

سوره انفطار

- ۱- ﴿السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ﴾: هنگام وقوع قیامت آسمان شکافته شود.
- ۲- ﴿الْكَوَاكِبُ أَنْتَثَرَتْ﴾: ستارگان پراکنده می شوند و سقوط می کنند.
- ۳- ﴿الْبِحَارُ فُجِّرَتْ﴾: کناره بحرها شق شود و همه به یک بحر تبدیل گردند.
- ۴- ﴿الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ﴾: خاک قبرها زیر و رو گردد و مرده‌ها بیرون آیند.
- ۶- ﴿مَا عَرَكَ يَرْبِّكَ﴾: چه تو را فریفت و به عصیان در برابر خدا جسورت ساخت؟
- ۷- ﴿فَسَوْنَكَ﴾: و اندامت را برابر و سالم ساخت.
- ۷- ﴿فَعَدَلَكَ﴾: راست و خوش اندامت کرد.

- ۹- ﴿تُكَذِّبُونَ بِالَّذِينَ﴾: از رستاخیز یا قیامت یا اسلام منکرید.
 ۱۳- ﴿الْأَبْرَارَ﴾: نیکو کاران با ایمان.
 ۱۵- ﴿يَصْلَوْنَهَا﴾: در جهنم داخل می شوند یا سختی گرمای آن را می کشند.

سوره مَطْفِفِينَ

- ۱- ﴿وَيْلٌ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادی است در جهنم.
 ۱- ﴿لِلْمُطَفِّفِينَ﴾: به کسانی که حقوق دیگران را در وزن و پیمانه کم می کنند.
 ۲- ﴿اَكْتَالُوا﴾: به پیمانه و وزن بگیرند.
 ۳- ﴿كَالْوَهْمِ﴾: به دیگران با پیمانه بدهند.
 ۳- ﴿وَزَنُوهُمْ﴾: به دیگران به وزن بدهند.
 ۳- ﴿يُخْسِرُونَ﴾: وزن و پیمانه را کم می کنند.
 ۶- ﴿لِرَبِّ الْعَالَمِينَ﴾: به دستور پروردگار جهان.
 ۷- ﴿كِتَابِ الْفَجَّارِ﴾: نامه اعمال بدکاران.
 ۷- ﴿لَفِي سَجِينٍ﴾: در دیوان شر ثبت است.
 ۹- ﴿كِتَابٌ مَّرْقُومٌ﴾: کتابی که به وضاحت نوشته شده یا دارای علامت خاص است.
 ۱۲- ﴿مُعْتَدٍ﴾: بدکار و متجاوز از راه حق.
 ۱۳- ﴿أَسْطِيرُ الْأُولِينَ﴾: چیزهای باطلی که در کتب آنها ثبت است.
 ۱۴- ﴿كَلَّا﴾: چنین نیست.
 ۱۴- ﴿رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ﴾: بر دل آنها غالب شده یا مهر نهاده است.
 ۱۶- ﴿لَصَالُوا الْجَحِيمِ﴾: یقیناً به دوزخ داخل می شوند یا سختی آن را می چشند.
 ۱۸- ﴿كِتَابِ الْأَبْرَارِ﴾: نامه اعمال نیکو کاران.
 ۱۸- ﴿لَفِي عِلِّيِّينَ﴾: در دیوان خیر ثبت است.

- ۲۳- ﴿عَلَى الْأَرْيَافِ﴾: تختهای گذاشته شده در حجله‌ها.
- ۲۴- ﴿نَضْرَةَ النَّعِيمِ﴾: شادابی و تازگی نعمت‌ها را.
- ۲۵- ﴿رَحِيقٍ﴾: باده ناب.
- ۲۵- ﴿مَخْتُومٍ﴾: در ظرف‌های سر بسته تا نیکوکاران خود آن را باز کنند.
- ۲۶- ﴿خِتْمُهُ مِسْكِ﴾: مهر ظرف‌های بهشت از مُشک است.
- ۲۶- ﴿فَلْيَتَنَافَسِ﴾: پس بشتابند یا بر یکدیگر پیشی گیرند.
- ۲۷- ﴿مِرْأَجَهُ﴾: ترکیب آن.
- ۲۷- ﴿تَسْنِيمٍ﴾: چشمه‌ای که شراب آن بهترین شرابه‌است.
- ۲۸- ﴿يَشْرَبُ بِهَا﴾: از آن می‌نوشند.
- ۳۰- ﴿يَتَعَامَرُونَ﴾: به استهزاء به سوی آنها با چشم اشاره می‌کردند.
- ۳۱- ﴿فَكَهَيِّنٍ﴾: از این که مسلمان‌ها را ناچیز می‌شمردند لذت می‌بردند.
- ۳۶- ﴿ثُوبَ الْكُفَّارِ﴾: کافرهای که مؤمنان را تمسخر می‌کردند جزا داده شدند.

سوره انشاق

- ۱- ﴿السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ﴾: روز قیامت آسمان پاره پاره شود.
- ۲- ﴿أَذِنَتْ لِرَبِّهَا﴾: آسمان گوش به فرمان خدا سپارد و مطیع باشد.
- ۲- ﴿حَقَّتْ﴾: شایسته است که فرمان بردار باشد.
- ۳- ﴿الْأَرْضُ مُدَّتْ﴾: زمین گسترده و هموار شود.
- ۴- ﴿الْقَتَّ مَا فِيهَا﴾: زمین مردگان را بیرون می‌اندازد.
- ۴- ﴿تَخَلَّتْ﴾: کاملاً خالی می‌شود.
- ۶- ﴿كَادِحٍ إِلَى رَبِّكَ﴾: با تلاش و رنج به ملاقات پروردگارت روانی.
- ۶- ﴿فَمَلَقِيهِ﴾: پس ناگزیر جزای عمل خویش را خواهی دید.
- ۱۱- ﴿يَدْعُوا ثُبُورًا﴾: مرگ می‌خواهد و می‌گوید: ای مرگ به دادم برس.

- ۱۲- ﴿يَصَلِّي سَعِيرًا﴾: به دوزخ داخل می‌شود یا زحمت آن را می‌کشد.
- ۱۴- ﴿لَنْ يَجُورَ﴾: هرگز به سوی خدا بر نمی‌گردد، به رستاخیز منکر است.
- ۱۶- ﴿فَلَا أُقْسِمُ﴾: سوگند می‌خورم «لا» زاید است.
- ۱۶- ﴿بِالشَّفَقِ﴾: به شفق، سرخی افق بعد از غروب.
- ۱۷- ﴿مَا وَسَقَ﴾: آنچه جمع می‌کند که در روز پراکنده بود.
- ۱۸- ﴿آتَسَّقَ﴾: فروغش کم کم کامل و بدر گردد.
- ۱۹- ﴿لَتَرَ كَيْبَ﴾: ای انسان، می‌رسی، جواب قسم است.
- ۱۹- ﴿طَبَقًا﴾: به حالت‌های گوناگون که در شدت و سختی مطابق هم هستند.
- ۲۳- ﴿بِمَا يُوعُونَ﴾: کارهای ناشایست را پنهان یا جمع می‌کنند.
- ۲۵- ﴿غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾: انقطاع ناپذیر.

سوره بُرُوج

- ۱- ﴿وَالسَّمَاءِ﴾ به آسمان قسم.
- ۱- ﴿ذَاتِ الْبُرُوجِ﴾: دارای منازل مشهور برای ستارگان.
- ۲- ﴿وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ﴾: روز قیامت.
- ۳- ﴿شَاهِدٍ﴾: کسی که در آن روز در باره دیگران گواهی می‌دهد.
- ۳- ﴿مَشْهُودٍ﴾: کسی که در آن روز دیگران درباره‌اش گواهی می‌دهند.
- ۴- ﴿قَتِيلٍ﴾: مورد لعنت قرار گرفتند، جواب قسم.
- ۴- ﴿الْأَخْدُودِ﴾: گودال بزرگ مانند خندق.
- ۸- ﴿مَا نَقَمُوا﴾: هیچ عیبی نگرفتند و زشت و ناپسند نشمردند.
- ۱۰- ﴿فَتَنُوا﴾: شکنجه کردند یا سوزاندند.
- ۱۲- ﴿بَطْشِ رَبِّكَ﴾: مجازات پروردگارت بر تعذیب ستمگران سرکش.
- ۱۳- ﴿هُوَ يُبْدِي﴾: او آغازگر آفرینش به قدرت خود است.

- ۱۳- ﴿يُعِيدُ﴾: مردگان را روز قیامت زنده می کند.
 ۱۴- ﴿الْوُدُودُ﴾: بزرگوار و دوستدار اولیای خود است.
 ۱۵- ﴿الْمَجِيدُ﴾: با جاه و جلال است.

سوره طارق

- ۱- ﴿وَالطَّارِقُ﴾: قسم به ستاره رخسندۀ در شبها.
 ۳- ﴿التَّجْمُ الثَّقِيْبُ﴾: ستاره درخشان و روشن کننده تاریکی یا عالی و بلند است.
 ۴- ﴿إِنْ كُلُّ نَفْسٍ﴾: هیچ کسی نیست، جواب قسم است.
 ۴- ﴿لَمَّا عَلِيْهَا﴾: مگر بر او.
 ۴- ﴿حَافِظٌ﴾: نگاهبان است، مراد ذات او تعالی است.
 ۶- ﴿مَاءٍ﴾: آبی مخلوط از آب مرد و زن.
 ۶- ﴿دَافِقٌ﴾: جهنده که به سرعت در رحم می ریزد.
 ۷- ﴿مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ﴾: از پشت مرد و زن.
 ۷- ﴿وَاللَّرَّائِبِ﴾: استخوان سینه یا اطراف بدن هر دو، یا از تمام بدن هر دو، پشت و سینه کنایه از تمام بدن است.
 ۸- ﴿رَجَعِهِ﴾: زنده کردن انسان بعد از فنا.
 ۹- ﴿تُبْلَى السَّرَائِرِ﴾: اسرار قلبها آشکار می شود.
 ۱۱- ﴿ذَاتِ الرَّجْعِ﴾: دارای باران، چون باران بارها به زمین می بارد.
 ۱۲- ﴿ذَاتِ الصَّدْعِ﴾: دارای شکاف که گیاهان از آن می رویند.
 ۱۳- ﴿لَقَوْلٍ فَصْلٌ﴾: یقیناً قرآن جدا کننده حق از باطل است.
 ۱۶- ﴿أَكِيدُ كَيْدًا﴾: من هم برابر اعمالشان آنها را مجازات می کنم.
 ۱۷- ﴿فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ﴾: به تعذیب و نابودی کافران شتاب نکن.
 ۱۷- ﴿أَمَهُلُهُمْ رُؤْيَا﴾: اندک زمانی به آنها مهلت بده، تا گرفتار عذاب شوند.

سوره اعلیٰ

- ۱- ﴿سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ﴾: اسم پروردگارت را از آنچه شایسته او نیست پاک و منزّه بدان.^(۱)
- ۲- ﴿خَلَقَ﴾: تمام اشیا را به قدرت خود آفریده است.
- ۲- ﴿فَسَوَّيْ﴾: نظام خلقت را منظم و استوار ساخت.
- ۳- ﴿قَدَّرَ﴾: موجودات را به اندازه‌های مخصوص قرار داد.
- ۳- ﴿فَهَدَى﴾: و موجودات را به سوی چیزهای که برایشان شایسته است هدایت کرد.
- ۴- ﴿أَخْرَجَ الْمَرْعَى﴾: گیاهان سبز و خرم رویانید.
- ۵- ﴿فَجَعَلَهُ عُتَاءً﴾: سپس این گیاه سبز را مانند خاشاک خشک و ریز ریز کرد.
- ۵- ﴿أَحْوَى﴾: سیاه.
- ۶- ﴿سَنُقْرِئُكَ﴾: بزودی قرآن را بر تو قراءت می‌کنیم.
- ۶- ﴿فَلَا تَنْسَى﴾: هرگز فراموش نخواهی کرد، از قوت حافظه.
- ۸- ﴿نُبَشِّرُكَ لِلْيُسْرَى﴾: تو را به راه آسان هدایت می‌کنیم.
- ۱۲- ﴿يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى﴾: به جهنم داخل می‌شود یا سختی آتش سوزان او را می‌چشد.
- ۱۴- ﴿أَفْلَحَ﴾: به خواسته خود پیروز شد.
- ۱۴- ﴿تَزَكَّى﴾: از کفر و عصیان پاکی جست.
- ۱۸- ﴿إِنَّ هَذَا﴾: بدون شک حقایقی که در چهار آیه قبل ذکر شد.

۱- بقیه آیه، یعنی کلمه «الْأَعْلَى» را ذکر نکرده است. معنایش چنین است که خداوند بالاتر از هر چیزی است و از باب «أَفْعَل تَفْضِيل» است و بیانگر این است که خداوند دارای علو است با تمامی مفاهیمی که علو در بر دارد. بنابراین، او بالاتر است از نظر قدر و منزلت، او بالاتر است در چیرگی و غلبه و ذات الله نیز بالاتر از هر چیزی است و ذکر نام اعلیٰ در این بخش از آیه بیانگر علت شایستگی خداوند برای تسبیح و پاک دانسته شدن از کاستی‌ها و نقایص است. (برگرفته از مقاله «التعقیبات المفیده علی کتاب کلمات القرآن تفسیر و بیان للشیخ مخلوف»، نوشته‌ای دکتر محمد بن عبدالرحمن الخمیس).

سوره غاشیه

- ۱- ﴿الْغَاشِيَةِ﴾: قیامت که حوادث هول انگیزش همه را فرامی گیرد.
- ۲- ﴿خَاشِعَةً﴾: از رسوایی حقیر و هراسانند.
- ۳- ﴿عَامِلَةً﴾: زنجیرها و غلها را در دوزخ با خود می کشند.
- ۳- ﴿نَّاصِبَةً﴾: از عذاب و محنت دوزخ خسته و رنجورند.
- ۴- ﴿تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً﴾: به آتش سوزان داخل می شود یا رنج و محنت آن را می کشد.
- ۵- ﴿عَيْنٍ عَائِيَةٍ﴾: چشمه جوشان.
- ۶- ﴿ضَّرِيعٍ﴾: چیزی است در آتش، مانند خار زه آگین و بد بوی.
- ۷- ﴿لَا يُعْنِي مِنْ جُوعٍ﴾: گرسنگی را رفع نمی کند.
- ۸- ﴿نَاعِمَةً﴾: شاداب، زیبا و تروتازه اند.
- ۱۱- ﴿الْغِيَّةِ﴾: سخن باطل و بیهوده.
- ۱۳- ﴿سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ﴾: تخت های بلند یا عالی قدر.
- ۱۴- ﴿أَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ﴾: پیش بهشتی ها جامها را گذاشته اند تا از آن بنوشند.
- ۱۵- ﴿نَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ﴾: پشتیها و نازبالشها کنار هم گذاشته شده اند.
- ۱۶- ﴿زَرَائِبُ مَبْنُوتَةٌ﴾: در مجالس بهشتی ها فرشهای فاخر گسترده است.
- ۱۷- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ﴾: آیا به دقت نمی اندیشند تا درک نمایند.
- ۲۲- ﴿بِمَصِطْرٍ﴾: مسلط و اجبار کننده.
- ۲۵- ﴿إِيَابُهُمْ﴾: بازگشت آنها، به روز رستاخیز.

سوره فجر

- ۱- ﴿وَالْفَجْرِ﴾: به سپیده دم قسم.
- ۲- ﴿لَيَالٍ عَشْرٍ﴾: به ده شب اول ذی الحجه قسم.
- ۳- ﴿وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ﴾: به روز عید قربان و روز عرفه قسم.
- ۴- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾: قسم به شب چون سپری شود یا در آن راه سپرند.
- ۵- ﴿هَلْ فِي ذَٰلِكَ﴾: آیا در آنچه ذکر شد و ما به او قسم یاد کردیم.
- ۵- ﴿قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ﴾: سوگندی است سزاوار تعظیم در نزد خردمندان - آری، ما کافران را حتمی عذاب و شکنجه می کنیم، جواب قسم است.
- ۶- ﴿بِعَادٍ﴾: با قوم هود، به نام پدر یاد می شوند.
- ۷- ﴿إِرَمٍ﴾: ارم نام پدر کلان ایشان است این قبیله به این نام یاد می شوند.
- ۷- ﴿ذَاتِ الْعِمَادِ﴾: دارای نیرو و قدرت یا دارای کاخ های بلند و استوار به ستون ها.
- ۹- ﴿جَابُوا الصَّخْرَ﴾: سنگ را می بردند و در آن خانه می ساختند.
- ۱۰- ﴿ذِي الْأَوْتَادِ﴾: صاحب سپاه بزرگ که سلطنت او را استوار می داشتند.
- ۱۳- ﴿سَوِّطَ عَذَابٍ﴾: تازیانه عذاب، درد آور و دایمی را.
- ۱۴- ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ﴾: به یقین خدای تو مراقب اعمال آنها و پاداش دهنده است.
- ۱۵- ﴿أَبْتَلَهُ رَبُّهُ﴾: پروردگارش او را به نعمت و یا رنج بیازماید.
- ۱۶- ﴿فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ﴾: روزیش را کم کند.
- ۱۷- ﴿كَلَّا﴾: زجر و تهدید است برای انسان درباره آنچه در این دو حالت گفته است. ﴿بَل﴾: بلکه اعمال شما بدتر از آن است.
- ۱۸- ﴿لَا تَحْضُونَ﴾: یکدیگر را تشویق نمی کنید.
- ۱۹- ﴿تَأْكُلُونَ التُّرَاثَ﴾: میراث زنان و کودکان را می خورید.
- ۱۹- ﴿أَكْثَلًا لَّمَّا﴾: حلال و حرام را یکجا می خورید.
- ۲۰- ﴿حُبًّا جَمًّا﴾: حرص و آز از حد افزون.

- ۲۱- ﴿دُكَّتِ الْأَرْضُ﴾: زمین با تکان‌های سخت کوبیده و ریز ریز شود.
- ۲۱- ﴿دَكَّاءًا﴾: کوبیدن پیاپی تا این که گرد و غبار گردد.
- ۲۲- ﴿وَالْمَلَكُ﴾: فرشته‌های آسمان‌ها.
- ۲۳- ﴿أَتَىٰ لَهُ الْدَكْرَىٰ﴾: از کجا این پند برای او نفع رساند؟ خیلی بعید است.
- ۲۶- ﴿لَا يُوثِقُ﴾: به غل و زنجیر بسته نشود.

سوره بلد

- ۱- ﴿لَا أَقْسِمُ﴾: قسم می‌خورم «لا» زاید است.
- ۱- ﴿بِهَذَا الْبَلَدِ﴾: به این شهر.
- ۳- ﴿وَالِدٍ وَمَا وَلَدٍ﴾: قسم به آدم و فرزندان او یا فرزندان صالح او.
- ۴- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ﴾: بدون شک انسان را آفریدیم، جواب قسم.
- ۴- ﴿كَبِدٍ﴾: مشقت و رنج کشیدن.
- ۶- ﴿أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا﴾: من مال فراوانی را برای کسب افتخار و بزرگ منشی نابود کردم.
- ۱۰- ﴿هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ﴾: راه خوب و بد را به او نشان دادیم.
- ۱۱- ﴿فَلَا أَقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾: پس چرا در کار خیر تلاش نکرد.
- ۱۳- ﴿فَأَنْتَ رَقَبَةٌ﴾: آزاد کردن برده‌ای.
- ۱۴- ﴿ذِي مَسْغَبَةٍ﴾: قحطی و گرسنگی.
- ۱۵- ﴿يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ﴾: یتیم خویشاوند.
- ۱۶- ﴿مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ﴾: بینوای خاکنشین و نیازمند.
- ۱۷- ﴿بِالْمَرْحَمَةِ﴾: به مهربانی با یکدیگر.
- ۱۸- ﴿أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ﴾: اهل سعادت یا جانب راست.
- ۱۹- ﴿أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ﴾: افراد شوم یا ناحیه چپ.

۲۰- ﴿نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ﴾: آتشی که آنها را احاطه کرده و امکان فرار ندارند.

سورة شمس

- ۱- ﴿وَالشَّمْسِ﴾: به آفتاب قسم.
- ۱- ﴿وَضَحَلَهَا﴾: به روشنایی آن قسم.
- ۲- ﴿تَلَّهَا﴾: بعد از غروب آفتاب ماه پرتو افشاند.
- ۳- ﴿جَلَّلَهَا﴾: آفتاب را بر بینندگان آشکار کند.
- ۴- ﴿يَعْشَاهَا﴾: هنگام غروب، آفتاب را پنهان کند و کرانه‌های آسمان تاریک گردد.
- ۵- ﴿مَا بَدَّلَهَا﴾: خدای که آسمان را آفرید.
- ۶- ﴿مَا طَحَّنَهَا﴾: ذاتی که زمین را گسترد و نرم و هموار ساخت.
- ۷- ﴿مَا سَوَّاهَا﴾: ذاتی که اعضای وی را متناسب ساخت و نیرو بخشید.
- ۸- ﴿فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾: سرکشی، طاعت و خیر و شر او را.
- ۹- ﴿قَدْ أَفْلَحَ﴾: به خواسته‌اش دست یافت و رستگار شد، جواب قسم است.
- ۹- ﴿مَنْ رَكَّبَهَا﴾: کسی که نفس را تزکیه کرد و به پرهیزگاری افزود.
- ۱۰- ﴿قَدْ حَابَّ﴾: زیانمند شد.
- ۱۱- ﴿يَطْعُونَهَا﴾: به سبب گمراهی و بیدادگری‌های خود.
- ۱۲- ﴿أَتَّبَعَتْ أَشْقَاهَا﴾: شقی‌ترین آنها به سرعت بر خاست که پی شتر را ببرد.
- ۱۳- ﴿نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا﴾: از بریدن پی شتر و دست درازی به سهم آب آن برحذر باشید.
- ۱۴- ﴿قَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ﴾: نابودشان ساخت و همه را دچار عذاب کرد.
- ۱۴- ﴿فَسَوَّاهَا﴾: همه را یکسان هلاک کرد.
- ۱۵- ﴿عُقْبَاهَا﴾: از فرجام این مجازات.

سوره لیل

- ۱- ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ﴾: قسم به شب وقتی که همه جا تاریک شود.
- ۲- ﴿وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَافَىٰ﴾: قسم به روز چون روشن شود.
- ۴- ﴿إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَىٰ﴾: بدون شک جزای اعمال شما مختلف است، جواب قسم.
- ۶- ﴿صَدَقَ بِالْحُسْنَىٰ﴾: به آیین برتر باور داشت، اسلام.
- ۷- ﴿فَسَنِيَّره﴾: پس به زودی راهنمایی و آماده‌اش می‌کنیم.
- ۷- ﴿لِلسَّرِئِ﴾: به خوی و عادتی که باعث سهولت و راحت است.
- ۱۰- ﴿لِلْعُسْرَىٰ﴾: به خوی و خصلتی که موجب سختی و دشواری است.
- ۱۱- ﴿مَا يُغْنِي﴾: عذاب را از او دفع نخواهد کرد.
- ۱۱- ﴿تَرَدَّىٰ﴾: هلاک شود یا در دوزخ سقوط کند.
- ۱۲- ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ﴾: به یقین راهنمایی بر عهده ماست.
- ۱۴- ﴿نَارًا تَلَطَّىٰ﴾: آتشی که شعله‌ور و افروخته می‌گردد.
- ۱۵- ﴿لَا يَصْلَاهَا﴾: به آن داخل نمی‌شود یا محنت گرمای او را نمی‌کشد.
- ۱۷- ﴿سَيَجَنَّبُهَا﴾: به زودی از آن دور داشته می‌شود.
- ۱۸- ﴿يَتَزَكَّىٰ﴾: به واسطه آن از گناه پاک شود.
- ۱۹- ﴿مُجْزَىٰ﴾: به او پاداش داده شود، در باره ابوبکر صدیق نازل شده است.

سوره ضحیٰ

- ۱- ﴿وَالضُّحَىٰ﴾: قسم به وقت ارتفاع آفتاب.
- ۲- ﴿سَجَىٰ﴾: آرامش یابد یا بسیار تاریک شود.
- ۳- ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ﴾: پروردگارت از وقتی تو را برگزیده ترک کرده جواب قسم

است.

- ۳- ﴿مَا قَالُوا﴾: از زمانی که تو را دوست داشته بر تو خشمگین نشده است.
- ۴- ﴿أَلَمْ يَجِدْكَ﴾: آیا خدایت از تو آگاه نبود، بدون شک بود.
- ۵- ﴿يَتِيمًا﴾: پدرت قبل از به دنیا آمدنت از جهان رفته بود.
- ۶- ﴿فَقَاوَى﴾: و تو را به کسی ملحق کرد که نگهبان و سرپرست باشد.
- ۷- ﴿ضَالًّا﴾: ناآگاه از احکام شرع.
- ۷- ﴿فَهَدَى﴾: به تو وحی فرستاد و به راه روشن هدایت کرد.
- ۸- ﴿عَائِلًا﴾: فقیر و تنگدست.
- ۸- ﴿فَأَغْنَى﴾: با آنچه برایت بخشید خوشنودت کرد.
- ۹- ﴿فَلَا تَقْهَرْ﴾: مال یتیم را تصاحب و تحقیرش نکن.
- ۱۰- ﴿فَلَا تَنْهَرْ﴾: سائل را زجر و طرد نکن با او مهربان باش.

سوره شرح

- ۱- ﴿أَلَمْ نَشْرَحْ﴾: آیا برای حکمت و نبوت فراخ نساختیم- به یقین ساختیم.
- ۲- ﴿وَضَعْنَا عَنكَ﴾: بر تو سبک و آسان کردیم.
- ۲- ﴿وَوَزَّرْنَا﴾: بارت را، بار سنگین رسالت.
- ۳- ﴿الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ﴾: باری که بر دوشت سنگینی می کرد.
- ۷- ﴿فَإِذَا فَرَغْتَ﴾: پس هنگامی که از عبادتی فارغ شدی.
- ۷- ﴿فَأَنْصَبْ﴾: به عبادت دیگری بکوش.
- ۸- ﴿فَأَرْغَبْ﴾: در همه احوال متوجه خدا باش.

سوره تین

- ۱- ﴿وَالزَّيْتُونَ﴾: قسم به سرزمین مبارکی که انجیر و زیتون در آنجا می‌روید.
- ۲- ﴿طُورِ سِينِينَ﴾: قسم به طور سینا، کوه محل مناجات موسی.
- ۳- ﴿الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾: مکه مکرمه.
- ۴- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا﴾: به یقین انسان را آفریدیم، جواب قسم است به چهار چیز قبلی.
- ۵- ﴿أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾: اعتدال کامل و صورت زیبا.
- ۵- ﴿رَدَدْنَاهُ﴾: کافران یا انسان را بازگردانیدیم.
- ۵- ﴿أَسْفَلَ سَفَلِينَ﴾: به دوزخ یا نهایت سالخوردگی و پست‌ترین دوران عمر.
- ۶- ﴿غَيْرِ مَمْنُونٍ﴾: انقطاع ناپذیر.
- ۷- ﴿بِالَّذِينَ﴾: به روز جزاء بعد از رستاخیز و حساب.

سوره علق

- ۲- ﴿عَلَقٍ﴾: خون بسته، منی به این حالت تحوُّل یافته است.
- ۴- ﴿عَلَّمَ﴾: به انسان نوشتن با قلم را آموخت.
- ۶- ﴿كَلَّمَ﴾: در حقیقت.
- ۶- ﴿لِيُطْعَى﴾: به یقین در نافرمانی از حد تجاوز می‌کند.
- ۸- ﴿الرُّجْعَى﴾: بازگشت در آخرت برای جزاء.
- ۹- ﴿أَرَعَيْتَ﴾: به من خبر بده.
- ۱۵- ﴿لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ﴾: از موی پیشانی او گرفته به دوزخ می‌کشانیم.
- ۱۷- ﴿فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ﴾: اهل مجلس، قوم و قبیله خود را صدا بزند.
- ۱۸- ﴿سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ﴾: ما هم ملائکه عذاب را می‌خواهیم تا او را به دوزخ بکشند.

سوره قدر

- ۱- ﴿أَنْزَلْنَاهُ﴾: نزول قرآن کریم را آغاز کردیم.
- ۱- ﴿لَيْلَةَ الْقَدْرِ﴾: شب پر شرف و با عظمت.
- ۴- ﴿الرُّوحِ﴾: جبریل.
- ۴- ﴿مِنْ كُلِّ أَمْرٍ﴾: برای هر امری از خیر و برکت.
- ۵- ﴿سَلَامٌ هِيَ﴾: شبی است سرتاسر سلامت برای اولیای خدا و اهل طاعت.

سوره بَيِّنَه

- ۱- ﴿مُنْفَكِينَ﴾: آیین خود را ترک نمی کنند.
- ۱- ﴿تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ﴾: دلیل روشن برای آنها بیاید مرادشان رسول خداست.
- ۲- ﴿صُحُفًا﴾: صحیفه‌های که قرآن نوشته است.
- ۲- ﴿مُطَهَّرَةً﴾: منزه از باطل و شک و تردید.
- ۳- ﴿فِيهَا كُتُبٌ﴾: در آن آیات و احکام نوشته است.
- ۳- ﴿قَيِّمَةً﴾: راست، درست و محکم.
- ۴- ﴿مَا تَفَرَّقَ﴾: اهل کتاب به مؤمن و کافر متفرق نشدند [بلکه همه یکسان پیامبر آخر زمان را تکذیب کردند].
- ۴- ﴿جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ﴾: دلیل آشکار برای هدایت آنها آمد و سزاوار بود که متفرق نشوند.
- ۵- ﴿الدِّينَ﴾: عبادت را.
- ۵- ﴿حُنَفَاءَ﴾: از باطل دور و به اسلام مایل باشند.
- ۵- ﴿دِينُ الْقَيِّمَةِ﴾: دین راست و درست یا کتاب‌های که حق را از باطل جدا می کنند.
- ۶- ﴿الْبَرِيَّةِ﴾: مخلوقات یا بنی آدم.

سوره زلزله

- ۱- ﴿زُلْزَلَتِ الْأَرْضُ﴾: زمین هنگام نفخه اول به شدت و پیاپی تکان داده شود.
- ۲- ﴿أَثْقَالَهَا﴾: گنج‌ها و مرده‌های بطن خود را در نفخه دوم.
- ۴- ﴿مُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾: هر چه بر روی آن انجام شده بیان نماید.
- ۶- ﴿يَصْدُرُ النَّاسُ﴾: انسان از قبرها بیرون و به سوی محشر روان می‌شود.
- ۶- ﴿أَشْتَاتًا﴾: پراکنده مطابق احوال خود.
- ۷- ﴿مِثْقَالَ ذَرَّةٍ﴾: به وزن کوچک‌ترین مورچه یا ذره.

سوره عادیات

- ۱- ﴿وَالْعَادِيَاتِ﴾: به اسب‌های دونده در عرصه کارزار قسم.
- ۱- ﴿صَبْحًا﴾: صدای نفس اسب‌هاست هنگام دویدن.
- ۲- ﴿فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا﴾: از برخورد تند سم اسب‌ها با سنگ‌ها جرقه آتش می‌جهد.
- ۳- ﴿فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا﴾: و غافلگیر کنندگان دشمن هنگام صبح.
- ۴- ﴿فَأَثَرُنَّ بِهِ نَقْعًا﴾: هنگام صبح گرد و غبار برانگیختند.
- ۵- ﴿فَوْسَطْنَ بِهِ جَمْعًا﴾: در آن هنگام در قلب دشمن یورش بردند.
- ۶- ﴿الْإِنْسِنَ﴾: سرشت انسان مگر آن‌های که مورد رحمت خدا باشند، جواب قسم است.
- ۶- ﴿لَكَنُودٍ﴾: ناسپاس و منکر حق است.
- ۸- ﴿إِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ﴾: همانا انسان در مال دوستی.
- ۸- ﴿لَشَدِيدٍ﴾: برای بدست آوردن آن خیلی کوشا و حریص است.
- ۹- ﴿بُعَيْرَ﴾: بیرون آورده و پراکنده شود.
- ۱۰- ﴿حُصِّلَ﴾: فاش شود یا متمایز گردد.

سوره قارعه

- ۱- ﴿الْقَارِعَةُ﴾: قیامت که با صحنه‌های هول انگیزش دلها را می‌کوبد.
- ۴- ﴿كَالْفَرَّاشِ﴾: مانند پروانه.
- ۴- ﴿الْمَبْثُوثِ﴾: پراکنده.
- ۵- ﴿كَالْعِهْنِ﴾: مانند پشم رنگارنگ.
- ۵- ﴿الْمَفْئُوشِ﴾: پراکنده شده با انگشت و مانند آن.
- ۶- ﴿تَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: مقدار حسنات وی رجحان یابد.
- ۸- ﴿حَقَّتْ مَوَازِينُهُ﴾: اندازه کارهای زشتش رجحان یابد.
- ۹- ﴿فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ﴾: جای او جهنم است که در آن سقوط می‌کند.
- ۱۰- ﴿مَا هِيَ﴾: او چیست، «ه» برای سخته است

سوره تکوین

- ۱- ﴿الْهَلْكَكُمْ﴾: شما را از خدا غافل کرده است.
- ۱- ﴿التَّكَاثُرُ﴾: افتخار به کثرت اموال دنیا.
- ۲- ﴿زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾: مریدید و به قبر دفن شدید.
- ۵- ﴿لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ﴾: اگر از عاقبت خود به یقین آگاه می‌بودید مباحثات به مال دنیا شما را از خدا غافل نمی‌کرد.
- ۶- ﴿لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾: قطعاً شما جهنم را می‌بینید.
- ۷- ﴿عَيْنَ الْيَقِينِ﴾: به مشاهده چشم.
- ۸- ﴿التَّعِيمِ﴾: نعمت‌های که شما را از طاعت خدا غافل کرد.

سوره عصر

- ۱- ﴿وَالْعَصْرِ﴾: قسم به زمان یا عصر نبوت.
- ۲- ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ﴾: جنس انسان، جواب قسم است.
- ۲- ﴿لَفِي خُسْرٍ﴾: در خسران، نقصان و نابودی است.
- ۳- ﴿تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ﴾: یکدیگر را به خیر عملی و اعتقادی وصیت کرده‌اند.
- ۳- ﴿تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ﴾: یکدیگر را به خودداری از گناه و شکیبایی در برابر سختیها توصیه کرده‌اند.

سوره هُمَزَه

- ۱- ﴿وَيْلٌ﴾: عذاب یا هلاکت باد یا وادی است در جهنم.
- ۱- ﴿هُمَزَةٌ لُّمَزَةٌ﴾: بد زبان، غیبت گو و عیبجو.
- ۲- ﴿عَدَدَةٌ﴾: او را شمار کرده یا برای حوادث و پیش آمدهای بد مهیا کرده است.
- ۳- ﴿أَخْلَدَهُ﴾: مالش او را در دنیا جاودان می‌کند.
- ۴- ﴿لِيُنْبَذَنَّ﴾: حتماً انداخته می‌شود.
- ۴- ﴿فِي الْخُطْمَةِ﴾: در جهنم، برای این که هر چه در او پرتاب شود خرد می‌کند.
- ۷- ﴿تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ﴾: گرمای آن در قلبها نفوذ می‌کند.
- ۸- ﴿مُؤَصَّدَةٌ﴾: سرپوشیده و در بسته است.

سوره فِیل

- ۱- ﴿بِأَصْحَابِ الْفِيلِ﴾: به صاحبان فیل این قصه به سال اول ولادت پیامبر خدا واقع شده است.
- ۲- ﴿أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ﴾: آیا تلاش ایشان برای تخریب کعبه را قرار نداد.
- ۲- ﴿تَضَلِيلٍ﴾: تباهی و بیهودگی.

- ۳- ﴿طَيْرًا أَبَابِيلَ﴾: پرندگان ابابیل را دسته دسته و پی در پی.
 ۴- ﴿سَجِيلٍ﴾: گل پخته مانند سنگ، خشت پخته.
 ۵- ﴿كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ﴾: مانند کاه که چارپا بخورد و سرگین افگند.

سوره قُرَيْشٍ

- ۱- ﴿لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ﴾: شگفت نمائید به انس و الفت دادن قریش به سفرهای زمستانی و تابستانی و سرپیچی آنها از عبادت پروردگار کعبه.

سوره مَاعُونِ

- ۱- ﴿أَرَأَيْتَ الَّذِي﴾: مرا آگاه کن کسی که تکذیب می کند کیست؟
 ۱- ﴿يُكَذِّبُ بِالذِّينِ﴾: از رستاخیز منکر است جزای اعمال را تکذیب می کند.
 ۲- ﴿يَدْعُ الْيَتِيمَ﴾: حق یتیم را به شدت پا مال می کند.
 ۳- ﴿لَا يُحِضُّ﴾: کسی را تشویق نمی کند.
 ۴- ﴿فَوَيْلٌ﴾: عذاب یا نابودی یا وادی است در جهنم.
 ۴- ﴿لِلْمَصَلِّينَ﴾: برای نماز گزارانی که به منافقت یا ریا نماز می خوانند.
 ۵- ﴿سَاهُونَ﴾: غافلند و به آن اهمیت نمی دهند.
 ۶- ﴿يُرَاءُونَ﴾: اعمال خویش را به قصد ریا انجام می دهند.
 ۷- ﴿يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ﴾: از بخیلی اشیای کار آمد معمولی را به همدیگر عاریت نمی دهند.

سوره كَوْثَرِ

- ۱- ﴿إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ﴾: ما برای تو نهری در جنت یا خیر فراوان دادیم.

- ۲- ﴿أَحْرُ﴾: برای عبادت و شکر گزاری از او تعالی، قربانی کن.
- ۳- ﴿شَانِئَكَ﴾: دشمن تو، یکی از مشرکین قریش.
- ۳- ﴿هُوَ الْأَبْتَرُ﴾: اوست بی اثر یا بی خیر.

سوره کافرون

- ۶- ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ﴾: شرک و کفرتان یا جزای آن برای خودتان.
- ۶- ﴿وَلِي دِينِ﴾: اخلاص و یکتاپرستی من برای خودم یا جزای آن.

سوره نصر

- ۱- ﴿جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ﴾: نصرت الهی در برابر دشمنان به تو رسد.
- ۱- ﴿الْفَتْحِ﴾: فتح مکه در سال هشتم هجری.
- ۲- ﴿أَفْوَاجًا﴾: گروه گروه.
- ۳- ﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾: پروردگارت را ثنا و ستایش نما و او را پاک و منزه بدان.
- ۳- ﴿كَانَ تَوَّابًا﴾: خدا همواره توبه بندگان خویش را می پذیرد.

سوره مَسَد

- ۱- ﴿تَبَّتْ﴾: هلاک باد یا زیانمند باد.
- ۱- ﴿تَبَّ﴾: هلاک شد یا زیانمند گردید.
- ۲- ﴿مَا أَعْنَى عَنْهُ﴾: از او دفاع نکرد.
- ۲- ﴿مَا كَسَبَ﴾: آنچه بدست آورده بود.
- ۳- ﴿سَيَصْلَى نَارًا﴾: به زودی در دوزخ داخل می شود یا سختی آن را می کشد.

۵- ﴿فِي جِيدِهَا﴾: در گردن او.

۵- ﴿مِّن مَّسَدٍ﴾: از پوست درخت خرما ریسمانی که سخت بافته شود.

سورةِ اِخْلَاصِ

- ۲- ﴿اللَّهُ الصَّمَدُ﴾: خدا بی نیاز است، ذاتی که همگان حاجت خود را از او می خواهند.
- ۴- ﴿كُفُوًا﴾: همتا، مانند و نظیر.

سورةِ فَلَاقِ

- ۱- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می گیرم.
- ۱- ﴿بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾: به پروردگار صبح یا همه مخلوقات.
- ۳- ﴿شَرِّ غَاسِقٍ﴾: شر شب.
- ۳- ﴿وَقَبٍ﴾: تاریکی او در همه جا برسد.
- ۴- ﴿الَّتَفَثَّتْ فِي الْعُقَدِ﴾: زنان جادوگری که هنگام جادوگری در گره تار می دمند.

سورةِ نَاسِ

- ۱- ﴿أَعُوذُ﴾: پناه می برم.
- ۱- ﴿بِرَبِّ النَّاسِ﴾: به پروردگار مردم و مدبر حال آنها.
- ۲- ﴿مَلِكِ النَّاسِ﴾: فرمان روای کامل مردم.
- ۳- ﴿إِلَهِ النَّاسِ﴾: معبود حقیقی و ثابت انسان.
- ۴- ﴿الْوَسْوَاسِ﴾: وسوسه کننده جن باشد یا انسان.
- ۴- ﴿الْحَنَائِسِ﴾: پنهان شونده.
- ۶- ﴿الْجِنَّةِ﴾: جن.

منابع مورد استفاده مترجم

- ۱- أحكام القرآن جصاص، جصاص احمد بن علي.
- ۲- أيسر التفاسير، أبو بكر الجزائري، سعودى، چاپ سوم، سال ۱۴۱۸ هـ.
- ۳- برنامه التفسير وعلوم القرآن.
- ۴- برنامه المكتبة الشاملة.
- ۵- برنامه مكتبة طالب العلم الشرعي ۸۰۰ مجلد كتاب.
- ۶- برنامه مكتبة الألفية.
- ۷- برنامه نرم افزار تفاسير قرآن جامع
- ۸- برنامه نور جامع التفاسير ۲/۱، مركز تحقيقات كامپيوترى علوم اسلامى.
- ۹- التبيان في إعراب القرآن، ابو البقاء عكبرى، متوفى ۶۱۶ هـ.
- ۱۰- ترجمه صفوة التفاسير، محمد على صابونى، نشر احسان، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۱- ترجمه قرآن كريم نوشته شاه ولي الله دهلوى.
- ۱۲- تفسير ابن كثير، ابن كثير دمشقى ۷۰۱-۷۷۴ هـ بيروت، سال ۱۴۰۱.
- ۱۳- تفسير انوار القرآن، استاد عبد الروف مخلص، احمد جام، چاپ اول ۱۳۸۱.
- ۱۴- تفسير جلالين، محلى جلال الدين و جلال الدين سيوطى.
- ۱۵- تفسير حسينى، ملا حسين كاشفى سبزوارى.
- ۱۶- تفسير روح المعانى، شهاب الدين آلوسى، بيروت، سال چاپ، ۱۴۱۵ هـ.ق.
- ۱۷- تفسير فتح القدير، شوكانى، متوفى ۱۲۵۰ هـ.
- ۱۸- تفسير كشاف، جار الله زمخشرى ۴۶۷ - ۵۳۸ هـ، بيروت، سال ۱۴۰۷ هـ.
- ۱۹- تفسير نور، دكتور مصطفى خرم دل، تولد ۱۳۱۵، ناشر نشر احسان.
- ۲۰- جامع البيان في تأويل آي القرآن، طبرى، ۲۲۴-۳۱۰ هـ، بيروت، سال ۱۴۰۵.

- ۲۱- الجامع لأحكام القرآن، محمد پسر احمد قرطبی متوفای سال ۶۷۱ هـ.
- ۲۲- در المنثور، جلال الدین سیوطی ۸۴۹ - ۹۱۱ هـ، مصر، ۱۴۲۴ هـ. ق.
- ۲۳- صفوة البیان لمعانی القرآن، حسنین محمد مخلوف، ۱۳۰۷ - ۱۴۱۰ هـ. ق.
- ۲۴- فرهنگ اصطلاحات معاصر عربی به فارسی، نجفعلی میرزایی، قم، ۱۳۷۹.
- ۲۵- فرهنگ الرائد عربی به فارسی، جبران مسعود، آستان قدس، سال ۱۳۷۶.
- ۲۶- فرهنگ فارسی عمید، سه جلدی حسن عمید، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۶۳.
- ۲۷- فرهنگ لاروس عربی به فارسی، دکتر خلیل جر، مترجم طیبیان، ۱۳۷۹.
- ۲۸- فرهنگ معین، دکتر محمد معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، سال ۱۳۷۵.
- ۲۹- قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، هشتم، تهران، سال ۱۳۷۸ هـ. ش.
- ۳۰- لغت نامه فارسی، علامه دهخدا.
- ۳۱- مفردات در غریب قرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد، وفات ۴۲۵ ق.